

کیمهان ۵۵۴

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۲ اسفند ۱۴۰۴ تا پنجشنبه ۶ فروردین ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۲۰۲۰

جنگ در آستانه‌ی نوروز؛ چشم‌انداز آزادی



ایران امروز به ما نیاز دارد
فراخوان فوری کمک‌های بشردوستانه

دوستان گرامی،
ایران در پی کمشنری هولناک، در سوگ و بحران است. اما مردم با اراده‌ای
استوار در کنار هم ایستاده‌اند. اکنون نوبت ماست که در کنارشان باشیم.
اینک، لحظه آن است که ما نیز در کنار آنان بایستیم.
بنیاد خیریه نوروز، کارزاری اضطراری و انسانی دوستانه را برای رساندن
کمک‌های حیاتی، به خانواده‌ها و جوامع سراسر ایران، آغاز کرده‌است.
در این لحظه، مردم با بحران‌های فرآینده، غم و اندوهی سنگین، فروپاشی
اقتصادی، و نیازهای اساسی و فوری روبرو هستند.
نیازها فوری و حیاتی‌اند:
● تامین تجهیزات و اقلام پزشکی ضروری
● حمایت از خانواده‌های داغدار
● رساندن کمک‌های فوری به مناطق نیازمند
مردم ایران در برابر فاجعه‌ای وصفناپذیر، شجاعانه کنه‌نظر از خود نشان
داده‌اند. آنان این شایستگی را دارند که بدانند تنها نیستند. کمک مالی
امروز شما، مستقیماً صرف تأمین و رساندن یاری به کسانی خواهد شد که با
بیشترین اضطرار به آن نیاز دارند.

همین حالا اقدام کنید. هر کمکی مهم و هر ساعت
ارزشمند و سرنوشت‌ساز است.

(704) 544 - 7800
(703) 303 - 6661

www.norooz.org

©Kayhan London, No. 2017

خرید کتاب سقوط بهشت



سقوط بهشت

خاندان بهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

انثرو اسکات کوپر

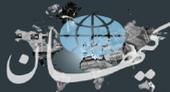
ترجمه رضا تقی‌زاده

ناشر: کیهان لندن

قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید



KAYHAN LONDON

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

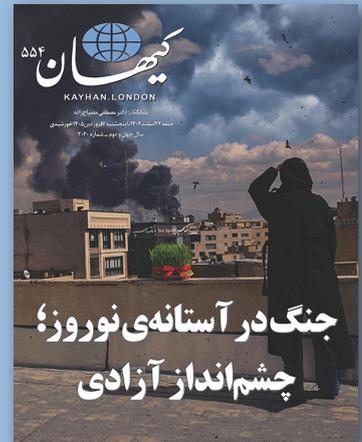
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم

کیهان شماره ۲۰۲۰ (۵۵۴)

۲۲ اسفند ۱۴۰۴ تا ۶ فروردین ۱۴۰۵

۱۳ تا ۲۶ مارس ۲۰۲۶



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

این آخرین شماره کیهان لندن در سال ۱۴۰۴ است. شماره بعدی (۵۵۵) جمعه ۷ فروردین ۱۴۰۵ منتشر خواهد شد؛ با این حال در صورت تحولات مهم، کیهان لندن ممکن است هفته آینده نیز منتشر شود.



آگهی استخدام کارمند قراردادی

بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی برای کارهای اداری و رسانه‌های اجتماعی نیاز به کمک پاره وقت بر اساس قرارداد یکساله دارد.
ساعات کار: ۱۰ ساعت در هفته بطور متوسط
دستمزد: ۱۵ پوند در ساعت
محل کار: دور کاری، با احتمال حضور در برخی جلسات داخلی و خارجی.
مدت قرارداد: یکسال
مقاصد این س‌س باید علاقمند به مسائل فرهنگی باشند.
شروع کار: ماه فوریه

شرح وظایف اصلی:

آماده سازی مطالب و وبسایت و به روز رسانی و مدیریت شبکه‌های اجتماعی (فیس بوک، اینستاگرام، ایکس و یوتیوب)
تهیه آمادگی سازی و به روز رسانی وبسایتها و اطلاعیه‌های کارگروه‌ها و رویدادهای فرهنگی ارائه خدمت عمومی اداری برای فعالیتهای بنیاد: از جمله رزرو محل برگزاری رویدادها، کمک به سازماندهی فعالیتها یا هماهنگی کارگروه‌های بنیاد، اطلاع رسانی و تبلیغ رویدادها از طریق ارسال ایمیل و یا شبکه‌های اجتماعی، پاسخ گویی به ایمیل‌ها و در صورت لزوم مشورت با هیئت امنا و انجام سایر امور اداری.

تجارب مورد نیاز:

آشنایی به امور اداری و سازماندهی
آشنایی با کار با کامپیوتر، امور وبسایت و شبکه‌های اجتماعی، طراحی و ادیت وبسایت داشتن تجارب سازماندهی و ارتباطی
دقت و توجه به جزئیات، قابل اعتماد بودن و علاقمندی به فعالیت‌های فرهنگی تسلط به زبان فارسی و انگلیسی

نحوه درخواست:

لطفاً رزومه خود را همراه نامه به ایمیل آدرس زیر ارسال نمایید:
hr@jalehastehani.com

مهلت ارسال درخواست:

درخواست‌ها می‌باید حداکثر تا روز دو شنبه ۹ فوریه دریافت شود. بودجه این پست توسط سازمان خیریه لاتاری تأمین شده است.



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com

Email: pirnia@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب**

سر مقاله - به امید نوشتن روزگار و شکوفایی ایران آزاد و آباد / روشک آستر کی ۴
تیر هفته - جنگ در آستانه‌ی نوروز؛ چشم‌انداز آزادی... / ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی: زنان ایران در ۴۷ سال گذشته هرگز پرچم مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی را... / ۶
پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت روز جهانی زن... / ۶
پیام بانو یاسمین پهلوی به زنان ایران به مناسبت هشتم مارس روز جهانی زن... / ۶
ابراگرانی شاهزاده رضا پهلوی درباره امنیت اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران در صورت بازگشت... / ۷
هشدار ترامپ به جمهوری اسلامی: تنگه‌ها را ببندید، ۲۰ ژوئن سخت‌تر می‌گردد... / ۸
دونالد ترامپ: در سطحی بی‌سابقه و با سرعت در حال پیروزی هستیم... / ۸
نخستین پیام رهبر سوم جمهوری اسلامی: تنگه‌ها را ببندید؛ در صورت نیاز جبهه‌های تازه بر دبا ز شود... / ۹
مجتبی خامنه‌ای، «آقا زاده» ای که جانشین پدر شد... / ۱۰-۱۱
آه که یک دیکته‌ی بیدار نیست... / خیر اندیش (احمد احرار) ۱۱
پشت دیوارهای بلند / از کاخ تازندگان (۱) ... / آذر آیاتپور ۱۲-۱۳
واشنگتن پست: گمانه‌زنی هادرباره اعزام نیروهای لشکر «۸۲ هوآر» / آمریکای خاورمیانه... / ۱۴
دبلیو میل: افشای املاک ۵۰ میلیون پوندی پسر علی خامنه‌ای مشرف به سفارت اسرائیل در لندن... / ۱۴-۱۵
افشاگری تلگراف: اقامت یک میلیون پوندی مجتبی خامنه‌ای و همسرش در لندن برای درمان ناباروری... / ۱۶-۱۷
دوران محمدرضا شاهی: پشت کر دن «مردم» به «شاه» (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / افرید خلیفی ۱۷
دوران محمدرضا شاهی: فاجعه ۵۷ (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / افرید خلیفی ۱۷
دونالد ترامپ مسیر افزایش سرعت قیمت نفت را معکوس کرد... / ۱۸
اقتصاد ایران در شرایط جنگ: صنایع ایران در معرض تهدید جدی... / ۱۹
دبلیو میل: بازداشت شبکه‌ی جاسوسی وابسته به رژیم جمهوری اسلامی در بریتانیا... / ۲۰-۲۱
نقش رسانه‌های فارسی‌زبان در ایجاد همبستگی ملی... / ۲۱
ترامپ، نتانیاها و عاقبت رهبر جدید جمهوری اسلامی... / بهنام محمدی ۲۱
الگوی حکمرانی پهلوی: مسیر ایرانیان برای احیای نجات ایران آینده... / ابانولامتیکی ۲۲-۲۳
دبلیو میل: «جنگ ایران به لندن رسید»؛ درگیری هواداران جمهوری اسلامی و پادشاهی خواهان... / ۲۴-۲۵
دونالد ترامپ خواستار «تسلیم بی‌قید و شرط» جمهوری اسلامی شد... / ۲۵
اعلام رسمی «رهبری» مجتبی خامنه‌ای؛ ترامپ: زیاد دوام نمی‌آورد... / ۲۶
دادستانی جمهوری اسلامی ایران خارج از کشور که با «دشمن» همصدایی کنند راه مصادره... / ۲۶-۲۷
حذف هدفمند یک هکر تحت تعقیب در همدان؛ ماموریت محمد مهدی فرهادی شناسایی... / ۲۷
گاردین: شبه نظامیان نیابتی جمهوری اسلامی، حملات علیه آمریکا، اسرائیل و متحدانشان... / ۲۸-۲۹
گردهمایی بزرگ «با ایرانی‌ها برای ایران آزاد» در رم... / اشایان آزاد ۲۹
انفجار قیمت نفت در هفتمین روز جنگ: پیش‌بینی قیمت ۱۵۰ دلاری برای هر بشکه... / ۳۰
آسمان تهران در دود ناشی از آتش مخازن سوخت... / ۳۱
نامه «پزشکان میهن پرست ایران» به دونالد ترامپ برای حمایت از رهبری شاهزاده رضا پهلوی... / ۳۲
ممنوعیت راهپیمایی «روز قدس» در لندن؛ دولت بریتانیا از خطر آشوب و درگیری خبر داد... / ۳۲-۳۳
سیاست و تحریف واژگان: ساز و کارهای بازتعریف امر سیاسی... / آریا جمروش ۳۴
قیمت نفت دوباره افزایش یافت: نمایان شدن آثار اقتصادی جنگ در خاورمیانه... / ۳۵
روزنامه «گاردین»: «گروه‌های نیابتی از ورود به جنگ تمام‌عیار با آمریکا و اسرائیل خودداری می‌کنند... / ۳۶-۳۷
استرالیا به شش بازیکن تیم فوتبال زنان ایران پناهندگی داد... / ۳۷
آکسیوس: گفتگوی آمریکا و اسرائیل درباره اعزام نیروهای ویژه به ایران با هدف کنترل ذخایر اورانیوم... / ۳۸
سفیر جمهوری اسلامی در قبرس در گفتگو با «گاردین»: «مجتبی خامنه‌ای در بمباران زخمی شد... / ۳۹
در ایران امروز، هم‌رنگی عمیق نهفته است و هم‌ظرفیتی برای آینده‌ای بهتر... / پیام اخوان ۴۰-۴۱
تصویب قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی در شورای امنیت پس از حمله به کشورهای عربی منطقه... / ۴۱
زمان مسئولیت است، نه زمان شتاب در داوری... / کوروش کلهر ۴۲
هشدار درباره وضعیت زندانیان در شرایط جنگی؛ کمیو غذا و دارو تا خطر بمباران در شرایط ناایمن... / ۴۳
گزارش میدانی از ایران در شرایط جنگی... / افریوز نور دستروم ۴۴-۴۵
تیر خلاص به جمهوری نظام: انتقال قدرت از خامنه‌ای به خامنه‌ای... / امهدی نودر ۴۵
وزارت دفاع ترکیه: موشک بالستیک شلیک شده از سوی جمهوری اسلامی توسط پدافند ناتو منهدم شد... / ۴۶
خانواده جاوید نام رستم مبارک آبادی بازداشت شدند... / ۴۶
تجمع ایرانیان مقابل پارلمان بریتانیا در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی... / ۴۷
دبیدار سفیر اسرائیل در آلمان با شماری از فعالان سیاسی ایرانی... / ۴۷
نامه صد‌ها ایرانی مقیم آتریش به وین: درخواست حمایت از گذار دموکراتیک در ایران... / ۴۸-۴۹
استراتژی آمریکا و چین و اروپا و پیوند آن با مسئله‌ی ونزوئلا و ایران... / دکتر رضا سعیدی فیروز آبادی ۴۹
«شما غنیمت جنگی هستید»: روایت یک زن ایرانی از تجاوز گروهی در سرکوب اعتراضات دی ماه... / ۵۰
خطر اصلی از آسمان نمی‌آید، از خیابان می‌آید... / اس. روزبه ۵۰-۵۱
ادامه التهاب در بازار سوخت و انرژی: قیمت نفت عامل مهمی در تعیین سر نوشت جنگ است... / ۵۲
تنوع قومی و توسعه‌ی متوازن: آینده‌ی حکمرانی در ایران... / ادیوید اعتباری ۵۳-۵۴
برگزاری مراسم تشییع جنازه فرماندهان کشته شده در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل... / ۵۴
ایران در آستانه‌ی تغییر: سر نوشت یک گروه ژئوپلیتیک در خاورمیانه... / امیر دها ۵۵
به یادماندگان... / ۵۶-۵۷
خبرهای کوتاه... / ۵۸-۵۹
پشت جلد - عکس هفته / ایمان به بهار ۶۰

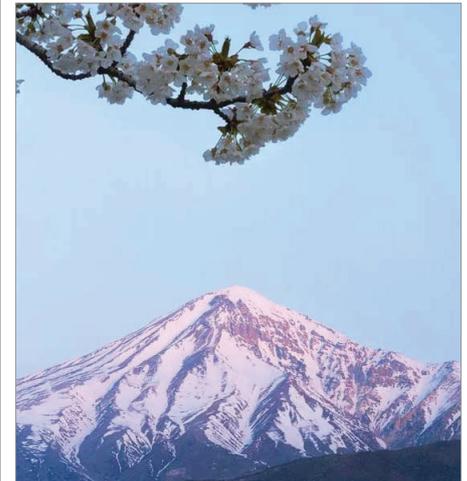
بازنشر
بازنشر



سرمقاله

به امید نو شدن روزگار و شکوفایی
ایران آزاد و آباد

سال ۱۴۰۴ خورشیدی در حالی به پایان می‌رسد که امسال شهروندان در ایران دو جنگ و یک دوره اعتراضات را زیر سایه فقر و بحران‌های مالی پشت سر گذاشتند. امید اما همچنان



در دل مردم زنده است و امیدوارند با جوانه‌های بهاری، سرنوشت ایران و شهروندانش با نور و روشنی آمیخته شود. رهبر پیشین جمهوری اسلامی دو دهه پیش «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴» را برای توسعه و پیشرفت ایران تدوین و ارائه کرد. قرار بود ایران پس از اجرای چهاردوره برنامه پنج ساله توسعه، کشوری امن، مقتدر، ثروتمند و حتی الهام‌بخش باشد. امسال، بیست سال پس از روزگاری از «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴» هیچ یک از اهداف آن محقق نشده و ایران زیر آتش و در عمق ویرانی است. درگیری کشور و مردم با دو جنگ نظامی در یک سال، حاصل مستقیم عملکرد ایدئولوژیک چهار دهه گذشته حکومت در منطقه و جهان است. مهمترین رویداد جنگ جاری، تاکنون، ترور علی خامنه‌ای پس از ۳۶ سال رهبری بود؛ رویدادی که نهم اسفند ۱۴۰۴ را به عنوان نقطه‌عطفی ماندگار در تاریخ ایران ثبت کرد.

اعتراضات دی ۱۴۰۴ نیز، که با اعتصاب بازاران بازار موبایل تهران آغاز شد، در چند روز به گسترده‌ترین خیزش ضدحکومتی تاریخ جمهوری اسلامی تبدیل شد. با فراخوان شاهزاده رضا پهلوی، میلیون‌ها نفر در یازدهمین روز به خیابان‌ها آمدند و حکومت خونین‌ترین سرکوب شهروندان غیرمسلح را رقم زد؛ سرکوبی که هزاران کشته، ده‌ها هزار زخمی و بازداشتی، و سوگی عمومی برای ایران برجا گذاشت. جدا از سرکوب اعتراضات و مصائب جنگ و بمباران، سال ۱۴۰۴ برای مردم ایران سالی دشوار از نظر اقتصادی نیز بود؛ رکوردهای تورم در نیمه دوم سال شکسته شد و میلیون‌ها تن به زیر خط فقر رانده، کسب‌وکارهای زیادی ورشکسته و شماری زیادی از شاغلان بیکار شدند.

مردم ایران، در میان آتش جنگ و سنگینی بحران‌های اقتصادی، سال ۱۴۰۴ را به پایان می‌رسانند؛ اما امید به طلوع آزادی و عدالت زیر پرچم شیر و خورشید همچنان در دل ملت زنده است. همبستگی ایرانیان افزایش یافته و باور به نو شدن روزگار میهن و هم‌میهن، نیروی عبور از این روزهای دشوار امروز و رسیدن به فردایی شکوفا از آزادی، آبادی و سرفرازی را به آنان بخشیده است.

تیر هفته

جنگ در آستانه‌ی نوروز؛ چشم‌انداز آزادی



● در چنین شرایطی که شمارش معکوس برای پایان یافتن ۴۷ سال ظلم و فساد و ترور آغاز شده است، مردم امیدوارند امکان بازگشت به خیابان فراهم شود تا خودشان کار را تمام کنند. آن‌هایی که جان‌فدای میهن‌اند می‌گویند منتظر فراخوان شاهزاده رضا پهلوی هستند.

اعتماد مردم به شریک منطقه‌ای بیشتر است آن‌طور که پیداست، اولویت اصلی رهبران اسرائیل قطعاً «سقوط رژیم ایران» است و تقریباً بدون هیچ تعارفی آن را در بالاترین رده‌ها و به صورت مداوم تکرار می‌کنند. اغلب مخالفان جمهوری اسلامی، بویژه جریان ملی‌گرا که مدافع دیدگاه‌های شاهزاده رضا پهلوی هستند، به این باور رسیده‌اند که منافع اسرائیل برای سرنگونی جمهوری اسلامی همراستا با منافع ملی ایران است. از این رو میان هر دو طرف نوعی اعتماد دوطرفه و حتا احساس مشترک «دو ملتی» شکل گرفته است.

این احساس به قدری عمیق شده که در بطن خود شجاعت‌آفرین شده است. بعنوان مثال، حتا در شرایطی که حکومت شهروندان را به دلیل فعالیت در فضای مجازی تهدید و بازداشت می‌کند و با اتهام جاسوسی مورد مجازات قرار می‌دهد، بسیاری از مردم از داخل ایران در صفحات اجتماعی شخصی از نتانیاهو و اسرائیل به دلیل پایبندی به وعده‌ی کمک به «انقلاب ملی» تقدیر و تشکر می‌کنند. شبیه همین وضعیت، اما با اندکی افت، نسبت به شخص دونالد ترامپ هم برقرار است. شاید علت این افت در تفاوت میان شخصیت و مواضع رهبران اسرائیل در مقایسه با ترامپ و مقامات آمریکایی باشد. به نظر می‌رسد مردم نتانیاهو را صادق‌تر از ترامپ می‌دانند، اما از هر دو قدردانی می‌کنند. اتفاقاً این قدردانی را ترامپ درک کرد و در یکی از مصاحبه‌های خود با رضایت خاطر اعلام کرد که مردم ایران تصاویرش را در دست می‌گیرند و از او تشکر می‌کنند.

هدف‌گیری ایست‌های بازرسی

در این دو هفته ارتش آمریکا و اسرائیل بیش از هفت هزار نقطه‌ی نظامی و امنیتی استراتژیک را هدف قرار

دو هفته پس از آغاز حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به مراکز نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، بسیاری از آن‌ها که مخالفان حکومت هستند امیدوارند پس از تضعیف نیروهای سرکوبگر، زمینه برای بازگشت مردم به خیابان‌ها فراهم شود تا خود مردم کار نظام را تمام کنند. مردم در آستانه‌ی نوروز سال ۱۴۰۵ می‌گویند بهترین عیدی در تمام عمرشان این خواهد بود که از سر نظام جمهوری اسلامی خلاص شوند.

براساس برآوردهای اولیه‌ی میدانی و آنچه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب پیدا کرد، اغلب مخالفان حکومت بر این باورند که کمک نظامی بین‌المللی، بویژه برای هدف قرار دادن سرکوبگرانی که دست به قتل‌عام مردم زدند، ضروری بود. آن‌ها می‌گویند با دست خالی نمی‌شد در برابر دوشکا و کلاشینکف ایستاد.

حتا بخشی از مخالفان جمهوری اسلامی که همزمان مخالف مداخله‌ی نظامی، بویژه از سوی آمریکا و اسرائیل، بودند و منتقد سرسخت سیاست‌های دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو هستند، نیز معتقدند جنگ را جمهوری اسلامی به ایران تحمیل کرد.

مردم ایران از اقشار مختلف، خود را شایسته‌ی داشتن حکومت و رهبرانی می‌دانند که منافع ملی را بشناسند و اولویت‌شان سعادت و رفاه نسبی ملت ایران باشد؛ حکومتی که حامی تروریسم نباشد و با جامعه‌ی بین‌المللی همکاری داشته باشد. اما خودشان بهتر از همه می‌دانند تحقق چنین نتیجه‌ای با اقدام نظامی دولت‌های خارجی میسر نمی‌شود، بلکه تا حد زیادی به خودشان بستگی دارد. با این حال واقعیت آن است که آن‌ها برای دستیابی به آزادی و برخورداری از حق زندگی، بیش از چهار دهه است هزینه‌های غیرقابل انکاری داده‌اند. آخرین مورد آن ۱۳ تا ۳۰ هزار کشته در جریان «انقلاب ملی» بود.



مردم است. این سناریو که ترامپ آن را رد نکرده، موجب نگرانی رژیم شده است. مقام‌های حکومتی مدام در مورد اقدام زمینی به آمریکا و اسرائیل هشدار می‌دهند. براساس آنچه در رسانه‌ها، تحلیل‌ها و گفته‌های مقامات

یک روز پیش از آغاز کارزار حمله به ایست‌های بازرسی، درست زمانی که ترامپ گفت در ایران دیگر هدفی باقی نمانده که به آن حمله شود، دفتر نخست‌وزیری اسرائیل در پیامی خطاب به مردم ایران نوشت: «ما در حال انجام یک

دادند. شاخص‌ترین آن مباران بیت علی خامنه‌ای بود. به گفته‌ی بسیاری از مردم، پس از اعلام خبر مرگ خامنه‌ای، بهترین خبر آغاز کارزار هدف قراردادن نیروهای سرکوبگر بسیج، سپاه و نیروی انتظامی در ایست‌های



و کارشناسان دو طرف منازعه مطرح شده‌است، یکی از گزینه‌ها می‌تواند در اختیار گرفتن کنترل تنگه‌ی هرمز و جزیره‌ی خارک بعنوان گلوگاه جریان انرژی باشد. جمهوری اسلامی اقدام به هدف قرار دادن نفتکش‌ها می‌کند و امنیت تنگه‌ی هرمز را مختل کرده است و به هشدارهای بین‌المللی توجه ندارد. یکی دیگر از سناریوهای مطرح شده هلی‌برن نیرو به تهران است. این گزینه نظام را نگران کرده و آنچنان که گزارش شده است روی باند فرودگاه مهرآباد اتوبوس پارک کرده‌اند تا هواپیماهای ترابری آمریکا و اسرائیل قادر به فرود نباشند. در مورد توانایی استقامت حکومت، مقامات نظام طبیعتاً بزرگنمایی می‌کنند، اما آمار پرتاب موشک و پهپاد طی این دو هفته، کاهش بسیار محسوسی داشته است. به جز همین مورد، سایر قوای نظام در هوا و زمین تقریباً متلاشی شده‌اند. در چنین شرایطی که شمارش معکوس برای پایان یافتن ۴۷ سال ظلم و فساد و ترور آغاز شده است، مردم امیدوارند امکان بازگشت به خیابان فراهم شود تا خودشان کار را تمام کنند. آن‌هایی که جان‌فدای میهن‌اند می‌گویند منتظر فراخوان شاهزاده رضا پهلوی هستند.

جنگ تاریخی برای آزادی هستیم. این فرصتی بی‌نظیر برای شماست تا رژیم آیت‌الله‌ها را سرنگون کنید و آزادی خود را به دست آورید. ما در حال ایجاد شرایطی برای شما هستیم تا این کار را انجام دهید.»
در همین حال شاهزاده پهلوی از مردم خواست در خانه‌ها بمانند و به نیروهای مسلح هشدار داد که آخرین فرصت‌ها برای پیوستن به مردم است. همین مواضع سبب شد تا خبرگزاری فارس ادعا کند هدف‌گیری بسیجی‌ها در ایست‌های بازرسی برنامه‌ی مشترک «اسرائیل و سلطنت‌طلب‌ها» برای خرابکاری و بازگشت به خیابان است. احمدرضا رادان، فرمانده انتظامی که گفته می‌شود از ترس مرگ در یکی از بیمارستان‌ها اقامت دارد، پیش‌تر در یک برنامه تلویزیونی تهدید کرده‌بود که معترضان را «مثل دشمن» با تیر هدف قرار خواهند داد.

احتمال هلی‌برن نیرو در خاک ایران

یکی از سناریوهایی که برای ادامه‌ی عملیات نظامی مطرح است، احتمال اعزام محدود نیروی ویژه برای یافتن محموله‌های اورانیوم، بازداشت رهبران نظام و حمایت از

بازرسی در خیابان‌ها بود.

در شرایطی که استراتژی حکومت برای بقا، کشاندن طرفدارانش به خیابان بعنوان سپر برای پشتیبانی از سرکوبگران است، از دید مردم و حتا کارشناسان نظامی و امنیتی حمله‌ی نقطه‌ای و هدفمند به مأموران و فرماندهان، به معنای حمله به آخرین سپر بقای نظام است. فرماندهان، سیاسیون و همچنین مداحان حکومتی که مأموریتشان تزریق حس و حال عاشورایی به کارزار خیابانی حامیان نظام است، با اشاره به هدف‌گیری بسیجی‌ها هشدار می‌دهند که «نباید خیابان را خالی کرد.»

ترس از پیامدهای حمله به ایست‌های بازرسی آن‌قدر زیاد بود که چهارشنبه شب ۲۰ اسفند، به محض آنکه گزارش شد تعداد زیادی بسیجی و سپاهی در این حملات کشته و زخمی شدند، محمداقربال قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در «ایکس» از حامیان نظام خواهش کرد که در خیابان بمانند و به نیروهای مسلح کمک کنند.

پیام اسرائیل به مردم ایران



پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت روز جهانی زن



شهبانو فرح پهلوی به مناسبت روز جهانی زن، هشتم مارس، در پیامی اعلام کرد: «در این روز، با احترامی عمیق یاد و خاطره زنانی را گرامی می‌دارم که در راه آزادی و سربلندی ایران از جان خود گذشتند، و با خانواده‌های داغدار آنان ابراز همدردی و همبستگی می‌کنم. یاد آنان در دل ملت ایران زنده خواهد ماند و الهام بخش نسل‌های آینده خواهد بود.»

متن کامل این پیام را در ادامه می‌خوانید:

به مناسبت روز جهانی زن، دروهای صمیمانه خود را به همه زنان جهان، و به ویژه به زنان شجاع و سرافراز ایران تقدیم می‌دارم.

زنان ایران در سراسر تاریخ کهن و پرافتخار سرزمین‌مان همواره نقشی برجسته در پاسداری از فرهنگ، هویت و پیشرفت جامعه ایرانی داشته‌اند. از مادرانی که با مهر و فداکاری نسل‌ها را پرورش داده‌اند، تا بانوانی که در عرصه‌های علمی، فرهنگی، هنری و اجتماعی درخشانند، زنان ایرانی همواره یکی از ستون‌های استوار جامعه ما بوده‌اند.

امروز نیز زنان ایران با شجاعت، آگاهی و استقامتی ستودنی، برای دستیابی به آزادی، عدالت و کرامت انسانی ایستادگی می‌کنند.

صدای آنان و اراده استوارشان نه تنها الهام‌بخش هم‌میهنانشان، بلکه مایه تحسین وجدان‌های بیدار در سراسر جهان است.

در این روز، با احترامی عمیق یاد و خاطره زنانی را گرامی می‌دارم که در راه آزادی و سربلندی ایران از جان خود گذشتند، و با خانواده‌های داغدار آنان ابراز همدردی و همبستگی می‌کنم. یاد آنان در دل ملت ایران زنده خواهد ماند و الهام بخش نسل‌های آینده خواهد بود.

ایمان دارم که زنان و دختران ایران، همچون گذشته، نقشی اساسی در ساختن فردایی روشن‌تر برای میهن عزیزمان ایفا خواهند کرد.

امید دارم روزی فرا رسد که همه زنان ایران در فضایی سرشار از آزادی، برابری، امنیت و فرصت، بتوانند استعدادها و توانایی‌های خود را در راه آبادانی ایران شکوفا سازند.

با مهر و امید به آینده ایران

فرح پهلوی

شاهزاده رضا پهلوی: زنان ایران در ۴۷ سال گذشته هرگز پرچم مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی را زمین نگذاشته‌اند



استوار ساختن نهادهای دموکراتیک، و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی ایران ایفا خواهند کرد.

در این هشتم مارس، یاد و نام همه زنانی را که برای آزادی ایران جنگیدند و با شجاعت و فداکاری چراغ امید را روشن نگه داشتند گرامی می‌دارم. ایمان دارم که مسیر انقلاب شیر و خورشید سرانجام به طلوع روشن آزادی و عدالت در ایران خواهد انجامید.

پاینده ایران،

رضا پهلوی

متن کامل پیام شاهزاده رضا پهلوی به شرح زیر است:
هشتم مارس امسال در حالی فرا می‌رسد که ایران ما سرنوشت‌سازترین فصل تاریخ معاصر خود را از سر می‌گذرانند. زنان ایران که پیش از بلوای ۵۷ از بسیاری از حقوق و آزادی‌های خود در پیشگاه قانون برخوردار بودند، با استقرار رژیم جمهوری اسلامی، بخش بزرگی از این حقوق و آزادی‌ها را از دست دادند. با این همه، در ۴۷ سال گذشته هرگز پرچم مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی را زمین نگذاشته‌اند و همواره در صف نخست ایستادگی در برابر این رژیم قرار داشته‌اند.

روز جهانی زنان برای ما یادآور شجاعت زنانی است که در خیابان و دانشگاه، در خانه و محل کار، و حتی در زندان و تبعید ایستادگی کردند؛ زنانی که بهای این ایستادگی را با به خطر انداختن جان و آینده خود پرداختند و امروز نیز در انقلاب ملی شیر و خورشید ایران، دوشادوش مردان، برای رهایی میهن مبارزه می‌کنند.

در ایران آزاد، دموکراتیک، آباد و شکوفای فردا، همه شهروندان فارغ از جنسیت‌شان در پیشگاه قانون برابر خواهند بود. زنان و مردان نه در تقابل با یکدیگر، بلکه در کنار هم، آینده‌ای روشن برای نسل‌های بعدی خواهند ساخت. زنان ایران که در مبارزه برای آزادی پیشگام بوده‌اند، در فردای رهایی نیز نقشی تعیین‌کننده در بازسازی کشور،

پیام بانو یاسمین پهلوی به زنان ایران به مناسبت هشتم مارس روز جهانی زن



راندن ایران را نه تنها جبران می‌کنند، بلکه آن را به جایگاهی که شایسته‌ی آن است می‌رسانند.

به توانمندی خود باور داشته باشید و آماده باشید که دست در دست یکدیگر، ایران را بسازیم.

ایرانی آزاد، آباد و قدرتمند بر شانه‌های استوار شما.

پاینده ایران،

یاسمین پهلوی»

روز جهانی زن، برایم فرصتی است ارزشمند که با شما زنان سربلند ایران سخن بگویم.

در این دو ماه گذشته، ذهن و قلب من و دخترانم، با شما مادران، همسران، خواهران و دختران با شهامت سرزمینم است که سوگوار جاویدنامان بزرگ میهن شدید، اما با وجود اندوه و دردتان، سرافراز و محکم، ایستادگی کردید و اهریمن را به زانو درآوردید.

شما که دست‌هایتان را به نشانه‌ی پیروزی بالا گرفتید و خواندید: این گل پرپر شده، هدیه به میهن شده. شما که گفتید: فرزند من ایستاده کشته شد.

با همه‌ی وجود، قدرتان تمام شما مادران ایران زمین هستم، که با فداکاری و اقتدار، دیوارهای سرکوب را درهم شکستید و آگاه‌ترین و شجاع‌ترین فرزندان ایران را پرورش دادید. و شما زنان و دختران مبارز دریند، هیچ حصارى بازدارنده‌ی قدرت، اراده و صدای رسای شما نیست.

ایران، در آستانه‌ی آزادی، به دانش و توانمندی شما در زمینه‌های مختلف نیاز دارد. امروز، زنان متخصص ایرانی، در پروژه‌ی شکوفایی ایران نقشی مؤثر و درخشان در برنامه‌های بازسازی میهن‌مان دارند. برنامه‌هایی دقیق، علمی و واقع بینانه که چهل‌وهفت سال ویرانی و عقب

ابراز نگرانی شاهزاده رضا پهلوی درباره امنیت اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران در صورت بازگشت به ایران



Reza Pahlavi
 @PahlaviReza · دنبال کردن

اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران پس از اقدام شجاعانه‌شان در خودداری از خواندن سرود رژیم، با فشارهای شدید و تهدیدهای مداوم از سوی جمهوری اسلامی روبه‌رو هستند و در صورت بازگشت به ایران ممکن است با پیامدهای بسیار جدی مواجه شوند.

من از دولت استرالیا می‌خواهم امنیت آنان را تضمین کند و نمایش موارد بیشتر

Reza Pahlavi @PahlaviReza

The members of the Iranian Women's National Football Team are under significant pressure and ongoing threat from the Islamic Republic. As a result of their brave act of civil disobedience in refusing to sing the current regime's national anthem, they face dire consequences should

۷:۰۹ بعدازظهر ۸۰ مارس ۲۰۲۶

۲۹٫۵ هزار باسج کبی بیوند

خواندن ۱٫۲ هزار باسج

مقابل کره جنوبی، این بازیکنان را «بی‌شرف» خواند و از مسئولین خواسته بود با آن‌ها طبق «خائنان در شرایط جنگی» برخورد کنند تا «بقیه هم ماست‌شان را کیسه کنند».

شب گذشته یکشنبه ۱۷ اسفند ویدیویی از تجمع شماری از ایرانیان در شهر گلدکوست استرالیا مقابل محل اقامت تیم ملی فوتبال زنان ایران در حمایت و همراهی با آنها منتشر شده است.

تجمع‌کنندگان با سردادن شعار «دختر شیر و خورشید» خواستار محافظت از اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران شدند.

این تجمع پس از اعلام کمک یکی از بازیکنان تیم ملی فوتبال زنان از پشت شیشه‌های اتوبوس برگزار شد. یکی از بازیکنان این تیم، با نشان دادن علامت دست (SOS) به زبان اشاره درخواست کمک کرده بود.

همچنین گفته شده بیش از ۶۶ هزار نفر با امضای طوماری از دولت استرالیا خواسته‌اند تا اطمینان یابد این بازیکنان تا زمانی که نگرانی‌هایی از امنیت آنها وجود دارد، این کشور را ترک نمی‌کنند.

خبرگزاری رویترز نیز گزارش داده که بو بوش، رئیس اتحادیه بین‌المللی بازیکنان حرفه‌ای فوتبال (FIFPRO) در آسیا و اقیانوسیه، یادآور شده که این اتحادیه نتوانسته با بازیکنان تماس بگیرد تا در مورد تمایل آنها به پناهندگی در استرالیا صحبت کند.

بر اساس گزارش رویترز، بو بوش این تجمع پس از اعلام کمک یکی از بازیکنان تیم ملی فوتبال زنان از پشت شیشه‌های اتوبوس برگزار شد. یکی از بازیکنان این تیم، با نشان دادن علامت دست (SOS) به زبان اشاره درخواست کمک کرده بود.

اسلامی خودداری کردند با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شده است. شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر فشار شدید و تهدید مداوم اعضای تیم ملی فوتبال زنان نوشته آنها در صورت بازگشت به ایران ممکن است با پیامدهای بسیار جدی مواجه شوند» و از دولت استرالیا خواسته امنیت آنها را تضمین کند.

شاهزاده رضا پهلوی روز یکشنبه ۱۷ اسفند در پیامی نسبت به شرایط مبهم اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران نوشت: «اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران پس از اقدام شجاعانه‌شان در خودداری از خواندن سرود رژیم، با فشارهای شدید و تهدیدهای مداوم از سوی جمهوری اسلامی روبه‌رو هستند و در صورت بازگشت به ایران ممکن است با پیامدهای بسیار جدی مواجه شوند».

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه نوشته «من از دولت استرالیا می‌خواهم امنیت آنان را تضمین کند و هرگونه حمایت لازم را در اختیارشان قرار دهد».

اعضای تیم فوتبال زنان ایران هفته گذشته، دوم مارس، در حالیکه در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا در استرالیا شرکت کرده بود پس از خودداری از خواندن سرود جمهوری اسلامی قبل از مسابقه مقابل کره جنوبی با سرنوشتی مبهم روبرو شدند.

این زنان در صداوسیما جمهوری اسلامی به عنوان «خائنان زمان جنگ» که باید با آنها به شدت برخورد شود، معرفی شدند. گزارش‌ها از استرالیا حاکی از محبوس شدن این زنان در هتل محل اقامت توسط نیروهای امنیتی است.

محمدرضا شهبازی مجری صداوسیما پنجشنبه ۱۴ اسفندماه در واکنش به همخوانی نکردن سرود جمهوری اسلامی توسط بازیکنان تیم ملی فوتبال زنان ایران در بازی

اعضای تیم فوتبال زنان ایران هفته گذشته، دوم مارس، در حالیکه در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا در استرالیا شرکت کرده بود پس از خودداری از خواندن سرود جمهوری اسلامی قبل از مسابقه مقابل کره جنوبی با سرنوشتی مبهم روبرو شدند.

این زنان در صداوسیما جمهوری اسلامی به عنوان «خائنان زمان جنگ» که باید با آنها به شدت برخورد شود، معرفی شدند. گزارش‌ها از استرالیا حاکی از محبوس شدن این زنان در هتل محل اقامت توسط نیروهای امنیتی است.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی نوشته «اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران پس از اقدام شجاعانه‌شان در خودداری از خواندن سرود رژیم، با فشارهای شدید و تهدیدهای مداوم از سوی جمهوری اسلامی روبه‌رو هستند و در صورت بازگشت به ایران ممکن است با پیامدهای بسیار جدی مواجه شوند».

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه نوشته «من از دولت استرالیا می‌خواهم امنیت آنان را تضمین کند و هرگونه حمایت لازم را در اختیارشان قرار دهد».

روز گذشته شماری از ایرانیان در شهر گلدکوست استرالیا در حمایت از اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران مقابل محل اقامت آنها تجمع کردند. این تجمع پس از اعلام کمک یکی از بازیکنان تیم ملی فوتبال زنان از پشت شیشه‌های اتوبوس برگزار شد. یکی از بازیکنان این تیم، با نشان دادن علامت دست (SOS) به زبان اشاره درخواست کمک کرده بود.

حسب اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران در هتلی در اسرائیل توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و پس از آنکه آنها هفته گذشته از همخوانی با سرود جمهوری

هشدار ترامپ به جمهوری اسلامی: تنگه هرمز را ببندید، ۲۰ برابر سخت تر مورد حمله قرار می‌گیرید



دونالد ترامپ در کنار مارکو رابو و پیت هگست وزیر خارجه و جنگ

دونالد ترامپ: در سطحی بی‌سابقه و با سرعت در حال پیروزی هستیم

● دونالد ترامپ در مصاحبه با سی‌بی‌اس نیوز در واکنش به اظهارات علی لاریجانی در «ایکس» مبنی بر اینکه آمریکا باید هزینه کشتن علی خامنه‌ای را بپردازد، گفت «می‌دانم او درباره چه صحبت می‌کند و اصلاً چه کسی است. برایم اهمیتی ندارد.» او افزود که لاریجانی «از پیش شکست خورده است.»

● ترامپ مقام‌های جمهوری اسلامی را ضعیف و رو به افول خواند و با تأکید بر اینکه حملات آمریکا ادامه خواهد یافت، خواستار «تسلیم بی‌قید و شرط» حکومت ایران شد. او افزود: «ما در سطحی بی‌سابقه و با سرعت در حال پیروزی هستیم.»

● علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در «ایکس» نوشته بود «ترامپ را ولش نمی‌کنیم باید تاوان بدهد، رهبر ما را و مردم ما را به شهادت رسانده است این چیز ساده‌ای نیست، تا مقابله به مثل نکنیم ولش نمی‌کنیم.»

دونالد ترامپ در مصاحبه با سی‌بی‌اس نیوز در واکنش به اظهارات علی لاریجانی در «ایکس» مبنی بر اینکه آمریکا باید هزینه کشتن علی خامنه‌ای را بپردازد، گفت «می‌دانم او درباره چه صحبت می‌کند و اصلاً چه کسی است. برایم اهمیتی ندارد.» او افزود که لاریجانی «از پیش شکست خورده است.»

ترامپ مقام‌های جمهوری اسلامی را ضعیف و رو به افول خواند و با تأکید بر اینکه حملات آمریکا ادامه خواهد یافت، خواستار «تسلیم بی‌قید و شرط» حکومت ایران شد. او افزود: «ما در سطحی بی‌سابقه و با سرعت در حال پیروزی هستیم.»

علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در «ایکس» نوشته بود «ترامپ را ولش نمی‌کنیم باید تاوان بدهد، رهبر ما را و مردم ما را به شهادت رسانده است این چیز ساده‌ای نیست، تا مقابله به مثل نکنیم ولش نمی‌کنیم.»

ترامپ همچنین در بخش دیگری از این گفتگو عنوان کرد تمرکز بر تلاش‌های نظامی آمریکا و کشورهایی است که از ابتدا از رویکرد و حملات او حمایت کردند.

رئیس جمهوری آمریکا در پاسخ به این پرسش که آیا انتظار دارد متحدان آمریکا در این مقطع اقدامات بیشتری انجام دهند، گفت: «برایم اهمیتی ندارد. هر کاری می‌خواهند انجام دهند. آن‌هایی که وفادار بودند، همین حالا در کنار ما هستند.»

ترامپ احتمال اعزام ناوهای بریتانیایی را اقدامی دیرنگام و غیرضروری خواند و گفت: «فرستادن کشتی‌ها کمی دیر نیست؟ کمی دیر است.»

آمریکا به چین و همه کشورهایی است که به‌طور گسترده از تنگه هرمز استفاده می‌کنند. امیدوارم این اقدامی باشد که بسیار مورد قدرانی قرار گیرد.

این صحبت‌ها پس از آن بیان شد که برخی مقامات جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه پاسداران، بار دیگر تهدید کرد که نخواهد گذاشت «یک لیتر» نفت از تنگه هرمز در صورت ادامه حملات اسرائیل و آمریکا عبور کند.

پیش از این محمدباقر قالیباف گفته بود اگر کشوری سرزمین خود را برای حمله به جمهوری اسلامی در اختیار آمریکا قرار دهد، به آن پاسخ خواهیم داد. او گفته بود، «با وجود آنکه هنوز تنگه هرمز را نبستیم، تنش‌ها اقتصاد جهانی را دچار بحران کرده و در صورت جنگ زیرساختی، بهای نفت سال‌ها زیر ۱۰۰ دلار نخواهد آمد.»

ترامپ همچنین، در یک مصاحبه تلفنی با شبکه «سی‌بی‌اس نیوز»، گفت جنگ با جمهوری اسلامی ممکن است به‌زودی پایان یابد. او افزود: «فکر می‌کنم جنگ تقریباً کاملاً تمام شده است. آن‌ها دیگر نیروی دریایی ندارند، ارتباطاتشان از کار افتاده و نیروی هوایی هم ندارند.» او همچنین گفت که آمریکا «بسیار جلوتر» از جدول زمانی اولیه چهار تا پنج هفته‌ای پیش‌بینی‌شده حرکت کرده است.

دونالد ترامپ در پاسخ به پرسشی درباره رهبر جدید جمهوری اسلامی، مجتبی خامنه‌ای، که پیش‌تر به‌طور علنی از او انتقاد کرده بود، گفت: «هیچ پیامی برای او ندارم. هیچ‌کدام.» به گفته خبرنگار سی‌بی‌اس، آقای ترامپ افزود که فردی را برای جایگزینی خامنه‌ای در نظر دارد، اما توضیح بیشتری ارائه نکرد.

در مورد تنگه هرمز نیز دونالد ترامپ گفت که در حال حاضر کشتی‌ها از آن عبور می‌کنند، اما او «در حال فکر کردن به در اختیار گرفتن آن» است.

ترامپ همچنین به جمهوری اسلامی ایران هشدار داد: «آن‌ها هرچه داشته‌اند شلیک کرده‌اند و بهتر است کار خاصی نکنند، وگرنه پایان آن کشور خواهد بود.»

● رئیس جمهوری آمریکا تهدید کرد که اگر جمهوری اسلامی ایران «هر اقدامی انجام دهد که جریان نفت در تنگه هرمز را متوقف کند، توسط ایالات متحده آمریکا ۲۰ برابر سخت‌تر از آنچه تا الان انجام شده، مورد حمله قرار خواهد گرفت.»

● دونالد ترامپ دوشنبه شب ۹ مارس به وقت واشنگتن در «تروت‌سوشال» نوشت: «علاوه بر این، ما به‌راحتی اهدافی را نابود خواهیم کرد که تخریب آن‌ها بسیار آسان است و باعث می‌شود بازسازی ایران به‌عنوان یک کشور عملاً غیرممکن شود.»

● ترامپ همچنین، در یک مصاحبه تلفنی با شبکه «سی‌بی‌اس نیوز»، گفت جنگ با جمهوری اسلامی ممکن است به‌زودی پایان یابد. او افزود: «فکر می‌کنم جنگ تقریباً کاملاً تمام شده است. آن‌ها دیگر نیروی دریایی هم ندارند، ارتباطاتشان از کار افتاده و نیروی هوایی هم ندارند.» او همچنین گفت که آمریکا «بسیار جلوتر» از جدول زمانی اولیه چهار تا پنج هفته‌ای پیش‌بینی‌شده حرکت کرده است.

رئیس جمهوری آمریکا تهدید کرد که اگر جمهوری اسلامی ایران «هر اقدامی انجام دهد که جریان نفت در تنگه هرمز را متوقف کند، توسط ایالات متحده آمریکا ۲۰ برابر سخت‌تر از آنچه تا الان انجام شده، مورد حمله قرار خواهد گرفت.»

دونالد ترامپ دوشنبه شب ۹ مارس به وقت واشنگتن در «تروت‌سوشال» نوشت: «علاوه بر این، ما به‌راحتی اهدافی را نابود خواهیم کرد که تخریب آن‌ها بسیار آسان است و باعث می‌شود بازسازی ایران به‌عنوان یک کشور عملاً غیرممکن شود.»

او هشدار داد: «مرگ، آتش و خشم بر آن‌ها نازل خواهد شد، اما امیدوارم و دعا می‌کنم که چنین اتفاقی رخ ندهد!» ترامپ افزود: «این اقدام هدیه‌ای از سوی ایالات متحده

نخستین پیام رهبر سوم جمهوری اسلامی: تنگه هرمز بسته بماند؛ در صورت نیاز جبهه‌های تازه نبرد باز شود؛ انتقام می‌گیریم!



تصویر مربوط به پیش از حمله اسرائیل به «بیت» و مجروح شدن مجتبی خامنه‌ای در نهم اسفند ۱۴۰۴ است

اسلامی از سالها پیش مطرح شده بود. «ایران اینترنشنال» سه روز پس از مرگ علی خامنه‌ای در روز سه‌شنبه شب ۱۲ اسفند ۱۴۰۴ از قطعی شدن رهبری مجتبی خامنه‌ای با فشار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر مجلس خبرگان رهبری خبر داده بود.

یک روز بعد از اعلام نام مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی خبرگزاری‌های داخلی از پخش نخستین پیام وی خبر دادند اما ویدئو یا حتی پیامی نوشتاری از او منتشر نشد!

همزمان رسانه‌های از مجروح بودن و عدم سلامت جسمی او خبر دادند. در یکی از آخرین اظهارنظرها روز گذشته علیرضا سالاریان سفیر جمهوری اسلامی ایران در قبرس در گفت‌وگو با «گاردین» گفت مجتبی خامنه‌ای هم روز نهم اسفندماه و هنگام هباران «بیت» در آنجا بوده و از ناحیه پاهای، دست و بازو زخمی شده است.

برخی گزارش‌های دیگر از ایجاد برش‌هایی روی صورت مجتبی خامنه‌ای و حتی کاهش سطح هوشیاری او در روزهای بعد از هباران حکایت دارند. همچنین صداوسیما جمهوری اسلامی در زیرنویس برنامه‌هایش او را «جانناز جنگ رمضان» خوانده است.

مجتبی خامنه‌ای فرزند دوم علی خامنه‌ای است که بر اساس گزارش‌ها محبوب‌ترین فرزند رهبر دوم جمهوری اسلامی بود. در دست‌نوشته‌ای که از علی خامنه‌ای منتشر شده مجتبی را «قره‌العینی» به معنای «نور چشم من» خوانده بود.

مجتبی خامنه‌ای اگر چه شخصیت پشت پرده‌ای در حکومت به شمار می‌رفت، هیچ سمت رسمی حکومتی نداشت و تا کنون صدایش تنها در دروس حوزوی «خارج فقه» او شنیده شده و در مراسم رسمی سخنرانی نداشته اما از سکانداران امپراطوری علی خامنه‌ای به شمار می‌رود که شبکه فاسد و رانتی قدرت و ثروت بیت را طراحی کرد و پیش برد.

«ما از انتقام خون شهدا شما صرف نظر نخواهیم کرد» و نوشته این انتقام تنها برای کشته شدن علی خامنه‌ای نیست و «هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید میشود، خود موضوع مستقلی برای پرونده انتقام است.»

او افزوده تا زمانی که انتقام کامل گرفته نشود «همچنان این پرونده در روی بقیه پرونده‌ها خواهد بود و بخصوص نسبت به خون اطفال و کودکانان حساسیت بیشتری خواهیم داشت.»

او همچنین کشورهای همسایه را تهدید کرده و نوشته: «این کشورها باید تکلیف خود را با متجاوزین به وطن عزیزمان و قاتلین آحاد مردم ما معلوم کنند. من توصیه می‌کنم هر چه زودتر آن پایگاه‌ها را تعطیل کنند؛ چون لاید تا به حال فهمیده‌اند که ادعای برقراری امنیت و صلح از سوی آمریکا دروغی بیش نبوده است.»

او در ادامه مدعی شده «نظام جمهوری اسلامی بدون اینکه بخواهد سلطه و استعماری را در منطقه راه بیاندازد، برای اتحاد و رابطه متقابل گرم و صمیمانه با همه همسایگان آمادگی کامل دارد.»

رهبر سوم جمهوری اسلامی همچنین نوشته «به هر صورت ما از دشمن غرامت خواهیم گرفت و اگر امتناع کند باندازهای که تشخیص بدیم از اموالش برخواهیم داشت و اگر آنهم مقدور نباشد به همان اندازه از اموالش را نابود خواهیم کرد.»

او در بخش دیگری از این پیام نوشته «باید بر وحدت بین آحاد و اقشار ملت» تأکید کرد و افزوده مردم باید در صحنه حضور داشته باشند و «از این رو اهمیت حضور در مراسم روز قدس ۱۴۴۷ را یادآور می‌شوم که باید عنصر دشمن‌شکنی در آن مورد توجه همگان باشد.»

مجلس خبرگان رهبری شامگاه یکشنبه ۱۷ اسفندماه اعلام کرد «بر اساس رأی قاطع نمایندگان» مجتبی خامنه‌ای را به عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی «تعیین و معرفی» می‌کند. نام مجتبی خامنه‌ای به عنوان گزینه اصلی رهبری جمهوری

● مجتبی خامنه‌ای رهبر سوم جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۲۱ اسفندماه نخستین پیام خود را به صورت نوشتاری صادر کرد. این پیام پنج روز پس از اعلام رسمی نام او به عنوان رهبر حکومت و سیزده روز پس از مرگ پدرش، علی خامنه‌ای، منتشر شده است.

● مجتبی خامنه‌ای در ابتدای این پیام ادعا کرده از طریق صداوسیما جمهوری اسلامی از نتیجه رأی مجلس خبرگان و انتخابش به عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی مطلع شده است.

● او درباره ادامه جنگ نوشته باید تنگه هرمز به عنوان یک «اهرم» همچنان بسته بماند و اگر لازم است جبهه‌های جدید باز شود: «قطعاً همچنان از اهرم مسدود کردن تنگه هرمز باید استفاده شود. در مورد گشودن جبهه‌های دیگری که دشمن در آن تجربه ناچیزی دارد و به شدت در آن آسیب‌پذیر خواهد بود مطالعاتی صورت گرفته است و فعال‌سازی آن در صورت استمرار وضع جنگی و بنا بر رعایت مصالح صورت خواهد گرفت.»

● مجتبی خامنه‌ای بر گرفتن «انتقام» تأکید کرده و نوشته «ما از انتقام خون شهدا شما صرف نظر نخواهیم کرد» و نوشته این انتقام تنها برای کشته شدن علی خامنه‌ای نیست و «هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید میشود، خود موضوع مستقلی برای پرونده انتقام است.»

● او همچنین کشورهای همسایه را تهدید کرده و نوشته: «این کشورها باید تکلیف خود را با متجاوزین به وطن عزیزمان و قاتلین آحاد مردم ما معلوم کنند. من توصیه می‌کنم هر چه زودتر آن پایگاه‌ها را تعطیل کنند؛ چون لاید تا به حال فهمیده‌اند که ادعای برقراری امنیت و صلح از سوی آمریکا دروغی بیش نبوده است.»

● همچنان تصویر و ویدئویی از مجتبی خامنه‌ای پس از حمله اسرائیل و آمریکا به «بیت» در نهم اسفندماه منتشر نشده است.

مجتبی خامنه‌ای رهبر سوم جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۲۱ اسفندماه نخستین پیام خود را به صورت نوشتاری صادر کرد. این پیام پنج روز پس از اعلام رسمی نام او به عنوان رهبر حکومت و سیزده روز پس از مرگ پدرش، علی خامنه‌ای، منتشر شده است. همچنان تصویر و ویدئویی از او پس از حمله اسرائیل و آمریکا به «بیت» در نهم اسفندماه منتشر نشده است.

مجتبی خامنه‌ای در ابتدای این پیام ادعا کرده از طریق صداوسیما جمهوری اسلامی از نتیجه رأی مجلس خبرگان و انتخابش به عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی مطلع شده است.

او درباره ادامه جنگ نوشته باید تنگه هرمز به عنوان یک «اهرم» همچنان بسته بماند و اگر لازم است جبهه‌های جدید باز شود: «قطعاً همچنان از اهرم مسدود کردن تنگه هرمز باید استفاده شود. در مورد گشودن جبهه‌های دیگری که دشمن در آن تجربه ناچیزی دارد و به شدت در آن آسیب‌پذیر خواهد بود مطالعاتی صورت گرفته است و فعال‌سازی آن در صورت استمرار وضع جنگی و بنا بر رعایت مصالح صورت خواهد گرفت.»

مجتبی خامنه‌ای بر گرفتن «انتقام» تأکید کرده و نوشته

مجتبی خامنه‌ای، «آقازاده» ای که جانشین پدر شد

هاشمی در گفتگویی اشاره کرده بود که مجتبی قابلیت تبدیل شدن به بن سلمان جمهوری اسلامی، گشایش فضای اجتماعی و ایجاد اصلاحات بنیادین در ساختار حکومت را دارد. با اینهمه گزارش‌های مختلف از فسادهای مالی و شبکه‌های رانتی ایجاد شده توسط مجتبی خامنه‌ای در سالهای گذشته سبب مخالفت بسیاری از حکومتی‌ها با رهبری وی بوده است. از سوی دیگر «شائبه موروثی شدن رهبری» و شباهت آن به نظام «سلطنت» نیز از دیگر دلایل مخالفت‌ها با او عنوان شده است.

دونالد ترامپ که پیشتر توافق با رهبر مذهبی در جمهوری اسلامی پس از علی خامنه‌ای را محتمل دانسته اما تأکید کرده بود «پسر خامنه‌ای برای من غیرقابل قبول است»، اکنون پس از معرفی مجتبی به‌عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی در گفتگو تلفنی با تایمز اسرائیل گفته «خواهیم دید چه اتفاقی می‌افتد».

ترامپ پیشتر نیز گفته بود رهبر سوم جمهوری اسلامی

اما رسانه‌های داخلی یا مقامات حکومتی این خبر را تأیید یا تکذیب نکرده بودند. «ایران اینترنشنال» سه روز پس از مرگ علی خامنه‌ای در روز سه‌شنبه شب ۱۲ اسفند ۱۴۰۴ از قطعی شدن رهبری مجتبی خامنه‌ای با فشار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر مجلس خبرگان رهبری خبر داده بود. برخی گزارش‌ها حاکی از اختلاف بین اعضای مجلس خبرگان رهبری بر روی انتخاب مجتبی خامنه‌ای به علت بروز «شائبه موروثی بودن رهبر» بود.

علیرضا اعرافی، حسن روحانی و حسن خمینی از دیگر گزینه‌های رهبری سوم بودند.

مجلس خبرگان رهبری آرای کسب شده در انتخابات نهایی برای انتخابات رهبر را اعلام نکرده اما برخی خبرهای غیررسمی حکایت از آن دارد که حسن خمینی و حسن روحانی کمترین آرا را بدست آوردند. آرای مجتبی خامنه‌ای نیز حدود سه چهارم آرا را کسب کرده است.

روزنامه «نیویورک تایمز» هفته گذشته در گزارشی به

برخلاف آنکه شماری معتقدند اصلاح‌طلبان با رهبری مجتبی خامنه‌ای مخالف هستند، بخش قابل توجهی از آنها از سالها پیش مجتبی را بهترین گزینه برای جانشینی علی خامنه‌ای می‌دانستند. از جمله فائزه هاشمی رفسنجانی دختر اکبر هاشمی در گفتگویی اشاره کرده بود که مجتبی قابلیت تبدیل شدن به بن سلمان جمهوری اسلامی، گشایش فضای اجتماعی و ایجاد اصلاحات بنیادین در ساختار حکومت را دارد.

● مجتبی خامنه‌ای اگر چه شخصیت پشت پرده‌ای در حکومت به شمار می‌رفت، هیچ سمت رسمی حکومتی نداشت و تا کنون صدایش تنها در دروس حوزوی «خارج فقه» او شنیده شده و در مراسم رسمی سخنرانی نداشته اما از سکنداران امپراطوری علی خامنه‌ای به شمار می‌رود که شبکه فاسد و رانتی قدرت و ثروت بیت را طراحی کرد و پیش برد.

● مجتبی خامنه‌ای متولد شهریور ۱۳۴۸ است و در سن ۱۷ سالگی مدت کوتاهی در جبهه جنگ ایران و عراق حاضر شد و این حضور در گردان «حبیب» سرآغاز ایجاد شبکه مافیایی قدرت او شد.

● «بلومبرگ» به تازگی در یک گزارش تحقیقی اعلام کرد مجتبی خامنه‌ای طی بیش از یک دهه شبکه‌ای گسترده از سرمایه‌گذاری‌ها و املاک را در اروپا و خاورمیانه ایجاد کرده است. این گزارش او را به‌عنوان یکی از قدرتمندترین چهره‌های خاورمیانه توصیف کرده است.

● مجتبی خامنه‌ای فرزند دوم علی خامنه‌ای است که بر اساس گزارش‌ها محبوب‌ترین فرزند رهبر دوم جمهوری اسلامی بود. در دستنوشته‌ای که از علی خامنه‌ای منتشر شده مجتبی را «قره العینی» به معنای «نور چشم من» خوانده بود.

● برخی گزارش‌های غیررسمی از مجروح شدن او در پی حمله به «بیت» خامنه‌ای و حتی قطع شدن یکی از پاهایش حکایت دارد. شبکه خبر صداوسیما جمهوری اسلامی نیز شب گذشته در زیرنویس برنامه‌هایش او را به عنوان «جاناباز جنگ رمضان» خوانده است.

● در حالی مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی تعیین شده که دونالد ترامپ به‌طور واضح او را تهدید به ترور کرده است. اکنون باید دید طول عمر رهبری مجتبی خامنه‌ای چند ساعت، روز یا سال خواهد بود؟!

پس از ۹ روز از کشته شدن علی خامنه‌ای رهبر دوم جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان رهبری نام مجتبی خامنه‌ای را به‌عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی معرفی کرد. انتخابی که از سالها پیش مطرح بود و طی روزهای گذشته در خبرها و اظهاراتی رسمی و غیررسمی به آن اشاره شده بود. بر اساس گزارش‌ها او در حملات اخیر ایالات متحده و اسرائیل به شدت مجروح شده و صداوسیما او را «جاناباز جنگ رمضان» خوانده است.

مجلس خبرگان رهبری شامگاه یکشنبه ۱۷ اسفندماه اعلام کرد «بر اساس رأی قاطع نمایندگان» مجتبی خامنه‌ای را به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی «تعیین و معرفی» می‌کند.

طی روزهای گذشته خبر انتخاب مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی از سوی چند رسانه منتشر



نیز مانند علی خامنه‌ای ترور خواهد کرد. او البته چند روز پیش در گفتگو با خبرنگاران گفته بود همه گزینه‌های جانشینی خامنه‌ای در حملات حذف شده‌اند.

شاهزاده رضا پهلوی نیز روز پنجشنبه ۱۴ اسفندماه و در حالیکه از حسن خمینی و مجتبی خامنه‌ای به‌عنوان دو گزینه جدی جانشینی خامنه‌ای نام برده می‌شد در پیامی اعلام کرد: «هرگونه جانشین‌سازی برای خامنه‌ای، از پیش شکست خورده است و «هر نامی که معرفی شود، مجتبی باشد یا حسن، فاقد مشروعیت، و شریک کارنامه خونین این رژیم و رهبران جنایتکارش، خمینی و خامنه‌ای خواهد بود.» مجتبی خامنه‌ای فرزند دوم علی خامنه‌ای است که بر اساس گزارش‌ها محبوب‌ترین فرزند رهبر دوم جمهوری اسلامی بود. در دستنوشته‌ای که از علی خامنه‌ای منتشر شده مجتبی را «قره العینی» به معنای «نور چشم من» خوانده بود.

مجتبی خامنه‌ای اگر چه شخصیت پشت پرده‌ای در حکومت به شمار می‌رفت، هیچ سمت رسمی حکومتی نداشت و تا کنون صدایش تنها در دروس حوزوی

قلم فرناز فصیحی، به نقل از عبدالرضا داوری مشاور سابق محمود احمدی‌نژاد و از حامیان مجتبی خامنه‌ای نوشت، که اگر او جانشین پدرش شود، ممکن است به چهره‌ای شبیه محمد بن سلمان تبدیل شود.

با این همه یک روز بعد اما احمد خاتمی از اعضای خبرگان به طور ضمنی انتخاب جانشین خامنه‌ای را تکذیب کرد و به شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران گفت: «به جمع‌بندی نزدیک شده‌ایم و در اولین فرصت رهبر تعیین خواهد شد.» گزارش‌ها در حالی بر اختلاف نظر جریان‌های حکومتی بر انتخاب رهبر سوم نظام تأکید داشتند که ادعا می‌شد دلیل تأخیر در انتخاب و اعلام نام رهبر، وضعیت جنگی کشور است.

برخی دیگر از اعضای خبرگان رهبری اما در دو روز گذشته طی اظهاراتی به رهبری مجتبی خامنه‌ای اشاره کرده بودند. برخلاف آنکه برخی معتقدند اصلاح‌طلبان با رهبری مجتبی خامنه‌ای مخالف هستند، بخش قابل توجهی از آنها از سالها پیش مجتبی را بهترین گزینه برای جانشینی علی خامنه‌ای می‌دانستند. از جمله فائزه هاشمی رفسنجانی دختر اکبر

بازنشمر

آه که یک دیده‌ی بیدار نیست...

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۹۶) اسفند ۱۳۸۶



نمازخانه مجلل برای به جا آوردن سجدۀ شکر و سپاس از خالق متعال که هرچه صدام از درگاه الوهیتش طلب کرده مورد اجابت قرار داده است.

سویای همهٔ اینها، کشتی «قادسیه» به آخرین تجهیزات دفاعی به منظور مقابله با هر گونه تهدید احتمالی مجهز شده است. در حالی که تزئیناتش - از جمله شیرهای دستشویی - از طلای ناب است، یک سیستم پیچیدهٔ دفاع موشکی آن را از خطر حملهٔ «دشمن» حفاظت می‌کند. ضمناً یک راهروی مخفی در انتهای کشتی تعبیه کرده‌اند که به یک زیردریایی کوچک می‌پیوندد تا هر آینه کشتی به تصرف دشمن درآمد یا در خطر غرق شدن قرار گرفت، بتوان آن را سوار شد و از مهلکه گریخت.

وقتی انسان عکس کشتی را می‌بیند و این توضیحات را می‌خواند، ناگزیر به یاد آن سوراخی می‌افتد که «سید رئیس» را به هنگام گرفتار شدن، با وضعی که البته به یاد دارید - از درون آن بیرون کشیدند.

کجاست سخنوری که قدرت کلام و وسعت دید «سعدی» را داشته باشد و بگوید:

این که در شهنماها آورده‌اند

رستم و روئینه تن اسفندیار

تا بدانند این خداوندان مُلک

کز بسی خلق است دنیا یادگار

این همه رفتند و ما، ای شوخ چشم

هیچ نگرفتیم از ایشان اعتبار

آنچه دیدی بر قرار خود نهاد

وین چه بینی هم نماند برقرار

دیر و زود این شکل و شخص نازنین

خاک خواهد بودن و خاکش غبار

این همه هیچ است، چون می‌بگذرد

تخت و بخت و امر و نهی و گیر و دار

سال دیگر را که می‌داند حساب؟

یا کجا رفت آن که با ما بود پار

خفتگان بیچاره در خاک لحد

خفته اندر کَلَّةٔ سر، سوسمار

کشتی تفریحی صدام حسین که در معرض حراج اینترنتی قرار گرفته بود توقیف شد.

این کشتی را که به مدت بیست سال از نظرها پنهان بود، یک موسسهٔ انگلیسی متخصص معاملات سوپرلوکس با نام نسیم اقیانوس (Ocean Breeze) بر پایه ۲۴ میلیون یورو، از طریق اینترنت به حراج گذارده بود اما اردوان امیراصلانی وکیل دعاوی با ارائهٔ عرضحالی از سوی دولت عراق به دادگاه فرانسه، موفق شد حکمی دایر بر توقف حراج تحصیل کند. کشتی اینک در آبهای ساحلی «نیس» انتظار مراحل بعدی دادرسی را می‌کشد و تا زمانی که محقق شود صاحب واقعی آن کیست، در توقیف خواهد ماند.

به موجب ادعای دولت عراق، نسیم اقیانوس نام مجعولی است که بر کشتی تفریحی صدام حسین نهاده‌اند تا هویت واقعی آن را پنهان دارند.

کشتی ۲۸ متر طول دارد. قصر شناوری است که صدام حسین در سال ۱۹۷۹ آن را به دامکارک سفارش داد و در سال ۱۹۸۰ به آب افتاد؛ هنگامی که صدام حسین غرق غرور از نخستین پیروزی‌های خود در جنگ با ایران بود و به همین مناسبت کشتی را «قادسیه صدام» نام نهاد. جنگ هشت ساله، به صدام حسین فرصت نداد بر عرشهٔ «قادسیه» بنشیند و ویسکی بنوشد و سیگار برگش را پُک بزند. بیست سالی کشتی در گوشه‌ای از دریای سرخ، نزدیک جَدّه پنهان بود تا آن که ناگهان، در نوامبر سال ۲۰۰۷ با نام «نسیم اقیانوس» در آبهای ساحلی جنوب فرانسه ظاهر شد و آگهی حراج آن روی صفحهٔ «اینترنت» نقش بست.

کشتی، به معنای کلمه، قصری است شناور. هرگز هیچکس چنین جواهری غلتان بر روی آب نداشته است. دهها اطاق مفروش به فرشهای گرانبیقیمت و به همین تعداد، سالن‌های مزین به تزئینات خیره‌کننده، چندین استخر شنا و در حاشیه آنها، سوناها، متعده، قسمت مسکونی «قادسیه» را تشکیل می‌دهد. همچنین یک

«خارج فقه» او شنیده شده و در مراسم رسمی سخنرانی نداشته اما از اسکانداران امپراطوری علی خامنه‌ای به شمار می‌رود که شبکه فاسد و رانتی قدرت و ثروت بیت را طراحی کرد و پیش برد.

مجتبی خامنه‌ای متولد شهریور ۱۳۴۸ است و در سن ۱۷ سالگی مدت کوتاهی در جبهه جنگ ایران و عراق حاضر شد و این حضور در گردان «حبیب» سرآغاز ایجاد شبکه مافیایی قدرت او شد.

«بلومبرگ» به تازگی در یک گزارش تحقیقی اعلام کرد مجتبی خامنه‌ای طی بیش از یک دهه شبکه‌ای گسترده از سرمایه‌گذاری‌ها و املاک را در اروپا و خاورمیانه ایجاد کرده است. بر اساس این گزارش، این دارایی‌ها از طریق شرکت‌های پوششی و واسطه‌ها و با عبور منابع مالی از بانک‌هایی در بریتانیا، سوئیس، لیختن‌اشتاین و امارات تأمین شده و منشا اصلی آن‌ها «فروش نفت ایران» عنوان شده است.

نفوذ و توان مالی مجتبی حوزه‌هایی از حمل‌ونقل دریایی در خلیج فارس تا حساب‌های بانکی در سوئیس و املاک لوکس در بریتانیا به ارزشی بیش از ۱۰۰ میلیون پوند را در بر می‌گیرد. این شبکه شرکت‌ها بنا بر برخی برآوردها امکان انتقال میلیاردها دلار سرمایه به بازارهای غربی را فراهم کرده است؛ آن هم با وجود تحریم‌هایی که ایالات متحده در سال ۲۰۱۹ علیه او اعمال کرد.

«بلومبرگ» مجتبی خامنه‌ای را به‌عنوان یکی از قدرتمندترین چهره‌های خاورمیانه توصیف کرده است.

اکنون در حالی مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی تعیین شده که دونالد ترامپ به‌طور واضح او را تهدید به ترور کرده است. از سوی دیگر برخی گزارش‌های غیررسمی نیز از مجروح شدن او در پی حمله به «بیت» خامنه‌ای و حتی قطع شدن یکی از پاهایش حکایت دارد. شبکه خبر صداسویمی جمهوری اسلامی نیز شب گذشته در زین‌نویس برنامه‌هایش او را به عنوان «جانناز جنگ رمضان» خوانده است.

اکنون باید دید طول عمر رهبری مجتبی خامنه‌ای چند ساعت، روز یا سال خواهد بود؟!

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنكبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلیان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferndis Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌هایی که بی‌جواب ماند! هویدا اعدام شد و وزرای کابینه او در زندان انتظار مرگ را می‌کشیدند

تاریخ نشر در کیهان لندن: مهر تا آذر ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۲۴ تا ۹۳۳



تا زندان» حکایت کرده است. حکایتی به گفته فردوسی «پر آب چشم».

آذر آریانپور که با فرزندانش (روشنک و رامین و بابک) در آمریکا بسر می‌برد از خاندان معروف آریانپور کاشانی و خواهر شادروان دکتر امیرحسین آریانپور استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است. او پس از پایان تحصیلات دبیرستانی با شجاع الدین شیخ الاسلام زاده - پزشکی جوان - ازدواج کرد و به همراه وی برای ادامه تحصیلات روانه آمریکا شد.

در آمریکا، شیخ الاسلام زاده دوره تخصصی را در رشته جراحی استخوان گذراند و همسرش در رشته ادبیات انگلیسی و آموزش و پرورش لیسانس گرفت.

زندگی مشترک این دو، پس از آزادی شیخ الاسلام زاده از زندان، پایان گرفت، زیرا «شیخ» می‌خواست در ایران بماند و «آذر» در آمریکا ماندنی شده بود.

بخشی از کتاب «پشت دیوارهای بلند» را که به اوایل انقلاب - ششماه اول سال ۱۳۵۸ - مربوط می‌شود برای مطالعه شما برگزیده‌ایم.

دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام زاده، وزیر بهداشتی و بهزیستی در کابینه هویدا، از جمله دولتمردان رژیم گذشته بود که در سال ۱۳۵۷ هنگامی که اغتشاشات اوج می‌گرفت، به امید آرام کردن اوضاع، از طرف دولت وقت و به موجب مقررات حکومت نظامی بازداشت شدند.

در غوغای ۲۲ بهمن، تعدادی از آنان موفق به فرار شدند و جان خود را از خطر رهانیدند. دکتر شیخ الاسلام زاده به طوری که شاهدان عینی گواهی می‌دهند، شانس فرار را به دلیل پرداختن به یک سرباز زخمی از دست داد و سپس خود را به انقلابیون تسلیم کرد.

او خطر اعدام را بدین سبب که در زندان به خدمات پزشکی پرداخته و وجودش مورد نیاز بود، از سر گذراندید و در دادگاه انقلاب به حبس ابد محکوم شد. حکم صادره ابتدا به پانزده سال و سپس به پنج سال تخفیف یافت و وزیر پیشین، پس از ۵ سال از زندان آزاد شد.

همسر دکتر شیخ الاسلام زاده، آذر آریانپور، این سالهای رنج را در کتابی با عنوان «پشت دیوارهای بلند... از کاخ

همه در آپارتمان مادرم برای مراسم نوروز ۱۳۵۸ گرد آمدم. بساط هفت سین سنتی برقرار بود. علاوه بر هفت خوراکی که با حرف «سین» شروع می‌شدند، روی میز هفت سین یک جلد کلام‌الله مجید، یک آینه و دو شمع‌دان و ظرفی که محتوی چند ماهی بود، دیده می‌شدند.

مادرم همیشه در اجرای تشریفات نوروزی و تدارک مقدمات آن راه افراط می‌پیمود. در کودکی، نوروز برای من زیباترین روز سال محسوب می‌شد زیرا حاکی از فرا رسیدن بهار و شکوفه‌ها و خرید لباس عید و دید و بازدید و گرفتن عیدی بود. چون پدرم کلانتر طایفه خود بود، روز اول عید، اکثر خویشاوندانی که در تهران بودند، برای دیدن او به منزل ما می‌آمدند و ناهار را با ما صرف می‌کردند. مادرم با انواع غذاها از آنها پذیرایی می‌کرد.

آن گاه پدر و مادرم به همه بچه‌ها و برخی از بزرگترها عیدی می‌دادند. معمولاً عیدی به صورت اسکناس و گاهی سکه نقره یا حتی سکه طلا بود. مدت دوازده روز دید و بازدید ادامه می‌یافت، و در روز سیزدهم، مطابق رسمی کهن از شهر خارج می‌شدیم و در باغ یا کشتزاری جشن می‌گرفتیم.

در نوروز امسال در قلب من از نشاط گذشته اثری نبود. جای خالی شجاع را به شدت حس می‌کردم.

پس از تحویل سال، به جای شاه، رئیس دولت اسلامی، خطاب به ملت ایران پیام نوروزی فرستاد و وعده اصلاحات فراوان داد. اما در آن وقت نشانی از آن دیده نشد.

با این که سه سال از فوت پدرم می‌گذشت، اقوام پدری همه برای عید دیدنی به منزل مادرم آمدند. به محض آمدن مهمان‌ها، من سوار اتومبیل شدم و مدتی بی‌هدف در خیابان‌های خالی از جمعیت تهران راندم. ناگاه خود را مقابل زندان قصر یافتم. در نقطه‌ای اتومبیل را متوقف کردم و به دیوار بلندی که مرا از شوهرم جدا کرده بود، خیره شدم



دکتر شجاع‌الدین شیخ الاسلام زاده و همسرش آذر آریانپور (سال ۱۳۵۵)

تفتیش زندانبان آزادانه با شجاع مکاتبه بکنیم؟ از چند روز قبل مدارس باز شده بودند و بابک هم مثل سایر دانش‌آموزان پس از چند ماه تعطیلی، به مدرسه بازگشته بود. اما روحیه‌اش خوب نبود و به ندرت لبخند می‌زد.

وضع روشنک و رامین هم تعریفی نداشت و از عاقبت پدرشان نگران بودند. از شدت استیصال تصمیم گرفتم که به آیت‌الله طالقانی متوسل بشوم. طالقانی پیش مردم از

و در دلم گفتم: شجاع جان! سال نو مبارک باشد. غصه نخور. سالهای بهتری در پیش خواهیم داشت!

پس از چند بار مراجعه به زندان قصر و نومید شدن، بالاخره در هفته سوم، مامور نگهبانی به فهرست اسامی نظر انداخته و با لحن خشک و بی‌تفاوتی اعلام کرد:

«شیخ الاسلام زاده، بند ۴».
قلبم از شادی تکان خورد. بالاخره موجودیت شجاع



از مأمور نگهداری خواهش کردم که وضعیت شوهرم را با من در میان بگذارد. نگاهی به فهرست خود کرد و اعلام داشت که ممنوع‌الملاقات است.

با دستپاچی پرسیدم:

«منظورتان از ممنوع‌الملاقات چیست؟»

با تفرعن آمیخته به ترجم نگاهم کرد و گفت:

«یعنی که زندگی‌اش به تار مویی بسته است. حالا برو و

بگذار به کارمان برسیم!»

آشفته حال روانه دفتر کار برادر امیرهوشنگ شدم. پشت رل پاهایم می‌لرزید. او پس از استعفا از نیروی دریایی با کمک چند نفر از دوستانش یک شرکت کوچک کشتی‌سازی به نام «شناوه» تأسیس کرده بود که بر اثر انقلاب دچار رکود شده بود. مرا که دید با نگرانی پرسید:

«خواهر، چی شده؟ خیلی مضطرب به نظر می‌رسی؟»

نفس زنان گفتم:

«هوشنگ، شجاع ممنوع‌الملاقات است. یعنی در صف اعدامی‌ها قرار دارد!»

دستم را گرفت و گفت:

«بیخود دستپاچه نشو. شاید به دلایل دیگری به او ملاقات نمی‌دهند. بگذار از یکی از دوستانم که در دستگاه جدید مقامی دارد، تحقیق بکنم و نتیجه‌اش را به تو خبر بدهم.»

به خانه برگشتم ولی از شدت نگرانی نتوانستم آرام بگیرم. ناگزیر قلم و کاغذ برداشتم و خطاب به حجت الاسلام دکتر مفتاح، تنها فردی که از رژیم اسلامی می‌شناختم، نامه پرمعنائی نوشتم که با جملاتی از نهج‌البلاغه حضرت علی شروع می‌شد. در خاتمه از آن مقام روحانی استدعا کردم که وسایل ملاقات مرا با شوهرم ترتیب بدهد. نامه را که تمام کردم، کمی آرامش یافته‌ام.

در اواسط فروردین پس از یک فریاد عمومی، اکثریت مردم ایران به جمهوری اسلامی رأی دادند و بازرگان رسماً به مقام ریاست دولت منصوب شد.

چهار روز پس از برقراری جمهوری اسلامی، امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر دوران شاه، در دادگاه انقلاب اسلامی مفسد فی‌الارض و محارب با خدا شناخته شد و اعدام گردید. تصویر جسد متلاشی‌شده او زینت بخش صفحه اول روزنامه‌ها بود. او دیدن آن دست و پایم سست شدند. یاد دوران قدرت آن مرد افتادم. حالا چه مفلوک به نظر می‌رسید!

با اعدام هویدا، تیرباران وزرای کابینه او نیز امری محتمل به نظر می‌رسید. اگر شجاع را اعدام می‌کردند، من چه می‌توانستم بکنم؟

از فرط آشفتگی خانه مادرم را ترک کردم و پس از مدت‌ها به خانه متروک خودمان رفتم، احتیاج داشتم که تنها باشم. در اتاق نشیمن که تمام پنجره‌هایش با خشم مردم شکسته بود، آلبومی را از قفسه بیرون آوردم و به تماشای عکس‌هایی از شجاع و هویدا از مراسم مختلف مشغول شدم.

یکی از تصاویر هویدا و شجاع را جلوی کاخ نیاوران نشان می‌داد و لحظه‌ای پس از انتصاب شجاع به وزارت رفاه برداشته شده بود. آن را که یادآور لحظه خوشی بود و حوادث ناخوشی را در پی داشت، نگهداشتم. بقیه عکس‌های دوران وزارت شجاع را با خشم پاره کردم و در ظرفی آتش زدم. گویی می‌خواستم که هر گونه ارتباط شجاع را با رژیم گذشته از میان ببرم. گویی می‌کوشیدم که مسیر سرنوشت او را تغییر بدهم. **دنباله دارد**

مدیران کل دستگاه‌های مرکزی که امتیازات خود را در خطر دیدند، آغاز به کارشکنی کردند.

۵ - وی با ابتکار اصل «مزد در مقابل خدمت»، گروهی از اطباء خودکامه را از خود ناراضی کرد که آنها نیز به نوبه خود به سم‌پاشی پرداختند.

۶ - دکتر شیخ الاسلام زاده سازمان بیمه‌های اجتماعی را علیرغم مخالفت رؤسای آن که بودجه عظیمی را حیف و میل می‌کردند به وزارت بهداری و بهزیستی ضمیمه کرد و به برکت بودجه آن، از انکاء وزارت بهداری و بهزیستی به بودجه کشور کاست و توانست صدها هزار نفر از کارگران و سایر مردم را مشمول بیمه‌های درمانی گرداند.

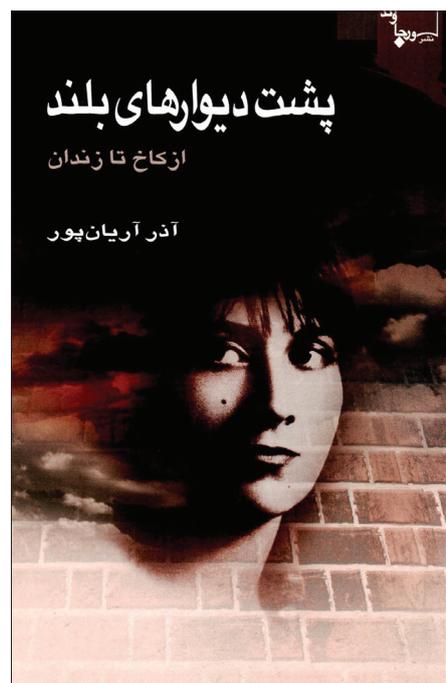
بدیهی است که این اعمال خداپسندانه عده ای را که از خوان یغمای سازمان پیشین بیمه‌های اجتماعی بهره‌ور می‌شدند، به دشمنی برانگیخت و سرانجام به برکناری همسر از وزارت بهداری و بهزیستی و همچنین، به بازداشت‌اش منجر گردید.

اکنون از آن مقام محترم خواستارم که هرچه زودتر همسر را از بند ظلم رژیم پیشین برهاند و برای اعاده حیثیت او دستور مقتضی صادر بکند.

خدا و خلق پشتیبان دادگران باشد!

آذر شیخ الاسلام زاده

نامه‌هایی به آیت‌الله طالقانی و دادستان انقلاب اسلامی بی‌جواب ماند. در این میان حادثه دیگری مزید بر علت شد و بر نگرانیم افزود. خانم روحانی، همسر وزیر سابق آب و برق تلفنی خبر داد که به شوهرش اجازه ملاقات داده‌اند.



صدایش از ذوق می‌لرزید. به او تبریک گفتم و برایش ملاقات خوشی آرزو کردم. با سادگی مخصوص به خودش پرسید:

«چه طور به تو ملاقات نداده‌اند؟ امروز خانم خلعت‌بری و چند نفر دیگر هم اجازه گرفتند که از همسرهایشان دیدن کنند. آیا دکتر شیخ ممنوع‌الملاقات است؟»

از تذکر او به فکر افتادم که شاید مسئولان زندان نتوانسته‌اند با من تماس بگیرند. پس از خداحافظی با خانم روحانی، بدون معطلی به دفتر زندان قصر مراجعه کردم و

محبوبیت خاصی برخوردار بود. سابقه فعالیت‌های سیاسی او علیه شاه و مخالفت او با اعدام‌های سریع اخیر در اکثر مردم تأثیر مطلوب باقی گذاشته بود.

اطراف خانه آیت‌الله طالقانی از مشتاقان پرازدحام بود. متأسفانه خودش به علت کسالت ناشی از کهولت و شکنجه‌های ممتد زندانهای دوران شاه قادر به پذیرفتن افراد نبود. ناچار نامه‌ای را که برایش نوشته بودم، به رئیس دفترش تحویل دادم و سپس به دفتر دادستان انقلاب اسلامی مراجعه کردم. آنجا هم موفق به دیدن او نشدم و نامه دیگری به شرح زیر به منشی‌اش دادم:

حضور دادستان محترم انقلاب اسلامی

اجازه می‌خواهم به عنوان همسر دکتر سید شجاع‌الدین شیخ الاسلام زاده که از دوره حکومت شریف امامی به ناحق در زندان به سر می‌برد، در محضر آن جناب دادخواهی کنم. مفاد دادخواهی بنده از این قرار است:

دکتر سید شجاع‌الدین شیخ الاسلام زاده، پس از ایجاد سازمان عالم‌المنفعه توان بخشی که هزاران فرد ناقص‌الخلقه یا سانحه دیده را از صحت و قدرت کار برخوردار گردانید، در سال ۱۳۵۴ به دعوت نخست‌وزیر وقت نخست‌وزارت رفاه و سپس وزارت بهداری و بهزیستی را پذیرفت.

در عین حق پرستی و بشردوستی برای اصلاح آن دستگاه آشفته که از سال‌ها پیش به صورت تیول «بنگاه خدمات اجتماعی» اشرف پهلوی و «شیر و خورشید سرخ» شمس پهلوی و «نظام پزشکی» دکتر اقبال درآمد و عرصه تاخت و تاز ساواک و کمپانی‌های داروسازی شده بود، تلاش کرد. در ضمن مبارزه با این عوامل مخرب و در جریان اصلاح مؤسسات اداری و فنی و درمانی بهداری و بهزیستی، وی به تأسیس بیمارستان‌های جدید و فراخواندن پزشکان ایرانی مقیم خارج و برقرار ساختن سازمان مفید اورژانس پرداخت. اما برای خود دشمنان قهاری نیز تراشید. با رهبری جعفر شریف امامی نخست‌وزیر سابق، او را به جرم «ایجاد ناراضی» به زندان انداختند و نامش را در فهرست غارتگران ارز قرار دادند.

در ذیل شمه‌ای از خدمات بی‌شائبه شوهرم را که منجر به دستگیری‌اش شد، برایتان شرح می‌دهم:

۱ - دکتر شیخ الاسلام زاده دست تجاوز نظام پزشکی را که به سود گروهی اطبایی از خدا بی‌خبر فعالیت می‌کرد، کوتاه گردانید و با این عمل آنها را به دشمنی و تبلیغات سوء از طریق مطبوعات واداشت.

۲ - او با طبقه‌بندی داروها یعنی تعیین داروهای درمان بخشی هر بیماری و جلوگیری از ورود و پخش و فروش داروهای بی‌فایده و احیاناً زیان‌بخش، بهره‌کشی ظالمانه شرکت‌های دارویی داخلی و خارجی را محدود کرد و مسبب دشمنی آنان گردید.

۳ - وی در حین قطع اجحافات، با مخالفت رؤسای ساواک که منافع خصوصی خود را در خطر می‌دیدند، رو به رو گردید. اما زیر تحمیلات آنان نرفت و علیرغم اصرار ثابتی، معاون ساواک حاضر به ارجاع مقام معاونت وزارت بهداری و بهزیستی به برادر او نشد. دشمنی ساواک وقتی شدت یافت که دکتر شیخ الاسلام زاده به اشاره نخست‌وزیر، به وسیله چند طبیب مورد اعتماد، بعضی از زندانیان شکنجه دیده را مورد معاینه و درمان قرار داد.

۴ - وزیر سابق بهداری و بهزیستی برای توزیع عادلانه خدمات درمانی و رفاهی، اصل عدم تمرکز را به میان نهاد و دامنه خدمات محلی را بسط داد. در این جریان بسیاری از

واشنگتن پست: گمانه‌زنی‌ها درباره اعزام نیروهای لشکر «۸۲ هوابرد» آمریکا به خاورمیانه



نیروهای لشکر «۸۲ هوابرد» آمریکا

دیلی میل:

افشای املاک ۵۰ میلیون پوندی پسر علی خامنه‌ای مشرف به سفارت اسرائیل در لندن

● بر اساس تحقیقات شبکه خبری بلومبرگ، مجتبی خامنه‌ای مالک دو آپارتمان لوکس در منطقه کنزینگتون است که کمتر از ۵۰ متر با ساختمان سفارت اسرائیل در لندن فاصله دارند.

● کارشناسان امنیتی هشدار داده‌اند نزدیکی این املاک می‌تواند امکان نظارت، عکسبرداری و حتی شنود ارتباطات سفارت رافراهم کند و آن را به «سکوی داغی پایش» تبدیل نماید. ● گزارش‌ها نشان می‌دهد این املاک از طریق شرکت‌های صوری ثبت شده در Isle of Man و با واسطه‌گری یک سرمایه‌دار ایرانی خریداری شده‌اند و ارزش مجموعه‌ی دارای‌های مرتبط با این شبکه در بریتانیا به صدها میلیون پوند می‌رسد.

● دیلی میل در گزارشی که یکشنبه هشتم مارس منتشر کرده، نوشته است: «پسر علی خامنه‌ای، رهبر دیکتاتور رژیم جمهوری اسلامی ایران که اخیراً کشته شد، مالک دو آپارتمان لوکس مشرف به سفارت اسرائیل در لندن است. موضوعی که شامگاه شبیه فاش شد و کارشناسان نسبت به آن به عنوان «نقصی جدی در مسائل امنیتی» هشدار داده‌اند.

● این افشاگری در حالی منتشر می‌شود که پلیس بریتانیا همزمان چند مظنون ایرانی را به ظن جاسوسی برای حکومت ایران بازداشت کرده و نگرانی‌ها درباره فعالیت‌های اطلاعاتی تهران در بریتانیا افزایش یافته است.

مجتبی خامنه‌ای که از او بعنوان رهبر جدید جمهوری اسلامی یاد می‌شود، مالک این املاک در منطقه کنزینگتون در غرب لندن است. املاکی که ارزش آنها بیش از ۵۰ میلیون پوند برآورد شده است.

این آپارتمان‌ها که در طبقات ششم و هفتم ساختمان قرار دارند و در طبقه همکف نیز دارای بخش ویژه‌ی اقامت خدمتکاران هستند، تنها در فاصله‌ی بسیار کوتاه از کاخ کنزینگتون، اقامتگاه رسمی شاهزاده ویلیام و همسرش کاترین واقع شده‌اند.

گفته می‌شود مجتبی خامنه‌ای، ۵۶ ساله، از سال ۲۰۱۴ مالک این دو آپارتمان بوده‌است، اما مالکیت او تنها پس از یک تحقیق یک ساله از سوی شبکه خبری بلومبرگ آشکار شد. این گزارش همچنین فاش می‌کند که خامنه‌ای از طریق یک واسطه و یک شرکت صوری ثبت شده در جزیره‌ی من، مالک ۱۱ عمارت در منطقه همپستد در شمال لندن نیز هست. بر پایه‌ی این تحقیقات، مجتبی خامنه‌ای در نقاط مختلف جهان مجموعه‌ای از املاک گرد آورده‌است که ارزش

اعزام شود. ستاد این لشکر مسئول برنامه‌ریزی و هماهنگی چنین عملیات‌هایی است.

به گفته مقام‌های آمریکایی، هنوز هیچ دستور رسمی برای اعزام نیرو صادر نشده است. با این حال تصمیم غیرمنتظره برای لغو رزمایش - که قرار بود در پایگاه فورت پولک در ایالت لوئیزیانا برگزار شود - باعث شده برخی در وزارت دفاع احتمال دهند نیروی واکنش سریع این لشکر ممکن است برای مأموریتی در خاورمیانه فراخوانده شود.

پنتاگون در بیانیه‌ای کوتاه از ارائه جزئیات خودداری کرده و اعلام کرده است به دلیل ملاحظات امنیت عملیاتی درباره جابه‌جایی‌های احتمالی نیروها اظهار نظر نمی‌کند. فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا که عملیات در خاورمیانه را هدایت می‌کند نیز از پاسخ‌گویی در این باره خودداری کرده است.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، درباره احتمال اعزام نیروهای زمینی به ایران مواضع متفاوتی مطرح کرده است. او گفته است احتمالاً نیازی به نیروهای زمینی نخواهد بود، اما در عین حال این گزینه را نیز کاملاً رد نکرده است. کارولین لویت سخنگوی کاخ سفید، نیز گفته اعزام نیروهای زمینی «در برنامه فعلی نیست»، اما این گزینه از روی میز برداشته نشده است. در میان گزینه‌های احتمالی در صورت ورود نیروهای زمینی، برخی تحلیلگران به جزیره خارک اشاره کرده‌اند؛ جزیره‌ای در خلیج فارس که حدود ۹۰ درصد صادرات نفت ایران از آن عبور می‌کند.

تصرف این جزیره می‌تواند ضربه بزرگی به اقتصاد جمهوری اسلامی وارد کند، هرچند نیروهای آمریکایی در آن صورت در معرض حملات ایران قرار خواهند گرفت.

با این حال اعزام نیروهای زمینی می‌تواند برای دولت آمریکا از نظر سیاسی پرهزینه باشد. بر اساس یک نظرسنجی شبکه سی‌ان‌ان، تنها ۱۲ درصد از آمریکایی‌ها از اعزام نیرو به ایران حمایت می‌کنند، در حالی که ۶۰ درصد با آن مخالف‌اند.

● روزنامه «واشنگتن پست» گزارش داد ارتش آمریکا در روزهای اخیر به‌طور ناگهانی یک رزمایش مهم مربوط به ستاد فرماندهی «لشکر ۸۲ هوابرد» را لغو کرده است؛ اقدامی که در داخل پنتاگون گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال اعزام نیروهای بیشتر به خاورمیانه در پی گسترش جنگ با جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است.

● لشکر ۸۲ هوابرد که در پایگاه فورت براگ در کارولینای شمالی مستقر است، یکی از نیروهای نخبه ارتش آمریکا به شمار می‌رود و یک تیپ رزمی حدود چهار تا پنج هزار نفره دارد که می‌تواند ظرف ۱۸ ساعت برای مأموریت‌هایی مانند تصرف فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های حیاتی، تقویت امنیت سفارتخانه‌های آمریکا یا اجرای عملیات تخلیه اضطراری اعزام شود.

● پنتاگون در بیانیه‌ای کوتاه از ارائه جزئیات خودداری کرده و اعلام کرده است به دلیل ملاحظات امنیت عملیاتی درباره جابه‌جایی‌های احتمالی نیروها اظهار نظر نمی‌کند. فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا که عملیات در خاورمیانه را هدایت می‌کند نیز از پاسخ‌گویی در این باره خودداری کرده است.

روزنامه «واشنگتن پست» گزارش داد ارتش آمریکا در روزهای اخیر به‌طور ناگهانی یک رزمایش مهم مربوط به ستاد فرماندهی «لشکر ۸۲ هوابرد» را لغو کرده است؛ اقدامی که در داخل پنتاگون گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال اعزام نیروهای بیشتر به خاورمیانه در پی گسترش جنگ با جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است.

لشکر ۸۲ هوابرد که در پایگاه فورت براگ در کارولینای شمالی مستقر است، یکی از نیروهای نخبه ارتش آمریکا به شمار می‌رود و یک تیپ رزمی حدود چهار تا پنج هزار نفره دارد که می‌تواند ظرف ۱۸ ساعت برای مأموریت‌هایی مانند تصرف فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های حیاتی، تقویت امنیت سفارتخانه‌های آمریکا یا اجرای عملیات تخلیه اضطراری

بعد نیز اقدام به خرید این آپارتمان‌ها نمود. بر اساس اسناد اداری ثبت املاک و مدارک شرکتی، خانه‌های واقع در همپستد از طریق یک شرکت صوری به نام ونچرز پرچ با مسئولیت محدود در جزیره من ثبت و خریداری شده است. شرکتی که مالک ذی نفع آن علی انصاری معرفی گردیده است.

افزون بر این، فاصله کمتر از ۵۰ متر می‌تواند امکان نفوذ به شبکه‌های بی‌سیم سفارت و نظارت بر ترافیک اینترنتی آن را نیز فراهم کند. راجر مک میلان، کارشناس مبارزه با تروریسم و مدیر پیشین امنیت در شبکه ماهواره‌ای مخالف جمهوری اسلامی، «ایران اینترنت‌نشال» گفته است: «رژیم ایران از فاصله‌های کمتر

→ آنها به صدها میلیون پوند می‌رسد. بر اساس این تحقیق، منابع مالی خرید این املاک از برنامه‌ی فروش نفت ایران برای دور زدن تحریم‌ها تأمین شده است. افشای مالکیت دو آپارتمان مشرف به ساختمان سفارت اسرائیل در لندن توسط مجتبی‌ی خامنه‌ای که از چهره‌های بانفوذ در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به‌شمار می‌رود،



بر پایه‌ی این گزارش، خزانه‌داری بریتانیا از ماه اکتبر سال گذشته بر هر سیزده ملک، از جمله املاک واقع در کنزینگتون، محدودیت حقوقی اعمال کرده است. اقدامی که مانع از فروش این املاک می‌شود. این محدودیت‌ها پس از آن وضع شد که علی انصاری از سوی خزانه‌داری تحریم شد. نهادی که او را «بانکداری فاسد» توصیف کرده و مدعی است وی در تأمین مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش داشته است. شامگاه شنبه هفتم مارس، سفارت اسرائیل از اظهار نظر در این باره خودداری کرد.

سخنگوی سازمان «شفافیت بین‌الملل» گفت: «اکنون می‌دانیم که رهبران سیاسی جمهوری اسلامی ایران طی ده سال گذشته سرمایه‌گذاری قابل توجهی در بریتانیا انجام داده‌اند.»

او افزود: «ناکامی در ایجاد سازوکارهای مؤثر برای مقابله با پولشویی در بریتانیا می‌تواند پیامدهایی جدی برای امنیت ملی به‌همراه داشته باشد و نظام مالی کشور را در برابر رهبران دولت‌های خصمانه و فاسدسالار و نیز افرادی که منابع مالی این رژیم‌ها را تأمین می‌کنند، آسیب‌پذیر سازد.» در همین حال، راجر گرشن، وکیل علی انصاری، گفت: «آقای انصاری به‌شدت هرگونه رابطه‌ی مالی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا با پسر رهبر پیشین جمهوری اسلامی را رد می‌کند و قصد دارد تصمیم دولت بریتانیا برای اعمال تحریم‌ها علیه خود را به چالش بکشد.»

منبع: دیلی میل
ترجمه: کیهان لندن

از ۵۰ متر، دید مستقیمی به پشت ساختمان سفارت اسرائیل دارد.»

او افزود: «این آپارتمان‌ها را با خط دید مستقیم و از طریق مجتبی‌ی خامنه‌ای در اختیار قرار دارند. این دیگر صرفاً مجموعه‌ای از املاک نیست، بلکه در عمل به یک سکوی دائمی برای نظارت و پایش تبدیل شده است و یک رخنه جدی امنیتی به‌شمار می‌رود.»

گفته می‌شود، ارزش دو آپارتمان نزدیک سفارت اسرائیل و همچنین یازده ملک دیگر در خیابان بیشاپز آونیو در همپستد که به «ردیف میلیاردها» شهرت دارد، در مجموع حدود ۲۰۰ میلیون پوند برآورد می‌شود.

به‌نظر می‌رسد بیشتر این املاک خالی مانده‌اند و چند مورد از آنها نیز در وضعیت متروکه قرار دارند.

املاکی که در خیابان خصوصی به نام «پلیس گرین» واقع شده‌اند، به دلیل حضور سفارتخانه‌ها و ساکنان فوق‌ثروتمند آن، شبانه‌روز تحت حفاظت پلیس و نیروهای امنیتی خصوصی قرار دارند. عکاسی در این خیابان نیز به سبب ملاحظات امنیتی مرتبط با سفارت اسرائیل و ساکنان بسیار مرفه آن ممنوع است.

بر پایه گزارش بلومبرگ نیز، این آپارتمان‌ها از طریق فردی مورد اعتماد به نام علی انصاری، سرمایه‌دار ایرانی و دوست نزدیک خانواده، در اختیار قرار گرفته‌اند.

این دو آپارتمان در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ به ترتیب به بهای ۱۶٫۷ میلیون پوند و ۱۹ میلیون پوند خریداری شده‌اند. گفته می‌شود علی انصاری پس از آنکه در سال ۲۰۱۳ یازده ملک در منطقه همپستد را به نمایندگی از مجتبی‌ی خامنه‌ای و به ارزش مجموعاً ۷۳ میلیون پوند خریداری کرد، اندکی

نگرانی‌های جدی امنیتی برانگیخته است. نگرانی‌هایی مبنی بر اینکه این واحدها ممکن است برای رصد و عملیات جاسوسی علیه مأموریت دیپلماتیک اسرائیل، مورد استفاده قرار گرفته باشند.

این خبر در حالی منتشر می‌شود که باامداد جمعه چهار ایرانی در شمال لندن به ظن جاسوسی برای دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شدند.

این افراد که ایرانی و دارای تابعیت دوگانه ایرانی-بریتانیایی هستند، مظنون‌اند که «افراد یهودی و اماکن آنان» را زیر نظر گرفته باشند. گفته می‌شود این مکان‌ها احتمالاً کنیسه‌هایی در لندن بوده و افراد مورد نظر نیز ممکن است از میان عبادت‌کنندگان بوده باشند.

همچنین شش نفر دیگر در منطقه هرو در شمال‌غربی لندن به ظن معاونت و همکاری با یک متهم بازداشت شدند. با این حال، منابع آگاه اعلام کرده‌اند که این شش نفر به هیچ طرح یا توطئه‌ای مرتبط دانسته نشده‌اند.

یک کارشناس امور تروریسم و امنیت نیز شامگاه شنبه اعلام کرد که این آپارتمان‌های واقع در کنزینگتون، که در فاصله‌ی کمتر از ۵۰ متر در پشت ساختمان سفارت اسرائیل قرار دارند، می‌توانند برای زیر نظر گرفتن و عکسبرداری از کارکنان و مراجعه‌کنندگان به سفارت مورد استفاده قرار گیرند. به گفته‌ی این کارشناس، نزدیکی این آپارتمان‌ها به ساختمان سفارت اسرائیل می‌تواند امکان نشود گفتگوهای کارکنان آنجا را در فضای باز باغ فراهم کند و حتی زمینه استفاده از فناوری‌های پیشرفته، از جمله پایش ارتعاشات پنجره‌ها با لیزر برای استخراج گفتار از داخل ساختمان، را نیز مهیا سازد.

افشاگری تلگراف: اقامت یک میلیون پوندی مجتبی خامنه‌ای و همسرش در لندن برای درمان ناباروری با همراهی سعید امامی



سعید امامی

همراهی با سعید امامی

در این سفر، فردی به نام سعید امامی نیز آنان را همراهی می‌کرد. فردی که به مجتبی خامنه‌ای نزدیک بود. امامی پیش از انقلاب ۱۳۷۹ در ایالات متحده تحصیل کرده بود و پس از بازگشت به ایران به وزارت اطلاعات پیوست. او بعدها به عنوان یکی از چهره‌های اصلی قتل‌های زنجیره‌ای ایران و مسئول مجموعه‌ای از ترورهای روشنفکران و مخالفان سیاسی بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸ شناخته شد. امامی در سال ۱۹۹۹ بازداشت و به جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل متهم شد و اندکی بعد، در ۲۰ ژوئن همان سال، در سن ۴۱ سالگی در زندان با خوردن سم جان خود را گرفت. برخی از مخالفان جمهوری اسلامی معتقدند حکومت برای جلوگیری از افشای نقش مقامات در این قتل‌ها او را از میان برده است.

همسر او، فهیمه دُرّی نوگروانی، که همراه با امامی به اتهام جاسوسی بازداشت شده بود، در بازجویی‌های خود گفته بود که شوهرش رابطه نزدیکی با مجتبی خامنه‌ای داشته و به سفر او به بریتانیا نیز اشاره کرده بود. تصاویر مربوط به این بازجویی‌ها که گفته می‌شود بخشی از حدود ۳۰۰ ساعت بازجویی خشن است، بعدها توسط افرادی نزدیک به محمود احمدی نژاد، رئیس‌جمهور پیشین ایران، در اینترنت منتشر شد.

دری‌نوگرانی در یکی از این بازجویی‌ها گفته بود: «آقای مجتبی و مادرش به دلیل شخصیت قابل تحسین سعید، بسیار به او علاقه‌مند شده بودند. حتی پیش از بازداشت سعید، آقای مجتبی شخصا مرتب با او تماس می‌گرفت و می‌گفت: «چرا نمی‌آیی با ما وقت بگذرانی؟»

او همچنین گفته بود: «من فقط می‌دانستم که آنها در مأموریتی هستند. به من گفته شده بود فردی که با سعید در ارتباط است، وضعیت آنها را به من اطلاع خواهد داد، اما نمی‌دانستم آن شخص چه کسی است.»

یک فرد جدا شده از حکومت که نخواست نامش



سوی حکومت ایران تأمین شده بود.

در جریان این سفر، همسر تازه‌ی او، زهرا حدادعادل، برای درمان ناباروری تحت مداوا قرار گرفت. چند ماه بعد، او پسری به دنیا آورد که «باقر» نام گرفت. کودکی که بنا بر گفته‌ی کسانی که از این سفر محرمانه اطلاع داشتند، به «پسر یک میلیون پوندی» شهرت یافت.

این جزئیات در پی افشاگری‌های یک فرد جدا شده از حکومت و همچنین بررسی نوارهای بازجویی‌های طولانی از زندانیان سیاسی که توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی انجام شده و روزنامه تلگراف به آنها دست یافته، آشکار شده است. انتشار این اطلاعات در حالی صورت می‌گیرد که ارتباطات احتمالی رهبر آینده‌ی جمهوری اسلامی با بریتانیا زیر ذره‌بین قرار گرفته است.

بر اساس این گزارش‌ها، زهرا حداد عادل و پسرشان باقر همراه با علی خامنه‌ای در حملات مشترک اسرائیل و آمریکا در روز شنبه کشته شدند. حملاتی که ساختار رهبری جمهوری اسلامی را دچار تحول کرده و زمینه را برای جانشینی مجتبی خامنه‌ای فراهم ساخته است. به گفته‌ی منابع آگاه، مجتبی خامنه‌ای دهه هاست که خود را برای چنین لحظه‌ای آماده کرده است. سفر سال ۱۹۹۸ به لندن نخستین سفر مجتبی خامنه‌ای و همسرش زهرا به خارج از ایران تلقی می‌شود. گفته می‌شود این زوج در آن زمان با مشکلاتی در زندگی مشترک خود روبرو بودند و بحث‌های مکرری به دلیل مشکل ناباروری زهرا میان آنها رخ می‌داد. مجتبی خامنه‌ای که به دنبال داشتن وارث بود و حتی به جدایی از همسرش می‌اندیشید، سرانجام تصمیم گرفت او را برای درمان به لندن ببرد.

در این سفر، ۲۰ محافظ، سه خدمتکار زهرا، مادر او و دو خدمتکار دیگر نیز همراه آنان بودند. بر اساس نوارهای بازجویی که تلگراف بررسی و افشا کرده است، این گروه برای مدت دو ماه یک طبقه‌ی کامل از هتل Sheraton Grand در پارک لین لندن را اجاره کرده بودند.

● مجتبی خامنه‌ای، فرزند رهبر پیشین ایران، در تابستان ۱۹۹۸ برای درمان ناباروری همسرش به لندن سفر کرد و دو ماه در هتل لوکس در خیابان پارک لین اقامت داشت، هزینه‌ای که گفته می‌شود از منابع حکومت ایران تأمین شده بود. ● در این سفر، سعید امامی، مقام پیشین وزارت اطلاعات و یکی از عاملان قتل‌های زنجیره‌ای مخالفان، مجتبی خامنه‌ای را همراهی می‌کرد؛ حضور این چهره‌ی امنیتی در لندن نگرانی‌ها درباره‌ی اهداف سفر را تشدید کرده است.

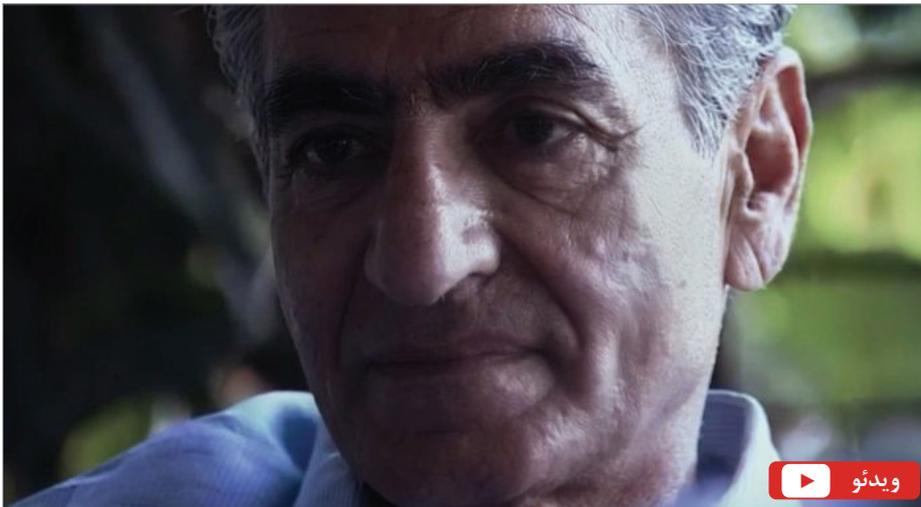
● همسر مجتبی خامنه‌ای، زهرا حدادعادل، در طول اقامت لندن تحت درمان ناباروری قرار گرفت و فرزندی به نام باقر به دنیا آورد که رسانه‌ها او را «پسر یک میلیون پوندی» لقب داده‌اند.

● تحقیقات نشان می‌دهد مجتبی خامنه‌ای مالک املاک لوکس در لندن به ارزش ۱۰۰ میلیون پوند و همچنین ویلایی در دبی و هتل‌هایی در فرانکفورت و مایورکا است؛ منابع مالی این دارایی‌ها از فروش نفت ایران و با عبور از تحریم‌ها تأمین شده‌اند.

● او طی سال‌ها با انتصاب افراد نزدیک به خود در مناصب حساس دولت و سپاه پاسداران، مسیر رسیدن به قدرت را هموار کرده و در انتخابات ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ نیز به نفع محمود احمدی نژاد دخالت کرده است.

به گزارش روزنامه‌ی تلگراف، در یکی از روزهای گرم تابستان ۱۹۹۸، اعضای از خانواده‌ی علی خامنه‌ای همراه با ۲۰ محافظ و فردی که بعدها بعنوان یکی از عاملان قتل‌های زنجیره‌ای شناخته شد، در فرودگاه هیترو لندن فرود آمدند. مجتبی خامنه‌ای، که از او بعنوان یکی از گزینه‌های اصلی جانشینی پدرش علی خامنه‌ای در مقام رهبری جمهوری اسلامی یاد می‌شود، در چارچوب اقامتی دو ماهه و به ارزش حدود یک میلیون پوند در هتل لوکس در خیابان پارک لین لندن اقامت گزید. اقامتی که گفته می‌شود هزینه‌ی آن از

دوران محمدرضا شاهی؛ پشت کردن «مردم» به «شاه» (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

کشاکش «جنگ سرد» بود. جنگی که فقط ده سال پس از وقوع انقلاب ارتجاعی ۵۷ در ایران، با فروپاشی اتحاد شوروی به تاریخ پیوست و جهان را در برابر جنگی دیگر قرار داد: تروریسم بین‌المللی و بنیادگرایی اسلامی که حالا در کشور مهمی مانند ایران به قدرت دولتی نیز دست یافته بود.

در دی ۱۳۵۷ با خروج محمدرضا شاه پهلوی از ایران، نه فقط یک پادشاه کشور را ترک کرد، بلکه مرحله‌ای جدید در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی آغاز شد. آنچه پس از آن رخ داد، تنها تبعید یک شخص نبود. آزمونی برای روابط دیپلماتیک دولت‌ها، ملاحظات انسانی و موازنه‌های ژئوپلیتیک در

دوران محمدرضا شاهی؛ فاجعه ۵۷ (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

در چنین شرایطی، تحولات با شتابی بی‌سابقه پیش رفتند و ظرف کمتر از یک ماه، کارآمدترین ساختار حکومتی تاریخ معاصر ایران که دهه‌ها ستون سیاست کشور، و رفاه و امنیت و آزادی برای کشور به ارمان آورده بود، در آستانه فرو ریختن قرار گرفت. فاجعه‌ای که دموکراسی‌های غربی نیز با توجه به «خطر سرخ شوروی» در شمال و کودتای چپگرایان افغانستان در شرق ایران، به وقوع آن یاری رساندند.

در دی‌ماه ۱۳۵۷ ایران دیگر در آستانه‌ی یک «گسست تاریخی- تمدنی- فرهنگی» قرار داشت. حکومت با در پیش گرفتن سیاست خشونت‌پرهیز حاضر نبود قدرت را به هر قیمت به ویژه به بهای جان شهروندان حفظ کند و در سوی دیگر شورشیان که پیشتر صدها تن را با آتش زدن سینما رکس آبادان سوزانده بودند تا احساسات عمومی را برانگیزند دست به هر اقدامی می‌زدند تا خشونت را افزایش داده و کشور را به سمت پرتگاه سوق دهند.

فاش شود نیز این روایت را تأیید کرده و به تلگراف گفته است: «مجتبی جز یک بار سفر به لندن، به خارج از ایران سفر نکرده است. در سال ۱۹۹۸ برای درمان پزشکی همسرش به لندن رفت و چند ماه در آنجا ماند.» به گفته‌ی او، پسر مجتبی خامنه‌ای که در دهه‌ی دوم زندگی خود قرار داشت، گاهی در راهپیمایی‌های سالگرد انقلاب در کنار پدرش دیده می‌شد.

این ادعاها بعدها از سوی پدر زهرا، غلامعلی حدادعادل سیاستمدار و اصولگرای جمهوری اسلامی و رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی، رد شد.

در سال‌های پیش از مرگ علی خامنه‌ای، مجتبی خامنه‌ای که نام او در فارسی به معنای «برگزیده» است، موقعیت خود را در میان روحانیت حاکم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای امنیتی تقویت کرد.

گفته می‌شود او با اجازه‌ی پدرش، افراد نزدیک به خود را در مناصب کلیدی دولت و سپاه منصوب کرد تا مسیر رسیدن به قدرت را هموار سازد. همچنین او متهم شده که در انتخابات سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ به سود محمود احمدی‌نژاد دخالت کرده است.

به گفته‌ی یک روزنامه‌نگار ایرانی مقیم پاریس، مجتبی خامنه‌ای در سال ۲۰۱۸ نیز به لندن سفر کرده است. روح‌الله زم در مارس همان سال در گفتگو با شبکه یوتیوب Bayan Media Network گفته بود: «می‌دانیم که او اکنون در لندن است و از قبل هم می‌دانستیم که قرار است به لندن برود. وی برای انجام برخی ترتیبات مربوط به حساب‌های بانکی‌اش به آنجا رفته است. زیرا پس از آنکه دولت بریتانیا به فعالیت‌هایش مشکوک شد، دیگر حسابی به نام خودش ندارد.» زم گفته بود قصد دارد نام حساب‌های بانکی مرتبط با مجتبی خامنه‌ای در بریتانیا را فاش کند، اما چند ماه بعد در مهرماه ۱۳۹۸ توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران در عراق بازداشت و به ایران منتقل شد. او به اتهام «مفسد فی‌الارض» محاکمه و در دسامبر ۲۰۲۰ اعدام شد.

املاک و دارایی‌های گسترده

گزارش‌ها همچنین حاکی است که ظاهراً رهبر احتمالی جمهوری اسلامی، دارای املاکی در بریتانیا است. تحقیقات اخیر بلومبرگ نشان می‌دهد او در معاملات ملکی در لندن به ارزش حدود ۱۰۰ میلیون پوند نقش داشته است. همچنین گفته می‌شود او مالک ویلایی در دبی و هتلهایی در فرانکفورت آلمان و مایورکا در اسپانیا است. بر اساس این گزارش‌ها، منابع مالی این خریدها از محل فروش نفت ایران تأمین شده و از طریق شرکت‌های صوری و با عبور از تحریم‌ها به بانک‌های بریتانیایی منتقل شده است. این فرد جدا شده از حکومت نیز گفته است: «شنیده‌ام که او حساب‌های بانکی چند میلیارد دلاری در بریتانیا دارد، اما بعید است این حساب‌ها به نام خودش باشد. حتی نه فقط مجتبی، بلکه افراد در رده‌های پایین‌تر نیز حساب‌های بانکی را به نام اشخاص دیگر نگهداری می‌کنند آنها می‌دانند چگونه این امور را مدیریت کنند.»

او افزوده است: «آنها ابتدا با نامی دیگر گذرنامه اروپایی می‌خرند، سپس در جزایر مارشال، شرکتی ثبت می‌کنند. آن شرکت بعد به بریتانیا می‌آید، سهام شرکتی را در بورس لندن می‌خرد و حساب بانکی باز می‌کند. مجتبی قطعاً چنین حساب‌هایی دارد، همان‌طور که افراد دیگر هم دارند. اما شما هیچ حسابی به نام مجتبی خامنه‌ای پیدا نخواهید کرد.»

منبع: روزنامه تلگراف
ترجمه: کیهان لندن

دونالد ترامپ مسیر افزایش پرسرعت قیمت نفت را معکوس کرد



کرده‌ایم. همین حالا در هیوستون است و در حال فرآوری و آماده‌سازی است.»

با اینهمه دونالد ترامپ در واکنش به افزایش شدید قیمت نفت گفت این موضوع «بهای بسیار کوچکی» برای امنیت آمریکا و جهان است.

بسته بودن تنگه هرمز که از نخستین روز جنگ -نهم اسفند- توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اتفاق افتاده مهمترین عامل در افزایش نفت به علت اختلال در صادرات نفت از سوی کشورهای منطقه به‌شمار می‌رود.

کشورهای منطقه نیز به علت حملات جمهوری اسلامی و عدم صادرات ناچار به کاهش یا حتی توقف تولید نفت شده‌اند. هر یک از این کشورها ظرفیت محدودی برای ذخیره نفت استخراج‌شده دارند و در شرایطی که صادرات متوقف شود ناچار خواهند شد ظرفیت تولیدی خود را کاهش داده یا متوقف کنند.

شرکت آرامکو عربستان سعودی، بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان، روز سه‌شنبه اعلام کرد که اگر اختلال در حمل‌ونقل در تنگه هرمز ادامه یابد «پیامدهای فاجعه‌باری» برای بازارهای جهانی نفت به همراه خواهد داشت.

در حالیکه ائتلاف اسرائیل و آمریکا در روزهای گذشته با هدف قراردادن ناوگان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاش کردند کنترل سپاه از تنگه هرمز را کاهش دهند، فرانسه نیز قرار است در عملیاتی برای باز شدن این تنگه به اسرائیل و آمریکا کمک کند.

امانوئل مکران، رئیس جمهور فرانسه، روز دوشنبه از تدارک دیدن برای «مأموریتی تدافعی» با هدف باز نگه داشتن تنگه هرمز در خلیج فارس خبر داد.

با اینهمه «والاستریت ژورنال» در گزارشی به نقل از کلیتون سیگل، پژوهشگر انرژی و ژئوپلیتیک در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی نوشته «صادرات تا زمانی که مالکان کشتی، اپراتورها و بیمه‌گران احساس امنیت کافی در برابر محیط تهدیدآمیز ناشی از کشتی‌ها و هواپیماها، موشک‌ها، پهپادها، قایق‌های تندرو و مین‌های دریایی ایران نکنند، از سر گرفته نخواهد شد.»

قیمت نفت برنت روز گذشته با اعلام نام مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی، تشدید حملات ائتلاف اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی به یکدیگر، و افزایش نرخ بیمه‌های دریایی توسط انجمن بیمه‌گران دریایی لندن (لویدز) مسیری افزایشی را طی کرد.

قیمت نفت روز دوشنبه ۱۸ اسفند به مرز ۱۲۰ دلار برای هر بشکه رسید. انفجار قیمت نفت پیشتر از سوی برخی کارشناسان پیش‌بینی شده بود. با اینهمه اظهارات دونالد ترامپ درباره احتمال نزدیک شدن به پایان جنگ و جلو بودن ایالات متحده از برنامه نظامی که برای مدت چهار هفته طراحی شده بود بر آرام شدن مسیر افزایش قیمت اثرگذار بود.

از سوی دیگر به علت شرایط جنگی و افزایش ریسک بروز حادثه برای نفتکش‌ها، کشتی‌ها و محموله‌های آنها هزینه بیمه دریایی از سوی انجمن بیمه‌گران دریایی لندن (لویدز) با افزایش ۱۲ برابری روبرو شد. مدیر عامل این انجمن در توضیح علت افزایش چند برابری هزینه بیمه طی چند روز اعلام کرد در حال حاضر حدود یک‌هزار فروند کشتی در خلیج فارس و آب‌های پیرامونی آن حضور دارند که ارزش مجموع بدنه آن‌ها بیش از ۲۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

با اینهمه دونالد ترامپ اعلام کرد که ایالات متحده نفتکش‌ها را بیمه خواهد کرد. این خبر نیز بر تغییر مسیر قیمت نفت در بازارهای جهانی موثر بود و قیمت نفت را به در روز سه‌شنبه ۱۹ اسفند به ۹۳ دلار در هر بشکه کاهش داد.

یکی دیگر از اقدامات همزمان دونالد ترامپ استفاده از نفت ونزوئلا برای جبران تقاضای بازار نفت بوده است؛ اقدامی که هم برای دولت آمریکا سود مالی دارد و هم بر کنترل قیمت نفت اثرگذار خواهد بود. او ساعاتی پیش در گفتگو با خبرنگاران گفت: «ما فرمولی داشته‌ایم که تا اینجا خیلی خوب جواب داده و فکر می‌کنم همچنان هم خوب خواهد بود. رابطه ما با ونزوئلا فوق‌العاده است؛ کشور باهوشی است. ما ۱۰۰ میلیون بشکه نفت خارج

قیمت نفت برنت در حالی طی روز گذشته به مرز ۱۲۰ دلار برای هر بشکه رسیده بود، امروز به ۹۳ دلار برای هر بشکه کاهش یافت.

قیمت نفت برنت با اعلام نام مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی، تشدید حملات ائتلاف اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی به یکدیگر، و افزایش نرخ بیمه‌های دریایی توسط انجمن بیمه‌گران دریایی لندن (لویدز) مسیری افزایشی را طی کرد.

اظهارات دونالد ترامپ درباره احتمال نزدیک شدن به پایان جنگ و جلو بودن ایالات متحده از برنامه نظامی که برای مدت چهار هفته طراحی شده بود بر آرام شدن مسیر افزایش قیمت اثرگذار بود.

در حالیکه هزینه بیمه دریایی از سوی انجمن بیمه‌گران دریایی لندن (لویدز) با افزایش ۱۲ برابری روبرو شد، دونالد ترامپ از ایجاد سازوکار بیمه دریایی برای نفتکش‌ها خبر داد.

یکی دیگر از اقدامات همزمان دونالد ترامپ استفاده از نفت ونزوئلا برای جبران تقاضای بازار نفت بوده است؛ اقدامی که هم برای دولت آمریکا سود مالی دارد و هم بر کنترل قیمت نفت اثرگذار خواهد بود.

بسته بودن تنگه هرمز که از نخستین روز جنگ -نهم اسفند- توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اتفاق افتاده مهمترین عامل در افزایش نفت به علت اختلال در صادرات نفت از سوی کشورهای منطقه به‌شمار می‌رود.

کشورهای منطقه نیز به علت حملات جمهوری اسلامی و عدم صادرات ناچار به کاهش یا حتی توقف تولید نفت شده‌اند. هر یک از این کشورها ظرفیت محدودی برای ذخیره نفت استخراج‌شده دارند و در شرایطی که صادرات متوقف شود ناچار خواهند شد ظرفیت تولیدی خود را کاهش داده یا متوقف کنند.

قیمت نفت برنت در حالی طی روز گذشته به مرز ۱۲۰ دلار برای هر بشکه رسیده بود، امروز به ۹۳ دلار برای هر بشکه کاهش یافت.

اقتصاد ایران در شرایط جنگ؛ صنایع ایران در معرض تهدید جدی



مرتضی حاجی آقامیری، عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران، اعلام کرده در صورت طولانی شدن جنگ وضعیت واحدهای تولیدی بحرانی‌تر خواهد شد و احتمال توقف و یا کاهش ساعت‌های کاری افزایش خواهد یافت.

به گفته این فعال صنفی «پیش از جنگ نیز بسیاری از واحدها با شرایط بحرانی دست و پنجه نرم می‌کردند، اما در حال حاضر این روند بحرانی‌تر خواهد شد و احتمال توقف و یا کاهش ساعت‌های کاری افزایش خواهد یافت و این روند در طولانی مدت می‌تواند روند تعدیل نیرو را بیشتر کند.» او تأکید کرده که «در این شرایط، واحدها با کمبود مواد اولیه، کمبود نقدینگی و مشکلاتی از این دست روبرو خواهند شد و این امر می‌تواند روند تولید را کندتر یا با مشکل روبرو کند.»

یکی از مشکلاتی که مرتضی حاجی آقامیری به آن اشاره کرده اختلال در حمل و نقل در بنادر جنوبی ایران به عنوان شاهراه اصلی صادرات و واردات کشور است. او توضیح داده «به دلیل اینکه بیشترین مبادلات تجاری ما از جنوب کشور صورت می‌گیرد، با طولانی شدن جنگ و بسته‌شدن تنگه هرمز، آنچه مسلم است علاوه بر اینکه تأمین کالاهای اساسی با مشکل مواجه خواهند شد، تأمین مواد اولیه واحدهای تولیدی نیز با مشکل روبرو خواهد شد و این امر توقف بنگاه‌های صنعتی را به همراه خواهد داشت.»

عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران معتقد است تهدید برای صنایع کوچکتر بیشتر است: «تاب‌آوری صنایع کوچک بسیار پایین است و اتفاقات اخیر هم بر شکننده‌تر شدن این صنایع اضافه کرده است، اما در شرایطی که جنگ کوتاه‌مدت باشد، می‌توانند از این بحران عبور کنند، این واحدها در صورتی با مشکل مواجه خواهند شد که زیرساخت‌ها مورد آسیب قرار گیرند و در این شرایط، نه تنها صنایع کوچک و متوسط که صنایع بزرگ هم آسیب خواهند دید. با این شرایط می‌توان گفت در صورتی که زیرساخت‌ها آسیب ببینند صنایع نابود خواهند شد و در شرایط کامل بحرانی قرار خواهند گرفت.»

تعطیلی روبرو شدند. رکود در بازارهایی نظیر بازار مسکن و اتومبیل عمیق‌تر از گذشته شده و برخی بازارها در شهرهایی که زیر حملات سنگین موشکی اسرائیل و آمریکا قرار دارند کاملاً تعطیل شده‌اند.

اگر چه دولت توانسته در ۱۲ روز گذشته، که مدتی طولانی برای یک جنگ نظامی نیست، زنجیره تأمین مواد غذایی و دارو را فعال نگه دارد، اما افزایش قیمت در برخی کالاهای خوراکی نمایان شده است. گزارش‌های میدانی حاکی از آنست که به طور میانگین قیمت هر کیلو تخم‌مرغ از حدود ۲۸۰ هزار تومان به ۳۴۰ هزار تومان و قیمت هر کیلو ران مرغ از کیلویی ۱۹۵ هزار تومان به حدود ۲۳۰ هزار تومان افزایش یافته است. قیمت میوه و صیفی‌جات نیز با افزایش روبرو بوده به‌طوری‌که قیمت هر کیلو گوجه‌فرنگی و خیار حدود ۱۵ هزار تومان نسبت به پیش از آغاز جنگ گران‌تر شده است.

گرانی مواد غذایی و همچنین هزینه اجاره اقامتگاه و خانه‌های توریستی در استان‌هایی که میزبان شهروندان جنگ‌زده هستند از جمله در استان‌های گیلان، مازندران، اردبیل و گلستان نسبت به میانگین کشوری بالاتر بوده است.

همچنین کالاهایی که در شرایط جنگی شهروندان اقدام به خرید و نگهداری آنها می‌کنند از جمله نوار بهداشتی، پوشک بچه، برنج، روغن و حبوبات نیز بیشتر در معرض افزایش قیمت قرار داشتند.

در بخش‌های تولیدی و صنعتی وضعیت هشدارآمیز گزارش شده است. فعالان صنعتی تداوم جنگ را تهدیدی برای صنایع کوچک و بزرگی می‌دانند که در سالهای گذشته با وجود رکود تورمی و بحران‌هایی نظیر کمبود انرژی به دشواری فعالیت خود را ادامه دادند و در شرایطی شکننده قرار داشتند.

از سوی دیگر آغاز حملات به زیرساخت‌ها که در هفته دوم جنگ آغاز شده نیز بر نگرانی صنعتگران افزوده است. برخی صنعتگران معتقدند مباران در شهرک‌های صنعتی می‌تواند تهدیدی جدی علیه صنایع ایران باشد.

● اگر چه دولت توانسته در ۱۲ روز گذشته، که مدتی طولانی برای یک جنگ نظامی نیست، زنجیره تأمین مواد غذایی و دارو را فعال نگه دارد، اما افزایش قیمت در برخی کالاهای خوراکی نمایان شده است.

● گرانی مواد غذایی و همچنین هزینه اجاره اقامتگاه و خانه‌های توریستی در استان‌هایی که میزبان شهروندان جنگ‌زده هستند از جمله در استان‌های گیلان، مازندران، اردبیل و گلستان نسبت به میانگین کشوری بالاتر بوده است.

● کالاهایی که در شرایط جنگی شهروندان اقدام به خرید و نگهداری آنها می‌کنند از جمله نوار بهداشتی، پوشک بچه، برنج، روغن و حبوبات نیز بیشتر در معرض افزایش قیمت قرار داشتند.

● فعالان صنعتی تداوم جنگ را تهدیدی برای صنایع کوچک و بزرگی می‌دانند که در سالهای گذشته با وجود رکود تورمی و بحران‌هایی نظیر کمبود انرژی به دشواری فعالیت خود را ادامه دادند و در شرایطی شکننده قرار داشتند.

● مرتضی حاجی آقامیری عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران: با طولانی شدن جنگ و بسته‌شدن تنگه هرمز، آنچه مسلم است علاوه بر اینکه تأمین کالاهای اساسی با مشکل مواجه خواهند شد، تأمین مواد اولیه واحدهای تولیدی نیز با مشکل روبرو خواهد شد و این امر توقف بنگاه‌های صنعتی را به همراه خواهد داشت.

با گذشت ۱۲ روز از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی، اقتصاد ایران همچنان وضعیت نیمه‌تعطیل دارد. بازارهای مختلف در حالی تعطیل و نیمه تعطیل هستند که فعالان صنعتی تداوم جنگ را تهدیدی برای صنایع کوچک و بزرگی می‌دانند که در سالهای گذشته با وجود رکود تورمی و بحران‌هایی نظیر کمبود انرژی به دشواری فعالیت خود را ادامه دادند و در شرایطی شکننده قرار داشتند.

در طول ۱۲ روز حملات نظامی گسترده اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی، بازارهای مختلف در کشور با رکود و

دیلی میل: بازداشت شبکه‌ی جاسوسی وابسته به رژیم جمهوری اسلامی در بریتانیا

● مأموران واحد مبارزه با تروریسم پلیس متروپولیتن لندن، روز جمعه چهار مرد با تابعیت ایرانی و دوگانه ایرانی-بریتانیایی را در هرو، واتفورد و بارت بازداشت کردند؛ اتهام آنها همکاری با شبکه‌ای جاسوسی وابسته به جمهوری اسلامی است.

● مقامات امنیتی هشدار داده‌اند که تشدید تنش‌ها در ایران می‌تواند پیامدهای فوری در خارج از مرزهای آن داشته باشد و خطر تروریسم، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و حملات سایبری در بریتانیا و اروپا را افزایش دهد.

● تحقیقات نشان می‌دهد این شبکه ماه‌ها اقدام به جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی کنیسه‌ها و چهره‌های برجسته‌ی جامعه یهودیان لندن کرده و فعالیت‌های آنان تحت هدایت سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی بوده است.

● رهبران جامعه‌ی یهودیان و نهادهای امنیتی از موفقیت پلیس در خنثی کردن تهدید استقبال کردند، اما هشدار دادند که خطر فعالیت‌های وابسته به تهران همچنان ادامه دارد و نیازمند هوشیاری مستمر است.

پلیس بریتانیا اعلام کرد یک شبکه‌ی جاسوسی وابسته به رژیم ایران را شناسایی و متلاشی کرده است. اقدامی که در بحبوحه‌ی افزایش نگرانی‌های امنیتی درباره‌ی پیامدهای بین‌المللی بحران ایران صورت می‌گیرد. مقام‌های امنیتی هشدار داده‌اند که هرگونه تشدید درگیری در ایران می‌تواند به سرعت در خارج از این کشور بازتاب داشته باشد و با افزایش تهدیدهای تروریستی، افراط‌گرایی خشونت‌بار و حملات سایبری همراه شود.

یک شبکه‌ی مظنون به جاسوسی وابسته به جمهوری اسلامی روز جمعه توسط پلیس بریتانیا متلاشی شد. در حالی که هشدار داده‌شده است ممکن است سول‌های بیشتری در حال آماده‌سازی «عملیات بالقوه‌ی خشونت‌آمیز» در بریتانیا باشند، مأموران واحد مبارزه با تروریسم چهار مرد با تابعیت ایرانی و تابعیت دوگانه ایرانی-بریتانیایی را بازداشت کردند.

این افراد به ظن جاسوسی از کنیسه‌ها و برخی چهره‌های برجسته در جامعه‌ی یهودیان بازداشت شدند. کارآگاهان بر این باورند که اعضای این گروه، بنا به درخواست و هدایت سرویس‌های اطلاعاتی ایران، طی چندین ماه در نقاط مختلف شمال لندن به عملیات مراقبت و جمع‌آوری اطلاعات پرداخته بودند.

رهبران جامعه‌ی یهودیان شامگاه جمعه نسبت به «تهدید واقعی» علیه این جوامع هشدار دادند و از نهادهای امنیتی خواستند ابعاد این مسئله را دست‌کم نگیرند. گفته می‌شود که مأموران واحد مبارزه با تروریسم، جمعه این هفته چهار مرد با تابعیت ایرانی و تابعیت ایرانی-بریتانیایی را در مناطقی چون هرو، واتفورد و بارت بازداشت کردند.

روزنامه دیلی میل آگاه شده که این سول‌ها برای ماه‌ها تحت نظر نیروهای امنیتی قرار داشته است، اما مأموران در پی تشدید بحران در خاورمیانه تصمیم گرفتند طرح بازداشت آنان را زودتر از موعد به اجرا بگذارند. این تحولات در روزی پرتنش در خاورمیانه رخ داد. روزی



سازمان اطلاعات داخلی بریتانیا نیز پیش از این، پس از آن که در طول یک سال گذشته دست‌کم ۲۰ طرح ترور و آدم ربایی در این کشور کشف و خنثی شد، نسبت به افزایش تهدیدهای ناشی از تهران هشدار داده بود.

در روزهای اخیر نیز پلیس متروپولیتن لندن گشت‌های امنیتی خود را در اطراف کنیسه‌ها و مناطق محل سکونت یهودیان افزایش داده و اعلام کرده است که در همکاری نزدیک با رهبران جامعه‌ی یهودی تلاش می‌کند «هوشیاری را تقویت و امنیت جوامع را حفظ کند».

دکتر آلن مندوزا از انجمن و اندیشکده‌ی هنری جکسون گفت: «بازداشت‌های امروز در چارچوب عملیات مبارزه با تروریسم، بار دیگر تهدید واقعی و مداومی را که از سوی فعالیت‌های خصمانه وابسته به جمهوری اسلامی در خاک بریتانیا وجود دارد، برجسته می‌کند».

او افزود: «رژیم ایران سابقه‌ی طولانی در بکارگیری، نظارت، ارباب و استفاده از شبکه‌های نیابتی در این کشور دارد تا مخالفان، جوامع یهودی و دیگر اهداف مورد نظر خود را دنبال کند».

وی ادامه داد: «خبر امیدوارکننده آن است که نهادهای امنیتی ما پیش از آن که فعالیت‌های وابسته به حکومت جمهوری اسلامی به اقداماتی مرگبار بینجامد، موفق به خنثی کردن آنها می‌شوند. اما واقعیت نگران‌کننده این است که ناچارند چنین مداخلاتی را بارها و بارها تکرار کنند».

خاخام، هرشل گلاک، رئیس سازمان «شومریم» شمال و شرق لندن، اظهار داشت که این بازداشت‌ها می‌تواند تا حدی از نگرانی‌ها و اضطراب‌های موجود در میان اعضای جامعه بکاهد.

با این حال او افزود: «ما از مدت‌ها پیش آگاه بوده‌ایم که خطر حمله از سوی این سول‌ها که شماری از آنها در

که در آن دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، به ایران هشدار داد هیچ توافقی بر سر میز مذاکره قرار ندارد. اسکاتلند یارد پس از آن که فعالیت‌های «مخرب» سلول مظنون وابسته به جمهوری اسلامی موجب برانگیخته شدن تردیدها شد و نیز یکی از اعضای جامعه‌ی یهودیان موضوع را به پلیس اطلاع داد، یک تحقیق «طولانی‌مدت» را آغاز کرد.

تنها چند ساعت پیش از آن، یوروپل هشدار داده بود که بحران در حال گسترش در ایران می‌تواند «پیامدهایی فوری» برای امنیت اروپا در پی داشته باشد و خطر تروریسم، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و حملات سایبری در قاره‌ی اروپا را افزایش دهد.

به گفته‌ی مقامات این نهاد پلیس اروپایی، تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه ممکن است به افزایش فعالیت گروه‌های افراطی، عملیات بی‌ثبات‌کننده و حملات سایبری علیه زیرساخت‌های اروپا بینجامد.

افراد مظنون تاکنون به طراحی یا اجرای حمله‌ای مشخص متهم نشده‌اند، اما مأموران امنیتی بر این باورند که فعالیت‌های آنان بخشی از طرحی بلندمدت از سوی تهران برای هدف قرار دادن جامعه‌ی یهودیان در لندن بوده است. مأموران پلیس مبارزه با تروریسم، بامداد جمعه چهار مرد، در گروه سنی ۲۲، ۴۰، ۵۲ و ۵۵ سال را در نشانی‌هایی در هرو، واتفورد و بارت بازداشت کردند. این افراد به ظن همکاری و مساعدت با یک سرویس اطلاعاتی خارجی تحت پیگرد قرار گرفته‌اند.

این بازداشت‌ها تنها چند روز پس از آن صورت گرفت که ایالات متحده و اسرائیل مجموعه‌ای از حملات علیه جمهوری اسلامی را آغاز کردند. تحولی که در فضای از نگرانی‌های فزاینده درباره‌ی افزایش خطر حملات تروریستی مرتبط با ایران در خاک بریتانیا رخ داده است.

نقش رسانه‌های فارسی‌زبان در ایجاد همبستگی ملی



مردم و اقلیت وجود ندارد، وظیفه یک رسانه حرفه‌ای ایرانی برای ایجاد همبستگی ملی به چه ترتیبی است؟ پاسخ به این پرسش‌ها در میزگرد شنبه شب ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ برابر با نهم ۹ اسفند ۱۴۰۴ در کانون فرهنگی پارس در لندن، داده شد. «نقش رسانه‌های ایرانی در ایجاد همبستگی ملی» به عنوان موضوع اصلی این میزگرد عنوان شده بود. این میزگرد با حضور روزنامه‌نگاران و کارشناسان رسانه‌ای باسابقه، شهران طبری روزنامه‌نگار و مفسر خبری، احمد وحدت‌خواه خبرنگار دیلی تلگراف و نازنین انصاری مدیر مسئول کیهان لندن و کیهان لایف برگزار شد.

آیا در زمانه‌ای که هر فرد به وسیله گوشی هوشمند و در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند یک رسانه شخصی داشته باشد، رسانه‌های سنتی مرجعیت خود را در جلب اعتماد عمومی و تقویت همبستگی ملی حفظ کرده‌اند؟ آیا اعلام بی‌طرفی کردن از طرف رسانه در همه موارد، به همبستگی ملی کمکی می‌کند و یا در جهت عکس، عمل خواهد کرد؟ و اینکه این روزها همه درباره «خواست مردم» حرف می‌زنند، از رسانه‌های حکومتی، تا رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران، و جریان‌های مختلف اپوزیسیون؛ حالا که امکان آمارگیری دقیق از میزان خواست اکثریت

این کشور فعال‌اند، در شرایطی که اکنون با آن روبرو هستیم، می‌تواند بطور تصاعدی افزایش یابد.» نخست وزیر بریتانیا، سیر کی‌یر استارمر گفت: «پس از بازداشت‌های جمعه، طبیعی است که مردم بویژه اعضای جامعه یهودیان ما، دچار نگرانی شوند.» وی افزود: «سازمان امنیتی پیشرو و توانمند ما در حفاظت از شما هیچ درنگی نخواهند کرد.»

دیوید ملی، وزیر خارجه بریتانیا نیز گفت: «رژیم جمهوری اسلامی، بزرگ‌ترین حامی دولتی تروریسم در جهان به شمار می‌آید و متأسفانه پیامدهای این واقعیت در جامعه خود ما نیز مشاهده می‌شود.» روز جمعه مأموران پلیس در حال بازرسی یک خانه در شهر واتفورد دیده شدند. جایی که مردی ۵۲ ساله در برابر همسر و دختر نوجوانش بازداشت شد. یکی از ساکنان محل گفت اعضای این خانواده خوشپوش بودند و خودروهای گران‌قیمتی داشتند، اما در عین حال رفتاری گوشه‌گیرانه داشتند و کمتر با دیگران معاشرت می‌کردند.

تم خان، ۴۷ ساله، از همسایگان، گفت: «من هرگز با آنها صحبت نکردم. بسیار آرام و کم‌حرف بودند و خجالتی به نظر می‌رسیدند و همیشه سرشان پایین بود.» در خانه‌ای در فینچلی نیز مأموران پلیس بخش زیرین یک خودرو را بررسی کردند، اما بر اساس گزارش‌ها، هیچ سلاح یا ماده منفجره‌ای کشف نشده است. آن کاستلو، ۵۵ ساله، یکی دیگر از همسایگان، گفت که حدود ساعت یک بامداد، با صدای مأموران مسلح پلیس که در را می‌شکستند از خواب بیدار شده است. او گفته است: «صدا آن قدر بلند بود که احساس می‌کردم انگار در اتاق خواب ما هستند. واقعا وحشتناک بود. به بیرون رفتم، اما ناگهان کسی با لباس سیاه و در حالی که اسلحه در دست داشت از دل تاریکی بیرون آمد و به من گفت فوراً به داخل خانه‌ام برگردم.»

همچنین شش مرد دیگر، با سنین ۲۰ تا ۴۹ سال، در هرو به ظن کمک به یک مجرم بازداشت شدند. گفته می‌شود هر ده مرد بازداشت شده تا شامگاه گذشته همچنان در بازداشت پلیس بسر می‌برند.

پس از این دستگیری‌ها، سازمان کارزار مقابله با یهودستیزی، دولت را به دلیل «عمل نکردن به وعده خود برای قرارداد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های ممنوعه» بشدت مورد انتقاد قرار داد.

سخنگوی این نهاد گفت: «شگفت‌آور است که تهدید رژیم جمهوری اسلامی که مدت‌هاست از سوی یهودیان بریتانیا و نیز کسانی که به این موضوع توجه دارند، مانند کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان، مورد شناسایی قرار گرفته است، اما همچنان از سوی دولت، جدی گرفته نمی‌شود.»

این سخنگو اضافه کرد: «ناکامی دولت در عمل به وعده خود برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های ممنوعه، این پیام را منتقل می‌کند که حمایت از رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و ایدئولوژی یهودستیز و غرب‌ستیز آن، در بریتانیا امری قابل قبول است.» بانو پریتی پتل، وزیر خارجه در دولت سایه، نیز گفت: «پس از تعلق در اتخاذ اقدام علیه رژیم مرگبار جمهوری اسلامی و تضعیف روابط ما با متحدان، کی‌یر استارمر باید نشان دهد که امنیت ملی بریتانیا را در اولویت نخست قرار خواهد داد.»

ترامپ، نتانیا هوو و عاقبت رهبر جدید جمهوری اسلامی



منبع: دیلی میل
ترجمه: کیهان لندن

الگوی حکمرانی پهلوی: مسیر ایرانیان برای احیا و نجات ایران آینده



ایران کشوری با بیش از ۸۵ میلیون جمعیت است که نزدیک به نیمی از آن را نسل جوان زیر چهل سال تشکیل می‌دهد. این نسل تحصیل کرده، به جهان متصل و از تحولات جهانی آگاه است. برای بسیاری از آنان، نظام سیاسی کنونی با ویژگی‌هایی چون محدودیت‌های اجتماعی، بحران‌های اقتصادی و سوءمدیریت منابع طبیعی، نتوانسته پاسخگوی نیازهای جامعه مدرن ایران باشد. در چنین فضایی، توجه به تجربه‌ی تاریخی توسعه در دوران پهلوی بار دیگر در گفتمان عمومی جامعه‌ی ایران برجسته شده است.

در زمان محمدرضا شاه پهلوی، ایران در مسیر روشنی بسوی مدرنیزاسیون قرار داشت. حکومت توسعه‌محور آن دوره نهادهای مدرن دولتی را ایجاد کرد، نظام آموزشی را گسترش داد و زیرساخت‌هایی را بنا نهاد که شهروندان را توانمند ساخت. این سیاست‌ها موجب شکل‌گیری طبقه‌ی متوسطی رو به رشد، افزایش تحرک اجتماعی و تقویت ثبات اقتصادی شد؛ نشانه‌هایی که معمولا از ویژگی‌های یک جامعه‌ی سالم و پویا به‌شمار می‌روند. این دوره نمونه‌ای از آن بود که چگونه حکمرانی مبتنی بر توسعه می‌تواند به شکل‌گیری توسعه‌ی پایدار و شهروندمحور منجر شود.

دولت توسعه‌گرا و برنامه‌های عمرانی

مدل حکمرانی پهلوی را می‌توان در چارچوب مفهوم «دولت توسعه‌گرا» تحلیل کرد؛ مدلی که در آن دولت با برنامه‌ریزی بلندمدت، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و حمایت از صنعتی‌سازی، مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را هدایت می‌کند.

این رویکرد از طریق پنج برنامه‌ی عمرانی ملی ←

تغییرات به شکل‌گیری جامعه‌ای پویاتر و متوازن‌تر کمک کرد و نقش زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تقویت کرد.

● بسیاری از ایرانیان در ولیعهد رضا پهلوی نماد نوعی رهبری می‌بینند که ادامه‌دهنده‌ی الگوی پادشاهی مشروطه‌ی دوران پهلوی و رهبر تجمع ملی ایرانیان است. او با تأکید بر سکولاریسم، پاسخگویی سیاسی و توسعه‌ی ملی، نقطه‌ی کانونی وحدت جامعه‌ای است که خواهان بازسازی حکمرانی توسعه‌محور و شهروندمحور است. حضور مستمر او در عرصه‌ی عمومی و حمایت چند دهه‌ای از ارزش‌های دموکراتیک و حقوق شهروندی، برای بسیاری یادآور ثبات، اخلاق سیاسی و وحدت ملی است.

● آینده‌ی ایران در نهایت توسط شهروندان آن نوشته خواهد شد؛ شهروندانی که به دنبال رهبری هستند که بتواند کشور را بار دیگر به مسیر توسعه، رفاه و تعامل سازنده با جهان بازگرداند و او کسی نیست جز شاهزاده رضا پهلوی.

پائولا متکی* - برای دهه‌ها، بخش بزرگی از جهان، ایران را صرفا با نظام جمهوری اسلامی تعریف کرده است. این تصویر اما واقعیت پیچیده‌تر جامعه‌ی ایران را نادیده می‌گیرد؛ جامعه‌ای با تاریخی طولانی از دولت‌سازی، مدرن‌سازی و تلاش برای توسعه ملی. امروزه میلیون‌ها ایرانی آینده‌ای متفاوت را تصور می‌کنند؛ آینده‌ای مبتنی بر حکمرانی پاسخگو، توسعه پایدار، اقتصاد پویا و کرامت شهروندی.

● در زمان محمدرضا شاه پهلوی، ایران در مسیر روشنی بسوی مدرنیزاسیون قرار داشت. حکومت توسعه‌محور آن دوره نهادهای مدرن دولتی را ایجاد کرد، نظام آموزشی را گسترش داد و زیرساخت‌هایی را بنا نهاد که شهروندان را توانمند ساخت. این سیاست‌ها موجب شکل‌گیری طبقه‌ی متوسطی رو به رشد، افزایش تحرک اجتماعی و تقویت ثبات اقتصادی شد.

● فریاد دانشجویان امروز نه فقط اعتراض است، بلکه بازگشت به یک دیسکورس تاریخی (دیسکورس پهلوی) است: ایران متحد، سکولار، توسعه‌خواه و مبتنی بر اراده‌ی ملت. این صدا نشان می‌دهد که حافظه‌ی تاریخی جامعه زنده است و دانشگاهیان، با حمایت از شعارهایی چون «جاوید شاه» و تأکید بر بازگشت الگوی پادشاهی مشروطه‌ی پهلوی، مسیر تاریخی آموزش و توسعه‌ی ملی را پاس می‌دارند.

● مدل حکمرانی پهلوی را می‌توان در چارچوب مفهوم «دولت توسعه‌گرا» تحلیل کرد؛ مدلی که در آن دولت با برنامه‌ریزی بلندمدت، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و حمایت از صنعتی‌سازی، مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را هدایت می‌کند. این رویکرد از طریق پنج برنامه‌ی عمرانی ملی پیگیری شد که از اواخر دهه ۱۳۲۰ آغاز شدند. هدف اصلی، تبدیل اقتصاد ایران از کشاورزی به صنعتی و مدرن بود.

● یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی آن دوره گسترش حقوق و مشارکت زنان در جامعه بود. زنان در دهه‌ی ۱۳۴۰ حق رأی به دست آوردند و به تدریج حضور آنان در آموزش عالی، بازار کار و حرفه‌های تخصصی افزایش یافت. این

پیگیری شد که از اواخر دهه ۱۳۲۰ آغاز شدند. هدف اصلی، تبدیل اقتصاد ایران از کشاورزی به صنعتی و مدرن بود. سرمایه‌گذاری گسترده در صنایع مادر، انرژی، حمل‌ونقل، آموزش و خدمات عمومی، زمینه‌ی رشد سریع اقتصادی را فراهم کرد. در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، ایران یکی از سریع‌ترین نرخ‌های رشد اقتصادی جهان را تجربه کرد؛ صنعتی‌سازی و توسعه‌ی زیرساخت‌ها میلیون‌ها فرصت شغلی ایجاد و طبقه‌ی متوسط گسترده‌ای شکل گرفت.

آموزش و سرمایه‌ی انسانی:

یکی از پایه‌های اصلی توسعه‌ی دوران پهلوی، سرمایه‌گذاری گسترده در آموزش و پرورش نیروی انسانی بود. در فاصله‌ی چند دهه، تعداد مدارس و دانشگاه‌ها بطور چشمگیری افزایش یافت. دانشگاه‌های مهمی در شهرهای مختلف کشور تأسیس شدند و هزاران دانشجو برای تحصیل در رشته‌های علمی و فنی به دانشگاه‌های معتبر جهان اعزام شدند.

نرخ سواد در کشور به سرعت افزایش یافت و دسترسی به آموزش در مناطق روستایی نیز گسترش پیدا کرد. این سیاست‌ها نسل جدیدی از متخصصان، مهندسان، پزشکان و مدیران را تربیت کرد که نقش مهمی در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا کردند و پایه‌های سرمایه‌ی انسانی قوی و مدرن ایران را بنا نهادند.

امروز صدای دانشگاه، ادامه‌ی همان ندای ملی است که سال‌ها پیش از سوی خاندان ایران‌ساز پهلوی برای ایران مدرن، قانون‌مدار و توسعه‌گرا مطرح شد. پیام ولیعهد رضا پهلوی یادآور این حقیقت است که پیوند ملت، آموزش و نهادسازی ملی ستون اصلی آینده‌ی ایران است؛ همان مسیری که در دوران محمدرضا شاه پهلوی بر پایه‌ی دولت مدرن، آموزش گسترده و هویت ملی دنبال شد.

فریاد دانشجویان امروز نه فقط اعتراض است، بلکه بازگشت به یک دیسکورس تاریخی (دیسکورس پهلوی) است: ایران متحد، سکولار، توسعه‌خواه و مبتنی بر اراده‌ی ملت. این صدا نشان می‌دهد که حافظه‌ی تاریخی جامعه زنده است و دانشگاهیان، با حمایت از شعارهایی چون «جاوید شاه» و تأکید بر بازگشت الگوی پادشاهی مشروطه‌ی پهلوی، مسیر تاریخی آموزش و توسعه‌ی ملی را پاس می‌دارند.

در این فضا، دانشگاه‌های ایران نماد مکان مقاومت فکری و فرهنگی علیه سیاست‌های ایدئولوژیک و سرکوبگر جمهوری اسلامی هستند. نسل امروز دانشجویان، با یادآوری میراث پهلوی، خواستار بازسازی نهادهای آموزشی، تقویت سواد عمومی و توسعه‌ی شهروندی به عنوان پایه‌های جامعه‌ی مدرن ایران‌اند.

توسعه‌ی بهداشت، رفاه و توانمندسازی زنان

در حوزه‌ی بهداشت و سلامت عمومی نیز پیشرفت‌های مهمی حاصل شد. شبکه‌ی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در سراسر کشور توسعه یافت. برنامه‌هایی مانند «سپاه بهداشت» خدمات پزشکی را برای نخستین بار به بسیاری از مناطق محروم و روستایی ایران رساند. این اقدامات موجب بهبود شاخص‌های سلامت عمومی و افزایش امید به زندگی شد.

یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی آن دوره گسترش حقوق و مشارکت زنان در جامعه بود. زنان در دهه‌ی ۱۳۴۰ حق رأی به دست آوردند و به تدریج حضور آنان در آموزش عالی، بازار کار و حرفه‌های تخصصی افزایش یافت. این تغییرات به شکل‌گیری جامعه‌ای پویاتر و متوازن‌تر کمک کرد و نقش

زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تقویت کرد.

زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل و شهرسازی

توسعه‌ی زیرساخت‌ها از مهم‌ترین ارکان سیاست‌های توسعه‌ی دوران پهلوی بود. هزاران کیلومتر جاده و بزرگراه ساخته شد، شبکه راه‌آهن توسعه یافت و بنادر و فرودگاه‌های مدرن در کشور ایجاد شدند. این پروژه‌ها ایران را به یکی از مهم‌ترین گره‌های حمل‌ونقل منطقه تبدیل کردند و نقش کلیدی در یکپارچگی اقتصادی و جغرافیایی کشور داشتند.

همزمان، برنامه‌ریزی شهری مدرن نیز در بسیاری از شهرهای ایران اجرا شد. گسترش خدمات شهری، توسعه‌ی شبکه‌های آب و برق، طراحی فضاهای عمومی و برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی شهری پایدار، چهره‌ی شهرهای ایران را در دهه‌های پایانی حکومت پهلوی دگرگون کرد و نمونه‌ای از هماهنگی توسعه‌ی زیرساخت‌ها با زندگی شهری و رفاه عمومی به‌شمار می‌رفت.

محیط‌زیست و بحران‌های منابع طبیعی: از دوران پهلوی تا امروز

در دوران پهلوی، محیط‌زیست ایران به صورت سیستماتیک محافظت می‌شد و ایران در حوزه‌ی محیط‌زیست جزو کشورهای پیشرو منطقه به‌شمار می‌رفت. سازمان حفاظت محیط زیست در اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰ تأسیس شد و ایران به چندین کنوانسیون مهم بین‌المللی محیط زیستی پیوست.

سیاست‌ها و اقدامات دوران پهلوی

- پیوستن به کنوانسیون‌ها: از جمله مهم‌ترین این ابتکارات می‌توان به کنوانسیون رامسر درباره‌ی تالاب‌ها اشاره کرد که نخستین معاهده‌ی جهانی در زمینه‌ی حفاظت از تالاب‌ها بود و در شهر رامسر ایران به امضا رسید.

- ایجاد پارک‌ها و مناطق حفاظت‌شده: سیاست‌های محیط زیستی شامل تأسیس پارک‌های ملی، مناطق حفاظت‌شده و برنامه‌های جامع حفاظت از حیات وحش بود.

- مدیریت منابع طبیعی: بهره‌برداری از جنگل‌ها، مراتع و گونه‌های نادر حیات وحش برنامه‌ریزی و کنترل می‌شد.

- هماهنگی توسعه و محیط زیست: توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی کشور با حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست همسو بود و نمونه‌ای از توسعه‌ی پایدار و شهروندمحور به‌شمار می‌رفت.

بحران‌های محیط‌زیستی امروز ایران

امروز ایران با بحران‌های گسترده‌ای مواجه است که توسعه‌ی پایدار و امنیت ملی را تهدید می‌کنند:

- بحران آب: مدیریت نامناسب منابع آبی، سدسازی بدون طرح جامع و برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی باعث کاهش شدید منابع آب و بحران‌های بین‌بخشی شده است.

- فرسایش خاک و فرورنشست زمین: استفاده‌ی غیرعلمی از زمین، کشاورزی نامناسب و استخراج بی‌رویه منابع زیرزمینی باعث فرسایش خاک و فرورنشست گسترده در بسیاری از مناطق کشور شده است.

- نبود طرح جامع توسعه‌ی شهری: رشد نامتوازن شهرها و عدم وجود برنامه‌ریزی شهری مدرن، تخریب محیط طبیعی، افزایش آلودگی و فشار بر زیرساخت‌های شهری را به‌همراه داشته است.

- تخریب آثار ملی و باستانی: پروژه‌های عمرانی و شهری بدون توجه به میراث فرهنگی و باستانی باعث خسارت به

آثار تاریخی و فرهنگی ایران شده است.

- ضعف حفاظت محیط زیست: کاهش اثرگذاری نهادهای محیط زیستی و نبود سیاست‌های هماهنگ، بهره‌برداری غیرپایدار از جنگل‌ها، مراتع و منابع طبیعی را تشدید کرده است.

این بحران‌ها نشان می‌دهند که توسعه‌ی بدون برنامه‌ریزی پایدار و توجه به محیط‌زیست، امنیت و هویت ملی را تهدید می‌کند. تجربه‌ی دوران پهلوی، با نهادسازی محیط زیستی، پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی و برنامه‌های جامع حفاظت از منابع طبیعی، نمونه‌ای از هماهنگی میان توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست بود که امروز می‌تواند الگوی احیا و بازسازی ایران باشد.

نگاه امروز جامعه ایران

امروزه بسیاری از ایرانیان با نگاه به این تجربه‌ی تاریخی، دوران پهلوی را نه صرفاً بعنوان گذشته‌ای نوستالژیک، بلکه بعنوان معیاری برای حکمرانی کارآمد و توسعه‌گرا می‌بینند. در این میان، بسیاری از ایرانیان در ولیعهد رضا پهلوی نماد نوعی رهبری می‌بینند که ادامه‌دهنده‌ی الگوی پادشاهی مشروطه‌ی دوران پهلوی و رهبر تجمع ملی ایرانیان است. او با تأکید بر سکولاریسم، پاسخگویی سیاسی و توسعه‌ی ملی، نقطه‌ی کانونی وحدت جامعه‌ای است که خواهان بازسازی حکمرانی توسعه‌محور و شهروندمحور است. حضور مستمر او در عرصه‌ی عمومی و حمایت چند دهه‌ای از ارزش‌های دموکراتیک و حقوق شهروندی، برای بسیاری یادآور ثبات، اخلاق سیاسی و وحدت ملی است.

در مقابل، جمهوری اسلامی در چهار دهه‌ی گذشته اغلب بقای ایدئولوژیک را بر توسعه‌ی ملی ترجیح داده است. نتیجه‌ی این رویکرد را می‌توان در بحران‌های گسترده‌ی اقتصادی، رکود تولید، بیکاری جوانان و بحران‌های عمیق محیط‌زیستی مشاهده کرد.

فروپاشی اکوسیستم‌های طبیعی، بحران آب، آلودگی شدید هوا و تخریب منابع طبیعی نشان می‌دهد که توسعه‌ی پایدار جای خود را به مدیریت کوتاه‌مدت و ایدئولوژیک داده است.

آینده‌ی ایران

در چنین شرایطی، بسیاری از ایرانیان خواستار مدلی از حکمرانی هستند که بر توسعه‌ی اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست، حقوق شهروندی و تعامل سازنده با جهان استوار باشد.

حمایت از این چشم‌انداز به معنای دخالت در امور داخلی ایران نیست؛ بلکه به رسمیت شناختن حق مردمی است که می‌خواهند آینده‌ی کشورشان را بر اساس توسعه، ثبات و کرامت انسانی بازسازی کنند.

تاریخ گاه به آرامی پیش می‌رود و گاه ناگهان دگرگون می‌شود. کشور ایران در آستانه‌ی چنین لحظه‌ای قرار دارد؛ لحظه‌ای که در آن جامعه تلاش می‌کند مسیر توسعه، ثبات و عزت ملی را دوباره بازابد.

آینده‌ی ایران در نهایت توسط شهروندان آن نوشته خواهد شد؛ شهروندانی که به دنبال رهبری هستند که بتواند کشور را بار دیگر به مسیر توسعه، رفاه و تعامل سازنده با جهان بازگرداند و او کسی نیست جز شاهزاده رضا پهلوی.

پاینده ایران جاوید شاه

*پائولا متکی، کارشناس توسعه و پایدار

دیلی میل: «جنگ» ایران به لندن رسید؛ درگیری هواداران جمهوری اسلامی و پادشاهی خواهان

- دهها معترض حدود ساعت ۷:۳۵ شب در دو طرف خیابان، در نزدیکی مرکز اسلامی در منطقه میدا ویل لندن گرد هم آمدند و تنش میان دو گروه به درگیری فیزیکی، هل دادن و مشت زنی انجامید.
- در یک سو هواداران شاهزاده رضا پهلوی با پرچم شیر و خورشید و در سوی دیگر حامیان حکومت ایران حضور داشتند؛ فریادها و شعارهای دو طرف در نهایت به خشونت کشیده شد.
- پلیس متروپولیتن حدود ساعت ۷:۳۵ شب به محل رسید و تجمع کنندگان را متفرق کرد؛ در این حادثه یک نوجوان ۱۷ ساله از ناحیه سر زخمی شد، اما بازداشتی صورت نگرفت.
- این حادثه در حالی رخ داد که تنشها در خاورمیانه و درگیریهای نظامی میان جمهوری اسلامی، اسرائیل و ایالات متحده ادامه دارد و مرکز اسلامی لندن نیز پیشتر به دلیل برگزاری مراسم یادبود برای علی خامنه‌ای در کانون جنجال قرار گرفته بود.

به گزارش دیلی میل، حامیان جمهوری اسلامی ایران و طرفداران پادشاهی، شامگاه جمعه ششم مارس در صحنه‌هایی تکان‌دهنده در برابر مسجدی در لندن با یکدیگر درگیر شدند.

در یک سوی خیابان، طرفداران شاهزاده رضا پهلوی، فرزند پادشاه فقید ایران، حضور داشتند که برخی از آنان پرچم پیش از انقلاب ۱۳۵۷، با نشان شیر و خورشید را در دست داشتند؛ در حالی که در سوی دیگر، گروهی از حامیان جمهوری اسلامی در نزدیکی این مرکز اسلامی تجمع کرده بودند.

تنش میان دو گروه به سرعت بالا گرفت و در نهایت به درگیریهای فیزیکی، هل دادن و مشت زنی میان معترضان انجامید؛ صحنه‌هایی که نشان‌دهنده شکاف عمیق در میان بخشی از جامعه ایرانیان مقیم بریتانیا، در پی تحولات اخیر خاورمیانه است.

در میان تجمع‌کنندگان، شماری از هواداران شاهزاده رضا پهلوی، فرزند محمد رضا شاه، دیده می‌شدند که خود را در پرچم ایران با نشان شیر و خورشید، پیچیده بودند. در کنار آنان، افرادی نیز پرچم‌های اسرائیل و ایالات متحده آمریکا را در دست داشتند. در حالی که گروهی در سوی دیگر خیابان، نزدیک‌تر به مسجد، با آنان وارد نزاع لفظی شدند.

ویدئوهای منتشرشده نشان می‌دهد که فریادها و شعارهای دو طرف به سرعت شدت گرفت و تنها چند لحظه بعد، در میان خیابان و محل عبور عابر پیاده به درگیری فیزیکی انجامید.



متحده تنها «تسلیم بی‌قید و شرط» رژیم را خواهد پذیرفت. این مسجد در اوایل همین هفته نیز در کانون جنجال قرار گرفت. زمانی که مراسم یادبودی برای علی خامنه‌ای در آن برگزار شد.

این مراسم دعا تنها یک روز پس از کشته شدن علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در پی حملات هوایی مشترک ایالات متحده و اسرائیل بر فراز تهران برگزار شد؛ رخدادی که در پی عملیات نظامی گسترده علیه اهداف حکومتی ایران روی داد. مرکز اسلامی انگلستان در پیامی در شبکه‌های اجتماعی، خامنه‌ای را «شهیدی بزرگ» توصیف کرد.

همین تعبیر پیش‌تر نیز از سوی این مسجد برای قاسم سلیمانی، فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بکار گرفته شده بود. هنگامی که او در حمله پهنادی ایالات متحده در ژانویه ۲۰۲۰ کشته شد.

این مسجد در آن زمان مراسم یادبودی با شمع برای قاسم سلیمانی برگزار کرد؛ فرماندهی که پیش از ترور، از او به عنوان دست راست علی خامنه‌ای یاد می‌شد.

در اکتبر ۲۰۲۲، سید هاشم موسوی، مدیر این مرکز، در یک سخنرانی، معترضان ایرانی علیه حکومت را «دشمنان» و «سربازان شیطان» توصیف کرد.

موسوی همچنین گفته بود: «زنانی که از پوشیدن حجاب خودداری می‌کنند، به گسترش سم در جامعه متهم‌اند.»

در جریان این درگیریها، رانندگان ناچار به توقف شدند. در حالی که معترضان با لگد و مشت به یکدیگر حمله می‌کردند. در نتیجه‌ی این خشونت‌ها، یک نوجوان ۱۷ ساله نیز دچار جراحت از ناحیه سر شد.

خشونت همان‌گونه که به سرعت آغاز شده بود، اندکی بعد فروکش کرد و هر دو گروه در حالی که همچنان به فریاد و شعار دادن علیه یکدیگر ادامه می‌دادند، به سوی بخش‌های جداگانه خیابان عقب کشیدند.

در پایان ویدئویی که منتشر شده است، یکی از معترضان از آن سوی خیابان فریاد می‌زد: «جاوید شاه» و «زنده باد شاه».

پلیس حدود ساعت ۷:۳۵ شب در پی دریافت گزارش‌هایی درباره‌ی این درگیری خشونت‌آمیز به محل رسید. مأموران پس از حضور در صحنه، تجمع‌کنندگان را متفرق کردند، اما هیچ بازداشتی انجام نشد.

مرکز اسلامی انگلستان پیش از این نیز صحنه‌ی درگیری‌ها و تنش‌هایی میان گروه‌های حامی و مخالف حکومت حاکم بر ایران بوده است و این رخداد تازه در حالی روی می‌دهد که عملیات نظامی ایالات متحده و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی برای هفتمین روز پی‌پی ادامه دارد.

همزمان گزارش‌ها حاکی است که جمهوری اسلامی خود را برای سنگین‌ترین شب حملات و بمباران‌ها آماده می‌کند؛ آن هم در شرایطی که دونالد ترامپ هشدار داده بود که ایالات

دونالد ترامپ خواستار «تسلیم بی‌قید و شرط» جمهوری اسلامی شد



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا / عکس: رویترز

داشت. «ترامپ در پایان این پیام تأکید کرد که «ایرا را دوباره باعظمت کنیم.»

طبق اعلام سنتکام نیروهای ایالات متحده آمریکا در نخستین هفته عملیات «خشم حماسی» علیه جمهوری اسلامی بیش از ۳ هزار هدف را مورد حمله قرار داده‌اند. سنتکام هشدار داد: «ما سرعت حملات خود را کم نمی‌کنیم.»

در مقابل ابوالفضل شکارچی، سخنگوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ندعی شد، «پایان هرگونه جنگ را ایران تعیین می‌کند نه آمریکا و رژیم صهیونیستی.»

او مدعی شد: «ارتش آمریکا امروز یک ارتش بی‌روحیه و افسرده است؛ ارتشی که به‌زور ترامپ وارد منطقه شده است، رئیس‌جمهوری متوهم که با کمال تأسف باید بگویم به‌لحاظ عقلی و عقلانیت دچار مشکل است و حتی منافع ملی آمریکا را نیز مدنظر قرار نمی‌دهد.»

شکارچی افزود: «هرچه این جنگ طولانی‌تر شود، ضعف آمریکا و رژیم صهیونیستی بیشتر و قدرت ما افزون‌تر خواهد شد، آمریکایی‌ها امروز به جنگ روانی و شناختی پناه برده‌اند.»

وی تأکید کرد: امروز کشورهای منطقه باید دست در دست یکدیگر دهند و برای جمع شدن بساط پایگاه‌های آمریکا در منطقه اقدام کنند؛ پایگاه‌هایی که هیچ دستاوردی جز ناامنی برای ملت‌های منطقه نداشته‌اند.

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی به این محاسبه رسیده است که اگر حملات هوایی سنگین را تحمل کند، با گذشت زمان انبارهای تسلیحاتی آمریکا محدود خواهد شد بویژه آنکه برخی منابع رسانه‌ای غربی و همچنین دموکرات‌های آمریکا نیز در این ارتباط به دولت ترامپ هشدار داده‌اند اما کارولین لیویت سخنگوی کاخ سفید، گفت ارتش آمریکا بیش از اندازه کافی مهمات، گلوله و ذخایر تسلیحاتی برای ادامه نابودی حکومت ایران در اختیار دارد. او افزود: «ترامپ همواره به‌شدت بر تقویت ارتش متمرکز بوده و به همین دلیل این دیدار با پیمانکاران دفاعی هفته‌ها پیش برنامه‌ریزی شده بود.»

● دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» نوشت: «هیچ توافقی با جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت مگر تسلیم بی‌قید و شرط.»

● رئیس جمهوری آمریکا در این پیام توضیح داد: «پس از آن و پس از انتخاب رهبر یا رهبرانی بزرگ و قابل قبول، ما همراه با بسیاری از متحدان و شرکای شگفت‌انگیز و بسیار شجاع خود، خستگی‌ناپذیر کار خواهیم کرد تا ایران را از لبه نابودی بازگردانیم و آن را از نظر اقتصادی بزرگ‌تر، بهتر و قدرتمندتر از همیشه کنیم.»

● در مقابل ابوالفضل شکارچی، سخنگوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ندعی شد، «پایان هرگونه جنگ را ایران تعیین می‌کند نه آمریکا و رژیم صهیونیستی.»

● او مدعی شد: «ارتش آمریکا امروز یک ارتش بی‌روحیه و افسرده است؛ ارتشی که به‌زور ترامپ وارد منطقه شده است، رئیس‌جمهوری متوهم که با کمال تأسف باید بگویم به‌لحاظ عقلی و عقلانیت دچار مشکل است و حتی منافع ملی آمریکا را نیز مدنظر قرار نمی‌دهد.»

● کارولین لیویت سخنگوی کاخ سفید، گفت ارتش آمریکا بیش از اندازه کافی مهمات، گلوله و ذخایر تسلیحاتی برای ادامه نابودی حکومت ایران در اختیار دارد.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، جمعه ۶ مارس (۱۵ اسفند) با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» نوشت: «هیچ توافقی با جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت مگر تسلیم بی‌قید و شرط.»

ترامپ در این پیام توضیح داد: «پس از آن و پس از انتخاب رهبر یا رهبرانی بزرگ و قابل قبول، ما همراه با بسیاری از متحدان و شرکای شگفت‌انگیز و بسیار شجاع خود، خستگی‌ناپذیر کار خواهیم کرد تا ایران را از لبه نابودی بازگردانیم و آن را از نظر اقتصادی بزرگ‌تر، بهتر و قدرتمندتر از همیشه کنیم.»

او همچنین تأکید کرد: «ایران آینده‌ای بزرگ خواهد

یک ماه بعد، کمیسیون خیریه‌ی بریتانیا در پی نگرانی‌هایی مبنی بر اینکه این مرکز در ترویج دستورکار و مواضع جمهوری اسلامی نقش داشته است، تحقیقی رسمی و گسترده را آغاز کرد. اقدامی که در نهایت می‌تواند به لغو جایگاه خیریه‌ی این مسجد بینجامد. این تحقیق همچنان ادامه دارد.

این مرکز همچنین در نامه‌ای - که اوایل همین هفته از سوی شماری از نمایندگان حزب کارگر به دن جارویس، وزیر امنیت بریتانیا ارسال شد - مورد اشاره قرار گرفت. نامه‌ای که در آن خواستار اتخاذ اقدامات سخت‌گیرانه‌تر علیه سازمان‌های مرتبط با دولت جمهوری اسلامی شده بودند. در این نامه هشدار داده شده است که: «به نظر می‌رسد این نهادها، از جمله مرکز اسلامی انگلستان، بطور فعال در حال ترویج ایدئولوژی و منافع حکومت ایران هستند.»

مرکز اسلامی انگلستان در بیانیه‌ای که در وبگاه خود منتشر کرده، اعلام داشته است که «یک مؤسسه‌ی خیریه‌ی مذهبی مستقل است و دفتر رسمی یا نهاد نمایندگی هیچ دولت، نهاد سیاسی یا فردی به شمار نمی‌آید.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «این مرکز نمایندگی، مروج یا مدافع دیدگاه‌ها و دستور کار سیاسی هیچ دولت، شخصیت یا رژیمی نیست.»

«راهنمایی‌های دینی این مرکز صرفاً به امور اعتقادی، اخلاقی و معنوی محدود می‌شود و در جهت ترویج صلح دینی و همزیستی میان پیروان ادیان مختلف فعالیت می‌کند.»

«تمامی فعالیت‌های مرکز در راستای اهداف خیریه‌ی آن، یعنی گسترش آموزش دینی، فرهنگ، راهنمایی اخلاقی و تقویت همبستگی اجتماعی و در چارچوب قوانین بریتانیا انجام می‌شود.»

«این مرکز نهادی غیرسیاسی است و همچنان به نقش خود به عنوان مکانی برای آموزش دینی، خدمت رسانی و حمایت از جامعه پایبند است.»

سخنگوی پلیس متروپولیتن لندن نیز به روزنامه‌ی دیلی میل گفت: «افسران پلیس در حال بررسی حادثه‌ای هستند که روز جمعه ۶ مارس در بیرون مسجدی در منطقه‌ی میدا ویل رخ داد.»

او افزود: «پلیس ساعت ۱۹:۳۵ گزارشی درباره وقوع درگیری دریافت کرد و ظرف چند دقیقه در محل حاضر شد.»

وی گفت: «یک نوجوان ۱۷ ساله به مأموران مراجعه کرد و اعلام کرد که از ناحیه سر دچار آسیب شده‌است. وضعیت او در محل بررسی شد، اما به کمک پزشکی بیشتری نیاز نداشت. در حال حاضر گزارش دیگری درباره‌ی این موضوع ثبت نشده است. مأموران تا زمانی که تجمع‌کنندگان متفرق شدند در منطقه باقی ماندند.»

او تأکید کرد: «در این مرحله هیچ بازداشتی صورت نگرفته است و تحقیقات همچنان ادامه دارد. ما از ویدئوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده آگاه هستیم و آنها را به همراه تصاویر دوربین‌های مداربسته در چارچوب تحقیقات بررسی خواهیم کرد.»

وی ادامه داد که نیروهای پلیس در منطقه حضور خواهند داشت و «دستور پراکندگی» برای جلوگیری از بروز بی‌نظمی‌های بیشتر صادر شده است.

تحقیقات پلیس درباره‌ی این رویداد همچنان ادامه دارد.

منبع: دیلی میل
ترجمه: کیهان لندن

اعلام رسمی «رهبری» مجتبی خامنه‌ای؛ ترامپ: زیاد دوام نمی‌آورد

دادستانی جمهوری اسلامی ایرانیان خارج از کشور که با «دشمن» همصدایی کنند را به مصادره اموال و اعدام تهدید کرد



● دادستانی کل کشور روز دوشنبه ۱۸ اسفند در اطلاعیه‌ای اعلام کرده شهروندان ایرانی ساکن خارج از کشور که از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی حمایت کنند یا با آنها همکاری داشته باشند، با مصادره اموال و حتی اعدام روبه‌رو خواهند شد.

● با گذشت ۱۰ روز از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی نهادهای قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی به‌طور پیوسته با صدور اطلاعیه و بیانیه شهروندان درون ایران را تهدید کردند. اکنون دامنه این تهدیدات به ایرانیان خارج از کشور نیز گسترده شده است.

● وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۶ اسفند در اطلاعیه‌ای شهروندان ایران را که از موشک‌باران و انفجارهای ناشی از حملات اسرائیل و آمریکا عکس و ویدئو تهیه و منتشر کنند را تهدید کرد و آنها را «ستون پنجم دشمن» خواند.

● وزارت اطلاعات همچنین روز سه‌شنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۴ در اطلاعیه‌ای با این ادعا که اسرائیل به‌دنبال به‌کارگیری ایرانیان درون کشور علیه جمهوری اسلامی است اعلام کرده «با معدود مزدوران داخلی که به‌دنبال ناامن‌سازی میهن اسلامی هستند به مثابه «سرباز اسرائیلی» برخورد قاطع می‌شود.»

در ادامه موج تهدید شهروندان ایرانی که از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی از سوی نهادهای امنیتی و قضایی حکومت جریان دارد دادستانی کل کشور روز دوشنبه ۱۸ اسفند در اطلاعیه‌ای اعلام کرده شهروندان ایرانی ساکن خارج از کشور که از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی حمایت کنند یا با آنها همکاری داشته باشند، با مصادره اموال و حتی اعدام روبه‌رو خواهند شد.

در اطلاعیه دادستانی کل کشور آمده «منطبق با قانون، هرگونه حمایت، همراهی و همکاری با دشمن

«بیعت» کنند. مسعود پزشکیان در پیامی مدعی شد «انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای نویدبخش عزت خواهد بود.»

گفته شد بعضی مقامات با انتخاب مجتبی به عنوان رهبر مخالف بودند. منابع غیررسمی مدعی شدند علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی از مخالفان اصلی او بود.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در واکنش به تعیین مجتبی خامنه‌ای به عنوان «رهبر» گفت: «راضی نیستم، اگر رهبر بعدی تأیید ما را نگیرد، زیاد دوام نخواهد آورد.»

ترامپ در گفتگو با شبکه ABC News توضیح داد، «رهبر بعدی ایران باید از ما تأیید بگیرد. اگر از ما تأیید نگیرد، زیاد دوام نخواهد آورد. ما می‌خواهیم مطمئن شویم مجبور نیستیم هر ۱۰ سال یک بار بجنگیم، آن هم وقتی رئیس‌جمهوری مثل من سر کار نباشد که این کار را انجام دهد.»

در همین حال، مقامات اسرائیلی از جمله فرماندهان ارشد هم تهدید کردند که هر کسی را که جانشین علی خامنه‌ای شود، کشته خواهد شد.

ارتش اسرائیل در پیامی به زبان فارسی در شبکه «ایکس» نوشت، «به همه کسانی که قصد شرکت در جلسه انتخاب جانشین را دارند هشدار می‌دهیم که در هدف قرار دادن شما تردید نخواهیم کرد. این یک هشدار است.»

هرچند مجتبی خامنه‌ای به عنوان جانشین پدرش انتخاب شد اما دست‌کم مردم می‌گویند اینکه پس از دو مرحله

● مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای یکشنبه شب ۱۷ اسفند ۱۴۰۴ به عنوان جانشین پدرش «رهبر» جمهوری اسلامی شد، ساعاتی بعد دونالد ترامپ تهدید کرد که از این انتخاب رضایت ندارد و مجتبی زیاد دوام نخواهد آورد.

● مسعود پزشکیان در پیامی مدعی شد «انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای نویدبخش عزت خواهد بود.»

● ترامپ در گفتگو با شبکه ABC News توضیح داد، «رهبر بعدی ایران باید از ما تأیید بگیرد. اگر از ما تأیید نگیرد، زیاد دوام نخواهد آورد. ما می‌خواهیم مطمئن شویم مجبور نیستیم هر ۱۰ سال یک بار بجنگیم، آن هم وقتی رئیس‌جمهوری مثل من سر کار نباشد که این کار را انجام دهد.» در همین حال، مقامات اسرائیلی از جمله فرماندهان ارشد هم تهدید کردند که هر کسی جانشین علی خامنه‌ای شود، کشته خواهد شد.

● مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای یکشنبه شب ۱۷ اسفند ۱۴۰۴ به عنوان جانشین پدرش «رهبر» جمهوری اسلامی شد، ساعاتی بعد دونالد ترامپ تهدید کرد که از این انتخاب رضایت ندارد و مجتبی زیاد دوام نخواهد آورد.

در بیانیه اعضای خیرگان رهبری ادعا شد که مجتبی خامنه‌ای «با رأی قاطع» نمایندگان مجلس خیرگان به عنوان «سومین رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی» تعیین و



مجتبی خامنه‌ای در مراسم ختم یکی از نزدیکان وحید حقانیان

مباران سنگین «بیت» از نظر فیزیکی صحیح و سالم باشد معلوم نیست. ضمن اینکه برخی منابع منطقه‌ای از جمله اسرائیلی‌ها گفته بودند که مجتبی هنگام مباران در بیت حضور داشت.

پیش‌تر یسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل گفته بود ابوالقاسم بابائیان رئیس جدید دفتر نظامی بیت خامنه‌ای، در جریان حملات اخیر کشته شده است. بر اساس این گزارش، بابائیان از چهره‌های نزدیک به حلقه نظامی اطراف خامنه‌ای به شمار می‌رفت و مسئولیت هماهنگی‌های نظامی در دفتر رهبری را بر عهده داشت.

معرفی می‌شود. در همین بیانیه از مردم، نجیبگان و حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها خواسته شده تا با مجتبی خامنه‌ای بیعت کنند.

● هواداران که نظام که با آغاز جنگ سازماندهی شده شبها در خیابان تجمع می‌کنند با شنیدن این خبر به شادی پرداختند و «الله‌اکبر» گفتند. مراجع تقلید شیعه و رهبران گروه‌های تروریستی از جمله حزب‌الله و شماری از حوزووی‌ها در بیانیه‌هایی «رهبری» را مجتبی خامنه‌ای تریک گفتند.

گفته شد که قرار است گروه‌های مردمی با مجتبی

➔ در خارج از کشور که به امنیت ملی ضربه بزند، مستوجب مصادره کلیه اموال است.»

این اطلاعیه همچنین با اشاره به ماده یک قانون «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» تأکید کرده «هرگونه اقدام عملیاتی برای رژیم صهیونیستی یا دولت‌های متخاصم از جمله دولت ایالات متحده آمریکا یا سایر رژیم‌ها و گروه‌های متخاصم مستوجب مصادره کلیه اموال با رعایت قسمت اخیر تبصره (۵) ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی و مجازات اعدام است.»

با گذشت ۱۰ روز از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی نهادهای قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی به‌طور پیوسته با صدور اطلاعیه و بیانیه شهروندان درون ایران را تهدید کردند. اکنون دامنه این تهدیدات به ایرانیان خارج از کشور نیز گسترده شده است.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۶ اسفند در اطلاعیه‌ای شهروندان ایران را که از موشک‌باران و انفجارهای ناشی از حملات اسرائیل و آمریکا عکس و ویدئو تهیه و منتشر کنند را تهدید کرد و آنها را «ستون پنجم دشمن» خواند!

در این اطلاعیه آمده بود «تصویربرداری از مکان‌های مورد اصابت قرار گرفته و ارسال آنها به شبکه‌های تروریستی ماهواره‌ای، صفحات مجازی و انسان رسانه‌های دشمن» با برخورد روبرو خواهد شد.

وزارت اطلاعات همچنین روز سه‌شنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۴ در اطلاعیه‌ای با این ادعا که اسرائیل به‌دنبال به‌کارگیری ایرانیان درون کشور علیه جمهوری اسلامی است اعلام کرده «با معدود مزدوران داخلی که به‌دنبال ناامن‌سازی میهن اسلامی هستند به مثابه «سرباز اسرائیلی» برخورد قاطع می‌شود.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۳ اسفندماه با تهدید شهروندان گفته بود: «به موجب ابلاغ صورت گرفته، با عنایت به اینکه در شرایط جنگی به سر می‌بریم، با افرادی که به هر نحوی از انحاء در کلام و عمل، در راستای خواست و منافع نامشروع دشمن متجاوز عمل کنند، وفق قوانین و ضوابط موجود با قاطعیت و شدت برخورد خواهد شد.»

رئیس قوه قضاییه افزوده بود «با این افراد با مبانی انقلابی و اسلامی در زمان جنگ برخورد خواهد شد.»

همچنین محمد موحدی‌آزاد دادستان کل کشور روز یکشنبه ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۴ با صدور دستوری ویژه به دادستان‌های سراسر کشور، بر نظارت جدی برای جلوگیری از «سوءاستفاده افراد فرصت‌طلب در شرایط جنگی» تأکید کرد.

دادستان کل کشور خواستار «برخورد سریع و قاطع با هرگونه اقدام زمینه‌ساز بهره‌برداری دشمن» شد. ساعاتی پس از آغاز حمله اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی در روز شنبه نهم اسفندماه نیز دادستانی کل کشور با صدور بیانیه‌ای شهروندان ایران را تهدید کرد.

در این بیانیه آمده بود «با کلیه عناصری که در فضای مجازی و دیگر عرصه‌ها نقش پیاده نظام این دو رژیم متجاوز را ایفا کرده و با همراهی با دشمنان، اقدام به القاء ترس و شایعه‌سازی یا تهدید امنیت شهروندان می‌کنند» برخورد می‌شود.

دادستانی کل کشور افزوده بود «این اقدامات «علیه امنیت ملی» تلقی شده و دستگاه‌های انتظامی، امنیتی و قضایی طبق قانون با قاطعیت و بدون مهابات برخورد خواهند کرد.»

حذف هدفمند یک هکر تحت تعقیب در همدان؛ مأموریت محمد مهدی فرهادی شناسایی مخالفان حکومت بود



انهدام منزل فرهادی در همدان

بوده است.

نام فرهادی، شهریور ۱۳۹۹ در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفت. طبق بیانیه وزارت دادگستری آمریکا، او فرد دیگری به نام هومن حیدریان متهم به تلاش برای هک کردن کامپیوترهای نهادهای دولتی آمریکا و سرقت اطلاعات امنیتی مربوط به اشخاص و گروه‌های مخالفان جمهوری اسلامی شدند. در اطلاعیه اعلام شد فرهادی به نام «مهدوی مهدوی» نیز مشهور است.

● در جریان یک عملیات پیچیده نقطه‌ای به همدان، محمد مهدی فرهادی رامین در یک خانه‌اش کشته شد. این حمله دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ انجام شد اما مدتی طول کشید تا مشخص شود هدف این حمله یک «مجرم سایبری» بوده است.

● نام فرهادی، شهریور ۱۳۹۹ در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفت. طبق بیانیه وزارت دادگستری آمریکا، او فرد دیگری به نام هومن حیدریان متهم به تلاش برای



بزرگداشت فرهادی (راست)

WANTED BY THE FBI

MEHDI FARHADI

Conspiracy to Commit Fraud and Related Activity in Connection with Computers; Computer Fraud - Unauthorized Access to Protected Computers; Computer Fraud - Unauthorized Damage to Protected Computers; Conspiracy to Commit Wire Fraud; Access Device Fraud; Aggravated Identity Theft



DESCRIPTION

Aliases: Mohammad Mehdi Farhadi Ramini, Mehdi Mahdavi
Date(s) of Birth Used: September 10, 1980
Hair: Brown
Sex: Male
Place of Birth: Iran
Eyes: Brown
Nationality: Iranian

REMARKS

Farhadi is known to reside in Hamedan, Iran.

CAUTION

Mehdi Farhadi is wanted for his alleged involvement in malicious cyber activity affecting networks and individuals in the United States and other countries, to include delivery of malware, exploitation of remote data, and unauthorized access to computer networks. Farhadi has also allegedly stolen credit card information and identities of United States persons to fund these illicit activities. Farhadi has allegedly targeted a variety of victims, to include individuals, corporations, non-profit organizations, universities, and government agencies both in the United States and overseas.

هک کردن کامپیوترهای نهادهای دولتی آمریکا و سرقت اطلاعات امنیتی مربوط به اشخاص و گروه‌های مخالفان جمهوری اسلامی شدند. در اطلاعیه اعلام شد فرهادی به نام «مهدوی مهدوی» نیز مشهور است.

● کار پنینتو از وکلای دادگستری ایالات متحده درباره این دو هکر گفته بود «با گستاخی سیستم‌های کامپیوتری قربانیان خود را هدف قرار داده‌اند تا به ظن خودشان، در بین دشمنان و مخالفان جمهوری اسلامی و فعالان حقوق بشر ایجاد هراس کنند.»

● در واقع این دو نفر با استفاده از تکنولوژی، مستقیم به دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی کمک می‌کردند و از همان زمان تحت تعقیب قرار داشتند.

در جریان یک عملیات پیچیده نقطه‌ای به همدان، محمد مهدی فرهادی رامین در یک خانه‌اش کشته شد. این حمله دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ انجام شد اما مدتی طول کشید تا مشخص شود هدف این حمله یک «مجرم سایبری»

کار پنینتو از وکلای دادگستری ایالات متحده درباره این دو هکر گفته بود «با گستاخی سیستم‌های کامپیوتری قربانیان خود را هدف قرار داده‌اند تا به ظن خودشان، در بین دشمنان و مخالفان جمهوری اسلامی و فعالان حقوق بشر ایجاد هراس کنند.»

در رسانه‌های حکومتی فعلاً هیچ اشاره‌ای به کشته شدن فرهادی نشده است. حتا کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران که پیگیر کشته‌های جنگ از بین نیروهای وفادار هستند نیز اشاره‌ای به حذف او نکرده‌اند.

در واقع این دو نفر با استفاده از تکنولوژی، مستقیم به دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی کمک می‌کردند و از همان زمان تحت تعقیب قرار داشتند.

براساس تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، در محله‌ای که فرهادی زندگی می‌کرد یک بنر نصب شده است. روی آن بنر از او به عنوان «سرباز گمنام» و «دانشمند هسته‌ای» نام برده شده است. این یعنی تعقیب او نتیجه داد و در نهایت محل اقامت او شناسایی شد.

گاردین: شبه نظامیان نیابتی جمهوری اسلامی، حملات علیه آمریکا، اسرائیل و متحدانشان را تشدید کرده‌اند



سوگواری شیعیان عراق برای مرگ علی خامنه‌ای

حمله به منطقه شمال غربی ایران انجام شود. در روزهای اخیر چندین گروه مسلح مورد حمایت حکومت ایران مسئولیت حمله به پایگاه آمریکا در فرودگاه اربیل در شمال عراق را بر عهده گرفته‌اند. همچنین پهپادها و موشک‌هایی از مناطق بیابانی غرب ایران به سمت اهدافی در اردن شلیک شده‌اند و شبه‌نظامیان در جنوب عراق نیز موشکی به سوی کویت شلیک کرده‌اند. روز پنجشنبه این شبه‌نظامیان در بیانیه‌ای مشترک به کشورهای اروپایی هشدار دادند که به جنگ نیبوندند و تهدید کردند که «نیروها و پایگاه‌های آنها در عراق و منطقه» را هدف قرار خواهند داد.

خبرگزاری رسمی عراق گزارش داد که تلاش برای شلیک موشک از منطقه‌ای در استان بصره در جنوب عراق - که هدف آن «کشوری همسایه» بوده - خنثی شده است. نیروهای امنیتی سکوی پرتاب متحرکی را که دو موشک آماده شلیک روی آن قرار داشت، توقیف کرده‌اند. سخنگوی ارتش اسرائیل شامگاه چهارشنبه تأیید کرد که پهپادهایی از عراق به سوی اسرائیل پرتاب شده‌اند، هرچند «در تعداد قابل توجهی نبوده‌اند».

مایکل نایتس، کارشناس عراق در مؤسسه مشاوره راهبردی Horizon Engage در نیویورک، گفت گروه‌های عراقی مورد حمایت ایران در تلاش‌اند مشخص کنند چگونه در این بحران نقش‌آفرین باشند و چگونه به کشته شدن علی خامنه‌ای واکنش نشان دهند.

در آنچه به نظر می‌رسد یک ضدحمله مخفیانه باشد، پایگاه‌های شبه‌نظامیان در جنوب بغداد و در نزدیکی شهرهای ناصریه و بصره هدف پهپادهای کوچک انتحاری قرار گرفته‌اند که گفته می‌شود ۱۵ جنگجو - عمدتاً از

خود علیه اسرائیل، ایالات متحده و متحدانشان را تشدید کرده‌اند. این حملات در واکنش به عملیات مشترک آمریکا و اسرائیل علیه تهران صورت می‌گیرد.

در این گزارش که جمعه ۶ مارس (۱۵ اسفند) منتشر شد آمده، اسرائیل و آمریکا شبکه گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به ایران را هدف قرار داده‌اند و در این میان عراق به یکی از جبهه‌های اصلی این رویارویی جدید و اغلب مخفیانه تبدیل شده است.

شبه‌نظامیان در عراق از زمان آغاز جنگ، ده‌ها حمله انجام داده‌اند که اهداف آن‌ها اسرائیل و همچنین پایگاه‌های آمریکا در اردن و خود عراق بوده است.

در روزهای اخیر، این گروه‌ها همچنین زیرساخت‌های گروه‌های مخالف کرد ایرانی مستقر در منطقه خودمختار و عمدتاً کردنشین شمال عراق را هدف قرار داده‌اند.

تحلیلگران و مقام‌های سابق اطلاعاتی منطقه که آگاهی بالایی از وضعیت دارند می‌گویند اسرائیل و آمریکا تلاش می‌کنند با حملات هوایی و عملیات نیروهای ویژه در زمین توانایی شبه‌نظامیان حامی ایران در عراق را تضعیف کنند.

از زمان حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق، این کشور به میدان جنگ نیابتی میان آمریکا و متحدانش از یک سو و ایران از سوی دیگر تبدیل شده است. با این حال رهبران کنونی عراق تلاش کرده‌اند از کشیده شدن کشورشان به این درگیری جدید جلوگیری کنند. شبه‌نظامیان عمدتاً از میان اکثریت شیعه عراق جذب می‌شوند و از افسران ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دستور می‌گیرند.

در نشانه‌ای از تشدید جنگ‌های نیابتی در منطقه، مقام‌هایی در واشنگتن اعلام کردند که در حال بررسی بسیج کردهای مخالف ایرانی هستند؛ اقدامی که ممکن است برای

مایکل نایتس، کارشناس عراق در مؤسسه مشاوره راهبردی Horizon Engage در نیویورک، گفت گروه‌های عراقی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در تلاش‌اند مشخص کنند چگونه در این بحران نقش‌آفرین باشند و چگونه به کشته شدن علی خامنه‌ای واکنش نشان دهند.

در آنچه به نظر می‌رسد یک ضدحمله مخفیانه باشد، پایگاه‌های شبه‌نظامیان در جنوب بغداد و در نزدیکی شهرهای ناصریه و بصره هدف پهپادهای کوچک انتحاری قرار گرفته‌اند که گفته می‌شود ۱۵ جنگجو - عمدتاً از گروه کتائب حزب‌الله، قدرتمندترین گروه حامی رژیم ایران در عراق - را کشته‌اند.

دو مقام ارشد سابق اطلاعاتی اسرائیل گفتند می‌توانند درباره این انفجارها اظهار نظر کنند، اما این احتمال که سرویس‌های اطلاعاتی یا نیروهای ویژه اسرائیل مسئول آن باشند «قابل باور» است. مقام دیگری گفت ممکن است نیروهای آمریکایی نیز در آن نقش داشته باشند.

فیلیپ اسمیت، تحلیلگر مستقل مستقر در آمریکا درباره متحدان جمهوری اسلامی ایران، گفت ممکن است تهران حوثی‌ها را برای مراحل بعدی نگه داشته باشد، اما رهبران این جنبش نیز شاید در حال «محاسبه و احتیاط در صورتی باشند که رژیم ایران سقوط کند».

رناد منصور، پژوهشگر ارشد خاورمیانه در مؤسسه چتم هاوس، گفت: «موضوع برای آنها در درجه اول بقاست... و بقای آنها بر اساس محاسباتی است که لزوماً با بقای ایران یکی نیست».

روزنامه «گاردین» گزارش داد گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در سراسر خاورمیانه حملات

گردهمایی بزرگ «با ایرانی‌ها برای ایران آزاد» در رم؛ حمایت احزاب ایتالیا از انقلاب مردم ایران



از جمله چهره‌های سیاسی ایتالیایی حاضر در این گردهمایی می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

-جان جاکومو کالوینی و فردیکو مولیکونه نماینده‌های پارلمان از حزب Fratelli d'Italia (حزب جورجیا ملونی، نخست وزیر ایتالیا)

-آندره آورسینی، نماینده پارلمان از حزب Forza Italia (حزب آنتونیو تاپانی، وزیر خارجه ایتالیا)

-ایوان اسکالفاروتو، سناتور از حزب Italia Viva
 -اتوره روزانو، نماینده پارلمان و نایب رییس حزب Azione
 -لوئیجی ماراتین، نماینده پارلمان و رهبر حزب لیبرال دموکراتیک ایتالیا

-ماریا جلمینی، سناتور از حزب Noi Moderati
 -بندتو دلا دووا، نماینده پارلمان از حزب پروروپا

در کنار سیاستمداران، شماری از چهره‌های شناخته شده جامعه مدنی و فرهنگی ایتالیا نیز در این مراسم حضور داشتند:

-استفانو پاریزی، بنیان‌گذار و مدیر انجمن ۷ اکتبر
 -فرانچسکو نوچرینو، روزنامه‌نگار تلوزیون ملی ایتالیا
 -فابیو فراری، بازیگر و استاد دانشگاه
 -بیانکا هرمانین و پیرکامیلو فالاسکا، سردبیران نشریه L'Europeista

-یاسمین پوچی پهلوی، بازیگر، نوهی شاهدخت اشرف پهلوی
 -چیرو پرینچیپه، فعال شبکه‌های اجتماعی
 سخنرانان ایرانی این برنامه:

-«الهه» خواهر یکی از جاویدنامان انقلاب ملی ایران
 -فریبا کریمی، از جبهه‌ی هفت آبان و انجمن «زن، زندگی، آزادی» اروپا

-امیرسالار خسروی، از حزب ایران نوین و انجمن نور ایران
 -آیسان احمدی، از حزب ایران نوین و انجمن آناهیتا

-فریمان، هنرمند و خواننده‌ی ایرانی
 این گردهمایی، از منظر ناظران، نشانه‌ای از شکل‌گیری

اجماعی فراگیرتر از مرزبندی‌های سیاسی در ایتالیا درباره‌ی تحولات ایران و پیامدهای منطقه‌ای و اروپایی آن ارزیابی شد؛ اجماعی که می‌تواند به تغییراتی ملموس در رویکرد رسمی این کشور نسبت به جمهوری اسلامی بینجامد.

● در گردهمایی «با ایرانی‌ها برای ایران آزاد» در میدان سانتی آپوستولی رم، نمایندگان احزاب مختلف ایتالیا با کنار گذاشتن اختلاف‌های سیاسی در موضعی مشترک از انقلاب مردم ایران حمایت کردند؛ اتحادی که ناظران آن را کم‌سابقه در فضای سیاسی این کشور توصیف کرده‌اند.

● سه حزب اصلی ائتلاف حاکم ایتالیا، همراه با احزاب میانه و لیبرال اپوزیسیون، با اعزام نمایندگان پارلمان و سنای این کشور به این همایش پیوستند و در کنار ایرانیان مقیم ایتالیا خواستار پایان حاکمیت جمهوری اسلامی شدند.

● سیاستمداران حاضر در این نشست تأکید کردند حمایت از مردم ایران تنها یک موضع‌گیری اخلاقی در سیاست خارجی نیست، بلکه اقدامی پیشگیرانه برای مقابله با گسترش تروریسم سازمان‌یافته و حفظ امنیت اروپا به‌شمار می‌رود.

شایان آزاد - روز سه‌شنبه ۳ مارس ۲۰۲۶، شهر رم ایتالیا شاهد شکل‌گیری اتحادی کم سابقه میان بزرگترین احزاب ایتالیا بود؛ اتحادی که با هدف اعلام همبستگی با انقلاب مردم ایران و حمایت از آزادی این کشور شکل گرفت. در این گردهمایی، نمایندگان جریان‌های سیاسی مختلف با کنار گذاشتن اختلاف‌های حزبی، در موضعی مشترک خواستار پایان حاکمیت جمهوری اسلامی و حمایت عملی از انقلاب مردم ایران شدند. البته باید خاطر نشان کرد که برخی احزاب چپ افراطی در این تجمع شرکت نداشتند اما حضور احزاب میانه، راست و چپ میانه‌ی ایتالیا همبستگی کم‌نظیری بود که دستاورد مهم این همایش محسوب می‌شود.

هر سه حزب اصلی ایتالیا، که ائتلاف دولت جورجیا ملونی را شکل می‌دهند، به این همایش پیوسته و نمایندگانی در سطح عالی به میدان سانتی آپوستولی شهر رم، محل برگزاری همایش، فرستادند. در کنار این سه حزب، احزابی هم از طیف میانه و لیبرال که در دولت حضور ندارند و اپوزیسیون میانه‌رو دولت فعلی محسوب می‌شوند نیز به این همایش پیوسته و در کنار جمعیت بزرگی از ایرانیان ساکن ایتالیا حضور داشتند و به سخنرانی در حمایت از مردم ایران پرداختند.

سناتورها و نمایندگان پارلمان ایتالیا این روز را نقطه‌ی آغاز مرحله‌ای تازه از اقدامات سیاسی در حمایت از مردم ایران توصیف کردند. آنان تأکید کردند که مقابله با جمهوری اسلامی صرفاً موضوعی مرتبط با سیاست خارجی نیست، بلکه اقدامی پیشگیرانه در برابر گسترش تروریسم سازمان‌یافته در اروپا به‌شمار می‌رود. به باور آنان، آنچه امروز مردم ایران پی می‌گیرند، نتایجی مستقیم برای امنیت و ثبات اروپا خواهد داشت.

سیاستمداران حاضر در این نشست، بازنگری در رویکردهای پیشین ایتالیا در قبال جمهوری اسلامی را ضروری دانستند و وعده دادند صدای انقلاب مردم ایران را در پارلمان و دولت ایتالیا بازتاب دهند. آنان همچنین از تدوین و پیگیری راهکارهایی عملی و قاطع در این زمینه سخن گفتند.

این همایش به ابتکار انجمن ایتالیایی-یهودی «۷ اکتبر» و با همکاری انجمن‌های ایرانی در ایتالیا و با همراهی دو حزب ایرانی «جبهه‌ی ۷ آبان» و «ایران نوین» برگزار شد.

➔ گروه کتاب حزب‌الله، قدرتمندترین گروه حامی ایران در عراق - را کشته‌اند.

نایتس گفت: «در عراق از سامانه‌های پهبادی کوتاه‌برد استفاده می‌شود که نمی‌توانند از اسرائیل تا اینجا پرواز کرده باشند. ما دقیقاً همین وضعیت را در جنگ قبلی ایران و اسرائیل دیدیم و این نشان می‌دهد نوعی عملیات مخفی در زمین در حال انجام است. جنگ نیابتی زیادی در جریان است.»

کتاب حزب‌الله اعلام کرد یکی از فرماندهانش در حمله‌ای در جنوب عراق در روز قبل کشته شده است. دو منبع از این گروه به خبرنگاری فرانسه گفته‌اند حمله‌ای به یک خودرو در نزدیکی پایگاه اصلی گروه در جنوب عراق دو جنگجو را کشته است. بعداً تعداد کشته‌ها به سه نفر از جمله یک فرمانده افزایش یافت.

پایگاه جرف‌النصر این گروه از آخر هفته تاکنون بارها هدف حمله قرار گرفته است. همچنین گزارش‌هایی از انفجارهای بزرگ در پایگاه‌های شبه‌نظامیان در استان الانبار در غرب عراق منتشر شده است.

در کنار اینها، مجموعه‌ای از انفجارهای مرمر نیز رخ داده که سامانه‌های راداری دولت عراق برای نظارت بر ترافیک هوایی در حریم هوایی این کشور را از کار انداخته است.

دو مقام ارشد سابق اطلاعاتی اسرائیل گفتند نمی‌توانند درباره این انفجارها اظهار نظر کنند، اما این احتمال که سرویس‌های اطلاعاتی یا نیروهای ویژه اسرائیل مسئول آن باشند «قابل باور» است. مقام دیگری گفت ممکن است نیروهای آمریکایی نیز در آن نقش داشته باشند.

ایران طی دهه‌ها در ایجاد ائتلافی از گروه‌های شبه‌نظامی از اقیانوس هند تا مدیترانه سرمایه‌گذاری کرده است؛ شبکه‌ای که هدف آن هم بازدارندگی در برابر حمله به خود ایران و هم گسترش نفوذ در منطقه است.

اسرائیل همچنین پس از پیوستن حزب‌الله لبنان به درگیری، حملات گسترده‌ای را در لبنان آغاز کرده است. حزب‌الله علاوه بر حمله به اسرائیل، یک پهباد نیز به سمت پایگاه بریتانیا در قبرس پرتاب کرده است.

با این حال «محور مقاومت» از زمان آنکه یکی از اعضایش یعنی حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حمله‌ای غافلگیرکننده به اسرائیل انجام داد و موجی از جنگ‌های بعدی را آغاز کرد، به شدت تضعیف شده است.

حماس و همچنین حوثی‌های یمن روابط نزدیکی با تهران دارند، اما تاکنون در درگیری فعلی وارد میدان نشده‌اند.

رناد منصور، پژوهشگر ارشد خاورمیانه در مؤسسه چتم هاوس، گفت: «موضوع برای آنها در درجه اول بقاست... و بقای آنها بر اساس محاسباتی است که لزوماً با بقای ایران یکی نیست.»

فیلیپ اسمیت، تحلیلگر مستقل مستقر در آمریکا درباره متحدان ایران گفت ممکن است تهران حوثی‌ها را برای مراحل بعدی نگه داشته باشد، اما رهبران این جنبش نیز شاید در حال «محاسبه و احتیاط در صورتی باشند که رژیم ایران سقوط کند.»

در نشانه‌های دیگر از احتمال استفاده آمریکا از نیروهای نیابتی در میان اقلیت‌های قومی ایران برای تضعیف حکومت ایران، گزارش‌هایی منتشر شده که از حملات یک گروه مسلح وابسته به جنبش‌های جدایی‌طلب عرب در ایران به اهداف سپاه پاسداران در جنوب غرب کشور خبر می‌دهد.

حمله به یک پایگاه سپاه در اهواز، شهری نزدیک مرز عراق، توسط گروهی تازه‌تشکیل که خود را «شاهین‌های اهواز» می‌نامد، بر عهده گرفته شده است.

انفجار قیمت نفت در هفتمین روز جنگ؛ پیش‌بینی قیمت ۱۵۰ دلاری برای هر بشکه

شدید در عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز انجام می‌شود. همچنین هم‌زمان با توقف شمار زیادی از کشتی‌های نفتکش در نزدیکی تنگه هرمز، وزارت خزانهداری ایالات متحده مجوزی ۳۰ روزه صادر کرده که به هند اجازه می‌دهد در این بازه زمانی نفت روسیه را خریداری کند. اسکات بسنت، وزیر خزانهداری آمریکا، اعلام کرد این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده که به گفته او صدها نفتکش در پی تنش‌های نظامی جاری با ایران در محدوده تنگه هرمز متوقف مانده‌اند و بازار جهانی انرژی با نگرانی‌هایی روبه‌رو است. نشریه «اکنومیست» نیز با هشدار درباره پیامدهای فاجعه‌بار افزایش قیمت نفت به ۱۰۰ دلار، از دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده خواست تا برای جلوگیری از شوک تورمی و رکود اقتصادی، جنگ را متوقف کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس از مهمترین کشورهای صادرکننده گاز مایع هستند و اختلالی که در روند استخراج و صادرات نفت ایجاد شده، درباره گاز مایع نیز وجود دارد. وزیر انرژی قطر هشدار داده که جنگ می‌تواند خلیج فارس را مجبور کند در عرض چند هفته صادرات انرژی را متوقف کند.

وزیر انرژی قطر افزوده حتی اگر جنگ همین حالا هم پایان یابد، بازگشت قطر به چرخه عادی تحویل محموله‌ها چند هفته تا چند ماه زمان می‌برد. قطر که دومین تولیدکننده بزرگ گاز مایع (LNG) در جهان است، پس از حمله به تأسیسات رأس لفان مجبور شد این هفته وضعیت فورس ماژور (اضطرار در قراردادهای) اعلام کند. بر اساس گزارش‌ها ذخیره تولید گاز مایع (LNG) بیشتر از ۷۲ ساعت ممکن نیست، به همین دلیل سه روز پس از بسته شدن تنگه هرمز کارخانجات قطر تعطیل شد. در نتیجه تعطیلی کارخانجات (LNG) قطر دو اتفاق در دو سویه تنگه هرمز رخ می‌دهد یکی اینکه تمامی کارخانجات

و همین طور میادین تولید گاز تعطیل می‌شوند. از سوی دیگر، تولید گاز نفتی مایع شده یا ال‌پی‌جی هم از بین می‌رود و در نتیجه بنزین، گازوئیل و مشتقات نفتی که در پالایشگاه‌ها تولید می‌شود هم متوقف می‌شود. به این ترتیب هم کشتیرانی (LNG) مختل می‌شود و هم تأسیسات تبدیل مجدد گاز مایع به گاز طبیعی در لوله تعطیل می‌شوند. برخی از کشورها مانند ژاپن و کره جنوبی که تأمین گاز طبیعی آنها وابسته به گاز طبیعی مایع (LNG) است، متضرر می‌شوند.

کریستالینا جورجیوا، مدیرکل صندوق بین‌المللی پول گفت: جنگ خاورمیانه بار دیگر اقتصاد جهانی را «در معرض آزمون» قرار داده است.

او در کنفرانسی در بانکوک تحت عنوان «آسیا در سال ۲۰۵۰» با تأکید بر اینکه گفت: «ما در جهانی زندگی می‌کنیم که شوک‌های غیرمنتظره بیشتر شده‌اند و ما مدتی است مدام به کشورهای عضو صندوق هشدار می‌دهیم که عدم قطعیت اکنون به قاعده تبدیل شده است.»

مدیرکل صندوق بین‌المللی پول با تأکید بر اینکه «هرچه این فاجعه زودتر پایان یابد، برای کل جهان بهتر خواهد بود» گفته «اگر جنگ در منطقه ادامه پیدا کند حتماً بر قیمت‌های جهانی انرژی، رشد اقتصادی، تورم و البته بر رفتارهای احساسی در بازارها، تأثیر خواهد داشت.»



و دریای عمان طی معطل مانده‌اند.

شبکه «بلومبرگ» امروز بر اساس داده‌های «مرکز اطلاعات دریایی مشترک» گفت که طی ۲۴ ساعت هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرده و فقط ۲ شناور باری از آن رد شده‌اند.

«بلومبرگ» با بیان اینکه تشدید درگیری‌ها باعث شده که ده‌ها شناور حامل نفت و گاز در خلیج فارس سرگردان شوند، افزود: «حملات مکرر به کشتی‌ها، عبور از این تنگه را برای شناورهای دارای محموله‌های ارزشمند بسیار خطرناک می‌کند.»

از سوی دیگر حملات نظامی به کشورهای منطقه سبب کاهش یا توقف تولید در برخی پالایشگاه‌ها و میادین استخراج نفت و گاز، و کاهش صادرات شده است.

دولت اقلیم کردستان روز جمعه ۱۵ اسفندماه اعلام کرد که میدان نفتی سرسنگ در استان دهوک که توسط شرکت آمریکایی HKN اداره می‌شود، در ساعت‌های ۹:۳۰ و ۹:۳۰ شب توسط دو پهپاد هدف قرار گرفت. بر اساس این گزارش تولید نفت در این میدان نفتی کاملاً متوقف شده است. بغداد تاکنون حدود ۱/۵ میلیون بشکه در روز از تولید خود را کاهش داده و آن را به ذخیره‌سازها منتقل می‌کند. تحلیلگران عراقی هشدار می‌دهد با ادامه جنگ ممکن است تولید این کشور صفر شود.

بانک جی‌پی مورگان هشدار داده است که اگر این وضعیت بیش از سه هفته ادامه پیدا کند، مخازن نفت در خلیج فارس پر شده و تولید برخی کشورها به اجبار متوقف خواهد شد؛ سناریویی که بر اساس برآورد این بانک می‌تواند قیمت نفت برنت را تا حدود ۱۲۰ دلار در هر بشکه افزایش دهد. وبسایت «اوایل پرایس» گزارش داده وزارت خزانهداری آمریکا اعلام کرده برای شرکت‌های تجارت کالا معافیت‌های تحریمی صادر می‌کند تا بتوانند نفت روسیه را که در نفتکش‌ها ذخیره شده، به بازار عرضه کنند؛ اقدامی که با هدف جبران کاهش عرضه نفت خاورمیانه به دلیل اختلال

● قیمت هر بشکه نفت برنت در ظهر جمعه ۱۵ اسفندماه ۱۴۰۴ و در هفتمین روز از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی به ۸۹/۱۰ دلار در هر بشکه رسید که رکوردی جدید در قیمت نفت به شمار می‌رود.

● از نخستین ساعات پس از آغاز جنگ ترده نفتکش‌ها و کشتی‌ها در خلیج فارس با اختلال روبرو شد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عبور از مسیر تنگه هرمز را محدود کرد و بر اساس گزارش‌ها بیش از ۲۰۰ کشتی و نفتکش در خلیج فارس و دریای عمان طی معطل مانده‌اند. ● از سوی دیگر حملات نظامی به کشورهای منطقه سبب کاهش یا توقف تولید در برخی پالایشگاه‌ها و میادین استخراج نفت و گاز، و کاهش صادرات شده است. ● بانک جی‌پی مورگان هشدار داده است که اگر این وضعیت بیش از سه هفته ادامه پیدا کند، مخازن نفت در خلیج فارس پر شده و تولید برخی کشورها به اجبار متوقف خواهد شد؛ سناریویی که بر اساس برآورد این بانک می‌تواند قیمت نفت برنت را تا حدود ۱۲۰ دلار در هر بشکه افزایش دهد.

● وزیر انرژی قطر هشدار داده که جنگ می‌تواند خلیج فارس را مجبور کند در عرض چند هفته صادرات انرژی را متوقف کند.

● مدیرکل صندوق بین‌المللی پول با تأکید بر اینکه «هرچه این فاجعه زودتر پایان یابد، برای کل جهان بهتر خواهد بود» گفته «اگر جنگ در منطقه ادامه پیدا کند حتماً بر قیمت‌های جهانی انرژی، رشد اقتصادی، تورم و البته بر رفتارهای احساسی در بازارها، تأثیر خواهد داشت.»

در هفتمین روز از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی قیمت هر بشکه نفت برنت با ثبت رکوردی تازه به بیش از ۸۹ دلار در هر بشکه رسید و افزایش قیمت با سرعت ادامه دارد. برخی کارشناسان هشدار می‌دهند تداوم جنگ می‌تواند قیمت هر بشکه نفت خام را به ۱۵۰ دلار برای هر بشکه افزایش دهد.

ترمیمال نفتی در بندر الفجیره امارات روز پنجشنبه ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۴ از سوی جمهوری اسلامی هدف قرار گرفت روز جمعه ۱۵ اسفندماه ۱۴۰۴ و در هفتمین روز از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی به علت اختلال در تولید و صادرات نفت و گاز از کشورهای خاورمیانه قیمت‌ها با افزایش روبرو شده است.

قیمت هر بشکه نفت برنت در ظهر جمعه به ۸۹/۱۰ دلار در هر بشکه رسید که رکوردی جدید در قیمت نفت به شمار می‌رود.

«فایننشال تایمز» در گزارشی هشدار داده که ممکن است ظرف چند هفته تولید نفت و گاز در خلیج فارس متوقف شود و قیمت نفت به بشکه‌ای ۱۵۰ دلار برسد.

دیگر تحلیلگران نیز افزایش قیمت نفت به بیش از ۱۰۰ دلار در روزهای آینده و در شرایط تداوم جنگ را محتمل می‌دانند.

از نخستین ساعات پس از آغاز جنگ ترده نفتکش‌ها و کشتی‌ها در خلیج فارس با اختلال روبرو شد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عبور از مسیر تنگه هرمز را محدود کرد و بر اساس گزارش‌ها بیش از ۲۰۰ کشتی و نفتکش در خلیج فارس

آسمان تهران در دود ناشی از آتش مخازن سوخت؛ هشدار به شهروندان برای رعایت نکات ایمنی و بهداشتی

۲. اگر در فضای باز غافلگیر شدید، بلافاصله به زیر سقف‌های بتنی یا فلزی پناه ببرید و از پناه گرفتن زیر درختان خودداری کنید.

۳. در صورت تماس باران با پوست، به هیچ وجه محل را نمالید و فقط با جریان مداوم آب سرد شستشو دهید.

۴. لباس‌هایی که به این باران آغشته شده‌اند را بلافاصله تعویض کرده و در کیسه در بسته قرار دهید.

۵. از ماسک‌های فیلتردار (ترجیحاً N95 یا ماسک‌های دارای لایه کربن فعال) استفاده کنید.

۶. از مصرف آب چاه‌های روباز یا مخازن ذخیره آب باران در مناطق نزدیک به انفجار جداً خودداری کنید.

۷. حیوانات خانگی و احشام را به فضای کاملاً سرپوشیده منتقل کنید و علوفه آن‌ها را بپوشانید.

۸. اگر دچار سوزش شدید مجاری تنفسی، سرفه خشک مداوم یا تاری دید شدید، بلافاصله به مراکز درمانی مراجعه کنید.

۹. پس از اتمام بارندگی، سطوح خارجی و خودروها را با فشار آب زیاد بشویید تا رسوبات سمی خشک نشوند.

سازمان هلال احمر در اطلاعیه دیگری موارد دیگر آموزشی را گوشزد و تأکید کرده «آگاهی از این جزئیات، مرز بین سلامت و بیماری‌های مزمن ریوی و پوستی است»:

- خطر بخارات پس از باران: پس از قطع شدن باران، از منزل خارج نشوید؛ زیرا تبخیر قطرات اسیدی از روی زمین گرم یا سطوح، غلظت سموم در هوای تنفسی را تا چندین برابر افزایش می‌دهد (صبر کنید تا هوا کاملاً ساکن شده یا توسط باد جابه‌جا شود).
- کولرهای آبی و گازی: در زمان بارش باران اسیدی سمی، کولرهای آبی را مطلقاً روشن نکنید (پوشال‌های خیس مثل فیلتر عمل کرده و اسید و دوده سمی را مستقیماً به داخل ریه‌های ساکنان خانه پمپاژ می‌کنند؛ کولرهای گازی را نیز در حالت گردش داخلی قرار دهید).
- مراقبت از مواد غذایی باز: اگر در تراس یا حیاط خانه مواد غذایی (مثل ترشحات، برنج یا نان) دارید، حتی اگر در بسته هستند، پیش از انتقال به داخل خانه ابتدا ظرف آن‌ها را با دستکش و دستمال مرطوب کاملاً پاک کنید (ذرات اسیدی میکروسکوپی روی جداره ظرف می‌توانند هنگام باز کردن، محتویات را آلوده کنند).
- شستشوی مجاری تنفسی: پس از اتمام دوره بارش، حتی اگر در منزل بوده‌اید، بینی و گلو خود را با محلول رقیق نمکی (سرم شستشو) غرغره کنید (این کار باعث دفع ذرات دوده نفتی معلق در هوا که به مخاط چسبیده‌اند می‌شود).
- تعویض فیلتر تصفیه آب: اگر از سیستم تصفیه آب خانگی استفاده می‌کنید، پس از اتمام بحران باران‌های سمی، فیلترهای مرحله اول را تعویض کنید (نفوذ احتمالی آلاینده‌های اتمسفری به شبکه آب شهری می‌تواند کارایی فیلترهای قدیمی را از بین ببرد).
- عدم استفاده از برف‌پاک‌کن خشک: اگر روی شیشه خودروی شما رسوبات سیاه باران نشست، هرگز برف‌پاک‌کن را به تنهایی روشن نکنید (ترکیب اسید خشک شده و دوده مثل سمباده عمل کرده و علاوه بر آسیب به ریه شما هنگام برخاستن غبار، شیشه خودرو را نیز برای همیشه کدر می‌کند؛ ابتدا با سطل آب فراوان بشویید).



از سوی دیگر آسمان تهران را مه غلیظی از دود و غبار و ابر فرا گرفته است. شهروندان با انتشار ویدئوها و تصاویری اعلام کرده‌اند که دود غلیظ در هوای تهران سبب نیمه تاریک بودن شهر در روز یکشنبه شده است.

صادق ضیاییان رئیس مرکز پیش‌بینی سازمان هواشناسی صبح روز یکشنبه ۱۷ اسفندماه ۱۴۰۴ اعلام کرده «اکنون در تهران شاهد ترکیب دود و ابر در آسمان هستیم و مناطقی که نزدیک تر به محل‌های آتش‌سوزی هستند، تاریکی هوا بیشتر احساس می‌شود».

رئیس مرکز پیش‌بینی سازمان هواشناسی تأکید کرده «رفع شرایط فعلی و دود ایجاد شده، مستلزم اطفای حریق در مناطق مورد هدف قرار گرفته است و باید منشأ دود از بین برود».

کارشناسان درباره خطرات جدی مواد شیمیایی در ذرات دود ناشی از آتش برای سلامت شهروندان هشدار می‌دهند. برخی کارشناسان با اشاره به جذب این مواد بر اثر باران‌های اسیدی، درباره آلودگی گسترده آب‌های زیرزمینی نیز هشدار می‌دهند.

در همین سازمان هواشناسی در اطلاعیه‌ای آموزشی تأکید کرده خواسته با توجه به شرایط ایجاد شده و ورود آلودگی به محدوده شهر تهران تا حد امکان از حضور غیرضروری در فضای باز خودداری کرده و در منازل خود بمانند.

سازمان هلال احمر نیز در اطلاعیه‌ای آموزشی تأکید کرده انفجار انبارهای نفت باعث ورود حجم انبوهی از ترکیبات سمی هیدروکربن‌ها و اکسیدهای گوگرد و نیتروژن در جو و به ابرها می‌شود که در صورت بارندگی، باران حاصل بسیار خطرناک و دارای خاصیت اسیدی شدید است (این پدیده می‌تواند باعث سوختگی‌های شیمیایی پوست و آسیب جدی به ریه‌ها شود).

سازمان هلال احمر به شهروندان تأکید کرده:

- در زمان بارش پس از انفجارهای نفتی، تحت هیچ شرایطی از منزل خارج نشوید و تمام منافذ را با پارچه مرطوب بپوشانید.

● در هفته دوم جنگ اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی برخی زیرساخت‌ها در چند نقطه ایران هدف حملات قرار گرفته است.

● تأسیسات آب شیرین‌کن در جزیره قشم روز جمعه ۱۵ اسفند هدف حمله قرار گرفته و فعالیت این تأسیسات متوقف و آب دست‌کم ۳۰ روستا در جزیره قشم قطع شده است. جمهوری اسلامی این حملات را به آمریکا و اسرائیل نسبت داده است.

● در شامگاه شنبه ۱۶ اسفند موجی از حملات به تأسیسات سوخت آغاز شد؛ اسرائیل حملات به زیرساخت‌ها را تأیید کرده است.

● در این حملات انبار نفت شهران در شمال غرب تهران، انبار نفت شهری، انبار نفت کوهک، انبار نفت اقدسیه (انبار نفت ارتش) در تهران و همچنین انبار نفت فردیس کرج شنبه شب هدف قرار گرفتند. سوخت مخازن هدف قرار گرفته نقش اساسی در تولید بنزین داشته‌اند.

● آسمان تهران را مه غلیظی از دود و غبار و ابر فرا گرفته است. شهروندان با انتشار ویدئوها و تصاویری اعلام کرده‌اند که دود غلیظ در هوای تهران سبب نیمه تاریک بودن شهر در روز یکشنبه شده است.

● کارشناسان درباره خطرات جدی مواد شیمیایی در ذرات دود ناشی از آتش برای سلامت شهروندان هشدار می‌دهند. برخی کارشناسان با اشاره به جذب این مواد بر اثر باران‌های اسیدی، درباره آلودگی گسترده آب‌های زیرزمینی نیز هشدار می‌دهند.

در هفته دوم جنگ اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی برخی زیرساخت‌های سوخت در چند نقطه ایران هدف حملات قرار گرفته است. بر اثر بمباران پالایشگاه تهران و مخازن سوخت در چند نقطه تهران در شب گذشته، تهران را مه‌ای از دود و غبار فرا گرفته و کارشناسان نسبت رعایت نکات بهداشتی و ایمنی از سوی شهروندان هشدار می‌دهند.

حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی پس از هدف قرار دادن بخش زیادی از مراکز نظامی و امنیتی و سرکوب حکومت، به زیرساخت‌های آب و انرژی کشیده شده است.

بر اساس گزارش‌ها تأسیسات آب شیرین‌کن در جزیره قشم روز جمعه ۱۵ اسفند هدف حمله قرار گرفته و فعالیت این تأسیسات متوقف و آب دست‌کم ۳۰ روستا در جزیره قشم قطع شده است. جمهوری اسلامی این حملات را به آمریکا و اسرائیل نسبت داده است.

در شامگاه شنبه ۱۶ اسفند نیز موجی از حملات به تأسیسات سوخت آغاز شد؛ اسرائیل حملات به زیرساخت‌ها را تأیید کرده است.

در این حملات انبار نفت شهران در شمال غرب تهران، انبار نفت شهری، انبار نفت کوهک، انبار نفت اقدسیه (انبار نفت ارتش) در تهران و همچنین انبار نفت فردیس کرج شنبه شب هدف قرار گرفتند. سوخت مخازن هدف قرار گرفته نقش اساسی در تولید بنزین داشته‌اند.

ساعاتی پس از بمباران مخازن سوخت، شرکت ملی پالایش و پخش مواد نفتی اعلام کرد که سهمیه‌های روزانه بنزین از ۳۰ به ۲۰ لیتر کاهش یافته است.

نامه «پزشکان میهن پرست ایران» به دونالد ترامپ برای حمایت از رهبری شاهزاده رضا پهلوی برای گذار دموکراتیک

رضا پهلوی و نیروهای دموکراتیک»، «تشدید فشار هدفمند بر رژیم و حفاظت از غیرنظامیان» و «حفظ تمامیت ارضی ایران» را از دولت ایالات متحده مطرح کردند.

در نامه «پزشکان میهن پرست ایران» آمده که «ما، پزشکان، پژوهشگران و متخصصان مراقبت‌های بهداشتی ایرانی خارج از کشور، اعضای پزشکان میهن پرست ایران، به عنوان درمانگرانی که به سوگند بقراط برای مقابله با رنج و بی‌عدالتی پایبندیم، این نامه را می‌نویسیم.»

در این نامه تأکید شده «جمهوری اسلامی پزشکی و درمان را به ابزاری برای سرکوب تبدیل کرده است؛ از ارائه خدمات درمانی به معترضان خودداری می‌کند، پزشکان را به دلیل درمان مجروحان زندانی می‌کند و باعث مرگ‌های قابل پیشگیری بی‌شماری می‌شود. ما شاهد بوده‌ایم که میهن ما در حالی که مردمش شجاعانه خواستار آزادی هستند، متحمل سرکوب وحشیانه حکومت است.»

همچنین آمده «این روزها ایرانیان داخل و خارج از ایران

ممنوعیت راهپیمایی «روز قدس» در لندن؛ دولت بریتانیا از خطر آشوب و درگیری خبر داد

● دولت بریتانیا اعلام کرده‌است که راهپیمایی سالانه «روز قدس» امسال در لندن برگزار نخواهد شد؛ تصمیمی که برای نخستین بار از سال ۲۰۱۲ اتخاذ می‌شود. مقام‌های امنیتی با استناد به ارزیابی‌های جدید هشدار داده‌اند که سطح خطر بی‌نظمی عمومی در این رویداد به گونه‌ای افزایش یافته‌است که اعمال محدودیت‌های معمول برای کنترل آن کافی نخواهد بود.

● به گفته‌ی پلیس، فضای ملتهب ناشی از تحولات جاری در خاورمیانه و احتمال حضور گسترده شرکت‌کنندگان و مخالفان این مراسم، خطر رویارویی مستقیم میان گروه‌های مختلف را افزایش داده است. مقام‌های امنیتی هشدار داده‌اند که در صورت برگزاری این راهپیمایی، احتمال آسیب به شهروندان، معترضان و نیروهای پلیس و نیز خسارت به اموال عمومی و خصوصی وجود دارد.

● شبانه محمود با درخواست پلیس متروپولیت برای ممنوعیت این راهپیمایی موافقت کرده و اعلام کرده است این تصمیم برای جلوگیری از «بی‌نظمی شدید عمومی» اتخاذ شده است. او همچنین تأکید کرده در صورت برگزاری تجمعی جایگزین، پلیس اختیار دارد محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای اعمال کند و با هرگونه اقدام در جهت تحریک نفرت یا تفرقه برخورد قانونی داشته باشد.

● راهپیمایی «روز قدس» در لندن که پس از انقلاب ۱۳۵۷ به ابتکار روح‌الله خمینی پایه‌گذاری شد، در سال‌های گذشته بارها با جنجال و انتقاد روبرو بوده است. در برخی موارد نیز حوادثی مانند بازداشت شرکت‌کنندگان، درگیری با پلیس، آتش زدن پرچم اسرائیل و نمایش پرچم گروه‌هایی مانند حزب‌الله پیش از ممنوعیت رسمی آن در بریتانیا گزارش شده بود.

● در روزهای اخیر بیش از ۶۰ نماینده‌ی پارلمان و عضو مجلس اعیان بریتانیا در نامه‌ای به وزیر کشور خواستار ممنوعیت این راهپیمایی شده و هشدار داده بودند که اجازه‌ی برگزاری چنین رویدادی می‌تواند پیام نگران‌کننده‌ای ارسال کرده و موجب احساس ناامنی در میان جامعه‌ی یهودیان بریتانیا شود.

● کریس فیلیپ، وزیر کشور در دولت سایه، نیز گفته‌است: «حتی برگزاری یک تجمع ثابت هم در این مورد پذیرفتنی نیست. همچنان خطر بی‌نظمی شدید وجود دارد و این گروه از حکومتی حمایت خواهد کرد که ۳۰ هزار نفر از شهروندان خود را کشته است. یک تجمع ثابت می‌تواند به همان اندازه یک راهپیمایی مسئله‌ساز باشد، و در این مورد نیز دقیقاً همین‌طور است. قانون باید به‌روزرسانی شود تا این واقعیت را منعکس کند.»



به طور فزاینده‌ای به ولیعهد رضا پهلوی به عنوان چهره‌ای متحدکننده برای گذار مسالمت‌آمیز نگاه می‌کنند. او از دموکراسی سکولار، انتخابات آزاد از طریق همه‌پرسی ملی، حفاظت از غیرنظامیان و حفظ تمامیت ارضی ایران، بدون تلاش برای قدرت شخصی، حمایت می‌کند.»

امضاکنندگان تأکید کرده‌اند «ما به عنوان متخصصانی که به زندگی و کرامت انسانی متعهد هستیم، قویاً از دیدگاه ولیعهد رضا پهلوی حمایت می‌کنیم. او یک ایران آزاد و دموکراتیک، پیشرفت در علم، پزشکی و جامعه را احیا می‌کند که به سود منطقه و جهان خواهد بود.»

امضاکنندگان این نامه همچنین چهار خواسته محوری را از دولت دونالد ترامپ مطرح کردند:

درخواست مردم ایران برای تغییر رژیم را به رسمیت بشناسید.

با ولیعهد رضا پهلوی و نیروهای دموکراتیک تعامل کنید. فشار هدفمند بر رژیم را تشدید کنید و در عین حال از غیرنظامیان محافظت کنید.

از حفظ تمامیت ارضی ایران حمایت کنید و هرگونه تلاش برای تجزیه یا تقسیم کشور بر اساس خطوط قومی یا منطقه‌ای را رد کنید.

در پایان نامه «پزشکان میهن پرست ایران» تأکید شده که مردم ایران شجاعتی شکست‌ناپذیر نشان داده‌اند. آنها اکنون شایسته حمایت دیپلماتیک دولت ایالات متحده هستند.

● «پزشکان میهن پرست ایران» در نامه‌ای به دونالد ترامپ، از شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری گذار دموکراتیک حمایت کردند.

● ۷۵ پزشک، پژوهشگر و متخصص مراقبت بهداشتی ساکن خارج از کشور با امضای این نامه تأکید کردند شاهزاده رضا پهلوی از دموکراسی سکولار، انتخابات آزاد از طریق همه‌پرسی ملی، حفاظت از غیرنظامیان و حفظ تمامیت ارضی ایران، بدون تلاش برای قدرت شخصی، حمایت می‌کند.

● «به رسمیت شناختن خواسته مردم ایران برای تغییر رژیم»، «تعامل با ولیعهد رضا پهلوی و نیروهای دموکراتیک»، «تشدید فشار هدفمند بر رژیم و حفاظت از غیرنظامیان» و «حفظ تمامیت ارضی ایران» چهار خواسته امضاکنندگان از دولت ایالات متحده است.

● در پایان نامه «پزشکان میهن پرست ایران» تأکید شده که «مردم ایران شجاعتی شکست‌ناپذیر نشان داده‌اند. آنها اکنون شایسته حمایت دیپلماتیک دولت ایالات متحده هستند.

«پزشکان میهن پرست ایران» در نامه‌ای به دونالد ترامپ، از شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری گذار دموکراتیک حمایت کردند. ۷۵ پزشک، پژوهشگر و متخصص مراقبت بهداشتی ساکن خارج از کشور چهار خواسته «به رسمیت شناختن خواسته مردم ایران برای تغییر رژیم»، «تعامل با ولیعهد

اختیار قانونی برای ممنوع کردن تجمع ثابت را ندارند؛ در حالی که این قانون به پلیس اجازه می‌دهد اگر تشخیص دهد خطر بروز بی‌نظمی شدید وجود دارد، درخواست ممنوعیت یک راهپیمایی را مطرح کند.

لرد والی، مشاور سیاسی پیشین دولت در امور خشونت سیاسی، به دیلی تلگراف گفت: «این خلأ قانونی منطقی نیست و باعث می‌شود خطر بروز بی‌نظمی شدید عمومی ناشی از مراسم روز قدس، از نظر قانونی، به‌درستی مهار نشود.

او افزود: «حق آزادی تجمع در بریتانیا بسیار مهم است، اما این حق می‌تواند و باید در برابر نگرانی‌های جدی مربوط به نظم عمومی، محدود شود. زمان آن رسیده که این موضوع دوباره بررسی شود.»

کریس فیلیپ، وزیر کشور در دولت سایه، نیز گفت: «حتی برگزاری یک تجمع ثابت هم در این مورد پذیرفتنی نیست. همچنان خطر بی‌نظمی شدید وجود دارد و این

به جمهوری اسلامی و جنگ متعاقب آن در خاورمیانه، پرشمارتر از سال‌های گذشته باشد. هم‌زمان، گروه‌های مخالفان جمهوری اسلامی نیز برای برگزاری ضدتجمع‌های گسترده فراخوان داده بودند، که این امر بر نگرانی‌های امنیتی افزود و احتمال رویارویی مستقیم میان دو طرف را افزایش داد.

برگزاری این مراسم در لندن بر عهده «کمیسیون حقوق بشر اسلامی» (IHRC) است؛ نهادی که تأکید دارد این رویداد مسالمت‌آمیز و در حمایت از فلسطینیان برگزار می‌شود. با این حال، شماری از نمایندگان و اعضای مجلس اعیان، بویژه از حزب کارگر، این مراسم را «راهپیمایی نفرت» توصیف کرده و برگزارکنندگان آن را به داشتن پیوند با جمهوری اسلامی و گرایش‌های افراطی متهم کرده‌اند.

راهپیمایی روز قدس بخشی از مجموعه تظاهراتی است که پس از انقلاب ۱۳۵۷، به ابتکار روح‌الله خمینی، برای ابراز همبستگی با فلسطینیان و مخالفت با اسرائیل پایه‌گذاری

→ راهپیمایی و تجمع سالانه «روز قدس» که قرار بود روز یکشنبه در لندن برگزار شود، ممنوع اعلام شد. این نخستین بار از سال ۲۰۱۲ است که مقام‌های بریتانیایی با استناد به نگرانی‌های جدی امنیتی، برگزاری یک راهپیمایی را ممنوع می‌کنند. دولت بریتانیا این تصمیم را با استناد به خطر بروز بی‌نظمی شدید عمومی و تشدید تنش‌ها در سایه جنگ جاری در خاورمیانه توجیه کرده است.

وزارت کشور بریتانیا اعلام کرد شبانه محمود، وزیر کشور، با درخواست پلیس متروپولیت برای ممنوعیت این راهپیمایی موافقت کرده است. به گفته مقام‌های پلیس، ارزیابی‌های امنیتی نشان می‌دهد خطر بروز آشوب و درگیری به سطحی رسیده است که دیگر نمی‌توان صرفاً با اعمال محدودیت‌های معمول بر زمان، مسیر یا نحوه برگزاری مراسم، از وقوع بی‌نظمی جلوگیری کرد.

شبانه محمود در بیانیه‌ای تصریح کرد این تصمیم با هدف جلوگیری از بی‌نظمی شدید عمومی اتخاذ شده و با توجه به



راهپیمایی «روز قدس» در لندن، سال ۲۰۲۵ میلادی، منبع: رویترز

گروه از حکومتی حمایت خواهد کرد که ۳۰ هزار نفر از شهروندان خود را کشته است.

او افزود: «یک تجمع ثابت می‌تواند به همان اندازه یک راهپیمایی مسئله‌ساز باشد، و در این مورد نیز دقیقاً همین‌طور است. قانون باید به‌روزرسانی شود تا این واقعیت را منعکس کند.»

شبانه محمود که ظاهراً از پیش احتمال چنین اقدامی از سوی IHRC را پیش‌بینی کرده بود، پیش‌تر گفته بود: «اگر تجمعی ثابت برگزار شود، پلیس خواهد توانست محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای بر آن اعمال کند. او افزوده بود: «انتظار داریم تمام ظرفیت قانون علیه هر کسی که به‌جای استفاده از حق اعتراض مسالمت‌آمیز، به ترویج نفرت و تفرقه بپردازد، به کار گرفته شود.»

پلیس متروپولیت نیز اعلام کرد که با وجود ممنوع شدن راهپیمایی، آخر هفته پیش رو همچنان «چالش‌برانگیز و بالقوه همراه با خشونت» خواهد بود و برای تقویت حضور پلیس در پایتخت، نیروهای از سراسر بریتانیا به لندن فراخوانده شده‌اند.

شد. این مراسم در سال‌های گذشته در بریتانیا بارها با حاشیه و انتقاد همراه بوده است؛ از جمله در مواردی که به بازداشت، درگیری با پلیس، آتش زدن پرچم اسرائیل و نمایش پرچم حزب‌الله، پیش از ممنوعیت رسمی این گروه در سال ۲۰۱۹، منجر شده بود.

در روزهای اخیر، فشار سیاسی برای جلوگیری از برگزاری این مراسم بطور محسوسی افزایش یافته بود. بیش از ۶۰ نماینده مجلس و عضو مجلس اعیان از احزاب مختلف، در نامه‌ای به وزیر کشور، خواستار اقدام «قاطع و فوری» برای ممنوعیت این راهپیمایی شده و هشدار داده بودند که اجازه برگزاری چنین رویدادی در لندن می‌تواند پیامی نگران‌کننده ارسال کرده و موجب ارباب جامعه‌ی یهودیان بریتانیا شود.

با این حال، بنا بر گزارش دیلی تلگراف، اکنون از شبانه محمود خواسته شده است خلأ قانونی‌ای را که به برگزارکنندگان امکان می‌دهد همچنان این تجمع را برگزار کنند، برطرف کند.

بر اساس «قانون نظم عمومی»، نه دولت و نه پلیس

گسترده‌ی تجمع، تعدد ضدتجمع‌ها و فضای ملتهب ناشی از تحولات خاورمیانه، اقدامی ضروری بوده است. وی همچنین هشدار داد در صورتی که به جای راهپیمایی، تجمعی ثابت برگزار شود، پلیس اختیار خواهد داشت محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای بر آن اعمال کند و با هرگونه اقدامی در جهت دامن زدن به نفرت و تفرقه، برخورد قانونی انجام دهد.

پلیس متروپولیت نیز در تشریح موضع خود اعلام کرد شرایط پیرامون این رویداد «بطور منحصربه‌فردی پیچیده» و سطح مخاطرات آن «بسیار شدید» است و اعمال شروط و محدودیت‌ها برای جلوگیری از تبدیل شدن آن به بی‌نظمی گسترده، کافی نخواهد بود. به گفته‌ی پلیس، در صورت برگزاری این راهپیمایی، خطر آسیب به شهروندان، معترضان، مأموران پلیس و نیز وارد آمدن خسارت به اموال عمومی و خصوصی وجود خواهد داشت.

انتظار می‌رفت هزاران نفر در راهپیمایی امسال شرکت کنند. برگزارکنندگان پیش‌بینی کرده بودند که تعداد تظاهرکنندگان امسال، در پی حملات آمریکا و اسرائیل

سیاست و تحریف واژگان: سازوکارهای بازتعریف امر سیاسی

«به مناسبت ۲۴ اسفندماه و زادروز رضاشاه بزرگ»



آریا چَمروش - مسئله‌ی اطلاق عنوان «تبعید» به خروج رضاشاه پهلوی از ایران، نمونه‌ای شاخص از خلط مفهومی در تاریخ‌نگاری سیاسی معاصر است؛ خلطی که بیش از آن‌که بر اسناد هم‌زمان استوار باشد، محصول بازخوانی‌های تفسیری و گفتمانی پسینی است. برای داوری دقیق، نخست باید تعریف عملیاتی تبعید در تاریخ سیاسی و حقوق عمومی روشن شود. تبعید در معنای کلاسیک خود مستلزم وجود دستور یا الزام رسمی برای ترک کشور، سلب حق انتخاب مقصد یا تحمیل محل اقامت، و محرومیت از امکان بازگشت است. در غیاب این مؤلفه‌ها، استفاده از واژه‌ی تبعید بیش از آن‌که تحلیلی باشد، توصیفی و بالقوه گمراه‌کننده است.

در مورد رضاشاه پهلوی، هیچ فرمان مکتوب، اولتیماتوم رسمی یا سند اجرایی منتشرشده‌ای وجود ندارد که خروج او از خاک ایران را بصورت الزام‌آور و تحمیلی نشان دهد. استعفا‌ی او از سلطنت، هرچند در شرایطی غیرعادی و در بستر جنگ جهانی دوم انجام شد، از نظر شکلی، مطابق سازوکار حقوقی انتقال قدرت صورت گرفت و ولیعهد طبق همان سازوکار جانشین شد. فقدان سند الزام‌آور برای ترک کشور، نخستین مانع جدی در برابر اطلاق عنوان تبعید است؛ خلأیی که با نقل‌قول‌های غیرمسئولانه یا داوری‌های پسینی قابل جبران نیست.

شرایط بین‌المللی سال ۱۹۴۱ نیز باید در بستر زمانی خود فهمیده شود. اروپا پیش از آن شاهد اشغال برق‌آسای فرانسه، یکی از قدرت‌های بزرگ قاره، بود؛ رخدادی که نشان داد حتی دولت‌های مستقر و قدرتمند نیز می‌توانند در برابر منطق جنگ تمام‌عیار بسرعت فروبریزند. اندکی بعد، یورش آلمان به اتحاد شوروی در قالب عملیات بارباروسا، بزرگ‌ترین حمله‌ی زمینی تاریخ بشر، نگرانی وجودی برای متفکرین ایجاد کرد. خطر سقوط مسکو واقعی بود و بقای جبهه‌ی شرق به ایجاد مسیرهای امن تدارکاتی وابسته شد. در این چارچوب، ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود به کریدوری حیاتی بدل شد و حضور نظامی متفکرین در خاک ایران، پیش و بیش از هر چیز، تصمیمی راهبردی و لجستیکی بود، نه پروژه‌ای برای تغییر نظام سیاسی یا حذف شخص شاه.

این تمایز از آن‌رو اهمیت دارد که فشار ناشی از شرایط جنگی استثنایی را نباید با فشار سیاسی شخصی و هدفمند خلط کرد. آنچه در ایران ۱۳۲۰ وجود داشت، کاهش حاکمیت عملی دولت در نتیجه‌ی اولویت‌های جنگی و حضور نظامی خارجی بود، نه صدور دستور مشخص برای کنار گذاشتن یا اخراج رضاشاه پهلوی. در اسناد هم‌زمان، هدف اصلی تثبیت مسیر تدارکات و مهار نفوذ آلمان دیده می‌شود، نه الزام حقوقی شاه به ترک کشور.

موضوع مقصد خروج رضاشاه پهلوی نیز با تعریف تبعید هم‌خوانی ندارد. شواهد موجود نشان می‌دهد که گزینه‌هایی چون آمریکای جنوبی و حتی کانادا که دور از محدوده‌ی جنگی محسوب می‌شدند مورد بررسی قرار گرفته بودند. محدودیت‌های شدید حمل‌ونقل دریایی و ناامنی مسیرها در اوج جنگ جهانی دوم، انتخاب‌ها را عملاً محدود می‌کرد، اما این محدودیت‌ها ماهیتی

است؛ تمایزی که پیش‌شرط تاریخ‌نگاری معتبر محسوب می‌شود.

نادیده‌گرفتن اسناد موجود در زمان وقوع رویداد، شرایط عینی تصمیم‌گیری، محدودیت‌های لجستیکی و الزامات بستر جنگی، به شکل‌گیری روایت‌هایی انجامیده که بیش از آن‌که بازتاب واقعیت تاریخی باشند، محصول بازتفسیرهای متأخر و نیازهای گفتمانی دوره‌های بعدی‌اند. بسیاری از روایت‌هایی که دهه‌ها بعد از «تبعید» سخن می‌گویند، نه بر پایه‌ی شواهد هم‌زمان، بلکه تحت تأثیر تحولات سیاسی بعدی شکل گرفته‌اند. در چنین وضعیتی، بار اثبات وجود اجبار حقوقی یا سیاسی شخصی، بطور کامل بر عهده‌ی مدعیان «تبعید» است و فقدان سند الزام‌آور، خود به‌تنهایی نشانه‌ای معنادار در نقد این روایت محسوب می‌شود.

بر این اساس، توصیف دقیق‌تر و قابل دفاع‌تر آن است که این رویداد «کناره‌گیری از منصب در شرایط ویژه به نفع ولیعهد قانونی و اقامت در خارج از کشور در بستر محدودیت‌های ناشی از وضعیت استثنایی جنگ جهانی دوم» نامیده شود. اصرار بر کاربرد واژه «تبعید»، بدون ارائه‌ی سند حقوقی الزام‌آور و بدون رعایت تمایز میان فشارهای عمومی جنگی و اجبار سیاسی شخصی، بیش از آن‌که تحلیل تاریخی باشد، بازتولید یک روایت تفسیری است و این پرسش را برجسته می‌کند که: چه میزان از تاریخ معاصر ایران بر پایه‌ی شواهد هم‌زمان نوشته شده و چه میزان در فرایند بازنویسی‌های پسینی شکل گرفته است؟

برای مطالعه بیشتر:

- 1- Persian Gulf Command Ashley Jackson 2018
- 2- Operation Barbarossa, Hartmann christian, Oxford 2013
- 3- T. H. Vail Motter, The Persian Corridor and Aid to Russia 2014

لجستیکی داشتند، نه تنبیهی یا سیاسی. در مسیر حرکت، تعویض کشتی در مپئی و اقامت کوتاه‌مدت در جزیره‌ی موریس، نه به‌عنوان مقصد، بلکه در چارچوب ملاحظات امنیتی و حمل‌ونقلی دوران جنگ صورت گرفت. در نهایت، اقامت در آفریقای جنوبی به‌عنوان انتخابی عملی و مطلوب از نظر آب‌وهوا و شرایط زندگی با تأیید خانواده و شخص رضاشاه پهلوی تثبیت شد؛ فرایندی که با الگوی تبعید تحمیلی تفاوت ماهوی دارد.

در این‌جا باید به بُعد گفتمانی اطلاق واژه‌ی تبعید نیز توجه کرد. واژه‌ها در تاریخ سیاسی بی‌طرف نیستند و «تبعید» حامل بار معنایی مشخصی است که مفاهیمی چون شکست، بی‌اختیاری، طردشدگی، بی‌اعتباری سیاسی و در نهایت تحقیر قدرت سیاسی و نظامی را القا می‌کند. بکارگیری این واژه در باره‌ی رضاشاه پهلوی، بدون پشتوانه‌ی سندی، نه‌تنها یک توصیف نادقیق، بلکه در بسیاری از روایت‌ها بخشی از یک خوانش گفتمانی است که کارکرد آن فروکاستن نقش کنشگرانه‌ی او و تضعیف نمادین نهاد پادشاهی است. این تحلیل به‌معنای نیت‌خوانی نیست، بلکه بررسی کارکرد سیاسی زبان در بازگویی تاریخ است.

مقایسه‌ی کوتاه با موارد مسلم تبعید در تاریخ، این تمایز را روشن‌تر می‌کند. تبعید ناپلئون بناپارت به سنت‌هلن، خروج محمدعلی‌شاه قاجار پس از خلع رسمی، یا تبعید طولانی‌مدت روح‌الله خمینی، همگی واجد عناصر مشترکی هستند: تصمیم یا دستور رسمی، تحمیل مقصد، و سلب حق بازگشت در دوره‌ای معین. خروج رضاشاه پهلوی فاقد این مؤلفه‌های مشترک است و همین فقدان، قیاس آن را با تبعیدهای کلاسیک ناموجه می‌سازد.

اطلاق عنوان «تبعید» به خروج رضاشاه بزرگ، بدون اتکا به سند الزام‌آور حقوقی و بدون تمایز روشن میان فشارهای عمومی ناشی از وضعیت استثنایی جنگ جهانی دوم و اجبار سیاسی شخصی، فاقد پشتوانه‌ی مستند است. مسئله در این‌جا صرفاً اختلاف لفظی نیست، بلکه تمایز بنیادین میان تحلیل سیاسی و واقعیت تاریخی هم‌زمان

قیمت نفت دوباره افزایش یافت؛ نمایان شدن آثار اقتصادی جنگ در خاورمیانه



● روز گذشته قیمت جهانی نفت روندی کاهشی پیدا کرد و وارد کانال ۸۰ دلار در هر بشکه شد اما مسیر قیمت جهانی نفت بار دیگر از نخستین ساعات فعالیت بازارهای جهانی در بامداد چهارشنبه ۲۰ اسفندماه افزایشی شد و به محدوده ۹۲ دلار رسید.

● علت کاهش قیمت نفت در روز گذشته اظهارات دونالد ترامپ درباره احتمال پایان جنگ به زودی، آزادسازی ۱۰۰ میلیون بشکه نفت ونزوئلا برای عرضه در بازار جهانی و همچنین بیمه کردن کشتی‌ها و نفتکش‌ها از سوی ایالات متحده بوده است.

● خبرگزاری «بلومبرگ» گزارش داده احتمال دارد آژانس بین‌المللی انرژی در تصمیمی تاریخی، ذخایر اضطراری نفتی را آزاد کند که تأثیر بزرگی در قیمت نفت خواهد گذاشت.

● خبرگزاری سی‌ان‌ان از آغاز مین‌گذاری در تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی خبر داده و نوشته تاکنون چند ده مین کار گذاشته شده است، اما این احتمال وجود دارد که در روزهای آینده صدها مین دیگر نیز کار گذاشته شود. این امر می‌تواند قیمت نفت را به شدت افزایش دهد.

قیمت جهانی نفت که روز گذشته کاهش یافته بود بار دیگر روز چهارشنبه ۲۰ اسفندماه افزایش یافت. اثرات ۱۲ روز اختلال در روند صادرات نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی در کشورهای مختلف نمایان شده است. برخی گزارش‌ها از احتمال آزادسازی ذخائر اضطراری نفت از سوی آژانس بین‌المللی انرژی با هدف جلوگیری از افزایش نجومی قیمت نفت در شرایط جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی حکایت دارد.

با تداوم جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی قیمت جهانی نفت برنت روز دوشنبه به مرز ۱۲۰ دلار در هر بشکه رسید. روز گذشته قیمت نفت روندی کاهشی پیدا کرد و وارد کانال ۸۰ دلار در هر بشکه شد اما مسیر قیمت جهانی نفت بار دیگر از نخستین ساعات فعالیت بازارهای جهانی در بامداد چهارشنبه ۲۰ اسفندماه افزایشی شد و به محدوده ۹۲ دلار رسید.

اعلام نام مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی، کاهش تولید و صادرات نفت در کشورهای خاورمیانه به علت تشدید جنگ، و افزایش ۱۲ برابری نرخ بیمه حمل و نقل دریایی از سوی انجمن بیمه‌گران دریایی لندن (لویدز) به علت وضعیت پرریسک تردد در تنگه هرمز، سه عامل افزایش قیمت نفت تا ۱۲۰ دلار بود.

● علت کاهش قیمت نفت در روز گذشته اظهارات دونالد ترامپ درباره احتمال پایان جنگ به زودی، آزادسازی ۱۰۰ میلیون بشکه نفت ونزوئلا برای عرضه در بازار جهانی و همچنین بیمه کردن کشتی‌ها و نفتکش‌ها از سوی ایالات متحده بوده است.

با اینهمه کاهش قیمت نفت چندان پایدار نبود و از صبح امروز قیمت نفت نوساناتی افزایشی را طی کرده است. درگیری نظامی در منطقه ادامه دارد و وعده کنترل تنگه هرمز از سوی آمریکا، اسرائیل و فرانسه که طی دو روز گذشته مطرح شده نیز جواب نداده است.

● مرکز تجارت دریایی بریتانیا روز چهارشنبه ۲۰ اسفندماه گزارش داد برای سومین بار یک کشتی در محدوده تنگه هرمز هدف یک «پرتابه ناشناس» قرار گرفته است.

در شرایطی که دونالد ترامپ دو روز پیش از نابودی نیروی دریایی جمهوری اسلامی خبر داده بود اما روز گذشته خبر آغاز مین‌گذاری در تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی منتشر شد. خبرگزاری سی‌ان‌ان با تأیید خبر آغاز مین‌گذاری در تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی نوشت تاکنون چند ده مین کار گذاشته شده است، اما این احتمال وجود دارد که در روزهای آینده صدها مین دیگر نیز کار گذاشته شود. این امر می‌تواند قیمت نفت را به شدت افزایش دهد.

همزمان ارتش آمریکا نیز روز چهارشنبه ۲۰ اسفند از هدف قرار دادن ۱۶ قایق مین‌گذار ایران در نزدیکی تنگه هرمز خبر داده بود.

به عقیده بسیاری از کارشناسان روند تداوم حملات نظامی از سوی طرفین جنگ و همچنین نشانه‌های بر تداوم محدودیت‌ها در تنگه هرمز برای عبور کشتی‌ها و نفتکش‌ها سبب واکنش بازار نفت شده و با ادامه جنگ احتمال افزایش

قیمت نفت تا بیش از ۱۵۰ دلار در هر بشکه وجود دارد. خبرگزاری «بلومبرگ» گزارش داده احتمال دارد آژانس بین‌المللی انرژی در تصمیمی تاریخی، ذخایر اضطراری نفتی را آزاد کند که تأثیر بزرگی در قیمت نفت خواهد گذاشت. این خبر در حالی منتشر شده که آثار محدودیت در حمل و نقل در کشورهای مختلف نمایان شده است. گزارش‌ها از هند از کمبود کپسول گاز مایع در برخی مناطق و معطل ماندن مردم در صف‌های طولانی برای دریافت کپسول گاز حکایت دارد.

در اتحادیه اروپا قیمت گازوئیل طی ۱۰ روز نخست جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی با افزایش ۵۵ درصدی روبرو شده و به ۱۱۶۵ دلار در هر تن رسیده است. بر اساس آمارها با ادامه اختلال در حمل‌ونقل دریایی در تنگه هرمز عرضه جهانی روزانه حدود ۳ تا ۴ میلیون بشکه گازوئیل مختل شده است.

روزنامه «واشنگتن پست» گزارش داده جنگ جاری در خاورمیانه سبب بروز خسارت‌های اقتصادی گسترده‌ای شده که فراتر از بازارهای نفت و گاز است و این بحران ممکن است به یک رکود جهانی فراگیر تبدیل شود.

این گزارش با تأکید بر اینکه پیامدهای جنگ، اروپا و آسیا را بیش از ایالات متحده آمریکا تحت تأثیر قرار داده که خسارت‌ها دیگر تنها به تأمین سوخت محدود نمی‌شود بلکه زنجیره‌های تأمین جهانی را نیز دربر گرفته و باعث افزایش هزینه انتقال کالاها و اقلام اساسی شده است.

یکی از اثرات اقتصادی جنگ از سوی تحلیلگران موضوع اختلال در تولید محصولات کشاورزی است. ۴۵ درصد از تولید اوره جهان از تنگه هرمز به کشورهای مختلف صادر می‌شود. با اختلال در صادرات اوره به مرور ساخت و عرضه کودهای شیمیایی کشاورزی با کاهش چشمگیر روبرو می‌شود و این موضوع طی هفته‌های آینده می‌تواند بر کاشت و برداشت محصولات کشاورزی در ماه‌های آینده موثر باشد؛ موضوعی که به معنای کمبود و گرانی مواد خوراکی در کشورهای مختلف و کاهش استانداردهای زندگی است.

روزنامه «گاردین»: گروه‌های نیابتی از ورود به جنگ تمام‌عیار با آمریکا و اسرائیل خودداری می‌کنند



شبه نظامیان عراقی / عکس: رویترز

راهبردی Horizon Engage در نیویورک، گفت: «این یک آزمون بسیار مهم خواهد بود... حوثی‌ها مین، پهپاد، توپخانه و طیف گسترده‌ای از موشک‌ها دارند. محور مقاومت هرگز فرصت بهتری برای آتش زدن یک ناو هواپیمابر آمریکایی نخواهد داشت.»

در ادامه گزارش گاردین آمده حوثی‌ها طی دهه‌ها از حمایت مالی، نظامی و دیگر حمایت‌های گسترده تهران برخوردار بوده‌اند و انتصاب مجتبی خامنه‌ای به‌عنوان رهبر ایران در روز دوشنبه را «پیروزی جدیدی برای انقلاب اسلامی» توصیف کردند.

با این حال کارشناسان می‌گویند حوثی‌ها، با وجود آنکه هنوز زرادخانه‌ای از موشک‌های قدرتمند دوربرد دارند، ممکن است تصمیم بگیرند در درگیری فعلی فعالانه دخالت نکنند و لزوماً از دستورات تهران پیروی نخواهند کرد.

آلیسون ماینور از اندیشکده شورای اتلانتیک در واشنگتن می‌گوید: «پیش‌بینی دشوار است، اما فکر نمی‌کنم آن‌ها صرفاً از روی همبستگی با ایران به کشتیرانی در دریای سرخ حمله کنند... آن‌ها در حال سنجیدن ملاحظات داخلی هستند.»

او افزود: «ورود به جنگ ایران یک سناریوی ممکن است، اما همان مزایای داخلی و بین‌المللی را که حمله به اسرائیل و کشتیرانی در دریای سرخ در جریان جنگ غزه برای حوثی‌ها داشت، به همراه نخواهد داشت و حتی ممکن است خطرات بیشتری ایجاد کند.»

فیلیپ اسمیت، تحلیلگر مستقل آمریکایی درباره متحدان و نیروهای نیابتی ایران، هفته گذشته گفت تهران ممکن است حوثی‌ها را «در حالت آماده‌باش» نگه داشته باشد، اما رهبران حوثی نیز ممکن است در محاسباتشان به «فروپاشی احتمالی رژیم ایران فکر کرده باشند.»

در عراق، که به صحنه جدید و مهمی در این درگیری تبدیل شده است، خشونت همچنان شعله‌ور می‌شود. ←

در نظر بگیرد تا در صورت تشدید جنگ ۱۲ روزه از آن‌ها استفاده کند؛ هرچند ممکن است نشانه‌ای از اختلال در ساختار فرماندهی و کنترل در جمهوری اسلامی نیز باشد. حزب‌الله که ارتباط نزدیکی با حکومت ایران دارد، از همان ابتدا به این درگیری پیوست و پس از کشته شدن علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، حملات موشکی و پهپادی علیه اسرائیل انجام داد.

روز سه‌شنبه، شبه‌نظامیان شیعه در عراق به یک تأسیسات دیپلماتیک آمریکا در بغداد حمله کردند؛ این تازه‌ترین مورد از مجموعه‌ای از چنین حملاتی است. آن‌ها پیش‌تر نیز حملات دوربرد علیه پایگاه‌های اسرائیل و آمریکا در اردن انجام داده بودند.

اما تاکنون حوثی‌های یمن، که آن‌ها نیز بخشی از ائتلاف سابقاً قدرتمند گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت ایران در خاورمیانه موسوم به «محور مقاومت» هستند، درگیری‌ها با آمریکا را از سر نگرفته‌اند و به حملات تلافی‌جویانه تهران علیه اسرائیل، همسایگان خلیج فارس یا کشتیرانی نیبوسته‌اند؛ هرچند هفته گذشته هشدار دادند که «انگشتان‌شان روی ماشه است.»

با بسته شدن تنگه هرمز، که گلوگاهی حیاتی برای تأمین جهانی نفت است، مسیرهای کشتیرانی در دریای سرخ حتی حیاتی‌تر شده‌اند. مرکز مشترک اطلاعات دریایی، یک سرویس مشاوره دریایی، روز یکشنبه اعلام کرد که از زمان آغاز جنگ ایران هیچ حمله‌ای در دریای سرخ گزارش نشده است، اما تهدیدها همچنان ادامه دارد.

ناظران می‌گویند عبور قریب‌الوقوع یک ناوگروه هواپیمابر آمریکایی از تنگه باریک باب‌المندب در انتهای شرقی دریای سرخ، لحظه‌ای کلیدی خواهد بود که نیت این جنبش به‌شدت مسلح را محک خواهد زد.

مایکل نایتس، کارشناس منطقه‌ای در مؤسسه مشاوره

● روزنامه انگلیسی «گاردین» به نقل از تحلیلگران و مقام‌های منطقه‌ای می‌نویسد گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در سراسر خاورمیانه همچنان در حال انجام حملاتی علیه اسرائیل، ایالات متحده و متحدانشان در واکنش به حمله آمریکا و اسرائیل به ایران هستند، اما تا اینجا از ورود به یک رویارویی تمام‌عیار خودداری کرده‌اند.

● در این گزارش که چهارشنبه ۱۱ مارس (۲۰ اسفند) منتشر شد آمده، این خویشننداری نسبی نشان می‌دهد که تهران ممکن است این نیروها را به‌عنوان یک ذخیره راهبردی در نظر بگیرد تا در صورت تشدید جنگ ۱۲ روزه از آن‌ها استفاده کند؛ هرچند ممکن است نشانه‌ای از اختلال در ساختار فرماندهی و کنترل در جمهوری اسلامی نیز باشد.

● فیلیپ اسمیت، تحلیلگر مستقل آمریکایی درباره متحدان و نیروهای نیابتی ایران، هفته گذشته گفت تهران ممکن است حوثی‌ها را «در حالت آماده‌باش» نگه داشته باشد، اما رهبران حوثی نیز ممکن است در محاسباتشان به «فروپاشی احتمالی رژیم ایران فکر کرده باشند.»

روزنامه انگلیسی «گاردین» به نقل از تحلیلگران و مقام‌های منطقه‌ای می‌نویسد گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در سراسر خاورمیانه همچنان در حال انجام حملاتی علیه اسرائیل، ایالات متحده و متحدانشان در واکنش به حمله آمریکا و اسرائیل به ایران هستند، اما تا اینجا از ورود به یک رویارویی تمام‌عیار خودداری کرده‌اند.

در این گزارش که چهارشنبه ۱۱ مارس (۲۰ اسفند) منتشر شد آمده، این خویشننداری نسبی نشان می‌دهد که تهران ممکن است این نیروها را به‌عنوان یک ذخیره راهبردی

استرالیا به شش بازیکن تیم فوتبال زنان ایران پناهندگی داد



دیدار بازیکنان تیم فوتبال زنان ایران با وزیر کشور استرالیا



و او نیز درخواست پناهندگی داد. وزیر کشور استرالیا شخصاً با بازیکنانی که درخواست پناهندگی دادند ملاقات کرد و از نزدیک روند کار آنها را دنبال کرد.

این موضوع پس از آن مطرح شد که تیم زنان ایران در جام ملت‌های آسیا ابتدا سرود جمهوری اسلامی را نخوانند و سپس تحت فشار آن را در بازی‌های بعدی سرود خواندن و حتا وادار به «سلام نظامی» شدند.

در همین حال، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا از استرالیا خواست به بازیکنان پناهندگی بدهد و گفت در غیر این صورت آمریکا آنها را خواهد پذیرفت. در مقابل فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران این اظهارات را دخالت سیاسی در فوتبال دانست و از فیفا خواست مانع دخالت رئیس جمهوری آمریکا شود. گروهی از ایرانیان ساکن شهر گلدکوست استرالیا [محل برگزاری مسابقات] هنگام خروج اتوبوس حامل بازیکنان تیم ملی فوتبال زنان ایران از هتل محل اقامت‌شان با خوابیدن و نشستن در برابر اتوبوس تلاش کردند مانع خروج آنها از محل شوند.

یکی از این معترضان به روزنامه «گاردین» گفته بود که پیش از حرکت اتوبوس داخل هتل بودم و دیدم که فردی مچ دست یکی از بازیکنان را گرفته بود و به سمت اتوبوس هدایت می‌کرد. خبرنگار روزنامه گاردین از پنجره اتوبوس دست‌کم یکی از بازیکنان را در حال گریه کردن دیده است. پس از انتشار ویدیویی از درخواست کمک اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران در استرالیا هنگام ترک استادیوم با اتوبوس، شاهزاده رضا پهلوی از دولت استرالیا خواست امنیت اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران را تضمین کند.

شد که در نهایت با یک توافق آتش‌بس شکننده پایان یافت. تحلیلگران می‌گویند سناریوی دیگری که اکنون ممکن است رخ دهد، حمله حوثی‌ها به عربستان سعودی است. حمله آنها به زیرساخت‌های نفتی در مارس ۲۰۲۲ آسیب‌پذیری‌های سیاسی و اقتصادی این کشور را برجسته کرده بود.

● تونی بروک وزیر کشور استرالیا دوشنبه ۹ مارس (۱۸ اسفند) اعلام کرد که پنج بازیکن تیم ملی فوتبال زنان ایران به نام‌های عاطفه رضمانی‌زاده، زهرا سربالی، مونا حمودی، فاطمه پسندیده و زهرا قنبری ویزای بشردوستانه دریافت کرده‌اند و می‌توانند در استرالیا بمانند.

● این بازیکنان پس از ترک هتل محل اقامت تیم، توسط پلیس به مکانی امن منتقل شدند و درخواست پناهندگی آنها پذیرفته شد. ساعاتی بعد نیز محدثه زلفی به پنج بازیکن دیگر پیوست و او نیز درخواست پناهندگی داد.

● این موضوع پس از آن مطرح شد که تیم زنان ایران در جام ملت‌های آسیا ابتدا سرود جمهوری اسلامی را نخوانند و سپس تحت فشار آن را در بازی‌های بعدی سرود خواندن و حتا وادار به «سلام نظامی» شدند.

● گروهی از ایرانیان ساکن شهر گلدکوست استرالیا [محل برگزاری مسابقات] هنگام خروج اتوبوس حامل بازیکنان تیم ملی فوتبال زنان ایران از هتل محل اقامت‌شان با خوابیدن و نشستن در برابر اتوبوس تلاش کردند مانع خروج آنها از محل شوند.

تونی بروک وزیر کشور استرالیا دوشنبه ۹ مارس (۱۸ اسفند) اعلام کرد که پنج بازیکن تیم ملی فوتبال زنان ایران به نام‌های عاطفه رضمانی‌زاده، زهرا سربالی، مونا حمودی، فاطمه پسندیده و زهرا قنبری ویزای بشردوستانه دریافت کرده‌اند و می‌توانند در استرالیا بمانند. این بازیکنان پس از ترک هتل محل اقامت تیم، توسط پلیس به مکانی امن منتقل شدند و درخواست پناهندگی آنها پذیرفته شد. ساعاتی بعد نیز محدثه زلفی به پنج بازیکن دیگر پیوست

حوثی‌ها پس از حمله غافلگیرانه حماس در اکتبر ۲۰۲۳ که منجر به حمله اسرائیل به غزه شد، در آنچه «همبستگی با فلسطینیان» خواندند، شروع به شلیک موشک به اسرائیل و حمله به کشتی‌ها در دریای سرخ کردند.

این حملات باعث چندین دور هم‌پار حوثی‌ها توسط اسرائیل و یک عملیات نظامی گسترده آمریکا در سال گذشته

یکی از گروه‌های مسلح مورد حمایت ایران اعلام کرد حمله هوایی روز سه‌شنبه به پایگاهی در شمال عراق چهار تن از نیروهایش را کشته است؛ این آخرین مورد از مجموعه‌ای از چنین حملاتی است که احتمالاً توسط آمریکا یا اسرائیل انجام شده‌اند.

این حمله در حالی رخ داده که تقریباً هر روز نیروهای شبه‌نظامی طرفدار جمهوری اسلامی ایران به یک پایگاه آمریکا در اربیل و همچنین به مواضع متحدان احتمالی در میان گروه‌های کردی محلی حمله کرده‌اند.

از زمان آغاز جنگ ۱۲ روز پیش، گزارش‌های تأییدشده‌ای منتشر شده مبنی بر اینکه نیروهای ویژه آمریکا و اسرائیل علیه گروه‌های شبه‌نظامی شیعه طرفدار ایران در بیابان غربی عراق عملیات انجام می‌دهند. در یکی از درگیری‌ها با نیروهایی که گمان می‌رود نیروهای ویژه اسرائیل بوده‌اند، نیروهای دولتی عراق تلفات دادند که باعث اعتراض بغداد شد.

همچنین چندین حمله هوایی علیه پایگاه‌های شبه‌نظامیان در غرب و جنوب عراق انجام شده است.

اردن نیز با حملات ایران مواجه شده است. طبق اعلام ارتش اردن، ایران در هفته نخست درگیری ۶۰ موشک و ۵۹ پهپاد به سمت این کشور شلیک کرده است که بیشتر آنها رهگیری شده‌اند.

با این حال، موشک‌ها یک رادار ارزشمند آمریکایی مستقر در پایگاه هوایی موفق السلتی را نابود کردند؛ جایی که ده‌ها جنگنده آمریکایی از جمله جنگنده‌های رادارگریز F-35 و هواپیماهای کلیدی جنگ الکترونیک مستقر بودند.

در عراق، حملات پهپادی و راکتی شبه‌نظامیان طرفدار ایران بارها فرودگاه بین‌المللی بغداد را که یک پایگاه نظامی و تأسیسات دیپلماتیک آمریکا در آن قرار دارد، هدف قرار داده‌اند؛ همچنین میدان‌های نفتی و تأسیسات دیگر نیز هدف قرار گرفته‌اند. یک منبع امنیتی گفت روز دوشنبه دو پهپاد در نزدیکی این منطقه سرنگون شد.

جنگجویان شبه‌نظامی مستقر در عراق ویدیوهایی منتشر کرده‌اند که در آن از تلاش‌هایشان برای حمله به اهداف آمریکایی و اسرائیلی در منطقه تعجید می‌کنند، هرچند برخی ناظران درباره توانایی و اراده آنها برای وارد کردن خسارت جدی تردید دارند.

یکی از مقام‌های امنیتی منطقه می‌گوید: «آنها [نیابتی‌ها] می‌توانند بیش از آنچه اکنون انجام می‌دهند عمل کنند. سلاح‌هایی که دارند بهترین نیست... و به‌وضوح نگران هستند که اگر خسارت جدی وارد کنند، پاسخ سختی دریافت کنند؛ بنابراین این موضوع آنچه می‌تواند یا می‌خواهند انجام دهند را محدود می‌کند.»

عراق از زمان حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ به میدان نبرد نیابتی میان آمریکا و متحدانش از یک سو و ایران از سوی دیگر تبدیل شده است، اما رهبران کنونی این کشور تلاش کرده‌اند از کشیده شدن به این درگیری جدید جلوگیری کنند. جنگجویان شبه‌نظامی طرفدار جمهوری اسلامی عمدتاً از میان جامعه شیعه عراق جذب می‌شوند و از افسران ارشد «سپاه قدس» دستور می‌گیرند.

دو گروه شبه‌نظامی «کتاب امام علی» و «کتاب حزب‌الله»، در روزهای اخیر بارها هدف حملات نیروهای آمریکایی قرار گرفته‌اند.

تعداد دقیق تلفات در حملات و ضدحملات در عراق مشخص نیست، اما گفته می‌شود بین ۲۰ تا ۳۰ جنگجوی گروه‌های مسلح کشته شده‌اند و همچنین حدود ۲۰ غیرنظامی در کردستان جان خود را از دست داده‌اند؛ این را سازمان‌های غیردولتی محلی اعلام کرده‌اند.

آکسیوس: گفتگوی آمریکا و اسرائیل درباره اعزام نیروهای ویژه به ایران با هدف کنترل ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی



تصویر ماهواره‌ای از شرکت Planet Labs PBC، آوارهای تأسیسات کارخانه غنی‌سازی سوخت در سایت غنی‌سازی هسته‌ای نطنز ایران

پایانه‌ای راهبردی که مسئول حدود ۹۰ درصد صادرات نفت خام ایران است.

حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در جنگ ۱۲ روزه باعث شد ذخایر اورانیوم ایران زیر آوار مدفون شود. مقامات آمریکایی و اسرائیلی می‌گویند حتی ایرانی‌ها نیز از آن زمان نتوانسته‌اند به آن دسترسی پیدا کنند. این حملات تقریباً تمام سانتریفیوژهای ایران را نیز نابود کرد و هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد غنی‌سازی دوباره آغاز شده است.

به گفته مقامات آمریکایی و اسرائیلی، بیشتر ذخایر در تونل‌های زیرزمینی تأسیسات هسته‌ای اصفهان قرار دارد و بقیه بین فردو و نطنز تقسیم شده است.

در روزهای آغازین جنگ، آمریکا و اسرائیل حملاتی به نطنز و اصفهان انجام دادند که به نظر می‌رسد هدف آن مسدود کردن ورودی‌ها بوده است؛ احتمالاً برای جلوگیری از انتقال هرگونه مواد هسته‌ای.

آمریکا و اسرائیل ذخیره ۴۵۰ کیلوگرمی اورانیوم با غنای ۶۰ درصد ایران را تهدیدی جدی می‌دانند، زیرا رساندن آن به سطح ۹۰ درصد (مناسب برای سلاح هسته‌ای) تنها چند هفته زمان می‌برد.

اگر کل این ذخیره به غنای ۹۰ درصد برسد، مواد لازم برای ساخت ۱۱ بمب هسته‌ای فراهم می‌شود.

یک مقام ارشد آمریکایی می‌گوید: «مفهوم حضور نیروهای زمینی برای ترامپ با آنچه رسانه‌ها تصور می‌کنند متفاوت است.»

منبع دیگری افزود: «بحث بر سر عملیات‌های کوچک نیروهای ویژه است، نه اعزام یک نیروی بزرگ.»

یک منبع سوم نیز گفت: «آنچه مطرح شده به معنای جنگ زمینی گسترده نیست. مردم به فلوچه فکر می‌کنند، اما چنین چیزی مورد بحث نبوده است.»

این مأموریت احتمالاً شامل نیروهای ویژه در کنار دانشمندان هسته‌ای خواهد بود، که ممکن است برخی از آنها از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشند.

دو منبع آگاه گفتند چنین عملیاتی بخشی از گزینه‌هایی بوده که پیش از شروع جنگ به ترامپ ارائه شده است.

شبکه NBC News نیز جمعه گزارش داد که ترامپ درباره اعزام گروه کوچکی از نیروهای آمریکایی به ایران برای اهداف راهبردی مشخص گفت‌وگو کرده است.

یک مقام آمریکایی چالش عملیاتی برای کنترل اورانیوم ایران توضیح داد: «سؤال اول این است که کجاست؟ سؤال دوم این است که چگونه به آن برسیم و چگونه کنترل فیزیکی آن را به دست بگیریم؟»

او افزود: «بعد از آن، رئیس‌جمهور و وزارت جنگ و سازمان سیا تصمیم می‌گیرند که آیا آن را به‌صورت فیزیکی منتقل کنیم یا در همان محل رقیق کنیم.»

ترامپ روز شنبه در هواپیمای ریاست‌جمهوری به خبرنگاران گفت اعزام نیروهای زمینی ممکن است، اما فقط «برای یک دلیل بسیار مهم». او گفت: «اگر ما چنین کاری انجام دهیم، [جمهوری اسلامی] آنقدر تضعیف شده‌اند که دیگر قادر به جنگیدن در سطح زمینی نخواهند بود.»

وقتی مشخصاً از او پرسیده شد که آیا نیروها ممکن است برای تأمین مواد هسته‌ای وارد ایران شوند، او این احتمال را رد نکرد: «شاید در مقطعی این کار را بکنیم. هنوز به سراغ آن نرفته‌ایم. الان این کار را نمی‌کنیم. شاید بعداً انجام دهیم.» کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید به آکسیوس گفت که ترامپ «علاقانه همه گزینه‌ها را باز نگه می‌دارد و هیچ چیزی را از پیش رد نمی‌کند.»

علاوه بر اورانیوم، مقامات دولت به آکسیوس گفته‌اند که بحث‌هایی درباره تصرف جزیره خارگ نیز مطرح شده است؛

● پایگاه خبری آکسیوس ۸ مارس (۱۸ اسفند) به نقل از چهار منبع آگاه گزارش داد ایالات متحده و اسرائیل درباره اعزام نیروهای ویژه به داخل ایران برای تأمین امنیت و کنترل ذخایر اورانیوم با غنای بالا در مرحله‌ای بعدی از جنگ مذاکره کرده‌اند.

● آکسیوس می‌نویسد هرگونه عملیات برای تحت کنترل گرفتن این مواد احتمالاً نیازمند حضور نیروهای آمریکایی یا اسرائیلی در خاک ایران خواهد بود؛ نیروهایی که باید در میانه جنگ وارد تأسیسات زیرزمینی بسیار مستحکم شوند. ● احتمالاً این عملیات تنها زمانی انجام می‌شود که هر دو کشور مطمئن شوند ارتش ایران دیگر توان ایجاد تهدید جدی برای نیروهای درگیر را ندارد.

● در جلسه توجیهی کنگره در روز سه‌شنبه، از مارکو روبیو وزیر خارجه پرسیده شد آیا اورانیوم غنی‌شده ایران ایمن‌سازی خواهد شد یا نه. او پاسخ داد: «کسی باید برود و آن را بگیرد»، بدون اینکه مشخص کند چه کسی.

● یک مقام آمریکایی چالش عملیاتی برای کنترل اورانیوم ایران توضیح داد: «سؤال اول این است که کجاست؟ سؤال دوم این است که چگونه به آن برسیم و چگونه کنترل فیزیکی آن را به دست بگیریم؟»

پایگاه خبری آکسیوس ۸ مارس (۱۸ اسفند) به نقل از چهار منبع آگاه گزارش داد ایالات متحده و اسرائیل درباره اعزام نیروهای ویژه به داخل ایران برای تأمین امنیت و کنترل ذخایر اورانیوم با غنای بالا در مرحله‌ای بعدی از جنگ مذاکره کرده‌اند.

● جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته‌ای یکی از اهداف اعلام‌شده جنگ از سوی دونالد ترامپ است. جمهوری اسلامی حدود ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد ذخیره کرده است که سرنوشت آن مشخص نیست. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داد که این میزان اورانیوم ظرف چند هفته می‌تواند به سطح مورد نیاز برای سلاح هسته‌ای تبدیل شود.

● آکسیوس می‌نویسد هرگونه عملیات برای تحت کنترل گرفتن این مواد احتمالاً نیازمند حضور نیروهای آمریکایی یا اسرائیلی در خاک ایران خواهد بود؛ نیروهایی که باید در میانه جنگ وارد تأسیسات زیرزمینی بسیار مستحکم شوند. هنوز مشخص نیست که این مأموریت توسط آمریکا، اسرائیل یا به‌صورت مشترک انجام خواهد شد.

● احتمالاً این عملیات تنها زمانی انجام می‌شود که هر دو کشور مطمئن شوند ارتش ایران دیگر توان ایجاد تهدید جدی برای نیروهای درگیر را ندارد.

● در جلسه توجیهی کنگره در روز سه‌شنبه، از مارکو روبیو وزیر خارجه پرسیده شد آیا اورانیوم غنی‌شده ایران ایمن‌سازی خواهد شد یا نه. او پاسخ داد: «کسی باید برود و آن را بگیرد»، بدون اینکه مشخص کند چه کسی.

● یک مقام دفاعی اسرائیل گفت ترامپ و تیمش به‌طور جدی در حال بررسی اعزام واحدهای عملیات ویژه به ایران برای مأموریت‌های مشخص هستند.

● یک مقام آمریکایی نیز گفت دولت دو گزینه را بررسی کرده است: خارج کردن کامل این مواد از ایران، یا اعزام متخصصان هسته‌ای برای رقیق‌سازی آن در محل.

سفیر جمهوری اسلامی در قبرس در گفتگو با «گاردین»: مجتبی خامنه‌ای در بمباران زخمی شد



مجتبی خامنه‌ای، فرزند علی خامنه‌ای

که خامنه‌ای «به‌طور خفیف زخمی شده» اما همچنان به کار خود ادامه می‌دهد.

اوایل این هفته تلویزیون دولتی ایران نیز رهبر جدید حکومت را «جانناز جنگ رمضان» توصیف کرد، اما جزئیات جراحات او را مشخص نکرد. رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، انتخاب مجتبی خامنه‌ای توسط کمیته‌ای ۸۸ نفره از روحانیان را «گزینه‌ای غیرقابل قبول» خواند و افزود: «او مدت زیادی دوام نخواهد آورد».

اسرائیل نیز هشدار داده که در ترور این روحانی شیعه که تصور می‌شود مانند پدرش مواضع سختگیرانه‌ای دارد تردید نخواهد کرد. پدر او ۳۷ سال پس از انقلاب اسلامی در این سمت بود.

سالاریان به گاردین گفت علی خامنه‌ای می‌خواست پسرش جانشین او شود. او توضیح داد: «مراجع از او درخواست کردند، اما خامنه‌ای گفت نه چون می‌خواست یک سیستم موروثی ایجاد شود... اما او انتخاب شد. [بعد از حمله] مراجع به او گفتند این وظیفه توست و باید بپذیری.»

سرویس‌های اطلاعاتی غربی معتقدند رهبر جدید عمداً از دید عموم دور نگه داشته می‌شود تا از خطر ترور جلوگیری شود. سفیر جمهوری اسلامی گفت: «می‌دانم او نگران است یا نه، اما می‌دانیم آمریکا و به‌ویژه اسرائیل او را هدف قرار خواهند داد.»

در بخشی از این مصاحبه سالاریان به پرسش گاردین درباره حمله به پایگاه بریتانیا در قبرس اشاره کرد و گفت: «اگر از پایگاه‌ها در قبرس علیه ما استفاده شود، ما حق پاسخ داریم. همه این را می‌دانند... مقامات ما هم این را گفته‌اند. ایران پشت این حملات پهنای نبود و این موضوع را اعلام کرده است. ممکن است این حملات از سوی اسرائیل و با هدف کشاندن کشورهای دیگر به این جنگ انجام شده باشد.»

رسانه‌های خارجی بازتاب داشته باشد. شنیده‌ام که در پناه، دست و بازویش زخمی شده است... فکر می‌کنم به دلیل جراحات در بیمارستان بستری است.»

او در توضیح اینکه چرا مجتبی خامنه‌ای بیانیه نداده یا در انتظار عمومی ظاهر نشده عنوان کرد: «فکر نمی‌کنم در شرایطی باشد که بتواند سخنرانی کند.»

این حمله در نخستین روز حملات هوایی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران رخ داد؛ زمانیکه مجموعه «شهید مطهری» [شامل پاستور و بیت] در قلب تهران هدف قرار گرفت. به گفته سفیر جمهوری اسلامی در قبرس، آن روز دهمین روز ماه رمضان بود و علی خامنه‌ای در محل اقامت خود همراه با چند نفر از اعضای خانواده‌اش حضور داشت؛ از جمله همسر مجتبی (زهرا) و پسر نوجوانش محمدباقر که آنها نیز در این حمله کشته شدند. گزارش‌های رسانه‌های ایرانی همچنین حاکی از آن است که همسر علی خامنه‌ای، منصوره، سه روز پس از حمله هوایی درگذشت.

به گفته سالاریان، علی خامنه‌ای با همسرش، با دخترش، با دامادش و نوزاد ۱۴ ماهه دخترش کشته شد.

او که هنگام آغاز حملات آمریکا در ایران حضور داشت افزود: «آنها در خانه‌شان نزدیک دفتر ریاست جمهوری بودند. چند فرمانده ارشد نیز که دعوت شده بودند کشته شدند. رهبر جمهوری اسلامی چهار پسر و دو دختر داشت و در واقع در همان جایی زندگی می‌کرد که کار می‌کرد.»

روز چهارشنبه یوسف پزشکیان، مشاور ارشد دولت و پسر مسعود پزشکیان، گفته بود مجتبی خامنه‌ای زخمی شده اما توضیحی درباره چگونگی آن نداده است. او در کانال تلگرام خود نوشت: «شنیده‌ام آقای مجتبی خامنه‌ای زخمی شده‌اند. از دوستانی که ارتباطاتی داشتند پرسیدم. گفتند خدا را شکر سالم هستند.»

یک مقام ایرانی نیز همان روز به خبرگزاری رویترز گفت

● علیرضا سالاریان در مصاحبه‌ای که ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ در محوطه سفارت جمهوری اسلامی ایران در نیکوزیا با «گاردین» انجام شد، گفت که مجتبی خامنه‌ای خوش‌شانس بوده که در حمله به «بیت رهبری» زنده ماند. در این حمله بیت با خاک یکسان شد و شش نفر از اعضای خانواده او از جمله همسرش زهرا، پسرش محمدباقر، منصوره [مادرش] و علی خامنه‌ای پدرش کشته شدند.

● سالاریان به «گاردین» گفت: «او [مجتبی] آنجا بود و در همان بمباران زخمی شد... شنیده‌ام که از ناحیه پناه، دست و بازویش زخمی شده است... فکر می‌کنم به دلیل جراحات در بیمارستان بستری است.»

● او در توضیح اینکه چرا مجتبی خامنه‌ای بیانیه نداده یا در انتظار عمومی ظاهر نشده عنوان کرد: «فکر نمی‌کنم در شرایطی باشد که بتواند سخنرانی کند.»

● سفیر جمهوری اسلامی گفت: «می‌دانم او نگران است یا نه، اما می‌دانیم آمریکا و به‌ویژه اسرائیل او را هدف قرار خواهند داد.»

سفیر جمهوری اسلامی ایران در قبرس در مصاحبه با روزنامه «گاردین» که ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ منتشر شد گفت، مجتبی خامنه‌ای، نهم اسفندماه در بمباران «بیت رهبری» زخمی شد، همان روزی که شش نفر از اعضای خانواده‌اش از جمله پدرش کشته شدند.

علیرضا سالاریان در مصاحبه‌ای که در محوطه سفارت جمهوری اسلامی ایران در نیکوزیا انجام شد، درباره وضعیت مجتبی خامنه‌ای توضیح داد و گفت او خوش‌شانس بوده که از حمله‌ای که «بیت رهبری» را با خاک یکسان کرد جان سالم به در برد.

سالاریان به «گاردین» گفت: «او [مجتبی] هم آنجا بود و در همان بمباران زخمی شد، اما ندیده‌ام که این موضوع در

در ایران امروز، هم رنجی عمیق نهفته است و هم ظرفیتی برای آینده‌ای بهتر



باشیم، منشور سازمان ملل متحد به روشنی استفاده از زور را ممنوع می‌داند؛ مگر در چارچوب دفاع مشروع یا بعنوان اقدامی در قالب امنیت جمعی که از سوی شورای امنیت، نهادهای اغلب گرفتار ناکارآمدی و بن‌بست‌های سیاسی است، مجاز شمرده شود.

در اوج کشتارها در ماه ژانویه، بسیاری از مردم، از جمله شماری از چهره‌های شناخته‌شده مخالف حکومت در ایران، با اضطراب و درماندگی خواستار مداخله‌ای بشردوستانه شدند و به اصل «مسئولیت حمایت» استناد کردند؛ اصلی که کانادا در سال ۲۰۰۰ از پیشگامان طرح و ترویج آن بود. با آنکه هر روز ابعاد تازه‌ای از هراس و ویرانی جنگ در ایران آشکار می‌شود، بسیاری از ایرانیان نسبت به آنانی که در برابر نابودی هزاران انسان سکوت اختیار کردند، از خشم لبریز هستند. اما اکنون هنگامی که با گرایش‌های ایدئولوژیک‌شان سازگار است، به ناکاه در محکومیت جنگ به صدا درآمده‌اند. این «خشم‌گزینی» برای بسیاری از ایرانیان تلخ و آزاردهنده است. برای ایرانی‌ها، چه در داخل کشور و چه در میان جامعه‌ی گسترده‌ی مهاجران در سراسر جهان، این روزها زمانه‌ای آکنده از اندوهی عمیق، زخمی روحی و عاطفی و نیز خشم و شکاف‌های دردناک است. در چنین شرایطی، گویی هیچ انتخابی بی‌هزینه و بی‌فاجعه نیست.

ایران از اینجا به کجا خواهد رسید؟

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که «رهایی از مسیر مپاران» در بیشتر موارد چیزی جز خیالی زودگذر و فریبنده نیست. تلاش قدرت‌های خارجی برای «تغییر رژیم» نیز پیش از هر چیز معطوف به نابود کردن توان هسته‌ای ایران و چه‌بسا مهار منابع نفتی آن است؛ نه استقرار آزادی و نه تحقق خواست مردم برای حاکمیت ملی و دموکراسی در صدر اولویت‌های آنان قرار ندارد.

در چنین معادله‌ای، این بیم کاملاً جدی است که آرمان‌های دموکراتیک مردم ایران قربانی مصلحت‌جویی‌های سیاسی و بده‌بستان‌های پشت پرده شود و رهبران اقتدارگرا، مادام که توافقی مطلوب برای قدرت‌های ذینفع حاصل شود، همچنان بر جای بمانند و سرنوشت یک ملت بار دیگر

بدل شده است. جایی که زندانیان سیاسی بی‌شماری در آن شکنجه، بازجویی‌های خشن و رفتارهای غیرانسانی را تجربه کرده‌اند و نام اوین در حافظه‌ی جمعی ایرانیان با رنج و بی‌عدالتی گره خورده است.

با این همه، در میان مرگ و ویرانی ناشی از آن حملات، رویدادی رخ داد که لایه‌ای دیگر از واقعیت انسانی را آشکار ساخت: برخی از زندانیان سیاسی، همان کسانی که خود قربانیان این نظام سرکوبگر بودند، به یاری شتافتند و نگاهیان زندان را از زیر آوار بیرون کشیدند.

اکنون، با ازسرگیری دور تازه‌ای از جنگ که در ۲۸ فوریه توسط ایالات متحده و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی آغاز شد، گزارش‌ها حاکی از آن است که همان زندانیان در سلول‌های قفل شده، رها شده‌اند. نگاهیان زندان محل را ترک کرده‌اند و زندانیان بی‌آنکه راهی برای خروج یا پناه گرفتن از خطر داشته باشند، با کمبود شدید آب و غذا روبرو هستند.

این صحنه‌ی هولناک، در عین حال تصویری فشرده از دو واقعیت متضاد در سرگذشت امروز ایران است: از یک سو تراژدی عمیق یک ملت، و از سوی دیگر جلوه‌ای از شجاعت و انسانیت استثنایی مردمی که در میانه‌ی طوفان حوادث ایستاده‌اند. مردمی که زیر آتش بی‌امان حملات قدرت‌های خارجی برای بقا می‌کوشند، در حالی که هنوز در سوگ کشتار گسترده‌ای نشست‌اند که تنها یک ماه پیش، بنا بر برآوردها، نزدیک به ۳۰ هزار تن از معترضان به دست جمهوری اسلامی جان باختند.

در نخستین روزها، بسیاری از مردم از ترور علی خامنه‌ای، رهبر مستبدی که مسئول بسیاری از این فجایع دانسته می‌شود، استقبال کردند. هرچند گروهی از پیروان وفادار حکومت در سوگ او نشستند.

اما اکنون جمهوری اسلامی در نبردی برای بقا قرار گرفته و سراسر خاورمیانه در آتش جنگی ویرانگر فرو رفته است؛ جنگی که به نظر می‌رسد راهبرد روشنی برای پایان آن وجود ندارد. در این میان، همچون همیشه، این غریزمنامیان بی‌گناه هستند که بیشترین رنج و خسارت را متحمل شده‌اند. تا آنجا که هنوز به حاکمیت حقوق بین‌الملل باور داشته

● در میانه‌ی جنگ، سرکوب و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، بار دیگر این پرسش پیش روی ایرانیان قرار گرفته است که سرنوشت کشورشان به کدام سو خواهد رفت؟ آیا ایران می‌تواند از دل ویرانی‌ها راهی به سوی آزادی، دموکراسی سکولار و ثبات منطقه‌ای بگشاید؟

● در حالی که ایران همزمان با بحران‌های داخلی و جنگی ویرانگر در منطقه روبروست، نگاه بسیاری از ناظران و کنشگران سیاسی به آینده‌ای دوخته شده‌است که در آن مردم ایران بتوانند پس از دهه‌ها سرکوب، مسیر گذار به حکومتی دموکراتیک و سکولار را بیابند. با وجود رقابت قدرت‌های جهانی، منافع ژئوپولیتیک و خطر قربانی شدن آرمان‌های مردم در بازی‌های سیاسی، مقاومت مدنی، نسل جوان تحصیل‌کرده و میراث فرهنگی غنی ایران همچنان امید به آینده‌ای آزاد و باثبات را زنده نگه داشته است.

● در ژوئن سال ۲۰۲۵، در جریان جنگ دوازده روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی، زندان بدنام اوین در تهران که از سوی اسرائیل «نهاد سرکوب مردم ایران» خوانده شد، هدف حملات موشکی قرار گرفت. این زندان طی دهه‌ها به یکی از نمادهای آشکار سرکوب سیاسی در جمهوری اسلامی بدل شده است. جایی که زندانیان سیاسی بی‌شماری در آن شکنجه، بازجویی‌های خشن و رفتارهای غیرانسانی را تجربه کرده‌اند و نام اوین در حافظه‌ی جمعی ایرانیان با رنج و بی‌عدالتی گره خورده است.

● با تشدید درگیری‌ها در منطقه، سرنوشت مردم ایران و مبارزه طولانی آنان برای دستیابی به دموکراسی سکولار عملاً به حاشیه رانده شده است. در حالی که قدرت‌های خارجی اهداف ژئوپولیتیک خود را دنبال می‌کنند، بیم آن می‌رود آرمان‌های دموکراتیک مردم ایران قربانی معاملات سیاسی شود.

● در اوج کشتارها در ماه ژانویه، بسیاری از مردم، از جمله شماری از چهره‌های شناخته‌شده مخالف حکومت در ایران، با اضطراب و درماندگی خواستار مداخله‌ای بشردوستانه شدند و به اصل «مسئولیت حمایت» استناد کردند؛ اصلی که کانادا در سال ۲۰۰۰ از پیشگامان طرح و ترویج آن بود.

● با آنکه هر روز ابعاد تازه‌ای از هراس و ویرانی جنگ در ایران آشکار می‌شود، بسیاری از ایرانیان نسبت به آنانی که در برابر نابودی هزاران انسان سکوت اختیار کردند، از خشم لبریز هستند. اما اکنون هنگامی که با گرایش‌های ایدئولوژیک‌شان سازگار است، به ناکاه در محکومیت جنگ به صدا درآمده‌اند. این «خشم‌گزینی» برای بسیاری از ایرانیان تلخ و آزاردهنده است.

پیام اخوان، دارنده‌ی کرسی حقوق بشر در کالج مسی دانشگاه تورنتو، از بنیانگذاران «مرکز اسناد حقوق بشر ایران» و دادستان پیشین سازمان ملل در دادگاه لاهه که در ۲۳ ژانویه در ژنو بعنوان نماینده‌ی جامعه مدنی در نشست ویژه‌ی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد ایران حضور پیدا کرد، مقاله‌ای در نشریه‌ی گلوبال اند میل نوشته است که در زیر می‌خوانید:

در ژوئن سال ۲۰۲۵، در جریان جنگ دوازده روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی، زندان بدنام اوین در تهران که از سوی اسرائیل «نهاد سرکوب مردم ایران» خوانده شد، هدف حملات موشکی قرار گرفت. این زندان طی دهه‌ها به یکی از نمادهای آشکار سرکوب سیاسی در جمهوری اسلامی

تصویب قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی در شورای امنیت پس از حمله به کشورهای عربی منطقه



هرگونه تحریک یا تهدید علیه کشورهای همسایه، از جمله استفاده از گروه‌های نیابتی.

-درخواست از رژیم ایران برای پایبندی کامل به تعهدات خود طبق حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به‌ویژه حفاظت از غیرنظامیان و اموال غیرنظامی در زمان درگیری‌های مسلحانه.

-تأکید بر احترام به آزادی و حقوق کشتیرانی کشتی‌های تجاری و حمل‌ونقل طبق قوانین بین‌المللی و به‌رسمیت شناختن حق کشورها برای دفاع از کشتی‌های خود در برابر حملات. -محکوم کردن هر گونه اقدام یا تهدید رژیم ایران برای بستن تنگه هرمز یا اختلال در کشتیرانی بین‌المللی و تهدید امنیت دریایی در تنگه باب‌المندب، و تأکید بر این‌که هر گونه تلاش برای مختل کردن آزادی کشتیرانی در این آبراه‌های بین‌المللی تهدیدی جدی برای صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شود.

واکنش جمهوری اسلامی ایران

امیر سعید ابروانی سفیر جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در پی تصویب این قطعنامه آن را «ظلمی آشکار علیه ایران» دانست و گفت: «اقدام امروز شورای امنیت را به رسمیت نمی‌شناسیم.»

ابروانی تصریح کرد: «هدف واقعی متن قطعنامه جانبدارانه و با انگیزه‌های سیاسی که از سوی رژیم اسرائیل و ایالات متحده آمریکا به جلو برده شده کاملاً روشن است: وارونه‌سازی جایگاه قربانی و متجاوز. این قطعنامه به رژیم‌های ایالات متحده و اسرائیل که منشور ملل متحد را نقض کرده و مرتکب اعمال تجاوزکارانه شده‌اند پاداش می‌دهد.» شمار زیادی از تحلیلگران می‌گویند حملات موشکی و به پهبادی به کشورهای عربی منطقه به ویژه زیرساخت‌های آنها در بخش انرژی، دولت‌های عربی را برای اقدام علیه جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل همسوتر می‌کند. دولت‌هایی که در بیش از چهار دهه گذشته همواره تلاش کردند با رژیم ایران مامشات کنند تا از بروز تنش‌های بیشتر جلوگیری شود.

● شورای امنیت سازمان ملل متحد چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن از حکومت ایران خواسته می‌شود فوراً حملات خود علیه کشورهای حوزه خلیج فارس را متوقف کند. این قطعنامه با ۱۳ رأی موافق و دو رأی ممتنع به تصویب رسید و حملات رژیم ایران را نقض قوانین بین‌المللی و «تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی» دانست.

● در این قطعنامه خواسته شده است که جمهوری اسلامی تمامی حملات خود را علیه کشورهای بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اردن متوقف کند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن از حکومت ایران خواسته می‌شود فوراً حملات خود علیه کشورهای حوزه خلیج فارس را متوقف کند. این قطعنامه با ۱۳ رأی موافق و دو رأی ممتنع به تصویب رسید و حملات رژیم ایران را نقض قوانین بین‌المللی و «تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی» دانست.

در این قطعنامه خواسته شده است که جمهوری اسلامی تمامی حملات خود را علیه کشورهای بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اردن متوقف کند.

مهمترین بندهای قطعنامه شامل موارد زیر بود: -تأکید بر حمایت قاطع شورای امنیت از تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال سیاسی کشورهای منطقه.

-محکوم کردن شدید حملات رژیم ایران به خاک این کشورها و تلقی آن به عنوان نقض حقوق بین‌الملل و تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی.

-محکوم کردن هدف قرار دادن مناطق مسکونی و زیرساخت‌های غیرنظامی و تلفات انسانی و خسارات وارده به ساختمان‌های غیرنظامی و اعلام همبستگی با مردم این کشورها. -درخواست برای توقف فوری تمام حملات رژیم ایران علیه کشورهای منطقه.

-الزام رژیم ایران به توقف فوری و بدون قید و شرط

→ فدای معاملات سیاسی گردد.

در میان این همه خونریزی و ویرانی، مردم ایران و مبارزه تاریخی آنان برای دستیابی به دموکراسی سکولار، عملاً به حاشیه رانده شده است. آنان طی دهه‌ها هر راهی را آزموده‌اند تا حقوق انسانی خویش را از چنگ یک حکومت تئوکراتیک و تمامیت‌خواه بازپس گیرند: از اصلاحات و همه‌پرسی‌ها گرفته تا اعتراضات خیابانی، اعتصابات، کارزارهای مدنی و جنبش‌های گسترده زنان.

ایرانیان بارها و بارها خواستار گذاری مسالمت آمیز و اصلاحی تدریجی بسوی آزادی و حاکمیت قانون شده‌اند. آنان همچنین با صدای بلند با ایدئولوژی افراطی حکومت مخالفت کرده‌اند. ایدئولوژی‌ای که به جای آنکه منابع ارزشمند کشور را صرف توسعه و رفاه مردم و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای کند، آنها را برای حمایت از نیروهای نیابتی و بی‌ثبات کردن خاورمیانه در خدمت فرقه‌گرایی و نفرت مذهبی به‌هدر داده است.

با این همه، این تلاش‌ها تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است. اکنون نیز در حالی که رهبران بدبین و قدرت‌طلب برای بقا و تثبیت موقعیت خود، اغلب به بهای رنج و زیان مردم ایران، با یکدیگر رقابت می‌کنند، جامعه‌ی ایران در دل ناامیدی همچنان در جستجوی روزنه‌ای از امید است.

با این همه، پایداری شگفت‌انگیز آنان که برای آزادی مبارزه می‌کنند، نشان دهنده ظرفیت عظیمی است که می‌تواند آینده‌ای متفاوت برای ایران رقم بزند. آینده‌ای که در آن مردم این سرزمین بتوانند با کرامت زندگی کنند و این کشور به نیرویی سازنده برای پیشرفت و ثبات در منطقه بدل شود.

نیرومندترین عنصر در این معادله، جمعیتی جوان و بسیار تحصیل کرده است که بر میراث فرهنگی، کهن و پربار تکیه دارد. از فیلمسازان برنده اسکار و شاعران نامدار فمینیست گرفته تا نابغه‌های ریاضیات و دانشمندان ناسا؛ از کارآفرینان دره‌ی سیلیکون تا برندگان جایزه‌ی صلح نوبل.

این سرمایه انسانی گسترده گواه آن است که ایران، با همه‌ی دشواری‌های امروز، همچنان ظرفیت آن را دارد که به یکی از کانون‌های خلاقیت و پیشرفت در جهان بدل شود. در جهانی که از فساد و ایدئولوژی‌های تفرقه‌افکن رنج می‌برد، معتضان شجاع و زندانیان سیاسی در اوین جلوه‌ای از نوعی رهبری برخاسته از بطن جامعه را به نمایش می‌گذارند. الگویی متفاوت از رهبری برای ایرانی آزاد و کثرت‌گرا. الگویی که می‌تواند در قلب خاورمیانه‌ای آرام‌تر قرار گیرد. منطقه‌ای که در آن، رفاه و شکوفایی مشترک از تهران تا تل‌آویو، و از غزه تا شیراز گسترده شود.

هرچند این آرزو شاید ساده‌دلانه به نظر آید، اما باید برای تحقق آن کوشید. با این باور استوار که سپیده‌دم، همواره پس از تاریک‌ترین لحظات شب فرا می‌رسد.

به تعبیر شاعر ایرانی، مهوش ثابت که سال‌های درازی را به ناحق در زندان اوین گذراند و شعرهایش را در همان زندان سرود:

«سرزمینت شکوفا باد،

دلت همواره از شوق به تپش آید،

و نامت با شادی و سرور مردم ایران در خاطره‌ها طنین‌انداز شود.»

این کلمات، همچون پژواکی از امید در دل تاریکی، یادآور آرزویی است که همچنان در جان بسیاری از ایرانیان زنده است: آرزوی آزادی، کرامت انسانی و آینده‌ی روشن برای ایران.

منبع: گلوبال اند میل

نوشته: پیام اخوان

ترجمه: کیهان لندن

زمان مسئولیت است، نه زمان شتاب در داوری



مطرح شود، گاه به جای روشن کردن مسیر، به پراکندگی ذهن‌ها و فرسایش انرژی جمعی می‌انجامد. امروز ایران درگیر تقابلی است که تنها در میدان سیاست خلاصه نمی‌شود؛ این تقابل در عرصه روانی و اجتماعی نیز جریان دارد. حکومتی که سال‌ها با ایجاد اختلاف و پراکندگی در میان نیروهای اجتماعی توانسته است بقای خود را طولانی‌تر کند، بیش از هر چیز از تمرکز و همگرایی جامعه هراس دارد. از این رو، هر گفتار و نوشتاری که ناخواسته به دامن زدن به جدلهای زود هنگام و حاشیه‌ای بیانجامد، می‌تواند دقیقاً همان فضایی را تقویت کند که این حکومت در پی آن بوده است.

در چنین مقطعی، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، آماده کردن جامعه برای لحظه‌های تعیین‌کننده‌ی پیش‌روست. مردمی که سال‌ها زیر فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیسته‌اند، بیش از هر زمان دیگر نیازمند راهنمایی روشن، آرامش فکری و اعتماد به یک مسیر مشترک هستند. قلم‌ها و صداهای اثرگذار، اگر به جای جدلهای شتاب‌زده به روشنگری، امیدبخشی و تقویت مسئولیت ملی بپردازند، می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در شکل دادن به آینده‌ی کشور ایفا کنند. این سخن به معنای نفی نقد یا خاموش کردن پرسش‌ها نیست. نقد، زمانی که در زمان مناسب و با نیت اصلاح مطرح شود، می‌تواند به غنای فکری جامعه کمک کند. اما نقدی که در لحظه‌ای نادرست و در میان میدان پر آشوب مطرح شود، گاه نه به اصلاح، بلکه به انحراف توجه‌ها از مسائل اساسی می‌انجامد.

شاید امروز بیش از هر زمان دیگر لازم باشد که همگی ما «نویسندگان، تحلیلگران و فعالان اجتماعی» لحظه‌ای درنگ کنیم و از خود بپرسیم: آیا آنچه می‌نویسیم، به آگاه‌تر شدن مردم و آمادگی جامعه برای آینده کمک می‌کند، یا تنها صفحه‌ای سفید را با سطرهایی سیاه پر می‌کند؟

تاریخ، همواره از ملت‌هایی با احترام یاد کرده است که در لحظه‌های سرنوشت‌ساز توانسته‌اند اولویت‌های خود را درست تشخیص دهند. امروز نیز ایران بیش از هر چیز به همین تشخیص نیاز دارد؛ اینکه زمان اختلاف‌های زودرس نیست، بلکه زمان همدلی، روشنگری و آماده‌سازی برای فردایی است که دیر یا زود فرا خواهد رسید.

● امروز ایران در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود قرار دارد؛ مقطعی که در آن هر سخن، هر تحلیل و هر قلم می‌تواند یا به روشن‌تر شدن مسیر ملت کمک کند، یا ناخواسته بر غبار سردرگمی بیفزاید.

● نقد، زمانی که در زمان مناسب و با نیت اصلاح مطرح شود، می‌تواند به غنای فکری جامعه کمک کند. اما نقدی که در لحظه‌ای نادرست و در میان میدان پر آشوب مطرح شود، گاه نه به اصلاح، بلکه به انحراف توجه‌ها از مسائل اساسی می‌انجامد.

● تاریخ، همواره از ملت‌هایی با احترام یاد کرده است که در لحظه‌های سرنوشت‌ساز توانسته‌اند اولویت‌های خود را درست تشخیص دهند. امروز نیز ایران بیش از هر چیز به همین تشخیص نیاز دارد.

● **کوروش کلهر** - در میانه‌ی نبرد با استبداد، بزرگ‌ترین خطا آن است که به جای آماده کردن مردم برای لحظه‌های سرنوشت‌ساز، به جنگ کاغذها برویم. امروز ایران در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود قرار دارد؛ مقطعی که در آن هر سخن، هر تحلیل و هر قلم می‌تواند یا به روشن‌تر شدن مسیر ملت کمک کند، یا ناخواسته بر غبار سردرگمی بیفزاید.

در چنین شرایطی، طبیعی است که انتظار رود انرژی فکری جامعه بیش از هر چیز صرف آگاه‌سازی مردم، تقویت همبستگی ملی و آماده‌سازی جامعه برای گذار از حکومتی شود که دهه‌هاست با ابزار سرکوب، تبلیغات و جنگ روانی بر کشور سایه افکنده است. اما متأسفانه گاه شاهد آن هستیم که گروهی با شتاب و بی‌حوصلگی، به جای تمرکز بر این وظایف فوری، به انتقاد از متنی یا کتابچه‌ای می‌پردازند که هنوز حتی فرصت بررسی آرام و منصفانه‌ی آن در فضای عادی فراهم نشده است.

بی‌تردید نقد، از پایه‌های رشد فکری هر جامعه‌ی آزاد است. هیچ اندیشه‌ای نباید از بررسی و پرسش مصون باشد. اما همان‌گونه که هر ابزار مفیدی زمان و جایگاه مناسب خود را دارد، نقد نیز زمانی سازنده و مؤثر است که در چارچوبی سنجیده و در لحظه‌ای مناسب مطرح شود. نقدی که در زمان نادرست و در میانه‌ی یک کشاکش بزرگ سیاسی

هشدار درباره وضعیت زندانیان در شرایط جنگی؛ کمبود غذا و دارو تا خطر بمباران در شرایط نایمن

● محدودیت بیشتر در دسترسی به دارو خدمات درمانی، کاهش مواد غذایی و دسترسی محدود به آب سالم و مواد بهداشتی، محدودیت در توزیع وعده‌های غذایی از جمله مشکلاتی است که زندانیان در کنار عدم امنیت در زندان‌ها در شرایط جنگ و بمباران با آن روبرو هستند.

● یک منابع آگاه درباره وضعیت زندان خرم‌آباد به «هرانا» گفته «در حال حاضر زندانیان روزانه دو وعده غذا دریافت می‌کنند و میزان غذا نسبت به پیش از آغاز شرایط جنگی در ایران تقریباً نصف شده و کیفیت آن نیز به حدوداً نصف شده است.»

● بر اساس گزارش «هرانا» زندان تهران بزرگ علیرغم اینکه یکی از بزرگ‌ترین زندانهای کشور محسوب می‌شود در پی انتقال تعداد زیادی از زندانیان زندان اوین منجمه بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه، با کمبود فضا روبرو شده؛ به‌گونه‌ای که کف‌خوابی در اتاق‌ها، راهروها و حتی نمازخانه‌ها به وضعیتی رایج تبدیل شده است.

با گذشت دو هفته از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی، نهادهای حقوق بشری نسبت به وضعیت زندانیان در شرایط جنگی هشدار می‌دهند. محدودیت بیشتر در دسترسی به دارو خدمات درمانی، کاهش مواد غذایی و دسترسی محدود به آب سالم و مواد بهداشتی، محدودیت در توزیع وعده‌های غذایی از جمله مشکلاتی است که زندانیان در کنار عدم امنیت در زندان‌ها در شرایط جنگ و بمباران با آن روبرو هستند.

خرگزارای حقوق بشری «هرانا» گزارش داده که در هفته‌های اخیر زندانیان در شماری از زندان‌های کشور با مشکلات مشابهی در تأمین اقلام ضروری مواجه شده‌اند. از جمله این مشکلات می‌توان به کمبود آب آشامیدنی، کاهش کیفیت و حجم غذا، محدود شدن فعالیت فروشگاه‌های زندان و کمبود دارو اشاره کرد.

بر اساس این گزارش در بسیاری از این زندان‌ها آب مصرفی از چاه تأمین می‌شود و به گفته زندانیان سابق و فعلی، برای آشامیدن مناسب نیست؛ از این‌رو زندانیان ناچارند آب معدنی مورد نیاز خود را از فروشگاه‌های زندان تهیه کنند. با این حال در شرایط اخیر ورود آب معدنی به برخی زندان‌ها کاهش یافته و قیمت هر بطری آب نیز به حدود ۲۵ هزار تومان رسیده است؛ رقمی که بنا بر گزارش‌ها بسیاری از زندانیان توانایی پرداخت آن را ندارند.

خرگزارای «هرانا» همچنین از کاهش توزیع وعده‌های غذایی در زندان‌ها خبر داده و نوشته «زندانیان» ←

➔ در اغلب زندان‌ها روزانه دو وعده غذا دریافت می‌کنند و حجم و کیفیت غذا نسبت به پیش از شرایط جنگی در ایران به طور قابل توجهی کاهش یافته است. همزمان فروشگاه‌های بسیاری از زندان‌ها با کمبود کالا مواجه شده‌اند، در برخی موارد فروشگاهها برای چندین روز تعطیل بوده یا با قفسه‌های تقریباً خالی فعالیت کرده‌اند. یکی دیگر از مشکلاتی که پیشتر هم از سوی فعالان حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته و خبرگزاری «هرانا» نیز بر آن تأکید دارد ازدحام جمعیت در زندان‌ها است؛ هزارن نفر در اعتراضات دی ۴۰۴ بازداشت و به زندان‌های شهرهای مختلف منتقل شدند که سبب تراکم بالای جمعیت در زندان‌ها شده است.

خبرگزاری «هرانا» نوشته ازدحام جمعیت نه تنها فشار بیشتری بر زندانیان وارد کرده بلکه نگرانی‌هایی در خصوص وضعیت بهداشتی و معیشتی آنان ایجاد کرده است. همچنین گزارش‌هایی از محدود شدن تماس‌های تلفنی و ملاقات زندانیان با خانواده‌هایشان منتشر شده است.

یکی از کارکنان سابق زندان خرم‌آباد در رابطه با جمعیت ساکن در این زندان به «هرانا» گفته «حدود ۴۷۵۰ زندانی در زندان خرم‌آباد نگهداری می‌شوند و جرائم عمده آنان شامل درگیری، سرقت، جرائم مالی و قتل است. این زندان دارای ۹ سالن است که یکی از آن‌ها به بخش خدمات اختصاص دارد. سالن‌ها از نظر نورگیری در حد متوسط ارزیابی شده‌اند. در هر سالن به طور متوسط حدود ۵۰۰ زندانی نگهداری می‌شوند، در حالی که ظرفیت تخت‌ها در هر سالن حدود ۳۶۰ تخت است. به همین دلیل شماری از زندانیان به صورت کف‌خواب یا در فضای حسینیه سالن‌ها اسکان داده شده‌اند.»

او افزوده «بهداری این زندان حتی در روزهای عادی هم داروی کافی در اختیار نداشت و پزشک تنها یک روز در هفته در زندان حضور داشت. همچنین هیچ خدمات مشاوره یا روان‌شناسی در این زندان ارائه نمی‌شد. با شروع جنگ این وضعیت دشوارتر و منابع محدودتر شده است.» یک منبع مطلع دیگر در رابطه با کیفیت غذا در این زندان به «هرانا» گفته «در حال حاضر زندانیان روزانه دو وعده غذا دریافت می‌کنند و میزان غذا نسبت به پیش از آغاز شرایط جنگی در ایران تقریباً نصف شده و کیفیت آن نیز به حدوداً نصف شده است.»

بر اساس گزارش «هرانا» زندان تهران بزرگ علیرغم اینکه یکی از بزرگترین زندانهای کشور محسوب می‌شود در پی انتقال تعداد زیادی از زندانیان زندان اوین منجمه بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه، با کمبود فضا روبرو شده؛ به‌گونه‌ای که کف‌خوابی در اتاق‌ها، راهروها و حتی نمازخانه‌ها به وضعیتی رایج تبدیل شده است.

وکیل یکی از زندانیان محبوس در زندان تهران بزرگ در گفت‌وگو با «هرانا» اعلام کرد که شرایط زندانیان در این زندان تفاوتی با سایر زندان‌ها ندارد؛ «بسیاری از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه در این زندان نگهداری می‌شوند و اصل تفکیک جرائم درباره آن‌ها رعایت نمی‌شود. به گفته او، کیفیت غذا در مقایسه با پیش از حملات به ایران کاهش یافته و میزان هر وعده غذایی نیز به حدود نصف رسیده است. همچنین وضعیت بهداشتی زندان به دلیل ازدحام جمعیت نامناسب توصیف شده و این شرایط موجب نگرانی خانواده بسیاری از بازداشت‌شدگان و زندانیان درباره وضعیت جسمانی عزیزانشان شده است. فروشگاه زندان تعطیل شده و زندانیان با کمبود آب آشامیدنی نیز مواجه هستند.»

مرکز آموزش و مشاوره حقوقی «دادبان» نیز گزارش داده

وضعیت زندانیان هر روز نگران‌کننده‌تر می‌شود وضعیت زندان‌ها اسفبار است. گزارشات می‌گوید زندانیان با سردشدن هوا و نبود غذای کافی بیمار شده‌اند.

«دادبان» به نقل از یک زندانی نوشته «وضعیت زندان روز به روز بدتر شده، تو هر اتاق ۱۰ متری نزدیک سی نفر هستند و جیره‌ی غذایی نصف شده، کیفیت غذا به شدت پایین آمده، اکثریت بچه‌ها مریض هستند و سرفه می‌کنن، بدن‌ها به شدت ضعیف شده، اکثریت با مواد مخدر می‌گذرونن روزها رو، در کل وضعیت اصلاً جالب نیست.»

این زندانی گفته «حکومت زندانیان سیاسی را با انتقال به زندان تهران بزرگ، عامدانه در بند مجرمان خطرناک، معتادان و سارقان قرار می‌دهد.»

«دادبان» هشدار داده «تجربه ثابت کرده که در شرایط بحرانی، خطر اعمال خشونت، محدودیت ارتباط با بیرون و برخورد‌های تنبیهی افزایش می‌یابد. حفظ جان و سلامت زندانیان در هر وضعیت، از جمله در زمان درگیری نظامی، بر عهده قوه قضاییه جمهوری اسلامی و سازمان زندان‌ها است و این نهادها مسوول مستقیم تأمین امنیت، جلوگیری از خشونت و رعایت کرامت انسانی افراد تحت بازداشت هستند.»

همچنین دست‌کم ۵۰ زندانی از زندان اوین به زندان تهران بزرگ منتقل شده‌اند. وضعیت زندان تهران بزرگ

به مکان‌های امن را در نظر بگیرد. «دادبان» تأکید کرده با توجه به این الزام قانونی، آزادی زندانیان کم‌خطر و به ویژه زندانیان سیاسی در شرایط فعلی یک ضرورت حقوقی و انسانی محسوب می‌شود. ادامه نگهداری آنان در زندان، با وجود خطرات موجود، این نظریه را تقویت می‌کند که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی عملاً این زندانیان را به عنوان گروگان‌های غیر نظامی حبس کرده و در نتیجه مسئولیت مستقیم هرگونه آسیب احتمالی به جان آنان متوجه قوه قضاییه و سازمان زندان‌های جمهوری اسلامی است.

اینهمه در حالیست که بر اساس مصوبه شماره ۲۱۱ شورای عالی قضایی مصوب ۲۲ دی ۱۳۶۵، در وضعیت‌های اضطراری ناشی از جنگ، قوه قضاییه موظف است با استفاده از ابزارهای قانونی برای حفظ جان زندانیان اقدام کند. این ابزارها شامل تبدیل قرار تأمین، اعطای آزادی مشروط، پذیرش وثیقه یا کفالت و همچنین انتقال زندانیان به اماکن امن است.

این مصوبه تأکید دارد در صورتی که اقدامات معمول برای تأمین امنیت کافی نباشد، دادرها می‌توانند نسبت به آزادی موقت زندانیان بی‌خطر تا زمان رفع وضعیت اضطراری اقدام کنند. در این دسته، زندانیان سیاسی، عقیدتی، مالی، جرایم غیرعمد و جرایم خرد قرار می‌گیرند.



در این مصوبه همچنین در مورد زندانیان جرایم خشن نیز انتقال به مکان‌های امن پیش‌بینی شده است. حقوقدانان تأکید دارند که اجرای این مقرر صرفاً یک اختیار نیست، بلکه در شرایط اضطراری تکلیف قانونی دستگاه قضایی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، افراد غیرنظامی باید در برابر آثار مخاصمات مسلحانه مورد حمایت قرار گیرند. ماده ۲۷ این کنوانسیون تصریح می‌کند که اشخاص تحت حمایت باید در همه حال مورد احترام و حفاظت باشند.

همچنین ماده ۵۸ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ مقرر می‌کند که طرف‌های مخاصمه باید تا حد امکان غیرنظامیان را از مناطق در معرض خطر دور کنند و سایر احتیاطات لازم را برای کاهش آسیب اتخاذ نمایند.

بر اساس این اصول، اگر زندان در معرض حمله نظامی قرار گیرد، مقام بازداشت‌کننده موظف است اقدامات عملی برای کاهش خطر انجام دهد. این اقدامات می‌تواند شامل تخلیه، انتقال یا ایجاد تدابیر حفاظتی باشد.

(فشافویه) پس از تخریب انبار غذا در حملات اخیر بحرانی گزارش شده و زندانیان با کمبود شدید غذا و دارو، تعطیلی فروشگاه‌ها و ترک محل کار توسط شماری از مسئولان زندان روبه‌رو شده‌اند.

«دادبان» در گزارش دیگری تأکید کرده ادامه بازداشت زندانیان سیاسی و به ویژه بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در شرایط فعلی پرسش‌های جدی ایجاد کرده است. این افراد به دلیل فعالیت‌های سیاسی یا مدنی بازداشت شده‌اند و تهدیدی برای امنیت عمومی محسوب نمی‌شوند. تداوم بازداشت آنان در شرایطی که جان‌شان در معرض خطر قرار دارد، عملاً به معنای نگه داشتن غیرنظامیان در وضعیت گروگان‌گونه است.

این مرکز حقوقی افزوده از منظر حقوقی نیز قوانین داخلی ایران امکان اتخاذ تدابیر حمایتی در چنین شرایطی را پیش‌بینی کرده‌اند. مصوبه «شرایط اضطراری» شورای عالی قضایی در ۲۲ دی ۱۳۶۵ تصریح می‌کند که در وضعیت‌های ناشی از جنگ، دستگاه قضایی باید برای حفظ جان زندانیان اقداماتی مانند تبدیل قرار تأمین، آزادی موقت یا انتقال آنان

گزارش میدانی از ایران در شرایط جنگی؛ از خدمات رسانی خیران به خانواده‌های نیازمند تا بالا رفتن قیمت املاک در شمال



● «یک سری بچه در حاشیه تهران هستند که اصلا جنگ و غیر جنگ برایشان فرقی ندارد، کلا در حیطه زندگی می‌کنند. یعنی اصلا فرقی ندارد، شاید نان و کثافت نگاهشان می‌دارد، چه بگویم. بدترین بخش ماجرا اینجاست که در بیشتر اوقات وقتی بسته‌ها رو می‌دهیم کسی نمی‌گوید ممنونم درخواست یک بسته دیگر می‌کند و تو نمی‌دانی چه حالی می‌شویم که می‌گوییم نه! تقسیم کار کرده‌ایم و شیفت عوض می‌کنیم. و بعد از این همه مدت بیشتر از چند محله را توانستیم پوشش بدهیم، یعنی اصلا کمک محسوب نمی‌شود.»

● «پالایشگاه شهری و انبار نفت شهران را زدن، امروز اصلا تهران صبح را ندید، انگار شب بود، انقدر که دود در هواست، نمی‌توانند خاموشش کنند باید با فوم خاموش شود نه با آب، چون بیشتر شعله‌ور می‌شود، نه سوادش را دارند نه فومش را، به عنوان یک شیمیست می‌دانم این هوا چقدر خطرناک و سرطان‌زاست، به هرکسی که می‌شناسید بگویید که حتما باید ماسک N95 بزنند، بعد از هر بیرون رفتن باید اول زیر دوش آب بروند بعد از شامپو و مواد شوینده استفاده کنند، لباس‌هایشان را با دست بشویند که ماشین لباسشویی آلوده نشود، اگر شرایطش را ندارند و با ماشین لباسشویی باید کار کنند باید ماشین لباسشویی را بعد از شستشوی لباس‌ها یک بار بدون لباس با یک مشت نمک آشپزخانه در داخلش روشن کنند که لباس‌های دیگر آلوده نشوند.»

● «به طرز عجیبی قیمت املاک و ویلاها در شمال بالا رفته، درست از همان روزی که حمله‌های نظامی علیه جمهوری اسلامی شروع شده قیمت املاک و ویلاها هر کدام به نسبت خودش بالا رفته، مثلا برای خرید ویلایی که قصد خرید آن را داشتیم، باید حدود یک میلیارد، گران‌تر بخرم، اینجا در شمال، همه کسبه و فعالان حوزه املاک می‌گویند اگر رژیم برگردد بسیاری از ایرانی‌های خارج کشور برمی‌گردند، در شمال، ملک و ویلا خواهند خرید، اینجا ایتالیا خواهد شد و دیگر کسی به ترکیه نخواهد رفت.»

● «کارمندان دولت که وضعشان خوب است، حقوق و عیدی‌شان را از پیش گرفته‌اند، کسبه هم اغلب باز هستند و انگار نه انگار که در شرایط جنگی هستیم. بازارهای خرید هم اغلب شلوغ هست. اگر تا نرووز با همین شدت ادامه پیدا کند فکر نمی‌کنم مردم دید و بازدیدی داشته باشند، ولی همه راضی از حملات هستند و کسی نمی‌گوید خسته شدیم یا کی تمام می‌شود، همه اغلب تعجب می‌کنند که چرا اینها انقدر پررو و سگ‌جان هستند.»

فیروزه نوردستروم - بهار و نوروز ۱۴۰۵ به زودی از راه می‌رسد در شرایطی که به دلیل سرکوب خونین مردم و قتل‌عام ۱۲ تا ۳۰ هزار شهروند ایرانی توسط نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی، هزاران خانواده سوگوار هستند. حال در شرایط جنگی و شروع عملیات مشترک آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی شهروندان ایرانی وارد سیزدهمین روز قطع اینترنت شده‌اند.

شهروندان داخل ایران در این روزها نسبت به مداخله نظامی آمریکا و اسرائیل و آینده ایران پس از سقوط جمهوری اسلامی چه دیدگاهی دارند؟ آنها نوروز امسال را در

ایمان و باور داشتم که سال‌ها اصرار کنم این افراد هم انسان هستند و فقط باید آن‌ها را متقاعد کنیم که کنار ما باشند و هسته اصلی مشتری داریم که همه ایرانی هستیم ولی بعد به این نتیجه تلخ رسیدم که اشتباه می‌کردم، همه ما ایرانی نیستیم، آنها بازماندگان قوم مغول و تازی‌های باقی مانده عصر ساسانی هستند. یکی از دوستان سرمایه‌دار مخالف نظام مخالف که جنگ را تخریبی می‌دانست معتقد بود جنگی اتفاق نمی‌افتد، حداقل تا یک سال آینده. گفتم اگر شد چه؟ گفت من یک میلیارد به تو می‌دهم. من هم از دهانم در رفت و گفتم من به نداشتن‌هایک عادت کردم اگر جنگ شد تو این پول را بده به نیازمندی که نجاتش می‌دهد. همان جا درجا گفت اگر جنگ شد می‌توانی یک تیم تشکیل بدهی. چند نفری که دورمان بودند گفتند ما هم هستیم. یک هفته بعد که جنگ شروع شد، او با من تماس گرفت که به دفتر کارش بروم. گفت این پانصد میلیون، من به تو اعتماد دارم.

خلاصه صدایم کرد و گفت از قبل می‌دانستم که شرط را می‌بازم، هر چه خودت لازم دانستی بخر، یک انبار هم به ما داد. دو سه روز طول کشید و جالب است که تقریباً کم‌تر از ۴۸ ساعت بعد، خریدها جمع شد. بسته‌های مواد غذایی خیلی پر بار نیست. به هر خانوار، فقط یک یا دو کیلو گوشت یخ‌زده. اما تازه خریدیم و بدون برش منجمد کردیم. چند صابون. صابون کاغذی. یک یا نهایت دو جعبه آب. یک کارتن نان خشک. لوبیا چیتی و عدس، بعضی از بسته‌ها کمتر یا زیادتر هستند. در داخل تمام بسته‌ها قرص تصفیه آب و توضیح استفاده در شرایط اضطراری گذاشتیم. بعد از شروع جنگ، دوستی که یک میلیارد شرط بسته بود تا این لحظه هفتصد میلیون تومان دیگر مواد غذایی تهیه کرده و در بسته‌های جدید، چهار بسته ماکارونی و کنسرو ماهی هم گذاشتیم. ولی بسته‌های اولی نداشتند. برنج هم نمی‌گذاریم اما دو کیلو آرد می‌گذاریم، حالا مهم اینجاست که اصلا این

شرایط امنیتی و جنگی و خاموشی ناشی از قطعی اینترنت جهانی چگونه برگزار خواهند کرد؟ آن هم در شرایطی که خانوارهای قشر متوسط امسال تورم ۶۰ درصدی، سقوط ارزش پول ملی و ورود به زیر خط فقر را تجربه می‌کنند.

«کیهان لندن» در این گزارش میدانی با چند شهروند تهرانی گفتگو کرده است که در شرایط جنگی به سختی موفق شدند به اینترنت دسترسی پیدا کنند.

مرجان ساکن ستارخان است که همراه با چند تن از دوستان و همکارانش گروهی برای ارسال مواد غذایی و بهداشتی به خانواده‌های بی‌بضاعت تشکیل داده است.

او که به سختی و خیلی محدود به نت دسترسی پیدا کرده است توضیح می‌دهد: «بیشرف‌ها نت را می‌زنند، الان ساعت نزدیک ده شب است موفق شدم دوباره وصل شوم، آنقدر نت بسته است که حتی نت ما محدودیت ارسال دارد، مثلاً ایمیل مطلقاً کار نمی‌کند.»

او که در شرایط جنگی به همراه چند تن از دوستان و همکارانش گروهی را برای ارسال مواد غذایی و بهداشتی به خانواده‌های بی‌بضاعت تشکیل داده است ادامه می‌دهد: «داستان از جایی شروع شد که من در بین جمعی از سرمایه‌داران تهرانی داستان مخالف جنگ بودم را گفتم در جنگ دوازده روزه دعا می‌کردم زودتر تمام شود. داستان ترومای بچه‌گی‌هایم را تعریف کردم که تا سال‌ها به خاطر ترس از جنگ حرف نمی‌زدم و لکنت داشتم. تاثیر جنگ عراق بر روی من و خلاصه که جنگ ایران با عراق را هنوز هم یک دفاع مشروع می‌دانم و هیچ وقت بلاهایی که سر رزمنده‌ها آمد را فراموش نمی‌کنم و اگر به عقب برگردم و همان سن را داشته باشم قطعاً با وجود ترس از جنگ، پشت جبهه برای رزمنده‌ها آشپزی می‌کردم. بعد گفتم اما بعد از ایرانی‌کشی در دی‌ماه، تازه سیلی خوردم، در عمق وجود، متوجه شدم که این نیروهای نظامی و لباس شخصی هیچ بویی از انسانیت نبرده‌اند. این همان چیزی بود که به آن

تیر خلاص به جمهوریت نظام؛ انتقال قدرت از خامنه‌ای به خامنه‌ای



بلکه پیام ادامه‌ی همان مسیر تلقی می‌شود. این تصمیم عملاً نشان می‌دهد که ساختار قدرت نه تنها قصد بازنگری در سیاست‌های گذشته را ندارد، بلکه قدرت را در حلقه‌ای بسته‌تر و خانوادگی‌تر متمرکز می‌کند.

در سطح بین‌المللی نیز چنین اتفاقی پیام روشنی خواهد داشت. برای بسیاری از ناظران خارجی، رسمی شدن قدرت فردی که سال‌ها به عنوان یک چهره‌ی امنیتی و پشت‌پرده شناخته می‌شد، نشانه‌ای از تداوم همان ساختار بسته و غیرشفاف در جمهوری اسلامی است. به بیان ساده‌تر، جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری از مفهوم «جمهوری» فاصله گرفته و به ساختاری شبیه قدرت‌های موروثی نزدیک شده است؛ الگویی شبیه کره‌ی شمالی!

ساختاری که در آن قدرت نه بر اساس شایستگی و رأی عمومی، بلکه در یک حلقه‌ی محدود خانوادگی و امنیتی بازتولید می‌شود.

حال باید دید و نظاره‌گر بود رهبری مجتبی خامنه‌ای که تیر خلاصی بر تمام شعارهای ۴۰ ساله این نظام بود با توجه به تهدیدهای آمریکا و اسرائیل چند روز طول می‌کشد.

هستند.»

علی به نقل از یکی از دوستانش که در شرایط جنگی به ویلای خود در شمال نقل مکان کرده می‌گوید: «به طرز عجیبی قیمت املاک و ویلاها در شمال بالا رفته، درست از همان روزی که حمله‌های نظامی علیه جمهوری اسلامی شروع شده قیمت املاک و ویلاها هر کدام به نسبت خودش بالا رفته، مثلاً برای خرید ویلایی که قصد خرید آن را داشتم، باید حدود یک میلیارد، گران‌تر بخرم، اینجا در شمال، همه کسبه و فعالان حوزه املاک می‌گویند اگر رژیم برگردد بسیاری از ایرانی‌های خارج کشور برمی‌گردند، در شمال، ملک و ویلا خواهند خرید، اینجا ایتالیا خواهد شد و دیگر کسی به ترکیه نخواهد رفت.»

او در مورد حال و هوای این روزهای تهران در روزهای نزدیک به نوروز توضیح می‌دهد: «کارمندان دولت که وضعیتشان خوب است، حقوق و عیدی‌شان را از پیش گرفته‌اند، کسبه هم اغلب باز هستند و انگار نه انگار که در شرایط جنگی هستیم. بازارهای خرید هم اغلب شلوغ هست. اگر تا نوروز با همین شدت ادامه پیدا کند فکر نمی‌کنم مردم دید و بازدید داشته باشند، ولی همه راضی از حملات هستند و کسی نمی‌گوید خسته شدیم یا کی تمام می‌شود، همه اغلب تعجب می‌کنند که چرا اینها انقدر پررو و سگ‌جان هستند.»

→ بسته‌ها برای تمام دوران جنگ کافی نیستند.»

این شهروند تهرانی توضیح می‌دهد: «یک سری بسته کنار این‌ها داریم شامل شیشه شیر و سه بسته شیرخشک و یک قوطی سرلاک. دو نایلون شش‌تایی کهنه بچه هم گذاشتیم. چند روز پیش هم یک نفر دیگر اعلام کرد که سیصد میلیون کمک می‌کند، فردای آن روز، کنار کهنه بچه، پوشک گذاشتیم تا بهداشتی باشد و اگر آب قطع شد مادرها مشکل کمتری داشته باشند. این بسته‌ها را به کسانی که نوزاد دارند می‌دهیم و کنار آنها هم قوطی شیرخشک و سرلاک هست، اگر ببینیم کسی بچه زیر شش سال دارد به او یک قوطی شیرخشک و یک قوطی سرلاک می‌دهیم که در صورت اضطرار بچه‌ها گرسنه نشوند و همین‌طور دو بسته بزرگ بیسکویت مادر به هر کس که بچه زیر ۱۲ سال دارد، به هر حال، منابع ما کم است.»

حالا یک سری بچه در حاشیه تهران هستند که اصلاً جنگ و غیر جنگ برایشان فرقی ندارد، کلاً در حیطه زندگی می‌کنند. یعنی اصلاً فرقی ندارد، شاید نان و کثافت نگاهشان می‌دارد، چه بگویم.

بدرترین بخش ماجرا اینجاست که در بیشتر اوقات وقتی بسته‌ها را می‌دهیم کسی نمی‌گوید ممنونم درخواست یک بسته دیگر می‌کند و تو نمی‌دانی چه حالی می‌شویم که می‌گوییم نه!»

این خانم کارمند ادامه می‌دهد: «تقسیم کار کرده‌ایم و شیفت عوض می‌کنیم. و بعد از این همه مدت بیشتر از چند محله را نتوانستیم پوشش بدهیم، یعنی اصلاً کمک محسوب نمی‌شود.»

در یکی از روزها که برای توزیع بسته به یکی از محله‌های پایین شهر رفته بودیم خانگی را دیدیم که خیلی مرتب و تمیز بود اما شوهرش معتاد داشت و به شدت افسرده بود، حاضر نمی‌شد حرف بزند و کمک‌ها را بگیرد. بسته را قبول نکرد ولی موقع رفتن ما دمپایی پوشید آمد و گفت لباس داری بهم بدی؟ گفتم نه گفت پول چی؟ گفتم به خدا نقد ندارم. موضوع را به دوست سرمایه‌دارم گفتم او پنجاه میلیون به حسابم ریخت و گفت ماهی ده میلیون به او بده و باز ده میلیون نقد دیگر داد و گفت هر کس طلب پول کرد صد هزار تومان بگذار کف دستش.

خیلی عصبی‌ام، دست ما هم خیلی کوتاه است و منابع مالی ما کم. همه از یک پیکریم. دعا کن این جنگ زودتر تمام شود و این کرکس‌ها فلج شوند. دعا کن هرج و مرج نشود و ما روسیاه نشویم. این چیزها ترس من از جنگ بود، حالا که به آن تن دادم خوف دارم. دعا کن پیش وجدانم سر بلند شوم.»

صبا دانشجوی ارشد رشته شیمی که هر چند روز یک بار به سختی آنلاین می‌شود هم به این بحث می‌پیوندد: «پالایشگاه شهری و انبار نفت شهران را زدن، امروز اصلاً تهران صبح را ندید، انگار شب بود، انقدر که دود در هواست، نمی‌تواند خاموشش کنند باید با فوم خاموش شود نه با آب، چون بیشتر شعله‌ور می‌شود، نه سوادش را دارند نه فومش را، به عنوان یک شیمیست می‌دانم این هوا چقدر خطرناک و سرطان‌زاست، به هرکسی که می‌شناسید بگویید که حتماً باید ماسک N95 بزنند، بعد از هر بیرون رفتن باید اول زیر دوش آب برونند و از شامپو و مواد شوینده استفاده کنند، لباس‌هایشان را با دست بشویند که ماشین لباسشویی آلوده نشود، اگر شرایطش را ندارند و با ماشین لباسشویی باید کار کنند باید ماشین لباسشویی را بعد از شستشوی لباس‌ها یک بار بدون لباس با یک مشت نمک آشپزخانه در داخلش روشن کنند که لباس‌های دیگر آلوده نشوند.»

علی شهروند ایرانی ساکن استانبول به نقل از دختر خود

مهدی نوذر - اعلام رهبری مجتبی خامنه‌ای را باید یکی از عجیب‌ترین و در عین حال پرهزینه‌ترین تصمیم‌های تاریخ جمهوری اسلامی دانست و تیر خلاصی است به شاکله‌ی به ظاهر جمهوریت نظام؛ حکومتی که سال‌ها خود را مخالف حکومت‌های موروثی معرفی می‌کرد، حالا عملاً به همان مدلی نزدیک شده است که زمانی آن را نقد می‌کرد. در سنت فقهی شیعه همواره تأکید شده است که حکومت نباید به شکل موروثی و خانوادگی منتقل شود و مشروعیت آن باید بر پایه‌ی صلاحیت و شایستگی باشد، نه نسبت خونی! از سوی دیگر حتی بر اساس همان قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز رهبر باید شرایط مشخصی داشته باشد؛ از جمله اجتهاد فقهی، شناخت عمیق از مسائل سیاسی و اجتماعی و سابقه مدیریت در سطح کلان. در مورد مجتبی خامنه‌ای اما همواره این پرسش وجود داشته که او نه مرجع شناخته‌شده‌ای در حوزه فقه است و نه سابقه‌ی مدیریتی رسمی و شفاف در ساختار حکومت داشته است. او سال‌ها به عنوان یک چهره‌ی پشت‌پرده و امنیتی شناخته می‌شد که نفوذ قابل توجهی در برخی تصمیمات داشت اما هرگز مسئولیت رسمی و پاسخگویی علنی نداشته است. اگر چنین فردی صرفاً به دلیل نسبت خانوادگی به بالاترین مقام کشور برسد، این موضوع عملاً معنایی جز بی‌اعتبار شدن همان قواعدی ندارد که جمهوری اسلامی سال‌ها آنها را مبنای مشروعیت خود معرفی می‌کرد.

در داخل ایران نیز چنین انتخابی برای بخش بزرگی از جامعه بیش از آنکه نشانه‌ی ثبات یا اصلاح باشد، بنوعی دهن‌کجی به افکار عمومی تعبیر خواهد شد. نام علی خامنه‌ای برای بسیاری از مردم با سال‌ها بحران اقتصادی، سرکوب سیاسی و انزوای بین‌المللی گره خورده است و طبیعی است که انتخاب پسر او بعنوان رهبر، نه پیام تغییر

می‌گوید دخترم همه مواد غذایی و مایحتاج اصلی خود را تهیه کرده و در خانه نشسته و منتظر فراخوان شاهزاده است که چه زمان به خیابان برود. مردم اطمینان دارند که آمریکا و اسرائیل کارشان دقیق است آنها می‌زنند و مردم پشت پنجره‌ها فیلم می‌گیرند و شادی می‌کنند. از وقتی حمله‌های موشکی ایران و اسرائیل شروع شده به جای اینکه لیر بالا برود مدام پایین می‌آید، یک مبحثی داریم، در اقتصاد به نام «انتظارات» مردم انتظارشان این است که شرایط بهتر می‌شود، جنگ تمام می‌شود، رژیم بر می‌گردد و قیمت‌ها پایین می‌آید، همانطور که در برنامه گذار شاهزاده مطرح شده ما تا ۱۸ ماه دوران اضطرار خواهیم داشت، ممکن است نرخ تورم بالاتر برود اما ما توجه به بحث انتظارات چون مردم انتظار دارند شرایط بهتر می‌شود، به بازار فشار می‌آورند که بازار به این شکل، نرخ‌ها را تغییر می‌دهد در حالی که اگر رژیم برگردد آن زمان واقعیت بازار مشخص می‌شود ممکن است همین قیمت‌ها ثابت بمانند یا حتی کمی بالاتر بروند، اگر وضعیت اقتصادی بهتر شود کم‌کم قیمت‌ها پایین می‌آیند.

دوستان من در ایران که با آنها در تماس هستم در خانه نشسته‌اند و در انتظارند کی کار اینها تمام می‌شود به خیابان‌ها برویم، آنها اصلاً از این شرایط جنگی ناراحت نیستند، چون می‌دانند اهداف آمریکا و اسرائیل مشخص

خانواده جاویدنام رستم مبارک آبادی بازداشت شدند



● مادر رستم مبارک آبادی، یکی از جاویدنامان انقلاب شیر و خورشید در مبارکه اصفهان، یکشنبه شب ۱۰ اسفند، همراه با دیگر اعضای خانواده خود با خشونت بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند. مأموران هنگام بازداشت به پای یکی از اعضای خانواده نیز شلیک کردند.

● رستم مبارک آبادی، جوان ۳۰ ساله و راننده تریلی، جمعه شب، ۱۹ دی ماه در جریان اعتراضات انقلاب ملی شیروخورشید، هدف شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.

مادر رستم مبارک آبادی، یکی از جاویدنامان انقلاب شیر و خورشید در مبارکه اصفهان، یکشنبه شب ۱۰ اسفند، همراه با دیگر اعضای خانواده خود با خشونت بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند. مأموران هنگام بازداشت به پای یکی از اعضای خانواده نیز شلیک کردند. گفته می‌شود علت بازداشت خانواده مبارک آبادی، این بوده که پس از انتشار خبر کشته شدن علی خامنه‌ای توسط اسرائیل، شماری از مردم شهر مبارکه اصفهان در مقابل منزل این مادر جاویدنام گرد هم آمده و به رقص و پایکوبی مشغول شده بودند.

رستم مبارک آبادی، جوان ۳۰ ساله و راننده تریلی، جمعه شب، ۱۹ دی ماه در جریان اعتراضات انقلاب ملی شیروخورشید، هدف شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. بر پایه روایت‌های شاهدان، رستم مبارک آبادی، ابتدا از پشت، مورد هدف شلیک گلوله جنگی نیروهای سرکوب قرار گرفت و هم‌زمان از روبرو ساچمه‌هایی به بدنش برخورد کرده بود.

گفته می‌شود پدر رستم که چند متر دورتر ایستاده بود، با شنیدن صدای شلیک به سوی فرد مجروح دوید و زمانی که پیکر خون آلود او را برگرداند، دریافت که پسرش زخمی شده است.

رستم در حالی که از دهانش خون جاری شده بود، بلافاصله به بیمارستان منتقل شد، اما شدت جراحات او به حدی بود که تلاش‌های درمانی ثمربخش نبود و ساعاتی پس از انتقال به بیمارستان، بر اثر شدت جراحات جان باخت.

وزارت دفاع ترکیه: موشک بالستیک شلیک شده از سوی جمهوری اسلامی توسط پدافند ناتو منهدم شد



بقایای یک موشک که به گفته مقامات ترکیه از ایران پرتاب شده است. این بقایا در شهر دورتیول در استان هاتای در جنوب ترکیه دیده شد / رویترز

رهگیری کرده است. او در پیامی در «ایکس» نوشت: «ناتو در آمادگی کامل برای دفاع از همه متحدان خود در برابر هرگونه تهدید ثابت قدم است.»

جمهوری اسلامی ایران پیش‌تر شلیک موشک بالستیک به سمت ترکیه را رد کرد. این در شرایطی بود که مقامات ترکیه گفتند سامانه‌های پدافندی ناتو یک پرتابه را بر فراز شرق دریای مدیترانه سرنگون کرده‌اند.

بر اساس ماده ۵ پیمان آتلانتیک شمالی، حمله به یک کشور عضو ناتو به منزله حمله به همه اعضا تلقی می‌شود. این ماده همچنین هر کشور عضو را متعهد می‌کند اقداماتی را که لازم بداند برای بازگرداندن و حفظ امنیت انجام دهد. با این حال، مارک روته دبیرکل ناتو در مصاحبه با خبرگزاری رویترز پس از سرنگونی نخستین موشک گفت که صحبتی درباره فعال کردن ماده ۵ مطرح نشده است.

مقامات ایرانی گفته‌اند که در چارچوب دفاع از خود به پایگاه‌های نظامی آمریکا و اهداف مرتبط با آمریکا و اسرائیل در سراسر منطقه حمله می‌کنند؛ با این حال زیرساخت‌های غیرنظامی نیز مورد حمله قرار گرفته‌اند.

راب گایست پینفولد، مدرس مطالعات دفاعی در کینگز کالج لندن، می‌گوید: «اهداف [حکومت] ایران فقط پایگاه‌های آمریکا نیستند؛ بلکه در واقع زیرساخت‌های بزرگ و اهداف غیرنظامی نیز در فهرست قرار دارند.» او به الجزیره گفت: «این اشتباه نیست؛ بلکه کاملاً عمدی است.»

به گفته تحلیلگر، تهران تلاش می‌کند با ایجاد بیشترین میزان آشوب ممکن برای بی‌ثبات کردن منطقه و بازارهای جهانی، واشنگتن را وادار کند که از جنگ عقب‌نشینی کند. او افزود: «ما دیده‌ایم که ایران تقریباً همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را هدف قرار داده است. ایران آماده است روابط خود با همه آن‌ها را به خطر بیندازد تا این راهبرد بسیار پرریسک و نامطمئن را دنبال کند.»

پینفولد در پایان گفت: «این نشان می‌دهد ایران احساس می‌کند با یک تهدید وجودی روبه‌رو است. برای آن‌ها این واقعاً یک لحظه مرگ و زندگی است.»

● وزارت دفاع ترکیه اعلام کرد یک موشک بالستیک که از سوی جمهوری اسلامی پرتاب شده بود، توسط سامانه‌های پدافند ناتو مستقر در شرق دریای مدیترانه منهدم شده است.

● بنا بر این اطلاعات، بخشی از قطعات مهمات در جنوب شرقی ترکیه سقوط کرده، اما در این حادثه تلفات یا زخمی گزارش نشده است. وزارت دفاع ترکیه تأکید کرد در برابر هرگونه تهدید علیه این کشور، بدون تردید تمام اقدامات لازم انجام خواهد شد.

● راب گایست پینفولد، مدرس مطالعات دفاعی در کینگز کالج لندن، می‌گوید: «اهداف [حکومت] ایران فقط پایگاه‌های آمریکا نیستند؛ بلکه در واقع زیرساخت‌های بزرگ و اهداف غیرنظامی نیز در فهرست قرار دارند.» او به الجزیره گفت: «این اشتباه نیست؛ بلکه کاملاً عمدی است.»

وزارت دفاع ترکیه اعلام کرد یک موشک بالستیک که از سوی جمهوری اسلامی پرتاب شده بود، توسط سامانه‌های پدافند ناتو مستقر در شرق دریای مدیترانه منهدم شده است. بنا بر این اطلاعات، بخشی از قطعات مهمات در جنوب شرقی ترکیه سقوط کرده، اما در این حادثه تلفات یا زخمی گزارش نشده است. وزارت دفاع ترکیه تأکید کرد در برابر هرگونه تهدید علیه این کشور، بدون تردید تمام اقدامات لازم انجام خواهد شد.

این وزارتخانه همچنین از همه طرف‌ها، به‌ویژه تهران، خواست: «از اقداماتی که می‌تواند جان غیرنظامیان را به خطر بیندازد یا ثبات منطقه‌ای را تضعیف کند، خودداری کنند.»

به گفته مقامات محلی، حادثه روز دوشنبه دومین بار از زمان آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی است که یک موشک بالستیک از ایران به سمت ترکیه شلیک می‌شود.

آلیسون هارت سخنگوی ناتو تأیید کرد که این اتحاد نظامی «یک موشک در حال حرکت به سمت ترکیه» را

تجمع ایرانیان مقابل پارلمان بریتانیا در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی



ویدئو

ایرانیان در این تجمع موفق شدند با نمایندگان گفتگو کنند و مانند تجمعات دو ماه گذشته، با سر دادن شعارهای انگلیسی، توجه افکار عمومی و رسانه‌های بریتانیایی را به انقلاب شیروخورشید ایران جلب کردند.

بریتانیا تجمع کردند. تجمع‌کنندگان دو درخواست مشخص از دولت بریتانیا را مطرح کردند: «قرار دادن سپاه در لیست تروریستی» و «دیدار و مذاکره با شاهزاده رضا پهلوی».

ایرانیان مقیم لندن در پی فراخوان شاهزاده رضا پهلوی برای ارتباط بیشتر با مقامات سیاسی هر کشور روز چهارشنبه چهارم مارس ۲۰۲۶، سیزدهم اسفند ۱۴۰۴، از صبح ۹ صبح در هوای مه‌آلود این شهر در مقابل پارلمان

دیدار سفیر اسرائیل در آلمان با شماری از فعالان سیاسی ایرانی



دیدار سفیر اسرائیل در برلین با شماری از فعالان سیاسی ایرانی / مارس ۲۰۲۶

«لحظه حقیقت نزدیک است. ما خواهان تجزیه ایران نیستیم، بلکه خواهان آزادی آن هستیم.» او همچنین افزود: «رهایی از یوغ استبداد و زندگی در صلح به شما بستگی دارد.»

اهمیت دارند و امیدوارم سرنوشت خود را در دست بگیرند و ایران جدید را بسازند.» یک روز پیش از این دیدار بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، در یک پیام ویدیویی خطاب به مردم ایران گفت،

● رون پروسور سفیر اسرائیل در آلمان روز دوشنبه ۹ فوریه (۱۸ اسفند ۱۴۰۴) در جلسه‌ای با عنوان «آینده ایران دموکراتیک» با شماری از فعالان سیاسی ایرانی از طیف‌های مختلف دیدار کرد.

● این جلسه در داخل سفارت اسرائیل در برلین برگزار شد و محور آن وضعیت جنگ و آینده ایران و همچنین نقش کلیدی دیاسپورای میهن‌دوست در حمایت از صدای مردم ایران در جامعه جهانی بود.

● در حاشیه این جلسه رون پروسور گفت که کشورش تا پایان جمهوری اسلامی در کنار مردم ایران خواهد ماند. او تأکید: «ما با ملاها و آیت‌الله‌ها در جنگیم اما مردم ایران برای ما اهمیت دارند و امیدوارم سرنوشت خود را در دست بگیرند و ایران جدید را بسازند.»

رون پروسور سفیر اسرائیل در آلمان روز دوشنبه ۹ فوریه (۱۸ اسفند ۱۴۰۴) در جلسه‌ای با عنوان «آینده ایران دموکراتیک» با شماری از فعالان سیاسی ایرانی از طیف‌های مختلف دیدار کرد.

این جلسه در داخل سفارت اسرائیل در برلین برگزار شد و محور آن وضعیت جنگ و آینده ایران و همچنین نقش کلیدی دیاسپورای میهن‌دوست در حمایت از صدای مردم ایران در جامعه جهانی بود.

در حاشیه این جلسه رون پروسور کشورش تا پایان جمهوری اسلامی در کنار مردم ایران خواهد ماند. او تأکید: «ما با ملاها و آیت‌الله‌ها در جنگیم اما مردم ایران برای ما

نامه صدها ایرانی مقیم اتریش به وین؛ درخواست حمایت از گذار دموکراتیک در ایران و به رسمیت شناختن شاهزاده رضا پهلوی



سه‌روزه، دست‌کم پنجاه هزار شهروند غیرمسلم در شهرهای مختلف ایران جان خود را از دست داده‌اند. چنین سطحی از خشونت، در چارچوب حقوق بین‌الملل، مصداق آشکار «جنایت علیه بشریت» است.

پیش از قطع کامل اینترنت، ایران شاهد گسترده‌ترین جنبش اعتراضی در چهار دهه‌ی گذشته بود. میلیون‌ها نفر در ده‌ها شهر با مطالباتی مشترک و اراده‌ای استوار در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی به خیابان‌ها آمدند. این حمایت گسترده از شاهزاده رضا پهلوی بعنوان شخصیتی وحدت‌بخش و نماد امید به آینده‌ای آزاد و دموکراتیک یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی این خیزش بود. بدیهی است که در هیچ جامعه‌ای اجماع کامل وجود ندارد، اما دامنه‌ی این حمایت نشان می‌دهد که ایشان برای بخش بزرگی از ملت ایران به نشانه‌ای از اعتماد، ثبات و همبستگی ملی تبدیل شده‌اند.

در واکنش به این حرکت مردمی، حکومت ایران به‌صورت عامدانه تمامی راه‌های ارتباطی با جهان خارج را قطع کرد تا صدای مردم خاموش بماند و ابعاد سرکوب پنهان شود. اما حقیقت را نمی‌توان برای همیشه در تاریکی نگه داشت.

هم‌زمان، نیروهای امنیتی از شدیدترین اشکال خشونت استفاده کردند. گزارش‌های متعددی از به‌کارگیری گازهای اشک‌آور با ترکیبات شیمیایی خطرناک مانند گاز سارین و همچنین استفاده از گلوله‌های جنگی، مهمات سنگین و فشنگ‌های ساچمه‌ای علیه معترضان منتشر شده است. بنا بر گزارش‌های پزشکی، بیش از چهار هزار نفر بینایی خود را از دست داده‌اند و صدها مورد تخلیه چشم ثبت شده است. در بسیاری از موارد، تیراندازی‌ها مستقیماً سر و قلب معترضان را هدف قرار داده است. همچنین گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد برخی مجروحان از تخت‌های بیمارستان روبرو شده و حتی در حالی که به دستگاه‌های پزشکی متصل بوده‌اند، مورد شلیک قرار گرفته و جان خود را از دست داده‌اند. هیچ وجدان‌بیداری ←

بیش از ۸۵۰ تن از متخصصان، پزشکان، استادان دانشگاه، هنرمندان و کنشگران جامعه مدنی ایرانی مقیم اتریش، در نامه‌ای سرگشاده خطاب به دولت و پارلمان این کشور، خواستار حمایت رسمی از خواست ملت ایران برای گذار دموکراتیک شدند. امضاکنندگان این نامه از مقام‌های اتریشی خواسته‌اند شاهزاده رضا پهلوی را به‌عنوان چهره‌ای وحدت‌بخش و نماینده‌ی بخش مهمی از اپوزیسیون دموکراتیک ایران به رسمیت بشناسند.

در این نامه، با اشاره به آنچه «سرکوب گسترده و نقض فاحش حقوق بشر» در ایران توصیف شده، آمده است که سکوت جامعه‌ی جهانی در قبال تحولات جاری در ایران می‌تواند به عادی‌سازی خشونت حکومتی و ارسال پیامی خطرناک به دیگر حکومت‌های سرکوبگر بینجامد؛ پیامی مبنی بر اینکه سرکوب شهروندان، بدون پرداخت هزینه‌ی سیاسی و بین‌المللی، امکان‌پذیر است.

امضاکنندگان همچنین با اشاره به پیشینه‌ی اتریش در دفاع از ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشر، از دولت و پارلمان این کشور خواسته‌اند در مقطع کنونی، نقشی فعال، مسئولانه و پیشرو در حمایت از مردم ایران ایفا کنند. ریاست محترم پارلمان جمهوری اتریش نمایندگان گرامی،

ما، جمعی از متخصصان، پزشکان، استادان دانشگاه، هنرمندان و کنشگران جامعه مدنی ایرانی مقیم اتریش، با احساس مسئولیت انسانی و اخلاقی، این نامه را به حضورتان تقدیم می‌کنیم. هدف ما آگاه‌ساختن شما از وضعیت فاجعه‌بار ایران و درخواست اقدام عملی در حمایت از ملت ایران است. وجدان ما اجازه نمی‌دهد در برابر آنچه امروز بر هم‌میهنان‌مان می‌گذرد، سکوت کنیم.

آنچه اکنون در ایران جریان دارد، صرفاً یک اعتراض یا بحران سیاسی نیست؛ بلکه با یک فاجعه انسانی و سرکوبی سازمان‌یافته از سوی حاکمیت روبرو هستیم. بر اساس گزارش‌های میدانی و شواهد معتبر، تنها در بازه‌ای

بیش از ۸۵۰ تن از متخصصان، پزشکان، استادان دانشگاه، هنرمندان و کنشگران مدنی ایرانی مقیم اتریش در نامه‌ای سرگشاده خطاب به دولت و پارلمان این کشور، خواستار حمایت رسمی از خواست مردم ایران برای گذار به یک نظام دموکراتیک شدند. آنان از مقام‌های اتریشی خواسته‌اند نقش فعال‌تری در حمایت از مردم ایران ایفا کنند.

امضاکنندگان این نامه از دولت اتریش خواسته‌اند شاهزاده رضا پهلوی را بعنوان چهره‌ای وحدت‌بخش و نماینده‌ی بخشی مهم از اپوزیسیون دموکراتیک ایران به رسمیت بشناسد. به گفته‌ی آنان، حمایت گسترده از او در میان بخش‌هایی از جامعه‌ی ایران و دیاسپورای ایرانی، نشان‌دهنده‌ی جایگاه او بعنوان نمادی از امید به آینده‌ای آزاد و دموکراتیک است.

در این نامه با اشاره به آنچه «سرکوب گسترده و نقض فاحش حقوق بشر» در ایران توصیف شده، تأکید شده است که سکوت جامعه جهانی می‌تواند به عادی‌سازی خشونت حکومتی بینجامد. نویسندگان نامه هشدار داده‌اند که بی‌عملی در برابر چنین رویدادهایی پیام خطرناکی به دیگر حکومت‌های سرکوبگر جهان ارسال خواهد کرد.

امضاکنندگان نامه همچنین به کنفرانسی اشاره کرده‌اند که در ژوئیه ۲۰۲۵ در شهر مونیخ برگزار شد؛ نشستی که در آن نمایندگان طیف‌های گوناگون دیاسپورای ایرانی بر چهار اصل بنیادین شامل حفظ تمامیت ارضی ایران، سکولاریسم، پایبندی به حقوق بشر و استقرار دموکراسی توافق کردند.

در بخش پایانی این نامه، از دولت و پارلمان اتریش خواسته شده است اقداماتی عملی از جمله بازنگری در سطح روابط با جمهوری اسلامی و قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی را مورد بررسی قرار دهند. امضاکنندگان تأکید کرده‌اند چنین اقداماتی دفاع از ارزش‌های بنیادین آزادی و حقوق بشر است.

استراتژی آمریکا در مهار چین و اروپا و پیوند آن با مسئله‌ی ونزوئلا و ایران



در ایران، تنش میان حکومت و غرب طی چهار دهه‌ی گذشته ادامه داشته است. برنامه‌ی هسته‌ای، نقش منطقه‌ای تهران، و حمایت آن از گروه‌های نیابتی در خاورمیانه باعث شده است که این کشور به یکی از محورهای اصلی سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا تبدیل شود. در صورت وقوع یک درگیری گسترده در ایران، پیامدهای آن تنها محدود به خاورمیانه نخواهد بود؛ بلکه بازار جهانی انرژی، امنیت مسیرهای دریایی و حتی رقابت قدرت‌های بزرگ را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

از سوی دیگر، ونزوئلا نیز با داشتن بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان و روابط نزدیک با چین و روسیه، به یک میدان رقابت ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. دولت ونزوئلا در سال‌های اخیر تحت فشار شدید تحریم‌های آمریکا قرار داشته و بحران اقتصادی و سیاسی داخلی، این کشور را به یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق آمریکای لاتین تبدیل کرده است. کنترل نفت آن می‌تواند اهرم فشار به چین و اروپا باشد.

۳. آیا جنگ‌های منطقه‌ای ابزار مهار هستند؟

برخی تحلیلگران معتقدند که بحران‌های منطقه‌ای می‌توانند بطور غیرمستقیم در خدمت استراتژی مهار چین و اروپا قرار گیرند. در چنین دیدگاهی، درگیری‌های منطقه‌ای ممکن است منابع و تمرکز قدرت‌های رقیب را پراکنده کند یا مانع گسترش نفوذ آنها در مناطق استراتژیک شود. کنترل نفت ونزوئلا و ایران و ایجاد ثبات در این دو منطقه، برگ برنده‌ی آمریکا در کنترل چین و اروپا خواهد بود. نظم جهانی در حال گذار از یک ساختار تقریباً تک‌قطبی به ساختاری چندقطبی است. چین در حال تبدیل شدن به یک قدرت تعیین‌کننده است، اروپا در تلاش برای حفظ استقلال استراتژیک خود است، و آمریکا همچنان تلاش می‌کند نقش رهبری جهانی خود را حفظ کند.

در چنین شرایطی، تحولات در کشورهایی مانند ایران و ونزوئلا ممکن است فراتر از بحران‌های داخلی آنها، به بخشی از رقابت بزرگ‌تر قدرت‌های جهانی تبدیل شوند.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - دهه‌های اخیر، سیاست خارجی ایالات متحده بطور فزاینده‌ای حول محور رقابت قدرت‌های بزرگ شکل گرفته است. ظهور چین به یک قدرت اقتصادی، تکنولوژیک و نظامی جهانی، چالشی اساسی برای نظم بین‌المللی تحت رهبری آمریکا ایجاد کرده است. در چنین شرایطی، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که واشنگتن در حال پیگیری نوعی «استراتژی مهار» است؛ استراتژی‌ای که شباهت‌هایی با سیاست مهار شوروی در دوران جنگ سرد دارد. در این چارچوب، روابط با اروپا و همچنین تحولات در مناطقی مانند ایران و ونزوئلا می‌توانند بخشی از یک معادله‌ی ژئوپلیتیکی بزرگ‌تر باشند.

۱. مهار چین و بازتعریف اتحاد با اروپا

از دید بسیاری از استراتژیست‌های آمریکایی، مهم‌ترین چالش قرن بیست‌ویکم رقابت با چین است. چین نه تنها در اقتصاد جهانی جایگاه مهمی پیدا کرده است، بلکه در حوزه‌های فناوری، انرژی، و قدرت نظامی نیز در حال گسترش نفوذ خود است. در این چارچوب، آمریکا تلاش کرده است شبکه‌ای از اتحادها را برای ایجاد توازن در برابر پکن تقویت کند. اروپا در این معادله نقش دوگانه‌ای دارد. از یک‌سو، کشورهای اروپایی بویژه در چارچوب ناتو شریک استراتژیک آمریکا محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، بسیاری از اقتصادهای اروپایی روابط تجاری عمیقی با چین دارند و تمایل ندارند وارد یک تقابل کامل اقتصادی با پکن شوند. همین تضاد منافع باعث شده که آمریکا تلاش کند اروپا را بیش از گذشته در چارچوب امنیتی غرب نگه دارد و وابستگی‌های استراتژیک آن به چین را کاهش دهد.

۲. نقش بحران‌های منطقه‌ای در رقابت قدرت‌های بزرگ

در رقابت میان قدرت‌های جهانی، مناطق دارای منابع انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی اهمیت ویژه‌ای دارند. در این میان، ایران و ونزوئلا هر دو از کشورهایی هستند که دارای ذخایر عظیم انرژی بوده و هم‌زمان روابط نزدیکی با چین و گاه با روسیه دارند.

می‌تواند در برابر چنین رویدادهایی بی‌تفاوت بماند. در بیرون از ایران در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵، کنفرانسی در شهر مونیخ برگزار شد که نقطه‌ی عطفی در همکاری ایرانیان خارج از کشور به‌شمار می‌رود. نمایندگان طیف‌های گوناگون دیاسپورای ایرانی بر چهار اصل بنیادین توافق کردند: حفظ تمامیت ارضی ایران، سکولاریسم، پایبندی به حقوق بشر و استقرار دموکراسی.

در همان نشست، نقش شاهزاده رضا پهلوی بعنوان چهره‌ی محوری اپوزیسیون دموکراتیک ایران مورد تأکید قرار گرفت. این اجماع، نشانه‌ی بلوغ سیاسی و اراده‌ی مشترک ایرانیان داخل و خارج از کشور برای گذار مسالمت‌آمیز از استبداد است.

امروز ایرانیان، چه در داخل کشور و چه در سراسر جهان، عملاً نشان داده‌اند که دیگر رژیم جمهوری اسلامی را مشروع نمی‌دانند. این حکومت در نگاه بسیاری از مردم به نیرویی سرکوبگر بدل شده که بقای خود را تنها از طریق خشونت حفظ می‌کند. در چنین شرایطی، حمایت از خواست ملت ایران به منزله‌ی دفاع از آزادی و کرامت انسانی است، نه مداخله در امور داخلی یک کشور.

در هفته‌های اخیر، هم‌زمان با تحولات داخل ایران، ایرانیان در شهرهای مختلف جهان، از جمله وین، در گردهمایی‌های گسترده و مسالمت‌آمیز، همبستگی خود را با مردم داخل کشور اعلام کرده‌اند. این هم‌صدایی میان داخل و خارج، پیامی روشن به جامعه جهانی می‌فرستد: ملت ایران خواهان آینده‌ای آزاد، سکولار و دموکراتیک به رهبری شاهزاده رضا پهلوی است.

ما، بعنوان اعضای جامعه‌ی علمی و فرهنگی ایرانیان مقیم اتریش، بر این باوریم که سکوت جامعه‌ی جهانی در برابر این جنایات، به معنای تداوم و عادی‌سازی آن‌هاست. بی‌عملی در این مقطع حساس، پیامی خطرناک به سایر حکومت‌های سرکوبگر خواهد داد؛ پیامی مبنی بر اینکه می‌توان بدون هزینه، مردم خود را سرکوب کرد و در قدرت باقی ماند. از این رو پارلمان اتریش، با سابقه‌ای روشن در دفاع از حقوق بشر، می‌تواند در این بزنگاه تاریخی نقشی مؤثر و پیشرو ایفا کند.

بر این اساس، با احترام از دولت و پارلمان جمهوری اتریش درخواست می‌کنیم اقدامات زیر را مورد بررسی و اجرا قرار دهند:

۱. به رسمیت شناختن سیاسی شاهزاده رضا پهلوی به عنوان چهره‌ی وحدت‌بخش و نماینده‌ی بخش بزرگی از اپوزیسیون دموکراتیک ایران.
 ۲. اعلام حمایت صریح از اراده‌ی ملت ایران برای گذار از رژیم کنونی و پشتیبانی از اقدامات سیاسی و دیپلماتیک در این راستا.
 ۳. اتخاذ اقدامات قاطع دیپلماتیک، از جمله بازنگری در سطح روابط رسمی با جمهوری اسلامی ایران، بررسی تعطیلی نمایندگی‌های آن و مسدودسازی دارایی‌ها و منابع مالی مرتبط با نهاد‌های سرکوبگر.
 ۴. قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC) در فهرست سازمان‌های تروریستی، با توجه به نقش مستقیم آن در سرکوب داخلی و بی‌ثبات‌سازی منطقه.
- اجرای این اقدامات نه تنها حمایت از ملت ایران، بلکه دفاع از ارزش‌های بنیادینی است که بر پایه‌ی آنها صلح، آزادی و کرامت انسانی در اروپا و جهان آزاد استوار شده است.

با سپاس از توجه شما،
جامعه‌ی ایرانیان مقیم اتریش

«شما غنیمت جنگی هستید»؛ روایت یک زن ایرانی از تجاوز گروهی در سرکوب اعتراضات دی ماه



خطر اصلی از آسمان نمی‌آید، از خیابان می‌آید

س. روزبه - در سیاست، همیشه صدای بلند نشانه‌ی قدرت نیست. گاه درست برعکس، صدای بلند از جایی برمی‌خیزد که ترس در آن لانه کرده‌است. حکومت‌هایی که از پشتوانه‌ی اجتماعی، مشروعیت نسبی و سازوکارهای روشن حقوقی برخوردارند، معمولاً کمتر به تهدیدهای مبهم و پسر و صدا پناه می‌برند و بیشتر از قانون، نهاد، دادگاه و سازوکارهای تعریف شده استفاده می‌کنند. اما هرگاه حکومتی احساس کند پایه‌های اعتماد عمومی فرسوده شده، توان اقناع کاهش یافته و امکان سرریز شدن نارضایتی به خیابان وجود دارد، زیانش از اداره به ارباب تغییر می‌کند. در چنین وضعیتی، تهدید نه فقط یک ابزار امنیتی، بلکه نشانه‌ای از اضطراب سیاسی است.

از همین منظر، رفتار روزهای اخیر جمهوری اسلامی را باید خواند. در حالی که حکومت می‌کوشد خطر را در آسمان، در جنگ بیرونی و در حمله‌ی خارجی تعریف کند، مجموعه‌ی رفتارشان نشان می‌دهد که بیم اصلی در جای دیگری نهفته است: در خیابان، در جامعه، در اعتراض، و در پیوندی که می‌تواند میان نارضایتی داخلی و صدای ایرانیان خارج از کشور شکل بگیرد. حکومتی که به تازگی ده‌ها هزار نفر را بی‌رحمانه کشتار نمود. هشدار اخیر دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به مردم داخل کشور و ایرانیان خارج از کشور در صورت «حمایت» یا «همراهی» با آمریکا و اسرائیل ممکن است با مصادره‌ی اموال و مجازات‌های دیگر روبرو شوند، دقیقاً از همین جنس است. این تهدید روز ۹ مارس ۲۰۲۴ بطور علنی اعلام شد و نشان داد که حکومت حتی صدای فرامرزى اعتراض را نیز بخشی از میدان نبرد داخلی خود می‌بیند.

سه پرسش اصلی در اینجا مطرح می‌شود:

نخست، تهدید در سیاست نشانه‌ی قدرت است یا ترس؟ دوم، آیا تهدیدهای اخیر حکومت حتی با قوانین خود جمهوری اسلامی نیز سازگار است؟

سوم، چرا جمهوری اسلامی از پیوند اعتراض داخلی با صدای ایرانیان خارج از کشور تا این اندازه هراس دارد؟

پاسخ به پرسش نخست، کلید فهم ماجراست. در حکومت‌داری باثبات، تهدید معمولاً ابزار اصلی نیست. حکومت‌های قانون‌محور، اگر با رفتاری مجرمانه روبرو شوند، مسیرهای روشن دارند: اتهام مشخص، مرجع رسیدگی مشخص، روند دادرسی، حق دفاع و مجازات تعریف شده. در چنین ساختاری، حکومت کمتر نیاز دارد با عریده‌ی سیاسی و هشدارهای کش‌دار فضا را پر کند، زیرا نهادها کار خود را انجام می‌دهند. حکومت مقتدر معمولاً یا قانون را اجرا می‌کند یا اقدام مشخص انجام می‌دهد. او کمتر نیاز دارد پیش از عمل، جامعه را با واژه‌های مبهم و تکراری مرعوب کند. در مقابل، حکومت‌های اقتدارگرا و بحران‌زده اغلب تهدید را جانشین مشروعیت و اقناع می‌کنند. یعنی به‌جای آنکه توضیح دهند چرا مردم باید از آنها تبعیت کنند، می‌کوشند این پیام را القا کنند که نافرمانی هزینه دارد. از همین رو، تهدید غالباً یکی از این نشانه‌ها را با خود

دارد: ترس، ضعف در اقناع، بحران مشروعیت، نمایش ←

او می‌گوید: «همه چیز را یادم هست. تیراندازی بسیار شدید بود.» به گفته‌ی او، مردانی که در این حملات حضور داشتند به عربی صحبت می‌کردند و در میان آنان هم اتباع افغانستان بودند و هم ایرانیانی که او بعدها گمان برد از اعضای لشکر فاطمیون بوده‌اند.

مارال می‌گوید مهاجمان، این خشونت‌ها را با ادبیات ایدئولوژیک توجیه می‌کردند. به گفته‌ی او، به زنان گفته می‌شد: «شما غنیمت جنگی هستید!» او همچنین روایت می‌کند که زنی متأهل به مهاجمان گفته بود شوهر دارد، اما در پاسخ شنیده بود: «برای من حلالی.»

به گفته‌ی مارال، این تعرضها یک هفته ادامه داشت. او می‌گوید پس از آزادی، دچار بحران شدید روانی شد، دو بار اقدام به خودکشی کرد و هر شب به پایان دادن به زندگی‌اش فکر می‌کرد.

با این حال، روایت او با لحنی از ایستادگی پایان می‌یابد. مارال می‌گوید: «آنها نمی‌دانند زن ایرانی چقدر قوی است. ممکن است ده بار تصمیم بگیرد به زندگی‌اش پایان دهد، اما دوباره برمی‌خیزد.»

برای حفظ هویت او، در ویدئوی منتشرشده چهره‌ی واقعی مارال نمایش داده‌نی‌شود. برگزارکنندگان می‌گویند با استفاده از «هوش مصنوعی مولد اخلاق‌محور»، چهره‌ی او بازسازی شده، در حالی که صدای واقعی و محتوای شهادتش حفظ شده است.

این روایت قرار است در ارتباط با نشست جانبی سازمان ملل در نیویورک با عنوان «صدای زنان ایرانی: مسیریابی به سوی عدالت و حقوق» برجسته شود.

آزاده افصحی، بنیان‌گذار «ایران هاوس»، گفته است: «برای زنان ایرانی، دادخواهی اغلب با سکوت، ترس و تبعیض ساختاری روبرو می‌شود. این روایت‌ها باید شنیده و به رسمیت شناخته شوند.»

این زن که با نام مستعار «مارال» معرفی شده، می‌گوید پس از بازداشت همراه با گروهی از زنان به اتاقی منتقل شد و آنان به‌صورت گروهی مورد تجاوز قرار گرفتند؛ خشونت‌ها که به گفته‌ی او برای چندین روز ادامه داشته است.

مارال روایت می‌کند مهاجمان با ادبیات ایدئولوژیک این خشونت‌ها را توجیه می‌کردند و به زنان می‌گفتند: «شما غنیمت جنگی هستید.»

او می‌گوید پس از آزادی دچار بحران شدید روانی شد و دو بار اقدام به خودکشی کرد، اما تأکید می‌کند زنان ایرانی با وجود این خشونت‌ها همچنان به ایستادگی ادامه می‌دهند.

برای حفظ امنیت این شاهد، چهره‌ی او در ویدئو با استفاده از فناوری هوش مصنوعی بازسازی شده است، در حالی که صدای واقعی و محتوای کامل شهادت حفظ شده است.

یک زن ایرانی که می‌گوید در جریان سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ هدف تجاوز گروهی قرار گرفته، سکوت خود را شکسته و در شهادتی تکان‌دهنده از خشونت جنسی سازمان‌یافته علیه زنان بازداشت‌شده پرده برداشته است؛ روایتی که روز ۹ مارس، در آستانه‌ی نشست جانبی هفتادمین دوره کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد (CSW70)، از سوی کارزار «صدای آنان را بشنو» منتشر شده و توجه نهادهای حقوق بشری را به یکی از تاریک‌ترین ابعاد سرکوب اعتراضات در ایران جلب کرده است.

مارال در شهادتی که توسط «هوش مولد برای خیر» و «ایران هاوس» منتشر شده است، می‌گوید پس از بازداشت، همراه با گروهی دیگر از زنان به اتاقی منتقل شد و آنان به‌صورت گروهی مورد تجاوز قرار گرفتند.

افکار عمومی، رسانه‌ها، پارلمان‌ها و دولت‌های خارجی اثر می‌گذارند و هزینه‌ی سیاسی رفتار حکومت را افزایش می‌دهند. سوم، و شاید مهم‌تر از همه، آنها به مردم داخل ایران پیام می‌دهند که تنها نیستند. بزرگ‌ترین ترس جمهوری اسلامی دقیقا از همین پیوند است: پیوند میان خیابان داخل و پژواک خارج. رویترز نیز همین هراس را ثبت کرده است: مقام‌های جمهوری اسلامی نگران‌اند که هر بحران خارجی، جرقه‌ای برای بازگشت اعتراض داخلی شود.

از این رو، باید بر یک نکته‌ی اساسی مکتب کرد: تهدید در اینجا نشانه‌ی اقتدار آرام نیست، نشانه‌ی اضطراب فعال است. حکومتی که از پشتیبانی اجتماعی مطمئن باشد، نیازی ندارد دامنه‌ی تهدید را از خیابان تا رسانه و از داخل تا خارج بکشد. حکومت مطمئن، قانون روشن و اجرای روشن دارد. حکومت نگران، تهدید مبهم و نمایش قدرت دارد. اولی بر نهاد تکیه می‌کند، دومی بر هراس. اولی کمتر فریاد می‌زند، دومی بیشتر. تهدیدهای اخیر جمهوری اسلامی نیز در همین

و مبهم تنظیم شده که می‌تواند برای سرکوب طیف وسیعی از کنش‌های سیاسی و رسانه‌ای نیز به کار رود.

همین جاست که مسئله دیاسپورا برجسته می‌شود. تهدید کلی و پیشاپیش ایرانیان خارج از کشور با واژه‌هایی مانند «همراهی» و «حمایت» از نظر حقوقی، حتی در چهارچوب اصول اعلامی خود جمهوری اسلامی نیز محل ایراد جدی است. چون میان جاسوسی، اقدام عملیاتی، فعالیت رسانه‌ای، ابراز عقیده و حضور در تجمع، مرز روشن نمی‌گذارد. این شیوه، اجرای دقیق قانون نیست، بلکه استفاده کثرت‌دار و سیاسی از قانون است. قانون در اینجا دیگر ترازوی عدالت نیست، بلکه ردایی حقوقی برای ارباب سیاسی است. آنچه باید در دادگاه صالح، با اتهام مشخص و اثبات فردی بررسی شود، به تهدیدی جمعی و پیشدستانه علیه یک جامعه بزرگ تبدیل می‌شود. همین امر نشان می‌دهد که حکومت نه از موضع اطمینان حقوقی، بلکه از موضع ترس سیاسی سخن می‌گوید.

تناقض حکومت در قبال ایرانیان خارج از کشور نیز همین

→ قدرت برای پوشاندن لرزش درونی، و گاه آماده‌سازی فضا برای سرکوب.

اگر این معیار را بر رفتار جمهوری اسلامی بگذاریم، تصویر روشن‌تر می‌شود. رویترز در ۲ فوریه ۲۰۲۶ گزارش داد که مقام‌های جمهوری اسلامی نگران‌اند هرگونه حمله‌ی خارجی بتواند اعتراض‌های داخلی را دوباره شعله‌ور کند و حتی ثبات حکومت را به خطر اندازد. در همان گزارش آمده بود که خشم عمومی پس از سرکوب‌های خونین پیشین، اثر بازدارنده‌ی ترس را فرسوده کرده است. این نکته بسیار مهم است: حکومتی که هنوز خود را ناچار می‌بیند از بازگشت مردم به خیابان بترسد، در واقع اعتراف می‌کند که بحران اصلی‌اش نه فقط بیرون مرزها، بلکه درون جامعه است. از همین‌جا، رفتار دیگر حکومت نیز معنا پیدا می‌کند: نگهداری و تجمیع نیروهای وفادار و سرکوبگر در نقاط بسته، قابل کنترل و زیر نظر. وقتی حکومتی نیروهای خود را نه برای اداری طبیعی جامعه، بلکه برای لحظه‌ی مهار



چارچوب معنا پیدا می‌کنند: آنها پیش از آنکه نمایش اقتدار باشند، اعترافی ناخواسته به ترس از جامعه‌اند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری روشن است. حکومت‌ها در شرایط عادی، اگر از استواری سیاسی و مشروعیت نهادی برخوردار باشند، بیشتر عمل می‌کنند، قانون را بکار می‌گیرند و از مسیرهای روشن حقوقی پیش می‌روند. تهدید، بویژه وقتی مبهم، گسترده و پی‌درپی باشد، بیشتر به حکومت‌هایی تعلق دارد که یا از جامعه بیم دارند، یا در اقع افکار عمومی ناتوان شده‌اند، یا می‌خواهند پیش از عمل، فضای روانی جامعه را مرعوب کنند.

جمهوری اسلامی امروز نیز در همین وضعیت ایستاده است. او بیش از آنکه از آسمان بترسد، از خیابان می‌ترسد. به‌همین دلیل است که از یک سو دیاسپورا را تهدید می‌کند، از سوی دیگر نیروی سرکوب را برای لحظه‌ی بازگشت مردم به صحنه آماده نگاه می‌دارد. او از یک‌طرف مردم ایران را با پیامک و ... تهدید می‌نماید.

اینها همه، نه نشانه‌ی آرامش یک قدرت مستقر، بلکه نشانه‌ی اضطراب حکومتی است که می‌داند خطر اصلی برای او از آسمان نمی‌آید، از خیابان می‌آید.

برداشت را تقویت می‌کند. در سال ۲۰۲۵، مسعود پزشکیان آشکارا از بازگشت ایرانیان خارج از کشور «بدون ترس» و حتی عفو سخن گفت و تلاش کرد تصویری آشتی‌جویانه از رابطه‌ی حکومت با دیاسپورا ارائه دهد. اما حالا همان ساختار حکومتی، همان جامعه را با مصادره‌ی اموال و مجازات تهدید می‌کند. این چرخش، یک لغزش لفظی نیست؛ نشانه‌ی ماهیت ابزاری نگاه حکومت به شهروند است. زمانی که دیاسپورا می‌تواند منبع سرمایه، تخصص، ارز و چهره‌سازی باشد، از او دعوت می‌شود. زمانی که به صدای فشار سیاسی، رسانه‌ای و حقوق بشری تبدیل می‌شود، ناگهان برچسب امنیتی می‌گیرد. این یعنی مسئله حکومت، حق شهروندی نیست؛ مسئله‌اش میزان سود یا زیان سیاسی شهروند است.

اما پرسش سوم از همه مهم‌تر است: چرا حکومت از اعتراض‌های خارج از کشور این اندازه می‌ترسد؟

پاسخ روشن است. این تجمع‌ها فقط نمادین نیستند. آنها نخست انحصار روایت حکومت را می‌شکنند. وقتی ایرانیان در لندن، پاریس، برلین، لس آنجلس یا شهرهای دیگر به خیابان می‌آیند و علیه جمهوری اسلامی شعار می‌دهند، این تصویر رسمی فرو می‌ریزد که گویا ملت یکپارچه پشت حکومت ایستاده است. دوم آنکه این تجمع‌ها بر

خیابان آماده نگاه می‌دارد، معنایش این است که در ذهن او آتش‌بس یا فروکش کردن تنش خارجی، نه فرصت آرامش، بلکه آغاز خطر داخلی است. چنین حکومتی از پیش حساب می‌کند که به محض کاهش فشار بیرونی، ممکن است فشار اجتماعی درون کشور دوباره بالا بزند. بنابراین نیروها را در مساجد، مراکز حکومتی، پادگان‌ها، سالن‌ها و نقاط امن متمرکز می‌کند تا در صورت نیاز، ماشین سرکوب را سریع‌تر به حرکت درآورد. این، بیش از آنکه نشانه‌ی اقتدار باشد، نشانه‌ی انتظار برای رویارویی با مردم است.

پرسش دوم به بستر حقوقی ماجرا مربوط می‌شود. هسته‌ی سخت تهدید اخیر، استفاده از قانون بعنوان پوشش ارباب سیاسی است. قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی، که پس از جنگ دوازده روزه ۲۰۲۵ تدوین و سپس به اجرا نزدیک شد، برای «اقدام عملیاتی» و «فعالیت اطلاعاتی یا جاسوسی» مجازات‌های بسیار سنگین از جمله مصادره‌ی اموال و حتی اعدام در نظر می‌گیرد. اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که حکومت می‌کوشد این قلمرو را از اقدام امنیتی و اطلاعاتی، به حوزه‌ی عقیده، رسانه، اعتراض و همبستگی سیاسی بکشد. گزارش‌های منتشرشده درباره‌ی این قانون نشان می‌دهند که دامنه‌ی آن به اندازه‌ی گسترده

ادامه التهاب در بازار سوخت و انرژی؛ قیمت نفت عامل مهمی در تعیین سرنوشت جنگ است



کرده است. این اقدامات بیانگر عدم موفقیت آمریکا برای باز کردن تنگه هرمز با هدف قراردادن ناوها و ناوچه‌های نیروی دریایی جمهوری اسلامی است.

روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف گزارش داده که جنگ با جمهوری اسلامی اکنون به هیولایی تبدیل شده که از کنترل خارج شده و رئیس‌جمهوری ایالات متحده دشوار بتواند زمان و نحوه پایان آن را تعیین کند.

«دیلی تلگراف» نوشته حتی اگر دونالد ترامپ تصمیم به توقف جنگ بگیرد، این پرسش مطرح است که چرا رژیم ایران باید به حملات موشکی و پهپادی خود خاتمه دهد؛ حملاتی که بازار انرژی جهان را دچار آشفتگی کرده و قیمت نفت را به ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسانده است.

افزایش قیمت نفت به سرعت بر افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی اثر گذاشته است. قیمت بنزین در دهها کشور جهان بر مدار صعود قرار گرفته است.

کارشناسان هشدار می‌دهند آنچه از ابتدای جنگ تا کنون، و طی تقریباً دو هفته، در بازار سوخت و انرژی جهان رخ داده تنها نوک کوه یخ بحران است و در صورت تداوم این شرایط به سرعت کشورهای جهان با بحران‌هایی جدی از جمله رکود تورمی عمیق روبرو خواهند شد.

از سوی دیگر التهاب در بازار جهانی نفت بر بازارهای سهام جهانی موثر بوده و این بازارها نیز با کاهش قابل توجهی مواجه شدند. شاخص S&P ۵۰۰ که نمایانگر بازارهای سهام اروپاست، ۰/۵ درصد کاهش یافت و قراردادهای آتی شاخص‌های مهم ایالات متحده نظیر S&P ۵۰۰ و Nasdaq ۱۰۰ نیز به میزان مشابهی کاهش داشتند.

در واکنش به بحران‌های تورمی و جنگ‌های انرژی، سرمایه‌گذاران به سمت دلار آمریکا حرکت کرده‌اند. ارزشی که متعلق به کشورهایی هستند که واردکننده انرژی‌اند، مانند یورو و ین ژاپن، تحت فشار قرار گرفته‌اند.

یورو در برابر دلار ۰/۲ درصد کاهش یافت و به ۱/۱۵۴۸ دلار رسید، در حالی که ین ژاپن نیز در برابر دلار به شدت کاهش یافت.

علت سقوط عرضه ادامه دارد. ایجاد محدودیت شدید در حمل‌ونقل دریایی در تنگه هرمز از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنار کاهش تولید کشورهای خاورمیانه به علت جنگ دو عامل افزایش قیمت جهانی نفت هستند. برای نمونه ساعاتی پیش خبرگزاری دولتی عراق به نقل از رئیس شرکت دولتی بنادر عراق (GCPI) اعلام کرد فعالیت بنادر نفتی این کشور به طور کامل متوقف شده است. پیشتر خبرهایی درباره کاهش تولید نفت در عربستان نیز منتشر شده بود.

افزایش قیمت جهانی نفت به ابزار تبلیغاتی برای مقامات جمهوری اسلامی تبدیل شده است. احسان خاندوزی وزیر پیشین اقتصاد جمهوری اسلامی در دولت ابراهیم رئیسی گفته «در حال حاضر کشورها با تزریق ذخایر استراتژیک خود توانسته‌اند قیمت نفت را پایین ۱۰۰ دلار بیاورند اما این ذخایر نهایتاً تا ۲۰ روز دیگر می‌تواند قیمت نفت را کنترل کند. بعد از اتمام آن جهش بزرگی در قیمت نفت خواهیم داشت.»

برخی تحلیلگران نیز معتقدند که قیمت نفت به عاملی پراهمیت در تعیین سرنوشت جنگی که با جمهوری اسلامی در جریان است برای دونالد ترامپ تبدیل شده است.

پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داده تهدید جمهوری اسلامی برای بستن تنگه هرمز می‌تواند استراتژی جنگی دونالد ترامپ علیه ایران را با پیچیدگی‌های بیشتری روبه‌رو کند. این گزارش افزوده افزایش قیمت نفت در شرایط کنونی تقریباً به اندازه تحولات میدان نبرد برای آمریکا اهمیت دارد و می‌تواند بر محاسبات واشنگتن تأثیر بگذارد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چند ساعت پس از آغاز جنگ در نهم اسفندماه اعلام کرد عبور کشتی‌ها و نفتکش‌ها از تنگه هرمز با محدودیت روبروست. طی روزهای گذشته و در شرایطی که دونالد ترامپ گفته بود نیروی دریایی جمهوری اسلامی را از بین برده، حمله به نفتکش‌هایی که قصد عبور از تنگه هرمز دارند از سوی سپاه پاسداران در جریان بوده است. همچنین جمهوری اسلامی اقدام به مین‌گذاری در تنگه هرمز

● قیمت هر بشکه نفت برنت در حالی بار دیگر به محدوده ۱۰۰ دلار افزایش یافته که دولت ایالات متحده از آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت طی ۱۲۰ روز آینده به بازار خبر داده است.

● تحلیلگران می‌گویند طی ۱۲ روز جنگ ۲۳۰ میلیون لیتر نفت از عرضه جهانی عقب مانده و به همین دلیل آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت نتوانسته بر بازار جهانی نفت اثر روانی بگذارد و افزایش قیمت به علت سقوط عرضه ادامه دارد.

● ایجاد محدودیت شدید در حمل‌ونقل دریایی در تنگه هرمز از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنار کاهش تولید کشورهای خاورمیانه به علت جنگ دو عامل افزایش قیمت جهانی نفت هستند.

● پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داده تهدید جمهوری اسلامی برای بستن تنگه هرمز می‌تواند استراتژی جنگی دونالد ترامپ علیه ایران را با پیچیدگی‌های بیشتری روبه‌رو کند.

انتشار خبر آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت از سوی آمریکا نیز نتوانست از افزایش قیمت جهانی نفت جلوگیری کند و قیمت هر بشکه نفت برنت بار دیگر به محدوده ۱۰۰ دلار افزایش یافت. همچنین بازارهای سهام جهانی با کاهش روبرو شده و تأمین بنزین و گازوئیل در دهها کشور با چالش روبروست.

قیمت هر بشکه نفت برنت روز پنجشنبه ۲۱ اسفندماه به محدوده ۱۰۰ دلار برای هر بشکه بازگشت و بین ۹۸ تا ۱۰۰ دلار در نوسان است.

افزایش حدود ۱۰ دلاری قیمت نفت در هر بشکه طی شبانه‌روز گذشته در حالیست که دولت ایالات متحده از آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت طی ۱۲۰ روز آینده به بازار خبر داده است. تحلیلگران می‌گویند طی ۱۲ روز جنگ ۲۳۰ میلیون لیتر نفت از عرضه جهانی عقب مانده و به همین دلیل آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت نتوانسته بر بازار جهانی نفت اثر روانی بگذارد و افزایش قیمت به

تنوع قومی و توسعه‌ی متوازن: آینده‌ی حکمرانی در ایران

گرفته است. در حالی که ملیت (Nationality) بیشتر به هویت حقوقی و «فردی» شهروندان یک کشور مربوط می‌شود - یعنی رابطه‌ی حقوقی «فرد» با یک کشور. استفاده‌ی نادقیق، نا آگاهانه یا مغرضانه از این واژه‌ها می‌تواند تصویری نادرست از واقعیت تاریخی ایران ایجاد کند، زیرا در طول تاریخ اقوام و گروه‌های اتنیک گوناگون این سرزمین در چارچوب یک واحد سیاسی و تمدنی مشترک زندگی کرده‌اند.

برای فهم بهتر چالش‌های امروز، نگاه به تجربه‌ی دیگر کشورها می‌تواند آموزنده باشد. در میان این تجربه‌ها، اسپانیا یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها در مدیریت تنوع منطقه‌ای در یک نظام دموکراتیک غیرفدرال به‌شمار می‌آید.

در اسپانیا پس از پایان دیکتاتوری فرانکو در سال ۱۹۷۵، کشور با تنوع زبانی و هویتی قابل توجهی روبرو بود. مناطقی مانند کاتالونیا، باسک و گالیسیا دارای زبان‌ها و هویت‌های تاریخی متمایزی بودند و در برخی از این

تکیه کنند: نظام مالیاتی، ساختار اداری و شبکه‌ی والیان استانی که طی قرن‌ها شکل گرفته بود. دیوانیان و نظام مالیه‌ی کشور عملاً ستون فقرات اداری حکومت بودند. به بیان دیگر، حتی فاتحان نیز برای اداری ایران ناچار بودند به شیوه‌ی حکمرانی ایرانی تکیه کنند.

در عین حال، برخلاف برخی روایت‌های سیاسی، تاریخ ایران نشان نمی‌دهد که قدرت سیاسی همواره در دست یک قوم خاص متمرکز بوده باشد. واقعیت تاریخی این است که در طول قرن‌ها اقوام مختلف در ساختار قدرت ایران حضور داشته‌اند. بسیاری از سلسله‌هایی که ایران را اداره کرده‌اند خود از اقوام ترک‌تبار بوده‌اند؛ از جمله سلجوقیان، صفویان، افشاریان و قاجاریان. پادشاهانی مانند نادرشاه افشار یا بسیاری از شاهان قاجار از تبارهای گوناگون این سرزمین برخاسته بودند، اما در چارچوب دولت ایران حکومت می‌کردند. در این میان زبان فارسی به عنوان زبان مشترک دیوانسالاری و فرهنگ سیاسی عمل

دیوید اعتباری* - ایران کشوری با تنوع زبانی، فرهنگی و قومی گسترده است؛ اما مسئله‌ی اصلی این تنوع نیست، بلکه چگونگی مدیریت عادلانه‌ی توسعه، مشارکت سیاسی و جایگاه فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون در چارچوب یک ساختار حکمرانی مشترک است. این تنوع در طول تاریخ نه تنها مانعی برای تداوم ایران به‌عنوان یک واحد سیاسی و تمدنی نبوده، بلکه در بسیاری از دوره‌ها بخشی از پویایی و ظرفیت تاریخی این سرزمین را شکل داده است. تجربه‌ی کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد که ثبات ملی زمانی پایدار می‌شود که میان وحدت سیاسی، توسعه‌ی متوازن و مشارکت واقعی مناطق مختلف در اداری کشور تعادل برقرار شود.

یکی از چالش‌های اساسی ایران معاصر، مسئله‌ی شکاف توسعه میان مرکز و پیرامون است. استان‌های مرزی و پیرامونی - از سیستان و بلوچستان و کردستان تا خوزستان، گلستان و بخش‌هایی از آذربایجان - در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی، زیرساختی و فرصت‌های اجتماعی عقب‌تر از استان‌های مرکزی قرار دارند. بخشی از این وضعیت ریشه در عوامل تاریخی و جغرافیایی دارد؛ بسیاری از این مناطق در طول دهه‌ها به دلیل موقعیت مرزی، ناامنی‌های منطقه‌ای یا تمرکز سیاست‌های توسعه در مرکز کمتر مورد توجه برنامه‌های اقتصادی قرار گرفته‌اند. در عین حال، تمرکز سرمایه‌گذاری، زیرساخت‌ها و فرصت‌های اقتصادی در تهران و چند کلان‌شهر بزرگ در دهه‌های اخیر این شکاف منطقه‌ای را تشدید کرده است. این در حالی است که بسیاری از همین مناطق مرزی در گذشته در مسیرهای مهم تجاری و ارتباطی ایران قرار داشتند - از مسیرهای تاریخی جاده‌ی ابریشم در شرق کشور گرفته تا مسیرهای تجاری خلیج فارس، قفقاز و آسیای مرکزی - و می‌توانستند با توسعه‌ی تجارت مرزی، ترانزیت و ارتباطات منطقه‌ای به موتورهای رشد اقتصادی کشور تبدیل شوند.

پرسش کلیدی برای آینده‌ی ایران این است: چگونه می‌توان توسعه‌ی متوازن و حقوق شهروندی برابر را در سراسر کشور برقرار کرد، بی‌آنکه وحدت ملی و تمامیت سرزمینی ایران آسیب ببیند؟

برای پاسخ به این پرسش، نخست باید به یک واقعیت تاریخی توجه کرد. ایران، برخلاف بسیاری از کشورها، از اتحاد دولت‌های مستقل شکل نگرفته است. ایران در طول تاریخ بیشتر یک تمدن سیاسی واحد بوده که از دوره‌ی هخامنشی تا امروز - با وجود تغییر سلسله‌ها - تداوم یافته است. در امپراتوری هخامنشی، سرزمین‌های مختلف در قالب ساتراپی‌ها اداره می‌شدند؛ نظامی که به استان‌ها اختیار اداری می‌داد، در حالی که اقتدار نهایی در مرکز باقی می‌ماند. در دوره‌های بعد نیز کم‌وبیش همین الگوی حکمرانی ادامه یافت. در دوران صفوی و قاجار، استان‌ها توسط والیان و حکام محلی اداره می‌شدند و اصطلاح «ممالک محروسه‌ی ایران» دقیقاً بیانگر همین ساختار بود: مجموعه‌ای از سرزمین‌ها با تنوع قومی و زبانی که در چارچوب یک دولت واحد قرار داشتند.

در طول تاریخ حتی فاتحان و مهاجمان خارجی نیز ناگزیر شدند ساختار حکمرانی ایران را بپذیرند. از اسکندر مقدونی و اعراب گرفته تا سلجوقیان ترک و ایلخانان مغول، هیچ‌یک نتوانستند این سرزمین را صرفاً با ساختارهای قبیله‌ای یا نظامی اداره کنند. آنان ناچار شدند به دیوانسالاری ایران



مناطق جنبش‌های قدرتمند منطقه‌گرایی یا استقلال‌طلبی وجود داشت. قانون اساسی ۱۹۷۸ اسپانیا برای پاسخ به این وضعیت ساختاری نوآورانه ایجاد کرد. بر اساس این مدل، اسپانیا به هفده منطقه تقسیم شد. هر یک از این مناطق دارای پارلمان محلی، دولت منطقه‌ای و اختیارات گسترده در حوزه‌هایی مانند آموزش، فرهنگ، بهداشت، برنامه‌ریزی شهری، توسعه‌ی اقتصادی و بسیاری از سیاست‌های اجتماعی شدند. در بسیاری از این مناطق زبان‌های محلی نیز در کنار زبان اسپانیایی رسمیت یافتند و آموزش و رسانه‌ها به زبان‌های منطقه‌ای در کنار زبان اسپانیایی توسعه پیدا کردند.

یکی از عناصر مهم این نظام، سازوکار مالی میان دولت مرکزی و مناطق است. در اسپانیا بخشی از مالیات‌ها در سطح ملی جمع‌آوری می‌شود و سپس از طریق

می‌کرد و به نوعی ارتباطی میان اقوام مختلف کشور بود. این واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که ساختار قدرت در ایران نه بر پایه‌ی انحصار قومی، بلکه بر اساس یک چارچوب سیاسی و فرهنگی مشترک شکل گرفته است. در کنار این بحث، باید به یک نکته‌ی مفهومی مهم نیز اشاره کرد. در برخی گفت‌وگوهای سیاسی معاصر، گاه از واژه‌هایی مانند «ملت‌ها» (Nations) یا «ملیت‌ها» (Nationalities) برای اشاره به گروه‌های قومی در ایران استفاده می‌شود. این کاربرد تا حد زیادی تحت تاثیر گفت‌وگوهای ایدئولوژیک چپ رواج یافته است. در حالی که در بسیاری از موارد اشاره این واژه‌ها در واقع به اقوام یا گروه‌های اتنیک (Ethnic groups) است. در علوم سیاسی، ملت (Nation) معمولاً به یک جامعه‌ی سیاسی اشاره دارد که در چارچوب یک واحد سیاسی مشترک شکل

برگزاری مراسم تشییع جنازه فرماندهان کشته شده در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل

● مراسم تشییع جنازه فرماندهانی که در حملات اسرائیل و آمریکا کشته شدند، روز چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ در تهران برگزار شد.

● تابوت عبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، علی شمخانی دبیر شورای دفاع، محمد شیرازی رئیس دفتر نظامی خامنه‌ای، عزیز نصیرزاده وزیر دفاع، محمد پاکپور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شمار دیگر از فرماندهان با حضور طرفداران نظام و شماری از پرسنل نظامی و امنیتی برگزار شد.

● طرفداران نظام شعار «حیدر حیدر» سر دادند و مداحان و سخنرانها مدام تأکید کردند که این تجمع «بیعت» با مجتبی خامنه‌ای به عنوان «رهبر» جدید انقلاب است. همچنین طرفداران نظام شعار دادند: «ما موشک فتاحیم، تا فتح قدس در راهیم».

مراسم تشییع جنازه فرماندهانی که در حملات اسرائیل و آمریکا کشته شدند، روز چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ در تهران برگزار شد.

تابوت عبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، علی شمخانی دبیر شورای دفاع، محمد شیرازی رئیس دفتر نظامی خامنه‌ای، عزیز نصیرزاده وزیر دفاع، محمد پاکپور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شمار دیگر از فرماندهان با حضور طرفداران نظام و شماری از پرسنل نظامی و امنیتی برگزار شد.

طرفداران نظام شعار «حیدر حیدر» سر دادند و مداحان و سخنرانها مدام تأکید کردند که این تجمع «بیعت» با مجتبی خامنه‌ای به عنوان «رهبر» جدید انقلاب است. همچنین طرفداران نظام شعار دادند: «ما موشک فتاحیم، تا فتح قدس در راهیم».

اغلب فرماندهانی که در این مراسم تشییع شدند در همان ساعات اولیه جنگ کشته شدند. به نظر می‌رسد اغلب آنها در همان جلسه‌ای بودند که علی خامنه‌ای نیز حضور داشت.

مراسم مشابه در چند شهر دیگر نیز برگزار شد. رسانه‌های حکومتی نبرد جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا را «جنگ رمضان» می‌نامند.

حداعادل عضو مجمع تشخیص مصلحت که دخترش در بمباران کشته شد به خبرنگاران گفت: «مسئولین راه دو امام را ادامه بدهند، آن چیزی که دشمن می‌خواست اتفاق نیفتاد».

تعدادی دختر بی‌حجاب و کم‌حجاب وسط جمعیت بود که خبرنگاران رسانه‌های حکومتی به نوبت برای مصاحبه سراغ آنها می‌رفتند.

در دوازدهمین روز جنگ، حکومت هنوز آمار دقیقی از شمار تلفات جنگ در بین نیروهای مسلح اعلام نکرده است اما تخمین زده می‌شود بیش از ۴۵۰۰ نفر کشته شده باشند.

تنش‌ها و جلوگیری از گسترش گرایش‌های رادیکال است. در چنین مدلی، تصمیم‌گیری‌ها در چند سطح مختلف توزیع می‌شود. سیاست‌های کلان کشور - مانند دفاع، سیاست خارجی، سیاست پولی، انرژی و چارچوب‌های اصلی اقتصادی - در سطح ملی و توسط دولت مرکزی و نهادهای ملی تعیین می‌شود. در مقابل، بسیاری از تصمیم‌های مرتبط با توسعه منطقه‌ای می‌تواند در سطح استان‌ها و مناطق اتخاذ شود. شوراهای استانی و نهادهای منتخب محلی می‌توانند در حوزه‌هایی مانند برنامه‌ریزی شهری و استانی، توسعه زیرساخت‌های محلی، آموزش و فرهنگ منطقه‌ای، مدیریت منابع محلی، گردشگری، و سیاست‌های اقتصادی منطقه‌ای نقش فعال‌تری داشته باشند. در چنین چارچوبی، دولت مرکزی نقش تعیین‌کننده در سیاست‌های کلان و توزیع منابع ملی را حفظ می‌کند، در حالی که مناطق مختلف کشور امکان بیشتری برای طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی متناسب با شرایط محلی خود خواهند داشت.

در کنار این تقسیم وظایف، سازوکارهای مالی نیز اهمیت اساسی دارد. بخشی از مالیات‌ها در سطح ملی جمع‌آوری می‌شود و از طریق بودجه‌ی عمومی کشور میان استان‌ها توزیع می‌گردد تا شکاف‌های توسعه‌ی کاهش یابد. در عین حال، استان‌ها و شهرها می‌توانند اختیارات بیشتری در مدیریت بخشی از درآمدهای محلی - مانند مالیات‌های شهری، عوارض محلی یا درآمدهای اقتصادی منطقه‌ای - داشته باشند تا بتوانند برنامه‌های توسعه‌ی محلی خود را اجرا کنند. چنین مدلی می‌تواند تعادلی میان وحدت ملی و کارآمدی حکمرانی محلی ایجاد کند.

در حوزه‌ی فرهنگی و زبانی نیز می‌توان ترکیبی از سیاست‌های ملی و اختیارات منطقه‌ای را در نظر گرفت. زبان فارسی به عنوان زبان مشترک ملی و زبان دیوانسالاری کشور نقش پیونددهنده میان مناطق مختلف ایران را حفظ می‌کند. در عین حال، استان‌ها و مناطق مختلف می‌توانند در چارچوب قوانین ملی اختیارات بیشتری برای حمایت از زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی داشته باشند؛ از جمله آموزش زبان مادری در کنار زبان ملی در مدارس، حمایت از رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی منطقه‌ای، و حفظ میراث فرهنگی مناطق مختلف کشور. چنین رویکردی می‌تواند هم به تقویت هویت ملی مشترک کمک کند و هم احساس تعلق شهروندان در سراسر کشور را افزایش دهد.

در نهایت مسئله‌ی ایران نه «تنوع قومی» است و نه صرفاً میزان تمرکز قدرت در مرکز. مسئله‌ی اصلی کیفیت حکمرانی و توانایی ایجاد تعادل میان وحدت ملی، توسعه‌ی متوازن، مشارکت سیاسی واقعی و به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و زبانی در سراسر کشور است. تاریخ ایران نشان می‌دهد که این سرزمین قرن‌ها با تنوع اقوام، زبان‌ها و فرهنگ‌ها زیسته و حتی در دوره‌هایی که حکومت‌ها تغییر کرده‌اند، چارچوب سیاسی و تمدنی مشترک آن حفظ شده است. اگر ساختار حکمرانی آینده‌ی ایران بتواند میان توسعه‌ی عادلانه‌ی مناطق، مشارکت واقعی شهروندان در اداره‌ی کشور و حفظ وحدت و تمامیت سرزمینی تعادل برقرار کند، همین تنوع قومی، فرهنگی و زبانی می‌تواند به جای آنکه منبع تنش باشد، به یکی از سرمایه‌های پایدار اجتماعی و فرهنگی ایران تبدیل شود.

*دیوید اعتباری نویسنده‌ی کتاب «فراتر از ایدئولوژی: نقشه راه فن‌سالارانه به سوی ایرانی آزاد»، از بنیان‌گذاران سازمان Stop Child Executions و از نظریه‌پردازان گذار ساختارمند، دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.

سازوکارهای مالی میان مناطق توزیع می‌گردد تا شکاف‌های اقتصادی کاهش یابد. در عین حال برخی مناطق - بویژه باسک و ناوارا - اختیار گسترده‌تری در جمع‌آوری و مدیریت مالیات‌های خود دارند و سهمی از درآمدها را به دولت مرکزی پرداخت می‌کنند. این ترکیب از همبستگی مالی- ملی و مدیریت منطقه‌ای منابع به مناطق مختلف امکان داده است برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی متناسب با شرایط محلی خود طراحی کنند. البته تجربه‌ی اسپانیا نشان می‌دهد که تمرکززدایی به‌تنهایی همه‌ی تنش‌ها را از میان نمی‌برد. بحران استقلال طلبی در کاتالونیا در سال‌های اخیر نشان داد که حتی در ساختارهای دموکراتیک نیز ممکن است جریان‌هایی با مطالبات حداکثری وجود داشته باشند. با این حال ساختار سیاسی کشور نه بر اساس خواست یک جریان خاص، بلکه بر پایه‌ی قانون اساسی و اجماع ملی شکل می‌گیرد.

در هند نیز تجربه‌ی مهم به عمل در آمد. هند یکی از متنوع‌ترین کشورهای جهان از نظر زبان، فرهنگ و مذهب است. پس از استقلال در سال ۱۹۴۷، تنش‌های زبانی جدی در کشور شکل گرفت. دولت در ابتدا از تقسیم کشور بر اساس زبان‌ها هراس داشت، اما در دهه‌ی ۱۹۵۰ ایالت‌ها عمدتاً بر اساس زبان‌های اصلی سازمان‌دهی شدند. نتیجه‌ی این تصمیم کاهش بسیاری از تنش‌های سیاسی بود، زیرا مردم احساس کردند هویت زبانی آنان در ساختار سیاسی کشور به رسمیت شناخته شده است.

در مقابل، تجربه‌ی برخی کشورها نشان می‌دهد که سیاست‌های یکسان‌سازی فرهنگی می‌تواند نتیجه‌ی معکوس داشته باشد. در ترکیه، تلاش برای محدود کردن هویت‌های قومی- بویژه در مورد کردها - به دهه‌ها تنش و درگیری انجامیده است. در چین نیز تمرکز شدید قدرت در پکن و محدودیت‌های فرهنگی در مناطقی مانند تبت و سین‌کیانگ باعث شکل‌گیری شکاف‌های عمیق میان دولت مرکزی و جوامع محلی شده است. درس مشترک این نوع تجربه‌ها روشن است: نادیده گرفتن تنوع فرهنگی یا تمرکز افراطی قدرت معمولاً به افزایش تنش‌ها می‌انجامد، در حالی که مشارکت واقعی و توسعه‌ی متوازن می‌تواند به تقویت وحدت ملی کمک کند.

در عین حال باید به واقعیتی نیز توجه داشت. در برخی مناطق ایران احزاب یا فعالان سیاسی وجود دارند که به چیزی کمتر از فدرالیسم یا خودمختاری رضایت نمی‌دهند و حتی در مواردی جریان‌هایی دیده می‌شوند که بطور صریح از تجزیه یا استقلال سخن می‌گویند. اما وجود چنین دیدگاه‌هایی در جوامع متنوع پدیده‌ای غیرمعمول نیست. در بسیاری از دموکراسی‌ها نیز جریان‌هایی با مطالبات حداکثری حضور دارند. برای مثال در اسپانیا برخی احزاب در کاتالونیا از استقلال حمایت می‌کنند و در کانادا نیز دهه‌ها احزاب جدایی‌طلب در استان کبک فعالیت داشته‌اند. با این حال، در نظام‌های دموکراتیک ساختار سیاسی کشورها نه بر اساس خواست یک جریان خاص، بلکه بر پایه‌ی قانون اساسی و اجماع ملی شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر تجربه‌ی جهانی نشان می‌دهد که برخوردی صرفاً امنیتی یا استفاده‌ی گسترده از برچسب‌هایی مانند «تجزیه‌طلب» برای مطالبات منطقه‌ای لزوماً به حل مسئله کمک نمی‌کند. چنین رویکردی گاه می‌تواند زمینه‌ی گفتگو را از میان برد و فاصله‌ی میان مرکز و مناطق را افزایش دهد. در مقابل، گشودن فضای گفتگو، به رسمیت شناختن نگرانی‌های منطقه‌ای و فراهم کردن امکان مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری‌های ملی معمولاً راه مؤثرتری برای کاهش

ایران در آستانه‌ی تغییر؛ سرنوشت یک گره ژئوپلیتیک در خاورمیانه



امیر ده‌ها - اگر روزی در آینده نزدیک نظم ژئوپلیتیک خاورمیانه بازنویسی شود، احتمالاً مورخان خواهند نوشت که نقطه‌ی آغاز آن نه در واشنگتن بود و نه در مسکو یا پکن، بلکه در تهران رقم خورد.

ایران کشوری است که بر فراز یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان نشسته، در تقاطع چند حوزه‌ی بزرگ ژئوپلیتیک قرار گرفته، و جامعه‌ای با هویت ملی عمیق و ظرفیت بسیج اجتماعی گسترده در خود جای داده است. با این حال، بخش بزرگی از تحلیل‌هایی که درباره‌ی آینده این کشور نوشته می‌شود، یک متغیر کلیدی را نادیده می‌گیرد: واقعیت جامعه‌ی ایران.

در حالی که برخی تحلیلگران خارجی آینده‌ی ایران را با سناریوهایی از هرج و مرج، جنگ داخلی یا موج عظیم پناهندگان تصور می‌کنند، شواهد اجتماعی این کشور تصویری متفاوت ارائه می‌دهد. ایران نه یک دولت شکننده، بلکه یک جامعه‌ی تاریخی با ظرفیت بالای مدنی است؛ جامعه‌ای که در صورت ورود به مرحله‌ی گذار سیاسی می‌تواند نه فقط سرنوشت خود، بلکه معادلات ژئوپلیتیک کل منطقه را تغییر دهد.

ایران؛ گره ژئوپلیتیک خاورمیانه

ایران تنها یک کشور مهم در خاورمیانه نیست؛ یک گره ژئوپلیتیک است. موقعیت و گستره‌ی جغرافیایی این کشور در تقاطع خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز و شبه‌قاره هند قرار دارد و بر ساحل شمالی یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان نشسته است: تنگه‌ی هرمز.

بخش بزرگی از صادرات انرژی جهان از این گذرگاه عبور می‌کند. بنابراین هر تحول سیاسی در ایران می‌تواند نه تنها توازن قدرت در خاورمیانه، بلکه امنیت انرژی جهانی و حتی رقابت میان قدرت‌های بزرگ را تحت تأثیر قرار دهد.

به همین دلیل است که آینده‌ی ایران تنها یک مسئله‌ی داخلی نیست؛ بلکه یکی از متغیرهای تعیین‌کننده در معادلات ژئوپلیتیک منطقه و جهان محسوب می‌شود.

خطای رایج در تحلیل‌های خارجی

بخش بزرگی از تحلیل‌های غربی درباره‌ی آینده‌ی ایران بر یک نگرانی مشترک بنا شده است: اگر جمهوری اسلامی سقوط کند، ایران ممکن است وارد مرحله‌ای از بی‌ثباتی یا حتی جنگ داخلی شود. این تصور تا حد زیادی از تجربه کشورهای مانند عراق، لیبی و سوریه الهام گرفته شده است؛ کشورهایی که پس از فروپاشی دولت مرکزی با خلأ قدرت و درگیری‌های داخلی مواجه شدند.

اما چنین قیاسی یک نقص جدی دارد: نادیده گرفتن تفاوت‌های بنیادین جامعه‌ی ایران با بسیاری از کشورهای بحران‌زده‌ی منطقه.

ظرفیت بسیج ملی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های گذار سیاسی در علوم سیاسی، توانایی جامعه برای بسیج گسترده در سطح ملی است.

در سال‌های اخیر، اعتراضات سراسری در ایران نشان داده‌است که ناراضی‌های سیاسی محدود به یک منطقه، قومیت یا طبقه‌ی اجتماعی خاص نیست. فراخوان‌هایی که از سوی شاهزاده رضا پهلوی برای اعتراضات سراسری صادر شد، توانست جمعیت گسترده‌ای را در صدها شهر ایران و نیز شهرهای مختلف جهان از سیدنی، تا مونیخ و لندن و تورنتو و لس آنجلس به میدان بیاورد.

این ویژگی اهمیت زیادی دارد. در بسیاری از کشورهایی

تغییر نظام سیاسی ممکن است بیشتر شبیه کشورهایمانند اسپانیا پس از فرانکو یا کره جنوبی در دهه‌ی ۱۹۸۰ باشد تا کشورهایی که پس از سقوط حکومت وارد چرخه‌ی طولانی جنگ داخلی شدند.

چرا سناریوی هرج و مرجع اغراق‌آمیز است

سناریوی جنگ داخلی در ایران با چند مانع ساختاری مهم روبه‌روست:

- نبود شکاف قومی جدی و عمیق در سطح ملی
- وجود هویت ملی قدرتمند
- جامعه‌ی شهری بزرگ
- سطح بالای سواد و آگاهی سیاسی

این عوامل احتمال تبدیل بحران سیاسی به جنگ داخلی گسترده را بطور قابل توجهی کاهش می‌دهد.

نتیجه: تغییری که فقط برای ایران نیست

کشوری با چنین ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی نمی‌تواند برای مدت طولانی تحت حکومتی باقی بماند که سیاست خارجی آن بر تقابل دائمی با جهان، ماجراجویی منطقه‌ای و اقتصاد بحران‌محور استوار باشد. به همین دلیل مسئله‌ی آینده‌ی ایران تنها مسئله‌ی ایرانیان نیست. گذار سیاسی در ایران - هرچند ممکن است هزینه‌هایی داشته باشد - می‌تواند به سود کل منطقه و حتی اقتصاد جهانی تمام شود.

ایران باثبات، توسعه‌گرا و متصل به اقتصاد جهانی می‌تواند به جای منبع بحران، به یکی از ستون‌های ثبات در خاورمیانه تبدیل شود؛ کشوری که امنیت انرژی را تقویت می‌کند، مسیرهای تجاری را گسترش می‌دهد و توازن ژئوپلیتیک منطقه را به سمت همکاری سوق می‌دهد.

ایران تنها یک کشور دیگر در خاورمیانه نیست. این سرزمین یکی از گره‌های اصلی ژئوپلیتیک جهان است. اگر این گره روزی از چرخه‌ی تقابل و بحران رها شود، نه فقط آینده‌ی ایران، بلکه آینده‌ی نظم خاورمیانه نیز دگرگون خواهد شد.

به همین دلیل، سرنوشت ایران دیگر فقط مسئله‌ی ایرانیان نیست؛ این یکی از مهم‌ترین پرسش‌های ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم است.

که به جنگ داخلی کشیده شدند، اعتراضات به‌سرعیت به شکاف‌های قومی یا مذهبی تبدیل شد. در ایران اما اعتراضات غالباً ماهیتی ملی داشته است.

نقش دیاسپورا ایرانی

عامل مهم دیگری که در بسیاری از تحلیل‌ها نادیده گرفته می‌شود، دیاسپورای بزرگ ایرانیان در خارج از کشور است. میلیون‌ها ایرانی در اروپا، آمریکای شمالی و سایر نقاط جهان زندگی می‌کنند و بسیاری از آنان در حوزه‌های علمی، اقتصادی و فناوری جایگاه قابل توجهی دارند.

این جامعه مهاجر می‌تواند در صورت گذار سیاسی در:

- انتقال تجربه‌ی مدیریتی
- بازسازی اقتصادی
- تقویت نهادهای مدنی، نقشی مهم و حیاتی ایفا کند.
- در بسیاری از گذارهای موفق سیاسی، چنین شبکه‌ای از مهاجران یکی از عوامل کلیدی ثبات پس از تغییر نظام بوده است.

تاب‌آوری اجتماعی

برای سال‌ها در تحلیل‌های غربی این فرض تکرار می‌شد که اگر جنگی در ایران رخ دهد، جهان شاهد موجی از میلیون‌ها پناهنده‌ی ایرانی خواهد بود؛ اما تجربه‌های اخیر نشان داده‌است این سناریو لزوماً واقع‌بینانه نیست. حتی در شرایط حملات نظامی و بحران امنیتی، جامعه‌ی ایران نشانه‌هایی از تاب‌آوری اجتماعی قابل توجه نشان داده است.

این رفتار را می‌توان با چند عامل توضیح داد:

- هویت ملی قوی
- عزم عمومی برای گذار از حکومت کنونی
- امید جامعه به تغییرات سیاسی برای آینده‌ای بهتر و شکوفاتر

مدنیت تاریخی جامعه ایران

ایران یکی از معدود کشورهای خاورمیانه است که دارای تاریخ طولانی دولت‌داری، هویت ملی نسبتاً یکپارچه، جامعه‌ی شهری گسترده و سطح بالای تحصیلات است.

در ادبیات علوم سیاسی، چنین ویژگی‌هایی معمولاً با ثبات پس از گذار سیاسی ارتباط دارند. به همین دلیل برخی تحلیلگران معتقدند ایران در صورت

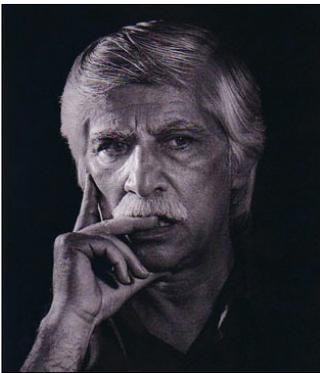
کامبیز آتابای



(۱۳۱۷-۱۴۰۴)

«رئیس تشریفات وزارت دربار»
رئیس تشریفات وزارت دربار و یکی از برجسته‌ترین مدیران دوران پهلوی بود. او دهمین رئیس فدراسیون فوتبال ایران و ششمین رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا بود. پس از انقلاب ۱۳۵۷ به سمت رئیس دفتر شهبانو فرح پهلوی منصوب شد.

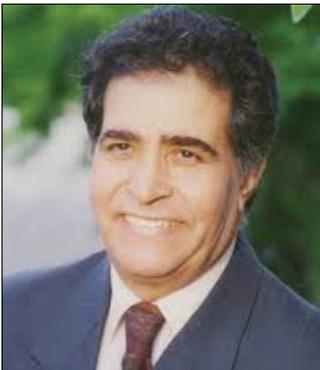
بهرام بیضایی



(۱۳۱۷-۱۴۰۴)

«نویسنده و کارگردان فیلم و نمایش»
از کارهای دیگرش می‌شود تدوین و تهیه فیلم، شاعری، مقاله‌نویسی، ترجمه چند نمایشنامه، پژوهش تاریخی و ادبی و استادی در دانشگاه را برشمرد. بیضایی از فیلم‌سازان صاحب سبک به‌شمار می‌رود.

هوشمند عقیلی



(۱۳۱۶-۱۴۰۴)

«خواننده و آهنگساز»
هوشمند عقیلی خواننده و آهنگساز موسیقی سنتی ایرانی و کلاسیک ایرانی بود که در سال ۱۳۳۴ فعالیت خود را آغاز کرد. نام هوشمند عقیلی با انتشار آلبوم فردا تو می‌آبی در سال ۱۳۵۳ بر سر زبان‌ها افتاد.

عترت گودرزی الهی



(۱۳۲۹-۱۴۰۴)

«روزنامه‌نگار و همکار قدیمی کیهان لندن»
وی در کنار حرفه روزنامه‌نگاری، آموزگاری دلسوز، نویسنده‌ای توانمند بود، همراه با همسرش، زنده‌یاد دکتر صدرالدین الهی، با مؤسسه مطبوعاتی کیهان و بعدها با کیهان لندن همکاری نزدیک داشت.

به یادماندگان

در سال ۱۴۰۴ نیز افزون بر جوانان غیور و فدایی میهن که در خیابان‌ها در راه انقلاب شیر و خورشید جاویدنام شدند، شماری از شخصیت‌های پیشین کشوری و لشکری، فعالان بخش صنعت و تجارت، استادان ایرانی دانشگاه‌های داخل و خارج کشور و چهره‌های سرشناس عرصه هنر، ادبیات، سینما و تئاتر در ایران و دیگر نقاط جهان روی در نقاب خاک کشیدند. اگرچه ذکر نام همه آنان مقدور نیست، کیهان لندن به رسم دیرین یاد این انسان‌های سختکوش، فرهیخته و وطن‌پرست را گرامی می‌دارد و به بستگان و دوستان آنان تسلیت می‌گوید.

اکرم بنایی (اکی بنایی)



(۱۳۳۰-۱۴۰۴)

«بازیگر تئاتر، سینما و خواننده»
اکرم بنایی که با نام اکی بنایی شناخته می‌شد، بازیگر تئاتر، سینما و خواننده ایرانی بود. وی آهنگ‌های محلی بسیاری را اجرا کرد که از میان آن‌ها می‌توان به آلبوم «گل پامچال» اشاره کرد.

ژاکلین دردیان (ژاکلین)



(۱۳۳۱-۱۴۰۴)

«آهنگساز، ترانه‌سرا و خواننده»
او از معدود هنرمندان موسیقی پاپ ایران بود که همزمان آهنگ و ترانه برای شمار زیادی از خوانندگان دیگر ساخت. او فرزند ویگن، خواننده ایرانی و خواهر (دوقلوی) آیلین، بازیگر ایرانی بود.

کامران فانی



(۱۳۲۳-۱۴۰۴)

«نویسنده، مترجم»
وی نویسنده، مترجم، کتابدار و نسخه‌پژوه ایرانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو هیئت علمی دانشنامه تشیع بود. او از سال ۱۳۵۹ در کتابخانه ملی ایران کار می‌کرد و عضو هیئت علمی و مشاور ریاست این کتابخانه بود.

هوشنگ انصاری



(۱۳۰۶-۱۴۰۴)
«سیاست‌مدار، دیپلمات، سرمایه‌دار، نیکوکار و مدیر»
وی از ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ سفیر ایران در آمریکا بود و از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ ابتدا وزارت اقتصاد و سپس وزارت امور اقتصاد و دارایی را برعهده داشت. آخرین سمت وی در ایران، مدیرعاملی شرکت ملی نفت ایران بود.

ثمینه باغچه‌بان



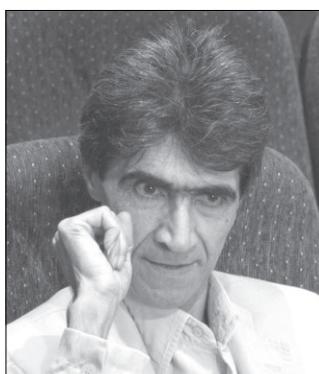
(۱۳۰۶-۱۴۰۴)
«نویسنده کودک و نوجوان»
ثمینه باغچه‌بان نویسنده کودک و نوجوان اهل ایران بود. دو کتاب از او با عنوان پل چوبی و نوروزها و بادبادک‌ها از کتاب‌های برگزیده شورای کتاب کودک است.

امامعلی حبیبی



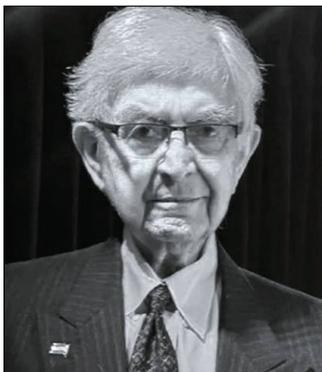
(۱۳۱۰-۱۴۰۴)
«کشتی‌گیر آزادکار»
وی نخستین نشان طلای بازی‌های المپیک ایران را کسب کرد و دارنده نشان طلای بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۵۶، سه عنوان قهرمانی در رقابت‌های قهرمانی جهان، نشان طلای بازی‌های آسیایی ۱۹۵۸ و همچنین پنج عنوان قهرمانی ایران بود.

ناصر تقوایی



(۱۳۵۶-۱۴۰۴)
«فیلم‌ساز، عکاس و نویسنده»
تقوایی یکی از پیشگامان جنبشی در سینمای ایران به‌شمار می‌رود که برخی مورخان بعدتر آن را موج نوی سینمای ایران نامیدند. او فیلم‌سازی مؤلف توصیف شده است.

منصور امیر اردلان



(۱۳۰۶-۱۴۰۴)
«خلبان»
تیمسار خلبان منصور امیر اردلان فرمانده پیشین ترابری نیروی هوایی شاهنشاهی بود. وی بیش از ۱۰۰۰ هزار ساعت پرواز با هرکولس (C-130) و ۲۵۰۰ ساعت پرواز با هواپیما داکوتا داشت.

سکینه رجالی (سیمین رجالی)



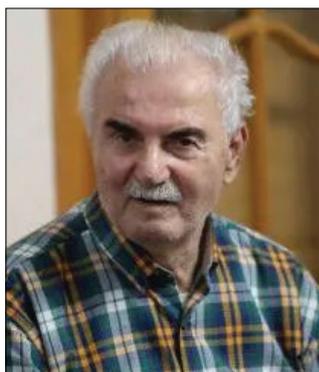
(۱۳۱۳-۱۴۰۴)
«روان‌شناس»
او نخستین استاد زن دانشگاه ملی ایران بوده است. او در دوران شاهنشاهی پهلوی مدتی به‌عنوان دبیرکل سازمان زنان ایران منصوب شد و مدرسه عالی شمیران را تأسیس کرد. او پس از انقلاب ۱۳۵۷ به علت خدماتش به عضویت بنیاد ملی علوم آمریکا درآمد.

عبدالمجید ارفعی



(۱۳۱۸-۱۴۰۴)
«پژوهشگر و متخصص زبان‌های باستانی»
وی ایلام‌شناس، و از آخرین بازماندگان مترجم خط میخی ایلامی در جهان و از مهم‌ترین کتیبه‌خوانان ایرانی بود. او نخستین مترجم استوانه کوروش بزرگ از زبان اصلی (بابلی نو) به فارسی است.

بهن صالح‌نیا



(۱۳۱۷-۱۴۰۴)
«بازیکن و مربی فوتبال»
صالح‌نیا ملقب به صیاد جام حذفی بنیان‌گذار باشگاه فوتبال ملوان بندر انزلی سالها سرمربی این تیم بود و موفق به کسب ۱۴ جام رسمی (استانی، کشوری) در تاریخ فوتبال ملوان شد. وی را پدر فوتبال ملوان می‌نامند.



دلی میل: بازداشت شبکه‌ی جاسوسی وابسته به رژیم جمهوری اسلامی در بریتانیا



حمایت تعدادی از زندانیان و فعالان سیاسی دهه ۶۰ از شاهزاده رضا پهلوی



دگرگیری هواداران جمهوری اسلامی و پادشاهی خواهان



دادستانی جمهوری اسلامی ایرانیان خارج از کشور که با «دشمن» همصدایی کنند را به مصادره اموال و اعدام تهدید کرد



نامه «پژشکان میهن پرست ایران» به دونالد ترامپ برای حمایت از رهبری شاهزاده رضا پهلوی برای گذار دموکراتیک



اکسسوس: گفتگوی آمریکا و اسرائیل درباره اعزام نیروهای ویژه به ایران با هدف کنترل ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی



ارتش اسرائیل: در فرودگاه مهرآباد هواپیماهای لجستیک سپاه و جنگنده‌های ارتش هدف قرار گرفتند



وزیر اقتصاد: بازار بورس تا اطلاع بعدی تعطیل است



شرایط ویژه جنگی؛ افزایش ۶۵۰ درصدی نرخ جهانی حمل گاز مایع



افزایش ۶۵۰ درصدی نرخ جهانی حمل گاز مایع



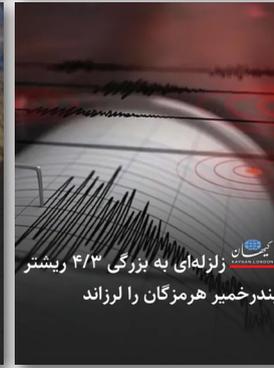
انفجار قیمت نفت در هفتمین روز جنگ؛ پیش‌بینی قیمت ۱۵۰ دلاری برای هر بشکه



دانشگاه‌های ایران به‌طور کامل تعطیل شد؛ لغو کلاس‌های آنلاین دانشگاه‌ها تا اطلاع بعدی!



گردهمایی بزرگ «با ایرانی‌ها برای ایران آزاد» در رم؛ حمایت احزاب ایتالیا از انقلاب مردم ایران



زلزله‌ای به بزرگی ۴/۳ ریشتر بندرخمیر هرمزگان را لرزاند



اینترنت در ایران گذشت ۱۶۸ ساعت از قطع سرساری



دیدار سفیر اسرائیل در آلمان با شماری از فعالان سیاسی ایرانی



دربه‌درب پرنسپل کلانتری ۱۰۴ عباس‌آباد



اعلام پناهندگی پنج عضو تیم ملی فوتبال زنان ایران در استرالیا



هدفگیری ساختمان شرکت «سحاب پرداز» از مراکز اصلی قطع اینترنت



افشاگری تلگراف: اقامت یک‌میلیون پوندی مجتبی‌خامنه‌ای و همسرش در لندن برای درمان نابابوری با همراهی سعید امامی



در حملات بهیچ‌ها در تهران دستکم ۱۰ سروکوبگر کشته شدند



ممنوعیت راهپیمایی «روز قدس» در لندن؛ دولت بریتانیا از خطر آشوب و درگیری خبر داد



قیمت نفت دوباره افزایش یافت؛ نمایان شدن آثار اقتصادی جنگ در خاورمیانه



برگزاری مراسم تشییع جنازه فرماندهان کشته شده در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل



ایران در یک نقطه عطف تاریخی؛ آینده خاورمیانه در سایه تحولات تهران



هشدار ترامپ به جمهوری اسلامی:
تنگه هرمز را ببندید، ۲۰ برابر سخت‌تر
مورد حمله قرار می‌گیرید



ایران نگرانی شاهزاده رضا پهلوی
درباره امنیت اعضای تیم ملی فوتبال زنان
ایران در صورت بازگشت به ایران



هشدار سننگام به مردم ایران:
در خانه بمانید



واشنگتن بیست:
گمانه‌زنی‌ها درباره اعزام نیروهای لشکر
«۸۲ هواپد» آمریکا به خاورمیانه



دونالد ترامپ: در سطحی بی‌سابقه
و با سرعت در حال پیروزی هستیم



دسترسی به اینترنت جهانی در روزهای جنگ!
اگر «خودی» نیستی باید پولدار باشی!



دونالد ترامپ مسیر افزایش
پرسرعت قیمت نفت را معکوس کرد



پوتین، معرفی مجتبی خامنه‌ای
به عنوان رهبر جمهوری اسلامی را
تبریک گفت



حذف هدفمند بگ هر تخت تعقیب در همدان؛
مأموریت محمد مهدی فرهادی شناسایی
مخالفان حکومت بود



دونالد ترامپ خطاب به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی:
یا اسلحه را زمین بگذارید یا مرگ برای
شما تضمین شده است



دونالد ترامپ
خواستار «تسلیم بی‌قید و شرط»
جمهوری اسلامی شد



«اختفاء حقیرانه»
استقرار سرکوبگران در مدارس و
اماکن ورزشی از ترس بمباران



وزارت دفاع ترکیه:
موشک بالستیک شلیک شده از سوی
جمهوری اسلامی توسط پدافند ناتو
منهدم شد



اعلام رسمی «رهبری» مجتبی خامنه‌ای:
ترامپ: زیاد دوام نمی‌آورد



دیلی میل:
افشای املاک ۵۰ میلیون پوندی پسر
علی خامنه‌ای مشرف به سفارت اسرائیل
در لندن



تهران: پلیس راهنمایی و رانندگی
تقاطع رسالت و باقری هدف قرار گرفت



استرالیا به شش بازیکن تیم
فوتبال زنان ایران پناهندگی داد



مجتبی خامنه‌ای،
«آقازاده» ای که جانشین پدر شد



گاردین: شبه نظامیان نیابتی
جمهوری اسلامی، حملات علیه آمریکا،
اسرائیل و متحدانشان را تشدید کرده‌اند



وزارت اطلاعات شهروندان را
«ستون پنجم دشمن» خواند و تهدید کرد



هشدار سازمان جهانی بهداشت
درباره بارش «باران سیاه» در ایران



افزایش ۵۵ درصدی قیمت
گازوئیل طی ۱۰ روز



علی اصغر حجازی، یکی از بانفوذترین
چهره‌های «بیت» کشته شد



روزنامه «گاردین»:
گروه‌های نیابتی از ورود به جنگ تمام‌عیار
با آمریکا و اسرائیل خودداری می‌کنند



اقتصاد ایران در شرایط جنگ؛
صنایع ایران در معرض تهدید جدی



عکس هفته | ایمان به بهار

نوروز امسال در شرایط جنگی و با صدای جنگنده و انفجار و پدافند فرا می‌رسد. شهروندی با انتشار این عکس در شبکه‌های اجتماعی نوشته: «خیلی سخته چیزی را جشن گرفتن در این لحظه؛ خیلی سخته زندگی کردن؛ خیلی سخته فکر کردن به بهار؛ اما جوانه می‌زند... پر از عشقم برای آدم‌ها؛ برای این خاک و آب و یادها؛ پر از عشق، پر از خشم، و ایمان کوچکم به جوانه‌های مقدر بهار.»